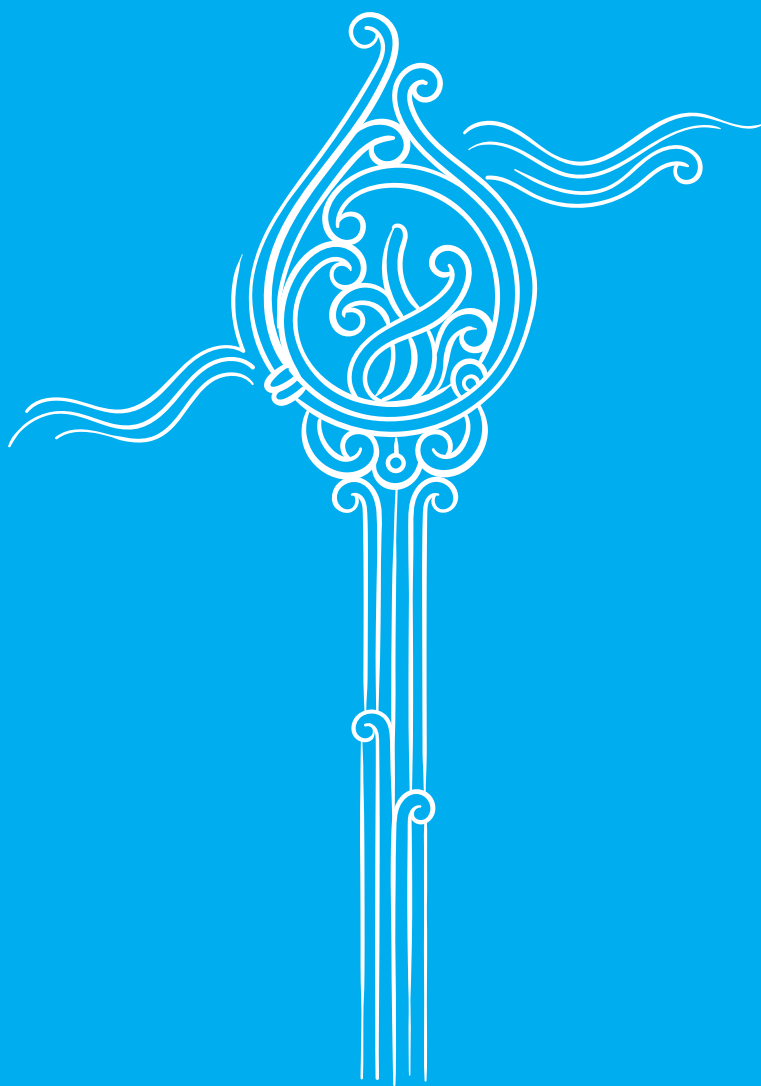


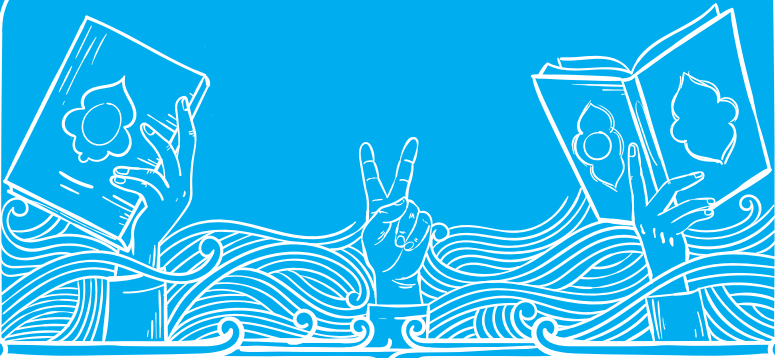




زندگی بائے کمرہا

ستارہ کا زمانہ

سے طرح درس برائے مہربان جلیات قہ آن کریم



ستاره‌ها زمین

سه طرح درس برای مربیان جلسات قرآن کریم

نویسنده: محسن قربانیان

ویراستار: سحر جمشیدی رستمی

طراح جلد: سید محمد موسوی

صفحه‌آرا: علی عبادی فرد

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه پرداز اندیشه

سال چاپ: ۱۴۰۴

تیراژ: ۱۰,۰۰۰ جلد | قیمت: ۲۹۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۲۳-۴

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)

۰۹۱۲۸۰۸۸۱۲۴ _ ۰۲۱۶۶۹۵۶۰۹۵



basaershop.ir



۲۰

درس اول: شاه کلید گشایش

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾

۳۲

درس دوم: نیایش فاتحان

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

۴۲

درس سوم: جنگ شناختی شیطان

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ
وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾

۵۴

درس چهارم: ما خدا را داریم

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

درس پنجم: سرچشمه عزت ۶۴

﴿أَيُّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

درس ششم: از سرزنش‌ها نترس ۷۴

﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

درس هفتم: تفرقه بینداز و حکومت کن ۸۶

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾

درس هشتم: دشمن پنهان استقلال ۹۶

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

درس نهم: دست، دست خداست ۱۰۶

﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾

درس دهم: باید قوی باشیم ۱۱۶

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾

درس یازدهم: معامله جاودانه ۱۲۸

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾

درس دوازدهم: کار خوب، پاک‌کن خداست ۱۴۰

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

درس سیزدهم: نسخه آرامش

۱۵۲

﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمِينَ الْقُلُوبِ﴾

درس چهاردهم: صبر از خدا بخواه

۱۶۲

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾

درس پانزدهم: قانون بازگشت عمل

۱۷۲

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾

درس شانزدهم: نترس، تو پیروزی

۱۸۲

﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾

درس هفدهم: آینده روشن است

۱۹۴

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

درس هجدهم: بخشش، رمز پیروزی است

۲۰۶

﴿وَلْيَعْبُدُوا وَيُصَفِّحُوا أَلَا نُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾

درس نوزدهم: به دشمن بگو: نه!

۲۱۶

﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾

درس بیستم: برای امتحان آماده باش

۲۲۸

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

درس بیست و یکم: پاداش مجاهدت

۲۳۸

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

درس بیست و دوم: دشمنی را بشناس

۲۵۰

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾

درس بیست و سوم: ما پیروزیم

۲۶۲

﴿وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

درس بیست و چهارم: پاداش استقامت

۲۷۴

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾

درس بیست و پنجم: الگوی وحدت اسلامی

۲۸۶

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾

درس بیست و ششم: صلح یا سازش؟!

۲۹۸

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾

درس بیست و هفتم: تعادل در جاده زندگی

۳۱۰

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾

درس بیست و هشتم: راه نجات

۳۲۰

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

درس بیست و نهم: قرآن بخوان

۳۳۲

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

درس سیام: قانون طلایی امید

۳۴۲

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾



سخن آغازین

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ
وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾^۱

در عصر حاضر، زمینه‌سازی برای تحقق تمدن بزرگ اسلامی و مقابله با چالش‌های پیچیده جهانی، نیازمند حرکتی عمومی و شکل‌گیری جبهه‌ای فراگیر با محوریت قرآن کریم است. این کتاب آسمانی، یگانه قانون زندگی‌ساز و چراغ راهی است که می‌تواند در پرتو فهم جمعی و عمل همگانی، جامعه را از فردگرایی به سوی مسئولیت‌پذیری جمعی و از آشفتگی به سمت نظام ارزشی مستحکم رهنمون سازد.

تحقق این آرمان بزرگ، بدون ایجاد پیوندی زنده، مستمر و روزآمد با قرآن در متن زندگی مردم میسر نخواهد بود. از این رو، خانه‌ها و محافل صمیمی مردمی باید به کانون‌های اصلی انس با کلام وحی تبدیل شوند. جلسات خانگی قرآن، فضایی مناسب برای پرورش ایمان، تعمیق معرفت و تقویت همبستگی اجتماعی بر محور معارف الهی فراهم می‌آورند و زمینه استواری فرهنگ قرآنی را در نهاد خانواده و جامعه ایجاد می‌کنند. کتاب حاضر، به عنوان درسنامه تفسیری ویژه جلسات و محافل قرآنی،

با هدف پاسخ‌گویی به این نیاز ضروری و همگام با نهضت ملی «زندگی با آیه‌ها» طراحی و تألیف شده است. این اثر می‌کوشد با زبانی گویا و ساختاری نظام‌مند، در قالب دست‌نامه ویژه مربیان، فهم آیات قرآن را برای شرکت‌کنندگان در حلقه‌های قرآنی تسهیل کند و زمینه گفت‌وگو، تدبر و عمل به آیات الهی را در فضای جمعی فراهم آورد.

امید است این تلاش، گامی هرچند کوچک در مسیر تحقق آرمان‌های قرآنی جامعه باشد و همگان با بهره‌گیری از این کتاب نورانی، زندگی فردی و اجتماعی خویش را در پرتو هدایت قرآن دگرگون سازند.

در سایه سار قرآن

سیدمصطفی حسینی

۲۰ جمادی‌الثانی، ۱۴۴۷

پیشگفتار

آیا تابه حال طعم «زندگی با یک آیه» را چشیده‌اید؟ آن لحظه‌ای که در کورانِ یک سختی، آیه‌ای ناگهان در قلبتان می‌نشیند و تمام اضطراب‌ها را می‌شوید؛ یا در میانهٔ یک دوراهیِ سرنوشت‌ساز، کلامی از قرآن همچون چراغی پُر نور، مسیر پیشِ رو را روشن می‌کند؛ آیه‌ای که دیگر فقط متنی بر روی کاغذ نیست، بلکه به دوستی صمیمی، مشاوره‌ی حکیم و پناهگاهی امن تبدیل می‌شود. این تجربه، همان اکسیر حیات‌بخشی است که روح انسان را در هیاهوی دنیای امروز زنده نگه می‌دارد.

«نهضتِ زندگی با آیه‌ها» برآمده از همین باور است؛ باوری که تأکید می‌کند قرآن، کتابِ زندگی در متنِ میدان است، نه صرفاً کتابی برای نهادن در گوشه‌ای از طاقچه. اکنون، برای سومین سال پیاپی، این نهضت، سی آیهٔ منتخب را به عنوان سی شاه‌کلید برای گشودن قفل‌های ذهنی و رفتاری جامعهٔ امروز، محور حرکت خود قرار داده است و کتابی که پیشِ روی شماست، عصاره‌ای از این حرکت و تلاشی هدفمند برای تجهیز مخاطبان در کارزار بزرگ امروز به شمار می‌آید.

این کتاب به شما کمک می‌کند تا ابتدا جان خویش را از زلال و حی سیراب کنید و سپس، به عنوان سفیر این آیه‌ها، پیام آن‌ها را در مجالس و محافل صمیمی به گوش جان دیگران نیز برسانید. این اثر، جعبه‌ای از

مهمات فکری و معنوی است تا مخاطب بتواند در این «جهاد تبیین»، با دلی استوار و بیانی رسا وارد میدان شود.

اما نقشه راه این کتاب چیست؟ محتوای این مجموعه، بر اساس دو گفتمان کلان و به هم پیوسته طراحی شده است:

نخست، بازتعریف «قرآن؛ کتاب زندگی». این گفتمان یادآوری می‌کند که «رجوع مستمر به قرآن، تنها راه نجات از سردرگمی‌ها و ظلمت‌های دنیای معاصر است».

دوم، تبیین «مقاومت به عنوان تنها مسیر پیشرفت». این گفتمان، یک اصل راهبردی را تثبیت می‌کند: عزت و استقلال، با تکیه بر دشمن و از مسیر تسلیم حاصل نمی‌شود، بلکه محصول ایستادگی آگاهانه است.

آیات منتخب این کتاب، اجزای تکمیل‌کننده این نقشه راه هستند و حول یک محور اساسی، یعنی «استقلال و تسلیم‌ناپذیری»، سامان یافته‌اند؛ این حقیقت که «عزت‌مندی و پیشرفت پایدار، با تکیه بر دشمن و تسلیم به دست نمی‌آید». استقلال حقیقی، بنایی استوار و باشکوه است که بر چهار ستون اصلی بنا شده است:

۱. معنویت و اتصال به قدرت بی‌نهایت الهی، خاستگاه تسلیم‌ناپذیری است.

۲. اتحاد مقدس، سلاح اصلی در برابر دشمن است و تفرقه، رمز پیروزی شیاطین بر جبهه حق به شمار می‌آید.

۳. استقامت، مسیر دستیابی به قله‌های موفقیت است.

۴. پیروزی قطعی جبهه حق، یک قانون و سنت تغییرناپذیر الهی است.

کتاب حاضر، مشتمل بر سی درس تفسیری با محوریت سی آیه، به ترتیب از سی جزء قرآن کریم است که برای جلسات و محافل قرآنی، به ویژه جلسات خانگی قرآن، تهیه و تدوین شده است. هر درس از بخش‌های زیر تشکیل می‌شود:

۱. سخنی با مربی: در این بخش، نظام محتوایی آیه و نکات راهبردی درس، به اختصار برای مربی تبیین می‌شود و پیشنهادهایی برای تدریس اثرگذارتر ارائه می‌گردد.

۲. اهداف آموزشی: مهم‌ترین اهداف آموزشی هر درس با رویکردهای شناختی، تحلیلی و رفتاری، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۳. آیه محوری درس: هر درس بر پایه یک آیه محوری تدوین شده است. پیشنهاد می‌شود مربیان محترم، قرآن‌آموزان را به حفظ و به‌خاطر سپاری این آیات کاربردی ترغیب کنند تا مبانی تفکر قرآنی با استناد به آیات، در ذهن آنان تثبیت شود.

۴. متن درس: هر درس با مقدمه‌ای برانگیزاننده آغاز می‌شود و ضمن معرفی آیه محوری، به تبیین مختصر و روان مضمون آن با توجه به نظام محتوایی آیات می‌پردازد. متن درس در ادامه، با دو بخش فرعی «لحظه‌ای درنگ» و «نکته‌ها»، تفسیر و تبیین آیه را تکمیل می‌کند:

۱.۴. لحظه‌ای درنگ: این بخش با طرح پرسش‌های تأملی «از خودت بپرس» در پی شخصی‌سازی پیام آیه برای مخاطب است. مربی می‌تواند با طرح این پرسش‌ها، زمینه تدبر انفسی در آیه را فراهم آورد.

۲.۴. نکته‌ها: در این بخش، نکات تکمیلی مرتبط با موضوع درس مطرح شده و به برخی شبهات پیرامون آیه پاسخ داده می‌شود.

۵. جمع‌بندی: در پایان هر درس، چکیده‌ای در حدود صد کلمه ارائه می‌شود تا مربی بتواند با مطالعه آن، خط محتوایی درس را به‌صورت سریع و اجمالی مرور کند.

۶. پرسش‌های درس: در انتهای هر درس، پرسش‌هایی برای ارزیابی میزان یادگیری قرآن‌آموزان طراحی شده است.

۷. پیام‌های کاربردی: محتوای اصلی هر درس در قالب جملات کوتاه،

روشن و کاربردی تدوین شده تا انتقال و به خاطر سپاری آن برای مخاطب آسان تر شود.

۸. زندگی با آیه: در این بخش، ابتدا غرض خداوند از آیه محوری درس در یک جمله کوتاه بیان می شود و سپس، چند پیشنهاد عملی و تمرین کاربردی مرتبط با آیه در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، با عنوان «حالا نوبت توست» ارائه می شود تا زمینه عمل به قرآن و تحقق سبک زندگی قرآنی فراهم شود.

امید است این اثر، در حد توان خویش، بتواند مسیر گسترش فرهنگ انس با قرآن کریم در جامعه را هموار سازد و موجبات خشنودی حق تعالی را فراهم آورد.

وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ

درس اول

قوّت پرهیزگار، صبر و نماز و دعاست

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾

سوره بقره، آیه ۴۵



از صبر و نماز یاری بجویید.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ
 هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٩﴾
 يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي
 أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا
 لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۚ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي
 ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا
 الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
 وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ * أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْإِ
 ِتْسَانِ وَأَنْتُمْ أَنْفُسُكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾
 وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
 ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾
 يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ
 عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا
 وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس اول با محوریت آیه «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» فقط توصیه‌ای اخلاقی نیست؛ بلکه راهبردی برای شکل‌گیری استقلال فردی و اجتماعی است. این آیه، دو کلید «صبر» و «نماز» را برای مواجهه با سختی‌ها و حفظ ارادهٔ مقاومت در برابر سلطه و تسلیم‌نشدن معرفی می‌کند.

این درس باید بتواند به این پرسش کلیدی پاسخ دهد که «چگونه می‌توانم از صبر و نماز برای غلبه بر مشکلات استفاده کنم؟». همچنین، قرآن‌آموز باید در بُعد خانوادگی، اجتماعی و حتی ملی، نقش صبر و نماز را در تقویت ارادهٔ جمعی و سربلندی بیرون‌آمدن از مشکلات به‌درستی درک کند.

برای اثربخشی هرچه بیشتر درس، از مثال‌های روزمرهٔ فردی، خانوادگی و اجتماعی استفاده کنید تا آیه ملموس و کاربردی شود. پرسش‌های تأملی درس را با عنوان «(یک لحظه درنگ)» به‌طور جدی در جلسه طرح کنید و فرصت دهید تا فراگیران، خود را در ارتباط با آیه بسنجند و با آن ارتباط شخصی پیدا کنند. البته همان‌گونه که می‌دانید، برای اینکه پیام درس باورپذیر شود، خود مربی باید تجربه‌ای ملموس از موضوع درس داشته باشد. بنابراین، تلاش کنید در فرصتی ویژه، مشاهدات و تجربیات خود را از آثار صبر و نماز در زندگی برای قرآن‌آموزان بازگو کنید.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم صبر و نماز را از منظر قرآن دریابد.
۲. نقش صبر و نماز را در مقاومت و استقلال فردی، خانوادگی و اجتماعی توضیح دهد.
۳. در موقعیت‌های واقعی زندگی بتواند از صبر و نماز برای مدیریت مشکلات استفاده کند.
۴. ارزش صبر و نماز را به‌عنوان ابزار معنوی برای استقلال شخصی و جمعی درک کند و به آن گرایش پیدا کند.



شاه کلید گشایش

زندگی پر از قفل‌های ریز و درشت است که گاه ما را از حرکت در مسیر رشد و پیروزی ناتوان می‌سازد؛ فشار مالی، بیماری، تنهایی، دشمنی بدخواهان یا حتی وسوسه‌های درونی. انسان چگونه می‌تواند در برابر این همه فشار بایستد، دوام بیاورد و خم به ابرو نیاورد؟

خداوند در آیه‌ای کوتاه، نسخه‌ای شگفت‌انگیز ارائه می‌دهد:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^۱

از صبر و نماز یاری بجوئید.

«صبر» به ما توان ایستادگی می‌دهد و «نماز» دروازه‌ی اتصال به رحمت بی‌پایان الهی را می‌گشاید. باور کنید همین دو کلید، برای بازکردن هزار قفل زندگی کافی است.

کلید اول: صبر

صبر در لغت یعنی بازداشتن و نگه‌داشتن^۲ و در فرهنگ قرآن، یعنی خویشتن‌داری و کنترل نفس در تلخی‌ها و تنگناها؛ یعنی نگذاری سختی‌ها یا وسوسه‌ها تو را زمین بزنند و از حرکت در مسیر حق بازدارند. با این نگاه، صبر تحمل منفعلانه نیست؛ مقاومت فعال است.

۱. سوره بقره، آیه ۴۵

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۴.

صبر یعنی پایداری در سه میدان:

۱. پایداری در انجام طاعت: وقتی خسته می‌شوی، اما همچنان به وظایف عمل می‌کنی و برای انجام فرمان خدا شکیبایی می‌ورزی. مثل دختری که با وجود برخی نگاه‌ها و فشارهای اجتماعی، حجابش را در محیط‌های مختلف حفظ می‌کند.

۲. پایداری در ترک معصیت: وقتی وسوسه‌ها زیادند، اما کسی که صبر دارد، جلو خودش را می‌گیرد. مثل راننده‌ای که چراغ قرمز را می‌بیند و با اینکه خیابان خلوت است، ترمز می‌کند یا جوانی که کسی او را نمی‌بیند، اما چشم از نگاه حرام می‌شود.

۳. پایداری در برابر مصیبت‌ها: گاهی اتفاقات تلخ و ناخواسته، مثل بیماری یا ازدست دادن عزیزان، ادامه زندگی را برای انسان دشوار می‌کند. صبر در اینجا یعنی فرونریختن، یعنی ادامه دادن مسیر زندگی با همه دشواری‌هایش.

کلید دوم: نماز

«نماز» یعنی اتصال دائم به سرچشمه قدرت و انرژی. همان‌طور که گوشی بدون شارژ خاموش می‌شود، انسان هم بدون نماز، تیره و خاموش است. نماز، قلب را آرام می‌کند و انسان را به یاد ارزش‌های اصلی زندگی می‌اندازد. کسی که پنج بار در روز وقتش را برای خدا می‌گذارد، یاد می‌گیرد که تسلیم هیچ قدرت پوشالی‌ای نشود.

بنابراین، نماز از منظر قرآن، تکیه‌گاهی محکم برای روزهای سخت است که می‌توان برای عبور از تلاطم‌های زندگی، از آن یاری جست. در تاریخ است که ابوعلی سینا رحمه‌الله (پزشک و فیلسوف حاذق ایرانی) هرگاه مسئله مشکلی برایش پیش می‌آمد، وضو می‌ساخت و به مسجد جامع شهر می‌رفت و نماز می‌گزارد و از خدا می‌خواست که مشکل را برای او آسان کند.^۱

۱. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، ص ۱۷۱.

نقل می‌کنند جوانی از مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی رحمته الله مشهور به «شیخ نخودکی» پرسید: «سه قفل در زندگی‌ام وجود دارد و سه کلید از شما می‌خواهم. قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم، قفل دوم اینکه دوست دارم کارم برکت داشته باشد و قفل سوم اینکه می‌خواهم عاقبت به خیر شوم».

شیخ نخودکی رحمته الله فرمود: «برای قفل اول، نمازت را اول وقت بخوان. برای قفل دوم، نمازت را اول وقت بخوان و برای قفل سوم هم نمازت را اول وقت بخوان».

جوان با تعجب پرسید: «سه قفل با یک کلید؟!». شیخ جواب داد: «نماز اول وقت شاه‌کلید است».

معجون شکست‌ناپذیری

ترکیب صبر و نماز، راهکار جامع قرآن برای دستیابی به عزت و استقلال فردی و اجتماعی است: صبر، ستون مقاومت در برابر سختی‌هاست و نماز، منبع انرژی برای ادامهٔ راه. این دو با هم باعث می‌شوند انسان و جامعه در برابر دشمن خم نشوند، در برابر فشارها عقب‌نشینی نکنند و استقلال خود را با عزت و استقامت حفظ کنند.

نمونهٔ بارز آن، مقاومت ملت ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس است. در جنگ تحمیلی، ملت ایران با صبر در برابر فشار و تهدید دشمن و تکیه بر نماز و معنویت، توانست استقلال سرزمینی خود را حفظ کند و عزت ملی را زنده نگه دارد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. وقتی مشکلی پیش می‌آید، اولین واکنش من چیست: ناامیدی یا صبر؟
۲. بیشتر در کدام میدان صبر کم می‌آورم: طاعت، معصیت یا مصیبت؟
۳. آخرین باری که نماز واقعاً به من آرامش داد، چه زمانی بود؟
۴. تا حالا شده وقتی مشکلی پیش بیاید، برای حل شدنش دو رکعت نماز بخوانم؟



۱. نقش صبر و نماز در آرامش انسان

زندگی همیشه هموار نیست. گاهی سختی‌ها مثل امواجی سر بلند می‌کنند و آرامش انسان را برهم می‌زنند. در چنین لحظه‌هایی، آیه **«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»** نسخه‌ای الهی برای بازگشت به آرامش است. همان‌گونه که یاد شد، صبر یعنی کنترل خویش در برابر هیجانات، ناامیدی‌ها و دردها. وقتی انسان در برابر ناملازمات، عجله و خشم را برای خدا کنار می‌گذارد و تصمیم می‌گیرد آرام بماند، ذهنش از آشفتگی رها می‌شود.

در کنار صبر، نماز چشمه‌ای از آرامش درونی است. وقتی به نماز می‌ایستیم، با هر بانگ **«اللَّهُ أَكْبَرُ»**، خود را با قدرتی بی‌پایان پیوند می‌زنیم و خداوند ما را از دایره نگرانی‌ها و اضطراب‌ها بیرون می‌کشد. یا وقتی در نماز با تمام دل می‌گوییم: **«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»**، ترس و نگرانی رنگ می‌بازد؛ چون می‌فهمی تنها نیستی. نماز، اضطراب را به توکل و ناآرامی را به اطمینان بدل می‌کند.

ترکیب صبر و نماز، مثل دو بال برای روح انسان است. صبر، مانع سقوط در طوفان مشکلات می‌شود و نماز، مسیر پرواز را روشن می‌کند. آرامش

انسان، حاصل همین دو عامل است که قرآن می‌گوید. کسی که اهل صبر و نماز است، آرامش خود را نه از بیرون، که از درون می‌سازد. چنین انسانی در برابر سختی‌ها و دشمنی‌ها متزلزل نمی‌شود؛ چون تکیه‌گاهش خداست.

۲. چگونه از «صبر و نماز» یاری بجوئیم؟

آیه محوری درس با کلیدواژه «استعانت» به معنای یاری خواستن، توصیه می‌کند که در مواجهه با مشکلات، از دو عامل صبر و نماز به عنوان پشتیبان و نیروبخش کمک بگیریم.

استعانت از صبر به این معناست که در برابر مشکلات، موضعی فعال و آگاهانه داشته باشیم. همان‌گونه که گفته شد، صبر پذیرشی منفعلانه نیست؛ بلکه سکوی مقاومت است. وقتی مصیبت یا وسوسه‌ای پیش می‌آید، با تکیه بر صبر، اجازه نمی‌دهیم ناامیدی یا گناه بر ما چیره شود. این صبر، مانند ترمزی است که از سقوط جلوگیری می‌کند و به ما فرصت می‌دهد تا در طوفان مشکلات، تعادل خود را حفظ کنیم.

استعانت از نماز هم به معنای برقراری ارتباط مستقیم و عمیق با منبع بی‌پایان قدرت و آرامش، یعنی خداوند است. نماز، پناهگاه امن روح است. وقتی در دل مشکلات، به نماز می‌ایستیم، گویی از صحنه کارزار زندگی، به سنگری امن پناه می‌بریم. در این ارتباط، هم نیروی معنوی می‌گیریم و هم با یادآوری عظمت پروردگار، مشکلات را در مقایسه با آن کوچک می‌بینیم؛ چراکه نماز، بینش و ظرفیت ما را برای تحمل سختی‌ها افزایش می‌دهد.

نکته مهم اینکه این دو، چرخه‌ای کامل را تشکیل می‌دهند: نماز، روح را برای صبر تقویت می‌کند و صبر، زمینه حضور قلب در نماز را فراهم می‌آورد؛ بنابراین، در عمل، وقتی با مشکلی روبه‌رو می‌شویم، باید هم‌زمان بر صبر تکیه کنیم و به نماز پناه ببریم تا از این دو اهرم قدرتمند، یاری جوئیم و پیروز میدان زندگی شویم.

جمع‌بندی

آیه «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» دو کلید بزرگ برای موفقیت انسان معرفی می‌کند: «صبر» و «نماز». صبر یعنی توانایی کنترل هیجانات، استقامت در مسیر و تحمل دشواری‌ها تا رسیدن به هدف، و نماز یعنی پیوند مداوم با سرچشمه قدرت لایزال الهی. هر فرد یا ملتی که می‌خواهد عزیز و مستقل باشد، ناچار است در برابر فشارها، سختی‌ها و دشمنی‌ها ایستادگی کند. استقلال، بدون صبر و مقاومت در برابر مشکلات به دست نمی‌آید و مقاومت هم بدون تکیه بر منابع درونی و معنوی چون نماز، پایدار نخواهد بود.

پرسش‌های درس

۱. مفهوم صبر را در لغت و از منظر قرآن بیان کنید.
۲. انواع صبر را نام ببرید و به اختصار توضیح دهید.
۳. نماز چگونه می‌تواند ما را در برابر مشکلات یاری دهد؟
۴. راهکار جامع قرآن برای دستیابی به عزت و استقلال چیست؟
۵. نقش صبر و نماز را در آرامش انسان به اختصار توضیح دهید.

پیام‌های کاربردی

۱. صبر، تحمل منفعلانه نیست؛ مقاومت فعال است که نماز، پشتوانه آن است.
۲. صبر، ستون استقامت در برابر مشکلات است و نماز، نقطه اتصال انسان به منبع قدرت است.

۳. صبر، جلو تسلیم شدن را می گیرد و نماز، امید به خدا را زنده نگه می دارد.

۴. جامعه ای که صبر و نماز دارد، هر تلاطمی را پشت سر می گذارد.

۵. معجون صبر و نماز، راز حفظ آرامش و استقلال در فرد، خانواده و جامعه است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در سختی‌ها و چالش‌های زندگی، با صبر و نماز از او یاری بگیریم و هرگز در برابر مشکلات تسلیم نشویم.

حالا نوبت توست...

- برای یک هفته، نیت کن نمازت را اول وقت بخوانی. در این مدت، دقت کن آیا نماز اول وقت به نظم زندگی‌ات کمک کرده است یا خیر. نتیجه را با مربی در میان بگذار.
- در یک موقعیت ناراحت‌کننده، به جای واکنش فوری، وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و پس از درخواست کمک از خدا، تصمیم بگیر. تجربه‌ات را یادداشت کن.
- بعد از هر نماز، یک مشکل شخصی‌ات را در دل با خدا در میان بگذار و از او یاری بخواه. این قرار را برای مدت معینی (مثلاً یک هفته، ده روز یا یک چله) ادامه بده تا به عادت روزمره تبدیل شود.
- در جمع دوستان یا خانواده، درباره اینکه در کدام موقعیت‌ها صبر سخت‌تر است و راه چاره چیست، گفت‌وگوی صمیمانه‌ای برگزار کن. گاهی شنیدن تجربه‌های دیگران واقعاً شیرین است و ارزش یادداشت کردن دارد.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



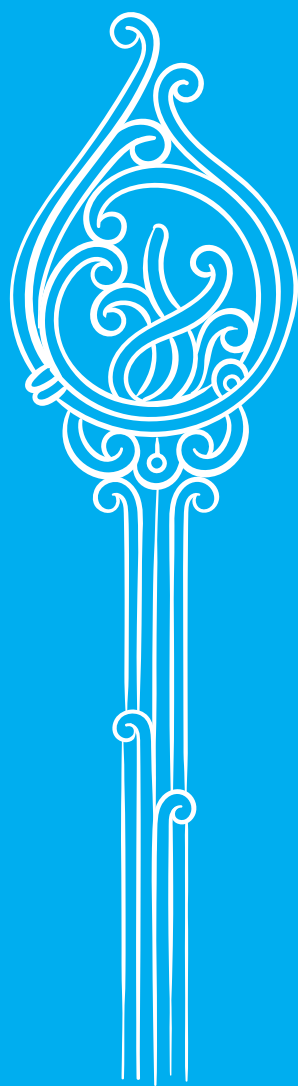
پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه



درس دوم

یا رب، به دلم صبر چو باران بفرست

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

سوره بقره، آیه ۲۵۰

خدایا! از صبر و استقامت سرشارمان کن و قدم‌هایمان را
محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّكَلَّفُوا اللَّهَ كَمَ مِنْ فِئَةٍ
 قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
 بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس دوم با محوریت آیه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»، بر نقش «معنویت و دعا» در مسیر استقلال و پیروزی نهایی تأکید دارد. این آیه دعای راهبردی مؤمنان در میدان نبرد است که سه عنصر کلیدی «صبر»، «ثبات قدم» و «نصرت الهی» را برجسته می‌کند. آیه نشان می‌دهد پیروزی واقعی نه با امکانات مادی، بلکه با پایداری در مسیر حق و توکل به خدا حاصل می‌شود و مؤمنان در سخت‌ترین شرایط، با تکیه بر این سه عامل، توان مقاومت و حرکت مؤثر در برابر هر دشمنی را دارند.

همان‌گونه که می‌دانید، شأن نزول آیه، نبرد طالوت و جالوت است. هنگامی که لشکر طالوت و بنی اسرائیل، در برابر جالوت ستمگر و سپاهیان‌ش قرار گرفتند، گفتند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا...». باین حال، روشن است که آیه فقط مخصوص زمان خاص یا میدان‌های نبرد نیست؛ بلکه در همهٔ زمان‌ها و در تمام عرصه‌های زندگی کاربرد دارد.

برای اثرگذاری بیشتر درس، مربی می‌تواند از داستان‌ها و تمثیل‌های جذاب بهره‌گیرد و با پرسش‌های تعاملی، قرآن‌آموزان را درگیر کند. مثلاً بپرسد: «اگر در میدان امتحان یا رقابت شکست خوردید، چگونه صبر و ثبات قدم خود را حفظ می‌کنید؟». همچنین، ایجاد فضایی برای بازگ کردن تجربه‌های شخصی مربی و قرآن‌آموزان باعث می‌شود آیه به صورت عملی در زندگی آنان تثبیت شود و درس، بیشترین تأثیر تربیتی را بر آنان بگذارد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم سه عنصر «صبر»، «ثبات قدم» و «نصرت الهی» و رابطهٔ آن‌ها را با حفظ استقلال فردی و اجتماعی به درستی درک کند.
۲. تفاوت میان صبر درونی و پایداری در عمل (ثبات قدم) را تشخیص دهد.
۳. در تصمیم‌ها و تلاش‌های روزمره، به یاری و نصرت الهی اعتماد داشته باشد.
۴. در موقعیت‌های دشوار زندگی با توکل به خدا صبورانه رفتار کند.



نیایش فاتحان

زندگی مثل میدان نبرد است. گاهی مشکلات چون تیرهایی از هر سو به سمت انسان شلیک می‌شوند: ناامیدی، خستگی، ترس، وسوسه و شکست. انسان در چنین میدانی، «سپر صبر» لازم دارد تا تیرهای بلا را دفع کند و «قدمی استوار» که او را برای ادامه مسیر پابرجا نگه دارد و «نیروی معنوی» از سرچشمه بی‌پایان قدرت که او را به پیروزی نهایی برساند. این همان چیزی است که مؤمنان بیدار در میدان جهاد از خدا خواستند و در قالب دعایی جاودانه بیان کردند:

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۱

پروردگارا، بر ما صبر و شکیبایی فروریز و گام‌هایمان را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

این آیه، نسخه الهی برای پایداری در همه میدان‌های زندگی است؛ از نبردهای بیرونی با دشمنان خدا گرفته، تا مبارزه‌های درونی با وسوسه‌های شیطانی.

الگوی کامل پایداری

انسان در هر عرصه‌ای که برای حق می‌جنگد، چه در جبهه نبرد، چه در عرصه

فرهنگ، اقتصاد یا خانواده، برای فاتح بودن باید از این سه چشمه نیرو بگیرد: «صبر»، «ثبات قدم» و «نصرت الهی». برای مثال، هر پدر و مادری که در تربیت فرزند مؤمن می‌کوشد، هر معلمی که در کلاس ایمان و اخلاق درس می‌دهد، هر ملتی که می‌خواهد مستقل بماند و زیر سلطه ظلم نرود، باید این سه چیز را پیوسته از خدا طلب کند.

الف) صبر بی پایان

نخستین درخواست مؤمنان در میدان جهاد، «صبر» است: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا﴾. صبر نیرویی درونی است که انسان را در برابر فشارها و تهدیدها آرام و مقاوم نگه می‌دارد. تعبیر «أَفْرِغْ» به معنای نزول فراوان است؛ یعنی: «خدایا، صبر را همچون بارانی پیوسته بر ما فروریز». آنان از خدا می‌خواهند که سراسر وجودشان از صبر لبریز شود. این تعبیر زیبا، نشان می‌دهد که در میدان‌های سخت زندگی، صبر نه تنها فضیلتی اخلاقی، بلکه سپری راهبردی است. ملت‌ها و انسان‌هایی که این سپر را از دست می‌دهند، دیر یا زود تسلیم می‌شوند.

ب) ثبات قدم

درخواست دوم ﴿وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا﴾ است؛ یعنی: «خدایا، قدم‌های ما را استوار بدار». ثبات قدم یعنی استمرار مؤمنانه پایداری؛ یعنی حتی اگر دیگران تسلیم شوند و عقب بنشینند، تو در مسیر بمانی. اگر صبر مرحله درونی مقاومت باشد (به معنای آرام‌سازی دل در برابر ترس‌ها و فشارها)، ثبات قدم، مرحله بیرونی است؛ یعنی ادامه دادن و نلغزیدن در مسیر. گاهی دشمن با طوفانی از شبهات، فشار رسانه‌ای، تهدید و تطمیع می‌خواهد تو را بلرزاند. آنچه ما را در مسیر نگه می‌دارد، ثبات قدم است. کسی که ثبات قدم دارد، با موج‌ها کنار نمی‌رود؛ بلکه می‌ایستد و خودش موج می‌سازد.

ج) نصرت الهی

و سرانجام، آنان سومین حلقه پیروزی را می‌طلبند: «وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». اینجا نقطه اوج دعاست. اینجا دیگر از خدا «نتیجه» می‌خواهند؛ اما پس از «مقدماتش». وقتی انسان وظیفه‌اش را انجام داد (صبر کرد و ثابت قدم ماند) آن‌گاه شایسته یاری خدا می‌شود. این ترتیب درخواست‌ها پیامی بزرگ دارد: پیروزی موهبتی نیست که بی‌هزینه نازل شود. میوه‌ای است که درختش را باید پیش از آن، با صبر و استقامت آبیاری کرده باشی. پس وقتی سختی‌ها هجوم آوردند، از خدا صبر بخواه. وقتی زانوهایت لرزید، ثبات قدم طلب کن و وقتی همه را انجام دادی، آن‌گاه یاری خدا را درخواست کن. این رمز پیروزی مؤمنان در تمام دوران‌ها و در همه میدان‌های زندگی است.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. وقتی در زندگی دچار فشار یا شکست می‌شوی، نخستین واکنش تو چیست: اضطراب، فرار از مشکل یا دعا؟
۲. در کدام یک از موقعیت‌های زندگی، بیش از هر چیز به صبر نیاز داری؟
۳. وقتی با فشارها و سختی‌ها روبه‌رو می‌شوی، چگونه می‌توانی ثبات قدم خود را حفظ کنی؟
۴. اگر باور داشته باشی که نصرت الهی در راه است، نگرشت به مشکلات چگونه تغییر می‌کند؟

۱. دعا؛ ابزار فعال در میدان زندگی

مؤمن در هر عرصه زندگی، از خانواده گرفته تا کار و جامعه، وقتی در برابر فشارها و بحران‌ها احساس ناتوانی می‌کند یا با بن‌بست روبه‌رو می‌شود، سلاحی پنهان، اما بسیار کارساز دارد که با فعال کردن آن، دروازه‌ای تازه از امداد الهی به رویش گشوده می‌شود. این همان حقیقتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی کوتاه بر آن تأکید می‌فرماید: «اللُّدْعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ»^۱؛ یعنی دعا سلاح مؤمن است؛ سلاحی که از منبع ایمان تغذیه می‌کند و نیرویی فراتر از توان بشر به انسان می‌بخشد.

دعا ابزار فعال مؤمن است؛ چون او را از حالت انفعال و اضطراب بیرون می‌آورد و در او امید، آرامش و انرژی تازه‌ای برای ادامه مسیر می‌دمد. ازسویی، دعا جلوه‌ای از آگاهی و توکل است؛ یعنی اعتراف آگاهانه به اینکه نیروی واقعی از خداست. دعا حتی در میدان نبرد نیز پلی است میان زمین و آسمان. وقتی اسباب ظاهری به ظاهر کارساز نیست، دست‌های بلند دعا همانند دکل ارتباطی، او را به منبع قدرت مطلق متصل می‌کند. همان چیزی که در آیه درس، مؤمنان بیدار دل به کار گرفتند و صبر، ثبات قدم و نصرت را از خداوند درخواست کردند.

دعا نیروهای درونی انسان را بیدار می‌کند؛ خرد را روشن، دل را آرام و اراده را فولادین می‌سازد. هرکس اهل دعا باشد، شکست برایش معنی ندارد؛ چون می‌داند پیروزی پیش از آنکه در میدان واقع شود، در دل مؤمن رقم می‌خورد. دعا هنر تبدیل ناتوانی به قدرت و بحران به فرصت است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۲. الگوی تربیتی مقاومت

آیه محوری درس را می‌توان به عنوان الگویی دقیق برای تربیت نسلی مقاوم در نظر گرفت. والدین و مربیان باید در تربیت فرزند، این سه عنصر طلایی را به فرزندان بیاموزند: صبر در برابر سختی‌ها، ثبات قدم در مسیر حق، و امید به نصرت الهی.

در دنیای امروز که فرزندان در مواجهه با انبوه رسانه‌ها، با موجی از ناامیدی، فشار و تغییر روبه‌رو هستند، باید به آنان آموخت که صبر، قدرتی درونی است که انسان را از شکست به رشد می‌رساند. ثبات قدم یعنی نلر زیدن در مسیر حق، حتی وقتی اطرافیان تغییر مسیر می‌دهند و ایمان به نصرت الهی، یعنی باور به اینکه اگر در مسیر حق گام برداری، قطعاً دستی از غیب تو را یاری خواهد داد.

همچنین، باید به آنان آموخت که این هر سه را باید از درگاه خداوند طلب کنند و هرچه هست، از او بخواهند که قدرت مطلق است. در چنین فضایی، نسل آینده، نه تنها در برابر فشارها فرو نمی‌ریزد، بلکه با ایمان و امید، قله‌های دشوار را یکی یکی فتح می‌کند.



آیه «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» نقشه راه پیروزی است. («طلب صبر»، «ثبات قدم») و «نصرت الهی» در میدان مقاومت، همان چیزی است که مؤمنان در اوج نبرد، برای حفظ استقلال و پرهیز از تسلیم شدن در برابر دشمن به آن نیازمندند. این دعای راهبردی، روحیه جهاد را زنده نگه می‌دارد و نشان می‌دهد که پیروزی نهایی نه براساس امکانات مادی، بلکه فقط با اتکا به قدرت الهی و حفظ پایداری و تزلزل نداشتن در برابر دشمن ممکن است.

پرسش‌های درس

۱. آیهٔ محوری درس، دعای چه کسانی است و در چه موقعیتی خوانده شده است؟
۲. سه خواستهٔ مؤمنان از خدا در این دعا کدام‌اند و چه رابطه‌ای با حفظ استقلال و پرهیز از تسلیم‌پذیری دارند؟
۳. تفاوت میان «صبر» و «ثبات قدم» در میدان زندگی چیست؟
۴. منظور از «نصرت الهی» در این آیه چیست و چه نقشی در پیروزی دارد؟

پیام‌های کاربردی

۱. صبر، نخستین گام پیروزی است. هر موفقیتی از دل پایداری در سختی‌ها زاده می‌شود.
۲. ثبات قدم، راز استمرار در مسیر حق است. ایمان واقعی یعنی ماندن در مسیر، حتی وقتی شرایط دشوار می‌شود.
۳. نصرت الهی، نتیجهٔ توکل و تلاش انسان است. خدا یاری‌اش را به کسانی می‌دهد که در میدان عمل ثابت قدم بمانند.
۴. دعا، ابزار فعال مؤمن است. مؤمن با دعا از خدا نیرو می‌گیرد تا در برابر چالش‌های زندگی استوار بماند.

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در سختی‌ها صبور، در مسیر حق استوار و به یاری او امیدوار باشیم.

حالا نوبت توست...

اگر می‌خواهی این دعا را به عادت روزانه‌ای برای تقویت اراده و روحیه مقاومت در خودت تبدیل کنی، آن را هر روز در قنوت نمازهایت بخوان.

وقتی تصمیم به ترک یک عادت بد یا شروع یک برنامه خوب (مثل قرائت روزانه قرآن، نماز اول وقت یا کمک به نیازمندان) می‌گیری، با این دعا از خدا بخواه که قدم‌هایت سست نشود.

برای تمرین ثبات قدم، یک هدف شخصی یا تحصیلی کوچک (مثل مطالعه روزانه یا ورزش منظم) انتخاب کن و به مدت یک هفته بدون کوتاه آمدن و با استمرار روی آن کار کن. سپس نتیجه را ارزیابی کن.

هر صبح یا شب چند دقیقه به دعا و توکل اختصاص بده و نیت کن که با تلاوت این آیه در مشکلات روزانه به کمک خدا تکیه کنی.

در جلسات خانوادگی یا عمومی و هیئت‌ها، این دعا را دسته جمعی بخوانیم تا روحیه ایستادگی و مقاومت در برابر دشمنان در جامعه زنده بماند.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه



درس سوم

گوش جان بر وعده شیطان ببند

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ
وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ
يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾

سوره بقره، آیه ۲۶۸

شیطان، شما را [هنگام انفاق] وعده فقر و تهی دستی می دهد
و به زشتی ها امر می کند؛ ولی خداوند وعده آمرزش از جانب
خودش و فرونی به شما می دهد.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
فَعَاتَتْ أَكْطَافَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ
جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ
فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّتٌ
ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
وَأَسْتَمِرَّ بِأَخْذِهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ
وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس سوم با محوریت آیه ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾ از برخی ترفندهای جنگ شناختی دشمن (شیطان و شیطان بزرگ) پرده برمی‌دارد. شیطان با ترساندن از فقر و ترویج فساد می‌خواهد دستگاه محاسباتی مردم را مختل کند و جامعه را به سمت تسلیم و وابستگی سوق دهد؛ اما وعده خداوند، مسیر مقابله و گشایش را روشن می‌کند: اعتماد به فضل الهی و ترویج فرهنگ انفاق، سپر عملی در برابر جنگ شناختی شیطان است.

مربیان گران قدر، توجه به این نکات هنگام تدریس ضروری است: ترس و اضطراب اقتصادی، زمینه گناه و فساد را تقویت می‌کند؛ حرب‌های که دشمنان همواره از آن بهترین بهره را می‌برند. از طرفی، انفاق و بخشش ابزار عملی مقابله با این جنگ روانی است؛ چراکه همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند.

ارائه آیه با مصادیق واقعی زندگی امروز و تجربه‌های ملموس، درس را کاربردی و جذاب می‌کند. همچنین، از مثال‌های زندگی واقعی مثل تأثیر تحریم و همپاری مردم استفاده کنید. از قرآن آموزان بخواهید مصادیق انفاق و کمک به دیگران را نام ببرند و مزایای آن را تحلیل کنند. به عنوان کار گروهی خلاقانه پیشنهاد می‌شود، از قرآن آموزان بخواهید پیام آیه را در قالب پوستر، کلیپ کوتاه یا پیامک انگیزشی طراحی کنند تا درک عملی آنان از موضوع درس افزایش یابد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. راهبردهای جنگ شناختی شیطان در عرصه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را بشناسد.
۲. تأثیر ترس از فقر بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و رفتاری انسان را تشخیص دهد.
۳. تمایز بین وعده‌های فریبنده شیطان و وعده‌های واقعی خداوند را درک کند.
۴. با توکل بر فضل الهی، انگیزه‌ای برای انفاق و کمک به دیگران پیدا کند.



جنگ شناختی شیطان

می خواهی پولت را برای کار خیری بدهی، صدایی در گوشت می گوید: «نکن! شاید فردا خودت محتاج شدی». می خواهی کسب و کار حلالی راه بیندازی، همان صدا می گوید: «از راه حلال نمی شود پول درآورد. ورشکست می شوی!». می خواهی ازدواج کنی، باز هم اوست که می گوید: «با این گرانی؟! بیچاره می شوی». این صدای شیطان است. کارش همین است: ترساندن از «نداشتن». او با همین ترس، می خواهد جلو کارهای خوبت را بگیرد و تو را به سمت کارهای زشت هل بدهد:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾^۱

شیطان شما را از تهیدستی و فقر می ترساند و به کارهای زشت فرمان می دهد.

این آیه، پرده از یک جنگ روانی تمام عیار برمی دارد. شیطان می خواهد با ترساندن از فقر و ترغیب تو به فساد، مقاومت را بشکند؛ اما وعده خدا امید، آمرزش و گشایش است.

وعده فقر و فساد

شیطان، استاد «جنگ روانی» است. ابزارش سلاح و شمشیر نیست؛

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۸

بلکه ترس و تطمیع است. او ذهن انسان را با دلهرة آینده پر می‌کند: «اگر بخشش کنی، فقیر می‌شوی. اگر دستگیر دیگران باشی، خودت درمانده می‌مانی. اگر راه خدا را انتخاب کنی، از دنیا عقب می‌افتی».

این وعده‌های دروغین، دام بزرگی است که بسیاری در آن گرفتار می‌شوند. درحقیقت، شیطان با تزریق ترس از فقر می‌خواهد چرخه بخشش، انفاق و تعاون را از کار بیندازد؛ زیرا می‌داند جامعه‌ای که اهل انفاق باشد، به استقلال اقتصادی و عزت اجتماعی می‌رسد.

این دقیقاً خاصیت جنگ شناختی است. جنگ شناختی نبردی است برای تسخیر ذهن‌ها و تغییر محاسبات انسان‌ها بدون شلیک گلوله. در این جنگ، دشمن با ابزار رسانه، ترس، شایعه و فریب سعی دارد احساس ناامنی و تردید ایجاد کند تا جامعه دچار اختلال در تصمیم‌گیری شود. همان‌گونه که آیه می‌گوید: «شیطان شما را از فقر می‌ترساند و به فحشا فرمان می‌دهد». این دقیق‌ترین نمونه از جنگ شناختی شیطان است.

اما این فقط نیمی از عملیات روانی اوست. نیمه دیگرش تطمیع به فحشاست. یعنی وقتی انسان از فقر می‌ترسد، به تدریج برای تأمین منافع خود به کارهای ناپسند رو می‌آورد؛ دروغ، رشوه، ربا، تجمل و هر رفتاری که بوی ناپاکی می‌دهد. درواقع، شیطان ابتدا با «ترس» ترمزت را می‌کشد و جلو کارهای خوبت را می‌گیرد و سپس گاز «فساد» را زیر پایت می‌گذارد و تو را به سمت کارهای زشت هل می‌دهد.

ترس، سایه شیطان است

شیطان در زندگی انسان با القای ترس، مسیر تصمیم‌گیری افراد را منحرف می‌کند. در عرصه اقتصادی، او با ترساندن از فقر و کمبود، انسان‌ها را از انفاق و بخشش باز می‌دارد و به بخل، احتکار و فساد دامن می‌زند. در حوزه فرهنگی، با ترس از عقب ماندگی یا طرد شدن، افراد را به پذیرش زشتی‌ها

و ناهنجاری‌ها سوق می‌دهد. حتی در سیاست، با ایجاد وحشت از تحریم، ناامنی یا بحران، تصمیم‌گیرندگان و مردم را دچار دودلی و تسلیم می‌کند. امروز هم دشمنان ایران با همان «ترساندن از فقر و ترویج زشتی» به مقابله با ملت ایران برخاسته‌اند. اعمال تحریم‌ها و فشار اقتصادی برای ایجاد کمبود، گرانی و ناامنی معیشتی که همچون سناریویی روانی مردم را به ترس از فردا دعوت می‌کند، هم‌زمان شبکه‌های رسانه‌ای و فضای مجازی را برای برجسته‌سازی شکست‌ها، ترویج یأس و نمایش نمونه‌های فساد و فروپاشی اخلاقی هدف می‌گیرند تا اعتماد عمومی به نهادها را سست کنند. برنامه‌های نفوذ مالی و پیشنهاد منافع نجومی به نخبگان و مدیران (ریشه، تأمین منافع) برای هم‌سو کردن آنان با سیاست‌های بیگانه و تضعیف همبستگی ملی تکمیل‌کننده این راهبرد است.

نتیجه این القاها، اختلال در دستگاه محاسباتی افراد و جامعه است. یعنی به جای تحلیل منطقی و درست، تصمیم‌ها براساس اضطراب و ترس شکل می‌گیرد؛ اما قرآن کریم این نقشه را افشا می‌کند و بیان می‌دارد که تنها راه مقابله، توکل به خدا و اعتماد به وعده‌های اوست که سایه ترس جای خود را به امید و شجاعت بدهد.

حقیقتی که سعدی نیز آن را با زبان شیرین و ساده بیان کرده است:

مخور هول ابلیس تا جان دهد

همان‌کس که دندان دهد نان دهد

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آیا تا حالا شده ترس از کمبود و فقر باعث شود تصمیمی نادرست بگیری؟
۲. چطور می‌توانی اعتماد به وعده‌های خدا و فضل الهی را در تصمیمات مالی و اخلاقی خود عملی کنی؟



۳. برای مقابله با ترس‌های روانی که باعث گناه می‌شوند، در زندگی روزمره چه راهکارهایی می‌توانی به کار ببری؟
۴. چگونه می‌توانی فرهنگ بخشش و انفاق را در زندگی خود و خانواده‌ات تقویت کنی؟



۱. رابطه ترس و فساد

ترس از فقر، یکی از خطرناک‌ترین ابزارهای نفوذ شیطان در زندگی انسان و جامعه است. وقتی فرد نگران تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌اش باشد، تصمیماتش اغلب تحت فشار اضطراب و هراس شکل می‌گیرد. این حالت، زمینه گناه و رفتارهای ناپاک را فراهم می‌کند؛ مانند دروغ‌گفتن برای کسب درآمد، رشوه‌دادن یا گرفتن، رباخواری، دزدی و حتی چشم‌پوشی از عدالت و انصاف.

آیه محوری درس نیز به نوعی این ارتباط را تأیید می‌کند و می‌فرماید: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾؛ یعنی شیطان با وعده فقر، انسان را به انجام رفتارهای زشت تحریک می‌کند. درواقع، ترس از فقر، نردبانی است که شیطان از آن بالا می‌رود تا انسان را به سقوط بکشد. در سطح جامعه نیز وقتی ترس از تهیدستی گسترده شود، افراد به سمت مصرف‌گرایی افراطی، تکاثر ثروت و رقابت ناسالم می‌روند و ارزش‌های اخلاقی کنار گذاشته می‌شود. وقتی مردم از آینده اقتصادی خود بترسند، همکاری‌ها از بین می‌رود، بخل جای سخاوت را می‌گیرد، اعتماد عمومی کم‌رنگ می‌شود و روابط اجتماعی به جای محبت، برپایه منفعت شکل می‌گیرد. در چنین فضایی، فساد، رانت و بی‌عدالتی فراگیر می‌شود.

اما اگر جامعه‌ای به وعدهٔ فضل و گشایش الهی ایمان بیاورد، ترس از فقر به امید تبدیل می‌شود و مردم با روحیهٔ انفاق و همدلی، ستون‌های استقلال و عزت خود را استوار می‌کنند.

۲. راه مقابله با جنگ شناختی شیطان

برای پیروزی در جنگ شناختی، باید به نسخه‌ای که قرآن در ادامهٔ آیه داده، عمل کنیم: «وَاللّٰهُ يَعِدُّكُمْ مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا». خدا می‌فرماید: اگر اهل بخشش باشید، نه تنها فقیر نمی‌شوید، بلکه آمرزش و برکت من پاداش شماست. پس به جای ترس از فقر، به وعدهٔ فضل و بخشش خدا اعتماد کنیم. دشمنان با تحریم و فشار اقتصادی می‌خواهند مردم را از آینده بترسانند و ایمانشان را بلرزانند؛ اما ایمان به خدا و انفاق می‌تواند این جنگ روانی را خنثی کند.

وقتی خانواده‌ها با روحیهٔ قناعت، همیاری، کار جمعی و حمایت از تولید داخلی زندگی کنند، ترفند ترساندن از فقر بی‌اثر می‌شود. ازسوی دیگر، ترویج فرهنگ انفاق و بخشش، سدّی محکم در برابر وسوسهٔ شیطان است؛ زیرا کسی که اهل بخشش است، دیگر از فقر نمی‌ترسد. جامعه‌ای که اهل انفاق است، از درون غنی می‌شود، دل‌ها به هم نزدیک می‌شوند و امید و اعتماد جای نگرانی و اضطراب را می‌گیرد.

در کنار آن، آگاهی بخشی رسانه‌ای، آموزش سواد اقتصادی و شناختی و بازگشت به ارزش‌هایی چون ساده‌زیستی و انصاف می‌تواند نظام فکری جامعه را مقاوم کند. در یک جمله: راه شکست شیطان، اعتماد به وعده‌های خدا، تقویت روحیهٔ امید و انفاق، و حفظ همبستگی ملی است. این سه، سپرهای محکم ملت در میدان نبرد شناختی امروزند.

آیه **«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ»** پرده از یکی از راهبردی‌ترین ترفندهای دشمن برمی‌دارد: جنگ شناختی با ترس و تطمیع. دشمنان و در رأس آنان شیطان بزرگ می‌کوشند با ترساندن از فقر و ترویج بی‌عفتی و مصرف‌گرایی، دستگاه محاسباتی جامعه را مختل کنند و روحیه مقاومت را بشکنند. راه مقابله، اعتماد به وعده‌های الهی و ترویج فرهنگ انفاق است؛ زیرا انفاق ترس را می‌زداید، ایمان را زنده می‌کند و جامعه را از وابستگی و اضطراب می‌رهاند. رمز پیروزی، امید به فضل خدا و پایداری بر ارزش‌های الهی است؛ همان‌گونه که ادامه آیه می‌فرماید: **«وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا»**.

۱. آیه محوری درس سوم چه راهبردی از شیطان را افشا می‌کند و هدف آن چیست؟
۲. ترس از فقر چگونه می‌تواند تصمیمات اخلاقی انسان را تحت تأثیر قرار دهد؟
۳. وعده خدا در این آیه چه دستاوردهایی را برای مؤمنان وعده داده است؟
۴. با توجه به درس، چه راهکارهایی می‌تواند انسان را در برابر وسوسه‌های شیطان مقاوم کند؟

۱. ترس از فقر و کمبود، ابزار شیطان برای بازداشتن انسان از انفاق و کار خیر است.
۲. وسوسه‌های زشتی و فساد، بخشی از نقشه شیطان برای اختلال در تصمیم‌گیری انسان است.
۳. اعتماد به وعده خدا، یعنی اطمینان به آمرزش و فضل او، راه نجات از ترس و فساد است.
۴. ترویج فرهنگ انفاق و بخشش، راه عملی مقابله با جنگ شناختی و فریب شیطان در زندگی فردی و اجتماعی است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

به وعده آمرزش و فضل او اعتماد کنیم و با چشم‌پوشی از ترس فقر و وسوسه‌های شیطان، با بخشش و پاکی عمل کنیم.

حالا نوبت توست...

هر روز یا هر هفته، بخشی از وقت، انرژی یا پول خود را به نیازمندان اختصاص بده، حتی اگر کوچک باشد، تا اعتماد به فضل خدا را در عمل تجربه کنی.

هر روز نعمت‌های خود را مرور کن و شکرگزار باش تا تمرکز بر کمبود و ترس از فقر در تو کاهش یابد.

هر وقت هنگام انفاق یا کمک به دیگران، ندایی در دلت گفت: «برای خودت نگه دار، فردا محتاج می‌شوی»، بدان این وعده شیطان است. با پرداخت آن پول و با امید به فضل خداوند، با شیطان مقابله کن.

مواجهه خود را با اخبار منفی محدود کن. مثلاً برنامه‌های رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی را که حس کمبود و هراس در تو ایجاد می‌کند، کاهش بده.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه



درس چهارم

تکیه‌گاهی که نلرزد همه اوست

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

سوره آل عمران، آیه ۱۷۳

«[مؤمنان حقیقی، وقتی به آنان می‌گویند از لشکران بوه دشمن که آماده جنگ با شماست، بترسید] گفتند: خدا برای ما کافی است و او بهترین حامی ماست.»



وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّتْيِ الْجَمْعَانِ فَيَا ذُنَّ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
 (١٦٦) وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَنَّاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ
 أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (١٦٧) الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِ وَقَعَدُوا
 لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَاتَلُوا قُلُوبًا فَادْرَأْ عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ (١٦٨) وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (١٦٩) فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (١٧٠) *يَسْتَبْشِرُونَ
 بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُؤْمِنِينَ (١٧١) الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ
 الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ (١٧٢)
 الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
 فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (١٧٣)



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

خط محتوایی این درس بر محور «توکل فعال و پشتوانه روحی استقلال» است. آیه «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» می‌خواهد به ما بیاموزد که مؤمن در برابر تهدیدها و فشارها نه با ترس، بلکه با ایمان و اتکا به قدرت بی‌پایان خدا می‌ایستد. این آیه در ماجرای جنگ اُحد نازل شد؛ زمانی که دشمن پس از شکست ظاهری مسلمانان، تهدید به بازگشت کرد و مؤمنان راستین به جای ترس، این جمله را گفتند و به خدا توکل کردند. خداوند نیز به پاداش این اعتماد، آرامش و پیروزی را نصیب آنان کرد. البته این پیام محدود به آن روزگار نیست. در هر زمان که فرد یا جامعه‌ای با تهدید، فشار یا ترس مواجه شود، این آیه نسخه آرامش، قدرت و پایداری است.

مربیان گرامی، در آموزش این درس لازم است بر سه نکته تأکید شود: نخست، توکل به خدا به معنای انفعال نیست؛ بلکه اعتماد همراه با تلاش و تصمیم‌گیری درست است. دوم، ایمان جمعی و اتکای ملت به خدا، نیروی مقاومت اجتماعی را چندبرابر می‌کند. سوم، آرامش در دل طوفان‌ها از ایمان واقعی سرچشمه می‌گیرد.

پیشنهاد می‌شود برای اثرگذاری بیشتر، از مثال‌های ملموس استفاده کنید. مانند صحنه‌های دفاع مقدس، دوران فشار اقتصادی یا تجربه‌های شخصی قرآن‌آموزان در غلبه بر ترس‌ها. می‌توانید از آن‌ها بخواهید موقعیت‌هایی را بازگو کنند که گفتن «خدا با من است» به آن‌ها نیرو داده است.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. معنای آیه محوری درس را به درستی درک کند و مفهوم توکل فعال را توضیح دهد.
۲. بداند که اتکا به خدا، پشتوانه روحی استقلال فردی و اجتماعی است.
۳. نتایج و فواید روحی و روانی توکل در پرتو ایمان را بیان کند.
۴. در موقعیت‌های ترس یا بحران، با یاد خدا آرامش خود را حفظ کند و تصمیم درست بگیرد.



ما خدا را داریم

گاهی همه چیز دست به دست هم می‌دهد تا تورا بترساند. رقیبان سرسخت، اخبار ناگوار، مشکلات اقتصادی، شبکه‌های مجازی و... همه از خطرات می‌گویند، از شکست‌های احتمالی، از اینکه دشمنانت چقدر قدرتمندند و تو چقدر تنهایی. درست در همین نقطه است که عیار آدم‌ها مشخص می‌شود. بعضی‌ها می‌ترسند و کنار می‌کشند؛ اما شنیدن همین خبرها ایمان بعضی دیگر را قوی‌تر می‌کند؛ چون دلشان به پشتوانه‌ای محکم و تمام‌ناشدنی گرم است. می‌گویند: «ما خدا را داریم» و فقط به او تکیه می‌کنند:

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾^۱

و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو وکیل و کارساز است. این آیه، اعلان بی‌نیازی از قدرت‌های ظاهری و تکیه بر قدرت لایزال الهی است که نشان می‌دهد خداوند برای بنده‌اش کافی است و حامی مطمئن اوست. همین، دل را آرام و اراده را قوی می‌کند و انسان را در برابر هرگونه تهدید، شکست‌ناپذیر می‌سازد.

تکیه‌گاه بی‌شکست

مسلمانان در نبرد اُحد، وقتی شنیدند دشمن بازمی‌گردد و سپاهی تازه

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳

فراهم کرده، نه ترسیدند و نه عقب نشستند؛ بلکه بر ایمانشان افزوده شد و گفتند: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾. همین جمله، دل‌هایشان را آرام کرد و اراده‌شان را برای ایستادگی تقویت کرد؛ به طوری که کفار قریش با همه قدرت ظاهری‌شان نتوانستند آنان را شکست دهند؛ زیرا ایمان، سپری است محکم که هیچ تهدیدی قادر به نفوذ در آن نیست.

در زندگی امروز هم مشکلات گوناگون، از فشارهای کاری و اجتماعی گرفته تا بحران‌های اقتصادی و بیماری‌ها می‌توانند ما را به ترس و عقب‌نشینی وادار کنند؛ اما اگر دل به خدا بسپاریم و بگوییم: «خدا برای ما کافی است»، خدایی که قدرت لایزال هستی است و سستی و شکست در او راه ندارد، دیگر هیچ تهدیدی نمی‌تواند وادار به تسلیم‌مان کند؛ بلکه هر چالشی به فرصتی برای رشد، تقویت توان درونی و تجربه نصرت الهی تبدیل خواهد شد.

راز آرامش در دل طوفان

﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ در واقع رمز «استقلال روحی و فکری» مؤمنان در میدان‌های مختلف زندگی است. این جمله نه شعار و ذکر زبانی در کنج عزلت، بلکه باوری عمیق به پشتیبانی خداوند است که در دل طوفان‌ها، آرامش بخش قلب و تقویت‌کننده اراده برای ایستادگی است.

﴿حَسْبُنَا اللَّهُ﴾ یعنی خدا برای ما کافی است و ما برای ایستادن در برابر قدرت‌ها، به وابستگی و حمایت غیر نیازی نداریم؛ چون پشتوانه‌مان بی‌نهایت است. ﴿وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ هم یعنی خداوند بهترین و کامل‌ترین حامی، سرپرست و کارساز ماست. وقتی مؤمن این ذکر کوتاه را از عمق جان بر زبان می‌آورد، باور دارد که هر تصمیم، تلاش و مقاومتی که انجام می‌دهد، تحت حمایت خداوند است و هیچ قدرتی نمی‌تواند اراده او را تغییر دهد.



این اعتماد شجاعت و تاب‌آوری انسان را بالا می‌برد و موجب نزول آرامش و سکینه قلبی او خواهد شد. نمونه‌اش همین مردم مظلوم و مجاهد غزه که زیر آن همه وحشی‌گری و جنایات رژیم صهیونی، با پایداری و مقاومتی ستودنی، ذکر معجزه بخش **﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾** از دهانشان نمی‌افتد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آخرین باری که در زندگیت واقعاً گفتی: «خدا برایم کافی است»، چه زمانی بود؟ چه احساسی داشتی؟
۲. وقتی در زندگی با ترس یا تهدید روبه‌رو می‌شوی، معمولاً به چه کسی یا چه چیزی تکیه می‌کنی؟
۳. آیا تابه حال شده از شدت ناامیدی فقط به خدا پناه ببری و بعد آرامش خاصی پیدا کنی؟
۴. اگر واقعاً باور داشته باشی خدا بهترین تکیه‌گاه است، نگاهت به مشکلات امروز چطور تغییر می‌کند؟



۱. توکل فعال؛ پشتوانه روحی استقلال

«توکل» یعنی اعتماد آگاهانه و عملی به خداوند؛ یعنی باور کنیم که علم و قدرت او برتر از همه است و هیچ حادثه‌ای از اراده او بیرون نیست. این به معنای نشستن و انتظار معجزه داشتن نیست؛ بلکه ترکیبی است از ایمان عمیق، تلاش هوشمندانه و اعتماد کامل به خداوند. آیه **﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾** به ما یاد می‌دهد که توکل فعال، پشتوانه‌ای است

برای ایستادگی در برابر تهدیدها و فشارها و نیرویی است برای تصمیم‌گیری درست در وضعیت دشوار.

چرا باید به خدا توکل کنیم؟ زیرا انسان محدود است و توانایی‌هایش اغلب پاسخ‌گوی همهٔ چالش‌ها نیستند. دشمنان، مشکلات زندگی، فشارهای اجتماعی و اقتصادی، حتی بیماری‌ها و ناکامی‌ها می‌توانند اراده و اندیشهٔ انسان را تحت تأثیر قرار دهند. توکل به خدا، دل را آرام و ذهن را روشن می‌کند و از محاسبات نادرست ناشی از ترس جلوگیری می‌کند. همچنین، توکل باعث می‌شود انسان احساس بی‌پناهی نکند و در برابر هر تهدید یا فشار، اعتماد به نفس و استواری داشته باشد و استقلال خود را حفظ کند.

پس درس این آیه روشن است: استقلال واقعی، نه در وابستگی به قدرت‌های مادی، بلکه در اعتماد عمیق به خداوند است. هرگاه احساس ترس یا ضعف کردی، به یاد بیاور: تو پستوانه‌ای داری که هیچ دشمنی نمی‌تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد. ایمان به خدا، آرامش و شجاعت و توان ایستادگی را در دل تو می‌افکند و مسیر موفقیت را برایت هموار می‌کند.

۲. چگونه به خدا توکل کنیم؟

از نگاه قرآن، برای اینکه روحیهٔ توکل در ما زنده شود، باید سه گام را برداریم: «شناخت»، «باور» و «اقدام». نخست باید خدا را بشناسیم. هرچه شناخت ما از قدرت، علم و رحمت خدا بیشتر شود، دلمان آرام‌تر و اعتمادمان به او عمیق‌تر می‌شود.

در گام بعد، باید باور کنیم که او همه‌جا حاضر است و نتیجهٔ کارها در دست اوست؛ نه در دست اسباب ظاهری. باید قلبی مطمئن به خدا داشته باشیم و ایمان داشته باشیم که هیچ قدرتی برتر از قدرت او نیست و در گام سوم باید برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. یعنی وظیفهٔ خود را در عرصهٔ عمل و

با تلاش مستمر انجام دهیم و نتیجه را به خدا بسپاریم.
 مثل جوان مؤمنی که در امتحان، کار یا فعالیت اجتماعی قرار دارد، درس می‌خواند، برنامه‌ریزی می‌کند و نهایت تلاشش را به کار می‌گیرد، اما با ذکر ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ﴾ دلش را آرام می‌کند و نتیجه را به خدا می‌سپارد یا ملتی که در برابر تهدید دشمن یا بحران اقتصادی می‌ایستد، با همکاری، برنامه‌ریزی و توکل جمعی، هم تهدید را مدیریت می‌کند و هم فرصت رشد و تعالی ایجاد می‌کند.

۳. توکل و مقاومت ملت ایران

ملت مسلمان ایران، امروز با تهدیدهای مختلفی روبه‌روست: فشارهای اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی، جنگ روانی دشمن در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، نابرابری‌های اجتماعی و تهدیدهای فرهنگی و رسانه‌ای. این چالش‌ها می‌توانند اعتماد و روحیهٔ مردم را تحت تأثیر قرار دهند و باعث دلسردی شوند.

در چنین وضعیتی، ملت باید با توکل به خدا و باور به آیهٔ ﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾، نه تنها در برابر تهدیدهای خارجی، بلکه در تصمیم‌گیری‌های داخلی و مدیریت بحران‌ها مقاوم بمانند. ایمان جمعی و اعتماد به خدا، آرامش، اتحاد و استواری ایجاد می‌کند و تهدیدها را به فرصت رشد و پیشرفت تبدیل می‌سازد.



آیهٔ ﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ پیام‌آور توکل فعال و اعتماد عمیق به خداست. این آیه به ما می‌آموزد که در برابر تهدیدها، ترس‌ها و فشارهای دشمن، به جای اضطراب و تسلیم، باید به قدرت بی‌پایان خدا تکیه کنیم.

ایمان به اینکه خدا بهترین پشتیبان است، آرامش و شجاعت می‌آفریند و اراده را برای تصمیم‌گیری درست و مقاومت استوار می‌کند. این توکل روح استقلال، امید و پایداری را در فرد و جامعه زنده نگه می‌دارد و تهدیدها را به فرصت‌هایی برای رشد و پیروزی تبدیل می‌کند.

پرسش‌های درس

۱. مفهوم آیه **﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾** چیست و در چه موقعیت‌هایی باید به آن عمل کنیم؟
۲. تفاوت توکل بر خدا با تنبلی و بی‌عملی در چیست؟
۳. درباره رابطه توکل و روحیه ایستادگی و استقلال در انسان توضیح دهید.
۴. برای اینکه روحیه توکل در ما زنده و تقویت شود، چه باید کرد؟

پیام‌های کاربردی

۱. در برابر ترس و تهدید، دل را به خدا بسپار و بگو: **﴿حَسْبُنَا اللَّهُ﴾** تا آرامش بگیری.
۲. توکل به خدا، انسان را از وابستگی به غیر می‌رهاند.
۳. مؤمن در سختی‌ها به تدبیر خدا اطمینان دارد و ناامید نمی‌شود.
۴. وقتی خدا را وکیل خود بدانی، ترس از آینده از دلت می‌رود.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در سختی‌ها و تهدیدها فقط بر او تکیه کنیم، به قدرت و تدبیرش اعتماد داشته باشیم و دل را از ترس و تزلزل برهانیم.

حالا نوبت توست...

هر روز صبح پیش از شروع کارها، با یاد آیه «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» نیت کن که به قدرت و تدبیر خدا تکیه داری.

در مشکلات زندگی که احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کنی، به جای ناامیدی یا شکایت، این ذکر را با تمام وجود در دل تکرار کن تا آرامش پیدا کنی.

با انجام کارهای خیر و اعتماد به وعده‌های الهی، در عمل نشان بده که خدا را وکیل و پشتیبان خود می‌دانی تا باور و روحیه توکل در تو تقویت شود.

در برابر جنگ روانی دشمن که سعی در بزرگ‌نمایی قدرت خود دارد (مثلاً وقتی رسانه‌های بیگانه از اجماع جهانی علیه کشورمان صحبت می‌کنند) به جای ترس و نگرانی، با تکرار ذکر «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» روحیه خود و اطرافیانمان را تقویت کنیم.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه



درس پنجم

عزت از بیگانه جستن، راه نه، بیراهه است

﴿أَيَّبْتُغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ
فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

سوره نساء، آیه ۱۳۹

آیا عزّت و آبرو را نزد کفار بی دین می جویید؟!
درحالی که عزت و آبرو یک سره دست خداست.



سُورَةُ النَّبَاِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ
عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا
فَاللّٰهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوْا
أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٥﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ
عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ
بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ ءَ وَكُتُبِهِ ءَ وَرُسُلِهِ ءَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٢٦﴾ إِن الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ
كَفَرُوا ثُمَّ ءَاذُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
سَبِيلًا ﴿١٢٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٢٨﴾ الَّذِينَ
يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُّهُنَّ
عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا ﴿١٢٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي
الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمُ ءَايَتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا
تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ؕ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ
إِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٣٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

آیه شریفه ﴿أَيْتَعُونُ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ محور درس پنجم است که پیام مرکزی آن چنین است: منبع حقیقی عزت، اقتدار و استقلال فقط خداوند است؛ نه قدرت‌های مادی و پوشالی. این آیه، نقدی صریح به کسانی است که برای به دست آوردن منزلت و امنیت به دشمنان خدا پناه می‌برند و عزت را در جبهه باطل می‌جویند. شأن نزول آیه، منافقانی است که در مدینه برای حفظ موقعیت خود به یهودیان تکیه کردند؛ اما قرآن با بیانی جاودانه هشدار می‌دهد که در هر زمان، تکیه بر غیر خدا به خواری و وابستگی می‌انجامد.

مربی گرامی، نکته کلیدی این درس آن است که عزت، امری درونی و الهی است و هرکس با ایمان، توکل و عمل صالح در مسیر خدا حرکت کند، عزیز می‌شود. همچنین، باید تأکید کرد که وابستگی فکری و فرهنگی به بیگانگان، نخستین گام به سوی ذلت است. این درس می‌تواند به پرورش روحیه استقلال، خودباوری و مقاومت در برابر فشار دشمن کمک کند.

برای آموزش مؤثر این درس، پیشنهاد می‌شود با طرح پرسش‌هایی مانند «آیا تا به حال کسی را دیده‌ای که با وابستگی به دیگران، عزت پیدا کند؟»، ذهن مخاطبان را درگیر کنید. همچنین، با مثال‌هایی از تاریخ انقلاب اسلامی و مقاومت ملت ایران، عزت در سایه ایمان را برای قرآن‌آموزان ملموس کنید.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم عزت و منشأ حقیقی آن را بشناسد.
۲. درک کند که نتیجه سازش و طلب عزت از بیگانه، تحقیر و ذلت است.
۳. نمونه‌های تاریخی کسب عزت از بیگانه و درمقابل، تکیه بر خداوند را بشناسد.
۴. راه‌های رسیدن به عزت حقیقی را بشناسد و برای کسب آن گام بردارد.



سرچشمه عزت

درخت برای ایستادن هیچ وقت به باد تکیه نمی کند. هیچ پرنده ای بر شاخه های شکسته آشیانه نمی سازد. هیچ کوهنوردی برای صعود، به طناب پوسیده اعتماد ندارد. انسان هم اگر به قدرت های سست و ناپایدار دنیا دل خوش کند و تکیه گاهش را غیر خدا قرار دهد، می شکند و از ادامه مسیر باز می ماند؛ زیرا عزت حقیقی، فقط در سایه توکل بر خداوند به دست می آید؛ خدایی که هرگز سستی و شکست در او راه ندارد. این همان حقیقتی است که قرآن کریم با لحنی بیدارکننده هشدار می دهد:

﴿أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^۱

آیا نزد آنان عزت می جویند؟ درحالی که همه عزت از آن خداست.

این آیه، سرچشمه عزت را فقط از آن خدا می داند و یادآور می شود که اهل ایمان نباید عزت و اقتدار را از آبشخور دیگران طلب کنند و بر دیوار لرزان قدرت های پوшالی تکیه زنند.

نه به قدرت‌های پوشالی!

قرآن در بخش نخست آیه، یک خطای بزرگ فکری و راهبردی را افشا می‌کند: «أَيَتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ»؛ اینکه عده‌ای برای حفظ عزت، آبرو و موقعیت خود، دل به قدرت‌های پوشالی دنیا می‌بندند؛ درحالی‌که همان قدرت‌ها خودشان در درون، اسیر ضعف و ترس و گرفتاری‌های فراوانی هستند. واژه «عزت» از ریشه «عَزَّ» به معنای استحکام، قدرت، برتری و نفوذناپذیری است؛ چیزی که مغلوب و خوار نمی‌شود. در اصطلاح قرآنی، عزت به معنای قدرت همراه با کرامت و بی‌نیازی است؛ نیرویی که از وابستگی به خدا سرچشمه می‌گیرد و انسان یا امتی را از خواری و تسلیم در برابر باطل حفظ می‌کند.

تاریخ گواه است که هرکس عزتش را از بیگانگان خواست، در نهایت به ذلت و تحقیر کشیده شد. قرآن می‌خواهد ما را از این محاسبه غلط نجات دهد. یادآور می‌شود که عزت واقعی، نه در ثروت است و نه در قدرت؛ بلکه در ایمان، استقلال و اتصال به خداوند عزیز و مقتدر است؛ خدایی که سرچشمه هر شکوه و اقتدار پایدار است.

حکومت پهلوی در ایران، نمونه روشن کسب عزت از بیگانگان است. محمدرضا پهلوی گمان می‌کرد با تکیه بر غرب و آمریکا می‌تواند عزت و اقتدار به دست آورد؛ اما وقتی مردم از او روی برگرداندند، همان قدرت‌هایی که حامی‌اش بودند، در لحظه سقوط، او را تنها گذاشتند.

عزت فقط از آن خداست

بخش دوم آیه، پرده از حقیقتی بزرگ برمی‌دارد: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ همه قدرت، شکوه و برتری در دست خداست و هر عزتی که انسان یا امتی دارد، پرتویی از عزت اوست. درک این حقیقت، پشتوانه روحی پایداری و ایستادگی است، به ما جرئت می‌دهد در برابر فشار دشمنان بایستیم و

استقلال فکری، فرهنگی و اقتصادی خود را حفظ کنیم.

همان‌گونه که مردم ایران بدون تکیه بر هیچ قدرت خارجی و فقط با ایمان به خدا، رهبری امام خمینی علیه السلام و شعار «الله اکبر»، رژیم وابسته‌ای را سرنگون کردند که پشتوانه‌اش بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا بود. این، یکی از بزرگ‌ترین مصادیق عزت الهی در تاریخ معاصر است.

عزت خواهی در مکتب قرآن، یعنی ایستادگی در برابر تحمیل و ذلت، حتی اگر سخت باشد. به تعبیر دیگر، عزت یعنی اینکه چشم‌ت را به آسمان بدوزی؛ نه به آستین بیگانه. جامعه‌ای که این حقیقت را باور کند، دیگر از تهدید دشمن نمی‌ترسد و از تطمیعش فریب نمی‌خورد.

بندگان در بند خویش‌اند از کسی یاری نخواه
از خدا باید بخواهی تا عزیزت او کند

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. من در لحظات سخت زندگی، برای یافتن تکیه‌گاه واقعی، به چه کسی یا چه چیزی پناه می‌برم؟
۲. در تصمیم‌هایم چقدر به خدا توکل می‌کنم و چقدر به قدرت‌های ظاهری دل می‌بندم؟
۳. اگر خدا را سرچشمه عزت بدانم، نگرشم به موفقیت، شکست و قضاوت دیگران چگونه تغییر می‌کند؟
۴. امروز چه کاری می‌توانم انجام دهم تا عزت و استقلال را برپایه ایمان تقویت کنم؟

۱. وابستگی، آغاز ذلت است

قرآن در آیه محوری درس می‌خواهد به ما بیاموزد که عزت، با سازش به دست نمی‌آید؛ بلکه با اعتماد به خدا، استقامت و خودباوری مؤمنانه شکل می‌گیرد. وابستگی، آغاز ذلت است؛ اما تکیه بر خدا، آغاز عزت پایدار است. وقتی فرد یا ملتی در مسیر خدا گام بردارد، حتی اگر فقیر و تنها باشد، خدا او را عزیز می‌گرداند؛ چون عزت، از آن خداست و او آن را فقط به بندگان مؤمن و استوارش می‌بخشد.

آیه هشدار می‌دهد که هرکس عزت را نزد دشمنان خدا بجوید، جز خواری و پشیمانی نصیبی ندارد. که این خود در برابر هزینه مقاومت، هزینه بسیار گزافی خواهد بود. وابستگی، آغاز راه سقوط است؛ چون وقتی ملتی به قدرت‌های بیرونی دل می‌بندد، اختیارش را نیز به آن‌ها می‌سپارد.

وابستگی، ظاهر فریبنده‌ای دارد و در نگاه راحت‌طلبان، آسان و راحت جلوه می‌کند؛ اما باطنش ذلت و گرفتاری است. کسی که برای بقا، نیازمند دشمن شود، دیر یا زود، ارزش‌هایش را فدای رضایت بیگانه می‌کند. عزت ملی، زمانی پایدار است که ملت‌ها باور کنند قدرت واقعی از درون، از ایمان و استقلال می‌جوشد؛ نه از لبخند قدرت‌های پوشالی.

۲. راه‌های رسیدن به عزت

قرآن کریم عزت را موهبتی الهی می‌داند که به سادگی به دست نمی‌آید؛ بلکه تأکید می‌کند که عزت، نتیجه ایمان، عمل و ایستادگی در مسیر حق است. از منظر قرآن، نخستین گام در مسیر کسب عزت، ایمان و توکل به خداوند است. کسی که باور دارد عزت در دست خداست، برای رضایت دیگران خود را کوچک نمی‌کند. دوم، عمل صالح و تقوا است؛ چون گناه و سستی، روح

انسان را خوار می‌کند؛ اما پاکی و درست‌کاری، او را در نگاه دیگران عزیز می‌سازد. سوم، صبر و پایداری در برابر فشارها و سختی‌هاست. ملت‌هایی که برای حفظ استقلال خود هزینه داده‌اند، طعم عزت را چشیده‌اند. چهارم، جهاد در راه خدا و ایستادگی در برابر ظلم است؛ زیرا کسی که در برابر باطل خم نشود، حتی اگر در ظاهر شکست بخورد، در حقیقت پیروز و سرافراز است. و در نهایت، قرآن یاد می‌دهد که عزتِ ملت زمانی پایدار می‌شود که مردم آن به خدای عزیز تکیه کنند؛ نه به دشمنان به ظاهر قوی و قدرتمند. عزت، درون‌زا و ایمان‌محور است؛ نوری است که از پیوند دل با خدا می‌تابد و انسان را از هر وابستگی و ترسی می‌رهاند.

یکی از شخصیت‌های بزرگ و ماندگار ایران زمین که عزتمندانه در برابر تجاوز بیگانه ایستاد، میرزا کوچک خان جنگلی علیه السلام است. میرزا در برابر پیشنهاد های انگلیس که به او وعده قدرت و حکومت می‌دادند، ایستادگی کرد. او معتقد بود عزتی که از دست دشمن گرفته شود، عین ذلت است. او ترجیح داد در سرما و غربت جان دهد، اما عزتش را که از اتکای به خدا و مردمش نشئت می‌گرفت، به بیگانگان نفروشد. در تاریخ آمده که میرزا کوچک خان علیه السلام در جواب کلنل استوکس انگلیسی گفته بود: «برای من و همکارانم تشکیل حکومت مقتدری زیر نفوذ شما مقرون به افتخار نخواهد بود».^۱



آیه **﴿يَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾** یادآوری می‌کند که عزت حقیقی فقط از آن خداوند است و تلاش برای کسب آن از طریق قدرت‌های مادی یا دشمنان خدا، به ذلت و خواری می‌انجامد. قرآن با نمونه‌های تاریخی

۱. سیاحت‌نامه ابراهیم بیک، ص ۱۱۸.

نشان می‌دهد که مؤمنان با ایمان، توکل و پایداری، حتی در سخت‌ترین موقعیت‌ها عزیز و سرافراز می‌مانند. عزت درونی و استقلال فکری، پایه‌ای برای عزت اجتماعی و ملی است. این درس، هم هشدار به وابستگی و سازش با بیگانگان است و هم راهنمایی برای ملت‌ها و افراد که با ایمان، عمل صالح و اتکا به خدا، عزت و استقلال واقعی را حفظ کنند.

پرسش‌های درس

۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی عزت را بیان کنید.
۲. از منظر قرآن نتیجه سازش و طلب عزت از بیگانه چیست؟
۳. دو نمونه تاریخی از حکومت‌ها و ملت‌هایی را که در پی کسب عزت از بیگانه بودند، ذکر کنید و سرنوشت آن‌ها را به اختصار بیان کنید.
۴. راه‌های کسب عزت حقیقی را از منظر قرآن نام ببرید و مختصر توضیح دهید.

پیام‌های کاربردی

۱. عزت واقعی فقط در سایه ایمان و ارتباط با خداوند به دست می‌آید؛ زیرا سرچشمه همه قدرت‌ها و برتری‌ها اوست.
۲. هر ملتی که عزتش را از بیگانگان بخواهد، دیر یا زود به ذلت می‌افتد؛ چون هر قدرتی غیر از خدا، پوشالی و ناپایدار است.
۳. باور به اینکه عزت از آن خداست، روحیه استقلال و مقاومت را در انسان زنده می‌کند و او را از تسلیم در برابر فشار دشمنان باز می‌دارد.
۴. مؤمن متکی به خدا، حتی در سختی‌ها عزیز می‌ماند؛ چون عزتش در درون و از ایمانش می‌جوشد؛ نه از حمایت دیگران.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

به جای تکیه بر قدرت‌های مادی و دشمنان، عزت و اقتدار واقعی خود را از ایمان و ارتباط با او بجوییم.

حالا نوبت توست...

در تصمیم‌های مهم زندگی، به خدا توکل کن و از تقلید کورکورانه از دیگران دوری کن.

نماز را با حضور قلب بخوان تا ارتباطت با منبع اصلی عزت، یعنی خدا تقویت شود. پس از هر نماز، از خدا بخواه که تو را در مسیر حق عزیز و مستقل بدارد.

مطالعه زندگی پیامبران و مؤمنان مقاوم در قرآن را در برنامه روزانه‌ات بگذار. هر روز جمله‌ای الهام‌بخش درباره عزت و استقلال بنویس یا بخوان تا روحیه عزت‌خواهی در تو نهادینه شود.

نعمت‌های خدا را یادآوری کن تا احساس عزت و بی‌نیازی در دلت ریشه بگیرد.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه



درس ششم

مرا به عشق تو اندیشه از ملامت نیست

﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

سوره مائده، آیه ۵۴

همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش
هیچ سرزنش‌کننده‌ای هراسی ندارند.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
 نَحْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
 فَيُضِيبَهُمْ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ نَدِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا
 أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ
 مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ
 عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
 عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَآتَوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُمَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس ششم بر محور آیه شریفه «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» تصویری از انسان مؤمن، آگاه، مقاوم و مستقل ارائه می‌دهد که در برابر فشارها، تبلیغات و ملامت‌های دشمنان، اراده‌اش را از دست نمی‌دهد. در روایات متعددی آمده است که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام در فتح خیبر نازل شده است که مصداق کامل تحقق آیه است؛ اما روشن است که پیام آیه، جهانی و همیشگی است و در همه زمان‌ها برای کسانی که در مسیر حق گام برمی‌دارند، صدق می‌کند.

مربیان گران قدر، مستحضر هستید که دشمن امروز پیش از جنگ سخت، به جنگ روانی و رسانه‌ای روی آورده است. ملامت‌ها همان هجمه‌ها، تمسخرها و تحلیل‌های مایوس‌کننده‌ای است که ایمان و اراده ملت ایران را نشانه گرفته‌اند. وظیفه ما، پرورش نسلی است که به استناد آموزه‌های ناب قرآنی، در مسیر حق از قضاوت دیگران نهراسد و معیارش رضای خدا باشد.

برای تأثیرگذاری بهتر درس، پیشنهاد می‌شود با مثال‌های روز (مانند فشار رسانه‌ای علیه مؤمنان یا تمسخر ارزش‌های دینی در فضای مجازی) مفهوم آیه را ملموس کنید. از بازی نقش یا گفت‌وگوهای شبیه‌سازی شده استفاده کنید تا شاگردان (به‌ویژه کودکان و نوجوانان) در موقعیت ملامت قرار بگیرند و واکنش درست را تمرین کنند. فیلم‌ها یا داستان‌هایی از استقامت مؤمنان و قهرمانان مقاومت بخش کنید تا پیام آیه در جان آنان بنشیند. در پایان، از قرآن‌آموزان بخواهید تجربه‌های شخصی خود را از «ملامت و ایستادگی» بازگو کنند تا درس به یک تجربه زیسته و درونی تبدیل شود.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم «جهاد در راه خدا» و «نترسیدن از ملامت‌ها» را به درستی بشناسد و تبیین کند.
۲. مصادیق امروزی ملامت‌ها و جنگ روانی دشمن را در فضای رسانه و جامعه تشخیص دهد.
۳. در برابر تمسخر، طعنه یا فشار اطرافیان در زمینه ارزش‌های دینی، واکنشی مؤمنانه و استوار نشان دهد.
۴. در تصمیم‌ها و رفتارهای خود، رضای خدا را بر رضایت مردم ترجیح دهد و از سرزنش‌ها نهراسد.



از سرزنش‌ها نترس

گاهی درست وقتی در مسیر حق قدم می‌گذاری، صداهایی از هر سو بلند می‌شود: «تند نرو!»، «دوره این حرف‌ها گذشته!»، «باید با جریان همراه شوی!»، «مصلحت این است که کوتاه بیایی!» و از این دست حرف‌ها. گاه این ملامت‌ها از جانب دشمن نیست، از نزدیک‌ترین اطرافیان است؛ از کسانی که به خیال خود خیرخواه تو هستند، اما حرفشان ممکن است قدم‌های تو را بلرزاند و از مسیر بازدارد. مؤمن واقعی کسی است که با ایمان و بصیرت، راه حق را رها نکند و از سرزنش‌ها نهراسد. همان‌گونه که قرآن ترسیم می‌کند:

﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾^۱

در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش

هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند.

این آیه، تصویری والا از انسان‌های مؤمن و انقلابی ارائه می‌دهد؛ کسانی که پیوسته در راه حق با دشمنان خدا جهاد می‌کنند و از هیچ طعنه و سرزنشی نمی‌هراسند.

الگوی قرآنی جهاد

این آیه، ویژگی‌های کلیدی جهاد در راه خدا را برای مؤمنان ترسیم می‌کند:

۱. سوره مائده، آیه ۵۴

مجاهدت بی‌وقفه و نهراسیدن از جوّ سازی‌ها و فشارهای روانی دشمن. «جهاد فی سبیل الله» یعنی تلاش آگاهانه و پیوسته در مسیر رضای خدا؛ نه صرفاً «جنگ نظامی». این جهاد، همهٔ میدان‌های زندگی را دربرمی‌گیرد: «جهاد علمی» برای پیشرفت کشور، «جهاد فرهنگی» در برابر تحریف و تهاجم فکری، «جهاد اقتصادی» برای استقلال و خودکفایی، «جهاد تربیتی» در پرورش نسل مؤمن. که البته همهٔ این عرصه‌ها به‌نوعی به میدان «جهاد اکبر» یعنی مبارزه با نفس بازمی‌گردد؛ بنابراین، در هر عرصه‌ای که حق و باطل با یکدیگر روبه‌رو شوند، «جهاد فی سبیل الله» معنا می‌یابد.

«ملامت» نیز به‌معنای این است که دیگران رفتار و باور انسان را سرزنش و قضاوت منفی کنند. گاهی انسان مؤمن وقتی در مسیر حق و عدالت می‌ایستد، دنیاپرستان، راحت‌طلبان یا مغرضان او را به افراط، ساده‌لوحی یا بی‌درایتی متهم می‌کنند. عبارت «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» به‌معنای آن است که مجاهد راه خدا از این فشارهای روانی و طعنه‌ها نمی‌هراسد و مسیر حق را رها نمی‌کند؛ چه از سوی دشمن باشد، چه از سوی به‌ظاهر دوستان و نزدیکان.

شهید حاج قاسم سلیمانی رحمه‌الله و یارانش مصداق بارز این آیه بودند. زمانی که عده‌ای جاهلانه یا مغرضانه سرزنش می‌کردند که چرا باید در سوریه و لبنان جنگید، آن‌ها با بصیرت خود برای دورکردن آتش جنگ از مرزهای کشور و حفظ امنیت ملی از این ملامت‌ها نهراسیدند و حتی از جانشان گذشتند. درمقابل، همان کسانی که آن روزها منتقد این ایستادگی بودند، با سیاست‌های غلط و وادادگی خود، کشور را درگیر انواع جنگ‌ها کردند.

مأمور به تکلیفیم

نگاه قرآن در این آیه، تربیت انسان‌هایی است که شجاعت را در ایمان و پایداری در مسیر حق جست‌وجو می‌کنند؛ انسان‌هایی که اگر همه بر



ضدشان برخیزند، باز به حق پشت نمی‌کنند. امام خمینی علیه السلام بارها می‌فرمود: «ما مأمور به تکلیفیم؛ نه مأمور به نتیجه.» این جمله، ترجمان امروزی «وَلَا يَخَافُونَ يُومَةَ لَأْتِيهِمْ» است. کسی که مأمور به تکلیف است، از سرزنش نمی‌ترسد؛ چون نگاهی به رضایت خداست؛ نه قضاوت مردم.

قرآن می‌خواهد ما از ترس افکار عمومی آزاد شویم؛ ترسی که امروز به شکل «ترس از قضاوت دیگران» در جان بسیاری رخنه کرده است. این آیه می‌گوید: عزت و استقلال واقعی، رهایی از همین ترس است. آن کس که از ملامت‌ها نمی‌ترسد، بنده خداست؛ نه بنده رأی و نگاه مردم. پس در مسیر حق، وظیفه الهی‌ات را انجام بده. نه از تنهایی بترس و نه از هیاهوی طعنه‌ها و تهمت‌های دیگران.

به قول حافظ شیرازی رحمته الله که می‌فرماید:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آیا تابه حال برای انجام کار درست، از سرزنش یا تمسخر دیگران ترسیده‌ام؟

چرا؟

۲. در چه موقعیت‌هایی بیشتر نگران قضاوت دیگران بوده‌ام تا رضای خدا؟

۳. «جهاد در راه خدا» در زندگی روزمره من چه جلوه‌هایی می‌تواند داشته

باشد؟

۴. چگونه می‌توانم ایمان و شجاعتم را در برابر فشار افکار عمومی تقویت

کنم؟

۵. اگر بدانم در مسیر حق تنها می‌مانم، باز هم همان مسیر را ادامه

می‌دهم؟

۱. جنگ ملامت‌ها

در روزگار ما، جنگ‌ها چهره عوض کرده‌اند. گلوله‌ها جای خود را به واژه‌ها داده‌اند و تانک‌ها به تیت‌رهای رسانه‌ای تبدیل شده‌اند. امروز دشمن با تحقیر، تمسخر و برچسب‌زدن به ذهن‌ها و قلب‌ها شلیک می‌کند. رسانه‌های بیگانه با واژه‌هایی مثل «تندرو»، «منزوی»، «ضد تعامل» و «بی منطق» همان کاری را می‌کنند که قرآن از آن به «لُؤْمَةُ لَائِمٍ» تعبیر کرده است.

اما قرآن، مؤمن واقعی را با تعبیر «وَلَا يَخَافُونَ لُؤْمَةَ لَائِمٍ» توصیف می‌کند؛ یعنی او نه از شمشیر دشمن می‌ترسد و نه از زبان او. مجاهد راه خدا کسی است که معیارش رضای الهی است؛ نه تأیید رسانه‌ها. او در میان غوغای تبلیغات و قضاوت‌ها محکم می‌ماند؛ چون چشمش به حقیقت است؛ نه هیاهو. در این نبرد نرم، پیروزی از آن کسانی است که ایمانشان بلندتر از فریاد دشمن است و اراده‌شان محکم‌تر از موج ملامت‌ها. ملتی که استقلال می‌خواهد، ناچار باید هزینهٔ ملامت‌ها را بپردازد.

درواقع، دشمن می‌خواهد با جنگ روانی و رسانه‌ای، روح مقاومت را بشکند و مردم را از مسیر استقلال و ایمان بازگرداند. هرکس بخواهد بر اصول الهی بایستد، با موجی از «لامت» روبه‌رو می‌شود؛ از تحلیل‌های به ظاهر علمی، تا فشارهای سیاسی و رسانه‌ای؛ اما جامعه‌ای که با ایمان و بصیرت حرکت کند، از این سرزنش‌ها عبور می‌کند و به عزت و سربلندی می‌رسد.

۲. مقاومت در جنگ روانی چگونه است؟

قرآن برای مقابله با جنگ روانی دشمن راهبرد روشنی دارد: «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لُؤْمَةَ لَائِمٍ». یعنی اهل ایمان باید در راه خدا استوار بمانند

و از ملامت‌ها نهراسند. مقاومت در جنگ روانی یعنی نگذاری تحلیل‌ها و تیت‌های دشمن محاسبات تو را تغییر دهد.

در این میدان، پیروزی با کسانی است که به جای واکنش احساسی، با بصیرت، تقوا و آگاهی رسانه‌ای عمل می‌کنند. مؤمن هوشیار، هر خبری را باور نمی‌کند، هر موجی را دنبال نمی‌کند و از هر هجمه‌ای نمی‌ترسد. او نگاهش به حقیقت است؛ نه به فریادها. اگر جامعه‌ای ایمان، سواد رسانه‌ای و اعتماد به وعده الهی داشته باشد، جنگ روانی در آن بی‌اثر می‌شود. قرآن می‌آموزد که آرامش، ایمان و آگاهی سه سلاح برنده در میدان ملامت‌ها هستند.

برای مقاومت در نبرد رسانه‌ای، قرآن چند راه روشن نشان می‌دهد. نخست، یاد خدا که دل را آرام و از هیاهوی دشمن ایمن می‌کند: «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**»^۱. دوم، بصیرت و تشخیص؛ یعنی مؤمن فریب ظاهر فریبنده اخبار و تحلیل‌ها را نمی‌خورد؛ چنان‌که قرآن هشدار می‌دهد: «**إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا**»^۲. سوم، صبر و استقامت؛ رسانه دشمن با ناامیدی حمله می‌کند و قرآن می‌فرماید: «**فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ**»^۳. امروز مصداق این آیات، حفظ امید در برابر شایعات، تحلیل‌سازی آگاهانه و تکیه بر منطق و ایمان در برابر موج‌سازی‌های رسانه‌ای است.

همچنین، یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقاومت در نبرد رسانه‌ای، شناخت دوست و دشمن است. قرآن بر این اصل تأکید دارد که مؤمن باید بصیر و آگاه باشد و بتواند دوست را از دشمن تمییز دهد. وقتی بدانیم چه کسی از سر دلسوزی، نصیحت یا هدایت صحبت می‌کند و چه کسی با قصد تخریب، تحریف یا فشار روانی سخن می‌گوید، می‌توانیم ملامت‌ها را درست ارزیابی کنیم و واکنش مناسب نشان دهیم.

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۲. سوره هجرات، آیه ۶.

۳. سوره هود، آیه ۴۹.

آیه «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» شاخص کلیدی یک ملت مستقل و انقلابی را بیان می‌کند: نترسیدن از سرزنش‌ها و فشارهای روانی دشمن. این درس بر ایمان استوار و شجاعت در راه خدا تأکید دارد. مؤمنان واقعی کسانی‌اند که در مسیر حق پایداری می‌کنند و از سرزنش و ملامت دیگران نمی‌هراسند. هدف آنان رضای خداست؛ نه خوشایند مردم. جهاد در راه خدا فقط در میدان جنگ نیست؛ بلکه در پایداری بر ارزش‌ها، دفاع از حقیقت، مبارزه با وسوسه‌ها و عمل به تکلیف الهی نیز جلوه دارد. این آیه ما را به آزادی، عزت نفس و شجاعت در ایمان فرامی‌خواند. دستاورد بزرگ «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»، حفظ استقلال در تصمیم‌گیری‌ها و پیمودن قاطعانه مسیر حق است.

۱. آیه محوری درس چه ویژگی‌هایی را برای مؤمنان واقعی بیان می‌کند؟
۲. منظور از «ملامت» در آیه چیست و این ملامت‌ها در دنیای امروز چه مصادیقی دارند؟
۳. چرا نترسیدن از ملامت‌ها نشانه ایمان، شجاعت و استقلال فکری مؤمن است؟
۴. در برابر جنگ رسانه‌ای و فشارهای روانی دشمن، قرآن چه راهکارهایی برای حفظ استقامت و بصیرت ارائه می‌دهد؟

پیام‌های کاربردی

۱. مؤمنان واقعی در راه خدا با ایمان و شجاعت قدم برمی‌دارند و از ملامت هیچ‌کس نمی‌هراسند.
۲. ترس از سرزنش، بزرگ‌ترین مانع در مسیر حق‌جویی و دفاع از ارزش‌های الهی است.
۳. جهاد در راه خدا فقط جنگ نظامی نیست؛ بلکه پایداری در برابر انحراف‌ها و فشارهای فکری و فرهنگی نیز هست.
۴. رضای الهی باید معیار تصمیم‌ها باشد؛ نه تأیید یا انتقاد دیگران.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با ایمان و شجاعت در راه حق جهاد کنیم و از ملامت و سرزنش هیچ‌کس در مسیر اطاعت او نترسیم.

حالا نوبت توست...

هر هفته تصمیم بگیر یک کار خوب انجام بدهی، بی‌توجه به نگاه و قضاوت مردم، فقط برای رضای خدا.

در فضای مجازی، از ارزش‌های دینی و اخلاقی دفاع کن؛ حتی اگر موج مخالفت وجود داشته باشد. وقتی حق با توست، از گفتن آن نترس؛ حتی اگر تنها باشی.

در خانواده و محیط کار، از کار درست حمایت کن؛ حتی اگر دیگران دلسردت کنند. حتی می‌توانی از موقعیت‌هایی که در آن بر ملامت‌ها غلبه کرده‌ای، یادداشت روزانه‌ای بنویسی.

از فعالان فرهنگی و اجتماعی مؤمنی که برای ارزش‌ها تلاش می‌کنند و مورد هجمه و تمسخر قرار می‌گیرند، در شبکه‌های اجتماعی قاطعانه حمایت کن.

درباره زندگی شهدا و مؤمنانی مطالعه کن که از ملامت‌ها نهراسیدند و در مسیر حق استوار ماندند.

.....

.....

.....

.....





درس هفتم

از دیو، مهربانی نباید

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ
بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾

سوره مائده، آیه ۹۱

مسلماناً شیطان می خواهد بین شما
دشمنی و کینه سخت ایجاد کند.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ أَلْعَادَ وَهَ الْبَغْضَاءِ
فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا
الْبَلْغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
ثُمَّ اتَّقَوْا ءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا ءَامَنُوا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَبِئْسَ كُفْرُ اللَّهِ شَيْءٌ
مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ وَأَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ
بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَهُ
مِنْكُمْ مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
عَدْلٍ مِنْكُمْ هَذِي بَالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ
أَوْ عَدْلٌ ذَلِكِ صِيَامٌ لِّذَوْقٍ وَيَا أَلَمْ يَأْمُرْهُ عَفَا اللَّهُ عَمَّا
سَلَفَ وَمَن عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ﴿٩٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس هفتم با محوریت آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾ بیش از آنکه درباره شراب و قمار سخن بگوید (که زمینه نزول آن است)، درباره نقشه همیشگی شیطان در تاریخ بشر حرف دارد؛ یعنی «تفرقه‌سازی».

این آیه بیان می‌کند که یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمن (شیطان بزرگ و عوامل آن) در جنگ شناختی، ایجاد دشمنی، کینه و تفرقه در میان جامعه اسلامی است تا از این طریق، پایه مقاومت را سست کند و راه را برای سلطه و تسلیم باز کند. قرآن تأکید دارد که راه مقابله با این ترفند، اطاعت از فرامین خداوند و تقویت روحیه وحدت و همدلی در جامعه ایمانی است.

مربی باید این نکته کلیدی را برای فراگیران روشن کند که وحدت فقط در شعار نیست و به اقدامات فراگیری نیاز دارد. وحدت در شناخت دشمن مشترک، پایبندی به اصول و خطوط قرمز الهی، عفو و گذشت در اختلافات، و ترویج محبت و خیرخواهی میان مؤمنان تحقق می‌یابد.

در آموزش این درس، پیشنهاد می‌شود مربی از مثال‌های ملموس بهره گیرد؛ مانند اتحاد مردم در بحران‌های طبیعی یا در برابر تهدیدهای فرهنگی دشمن. می‌تواند از قرآن آموزان بخواهد مصادیق وحدت و تفرقه را در زندگی اجتماعی و فضای مجازی بیان کنند و با گفت‌وگوی گروهی، آنان را به کشف نقش خود در تقویت انس و همدلی در جامعه سوق دهد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. هدف شیطان را در ایجاد دشمنی و کینه میان مؤمنان درک کند.
۲. مصادیق تفرقه‌افکنی شیطان را در محیط خانواده، جامعه و فضای مجازی تشخیص دهد.
۳. در گفتار و رفتار خود مراقب باشد تا زمینه کینه‌ورزی و اختلاف را فراهم نکند.
۴. برای حفظ وحدت و همدلی در جمع‌های مؤمنانه و ملی تلاش کند و در برابر نشانه‌های نفرت‌پراکنی هوشیار باشد.

تفرقه بینداز و حکومت کن

گاهی یک ترک کوچک در بدنهٔ سدّی بزرگ، اگر به موقع ترمیم نشود، به شکستن همهٔ آن سد منجر می‌شود. جامعه نیز چنین است. «وحدت»، سدّ استوارِ امنیت و استقلال جامعه است و دشمن با همهٔ توانش، به دنبال یافتن همان ترک‌های کوچک است که «اختلاف» نام دارد.

قرآن کریم پرده از این رفتار شیطانی برمی‌دارد:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾^۱

جز این نیست که شیطان می‌خواهد بین شما کینه و دشمنی بیندازد.

این آیه، یکی از اصلی‌ترین ترفندهای دشمنی شیطان را بر ملا می‌کند: ایجاد کینه و دشمنی میان انسان‌ها و دامن زدن به اختلافات، به ویژه در جامعهٔ مؤمنان؛ ترفندی که آن را می‌شود در این جملهٔ کوتاه و معروف خلاصه کرد: «تفرقه بینداز و حکومت کن».

تفرقه؛ ترفند همیشگی دشمن

در طول تاریخ، استعمارگران و سلطه جویان همین راهبرد شیطانی را دنبال کرده‌اند. وقتی می‌خواستند ملتی را ضعیف کنند و به تسلیم وادارند،

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۹۱

به جای جنگ مستقیم، بذر اختلاف را در میان آنان پاشیدند: اختلاف مذهبی، قومی، زبانی، حزبی یا حتی اختلاف‌های سطحی و شخصی. هرچه این شکاف‌ها عمیق‌تر می‌شد، آن ملت بیشتر سرگرم نزاع داخلی می‌شد و فرصت اندیشیدن به دشمن اصلی را از دست می‌داد.

همان‌طور که در طبیعت، حیوان دژنده برای شکار یک گله، ابتدا آن‌ها را از هم جدا می‌کند تا یکی را تنها و ضعیف گیر بیاورد، شیطان هم برای سلطه بر ملت‌ها، نخست آن‌ها را تکه‌وپاره می‌کند و به گروه‌های متخاصم تبدیل می‌کند. وقتی اعضای جامعه به جای دوستی، دشمنی پیشه کردند، راه نفوذ باز می‌شود.

جالب است که دشمن به این منظور، همه‌توان و ابزار خود را به کار می‌گیرد. از ابزار رسانه، سیاست، اقتصاد و حتی ورزش و هنر استفاده می‌کند تا ملت‌ها را درگیر رقابت‌های منفی و نفرت‌زا کند؛ چراکه اختلاف افکنی یکی از ارزان‌ترین و مؤثرترین ابزارهای تسلط بر جوامع انسانی است.

تجربه کشورهای اسلامی در دو سده اخیر، نمونه روشنی از این سیاست شوم است. قدرت‌های استعماری برای تسلط بر منابع و سرزمین‌های مسلمانان، بارها اختلاف‌های مذهبی و قومی را شعله‌ور کردند. اختلاف میان شیعه و سنی، میان اقوام ایرانی ترک، عرب، کرد و فارس یا میان گروه‌های سیاسی رقیب، همه می‌تواند به راحتی به دستاویزی برای نفوذ دشمن بدل شود. درست همان چیزی که آیه می‌گوید: شیطان می‌خواهد میان شما عداوت و بغضاء بیفکند تا وحدتتان را بگیرد.

وحدت؛ دژ استوار استقلال

اگر جامعه اسلامی می‌خواهد در برابر دشمنان بایستد و استقلال خود را حفظ کند، باید وحدت و همبستگی را اصل محوری خود قرار دهد. وحدت فقط یک شعار سیاسی نیست؛ بلکه یک اصل قرآنی و یک راهبرد دفاعی

است. جامعه‌ای که متحد است، مانند دژی محکم و تسخیرناپذیر می‌شود؛ اما جامعه‌ای که گرفتار کینه و اختلاف است، حتی اگر ثروت و قدرت نظامی زیادی داشته باشد، سرانجام از درون فرومی‌پاشد.

راه مقابله، همان چیزی است که قرآن در آیه دیگری فرموده است: **﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾** یعنی تمسک جمعی به ریسمان الهی؛ همان ریسمانی که نقطه مشترک ماست و ما را با محبت و همدلی به یکدیگر پیوند می‌دهد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه، من بیشتر نقش آتش افروز دارم، یا آتش‌نشان اختلاف‌ها؟! در فضای مجازی چطور؟ من بیشتر بذر کینه و تمسخر می‌پراکنم یا محبت و همدلی؟
۲. آخرین باری که برای حفظ دوستی یا آشتی دادن دو نفر قدمی برداشتم، کی بود؟
۳. آیا اختلاف سلیقه را به معنای دشمنی می‌دانم، یا فرصتی برای رشد و تفاهم؟
۴. چگونه می‌توانم در خانواده یا محل کار، عامل صلح و وحدت باشم؟



۱. چرخه «عداوت» و «بغضاء»

واژه «بغضاء» از ریشه «بغض» به معنای نفرت و کینه پنهان در دل است. بُغض بیشتر احساسی درونی است و ممکن است کسی آن را ابراز نکند، اما در قلبش وجود داشته باشد. مثل کسی که در دل از موفقیت همکارش

حسادت می‌ورزد و کینهٔ او را دارد؛ هرچند چیزی نگوید، این «بغضاء» است. درمقابل، «عداوت» از ریشهٔ «عدو»، به معنای دشمنی و خصومت آشکار است؛ رفتاری که اغلب در بیرون بروز می‌یابد و گاه به نزاع و ستیز منجر می‌شود. کسی که عداوت دارد، طرف مقابل را رقیب یا دشمن می‌بیند و در عمل هم علیه او اقدام می‌کند.

در واقع، شیطان نخست بذر بغضاء را در دل‌ها می‌کارد و آن‌گاه آن را به عداوت علنی تبدیل می‌کند تا پیوندهای جامعه را فروپاشد. این فرایند، به نوعی حکایت از چرخه‌ای خطرناک دارد: وقتی بغضاء در دل‌ها جا خوش کند، دیر یا زود به عداوت آشکار تبدیل می‌شود و این عداوت در میدان عمل، باز کینه و نفرت را افزایش می‌دهد. این چرخهٔ معیوب همان چیزی است که شیطان می‌خواهد؛ جامعه‌ای پر از کینه و دشمنی.

این نکته، اهمیت کنترل احساسات درونی، گذشت و گفت‌وگو را نشان می‌دهد. قرآن با بیان این آیه هشدار می‌دهد که اگر دل‌ها را پاک نکنیم و اختلافات کوچک را جدی بگیریم، این چرخه می‌تواند خانواده‌ها، گروه‌ها و حتی جوامع را به سمت فروپاشی اخلاقی و اجتماعی سوق دهد.

۲. وحدت چگونه شکل می‌گیرد؟

وحدت به عنوان راه مقابله با تفرندهای اختلاف‌برانگیز شیطان، سپر بزرگ ملت‌ها در برابر نفوذ دشمن است؛ اما این سپر خود به خود ساخته نمی‌شود و باید آن را در دل‌ها و رفتارها پرورش داد.

وحدت را می‌توان بر مبنای «شناخت دشمن واحد» استوار کرد. وقتی مردم بدانند دشمن اصلی کیست و هدف او چیست، اختلاف‌های کوچک رنگ می‌بازد و دل‌ها در مسیر مقابله با دشمن بزرگ، به هم نزدیک می‌شود. همچنین، تعیین خطوط اصلی مشترک و پابندی به آن‌ها (مثل ایمان، استقلال، عدالت و عزت ملی) مرزهای وحدت را روشن و عبور از آن را ممنوع می‌کند.

وحدت از جایی آغاز می‌شود که انسان‌ها همدیگر را بفهمند، نه اینکه یکدیگر را متهم کنند. وحدت از گوش دادن آغاز می‌شود، نه از قضاوت؛ از گذشت و مهربانی در خانه، از همکاری در کار، از انصاف در قضاوت و از اعتماد در روابط اجتماعی. وقتی هر فرد، خیرخواه دیگری باشد و اختلاف‌ها را با گفت‌وگو حل کند، دل‌ها به هم نزدیک می‌شود.

احترام به تفاوت‌ها، تحمل دیدگاه‌های گوناگون و نگاه خیرخواهانه به دیگران، سازنده وحدت‌اند. دشمن وقتی شکست می‌خورد که ما دست در دست هم دهیم و به جای جست‌وجوی مقصر، در پی راه حل باشیم. خلاصه آنکه وحدت یعنی کنار گذاشتن خودخواهی، تمرکز بر هدف مشترک و ساختن دیواری از عشق و همدلی در برابر نفوذ دشمن. جامعه‌ای که حول محبت، عفو و دشمن‌شناسی متحد شود، شکست‌ناپذیر می‌شود.

جمع‌بندی

آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» هشدار راهبردی است: بزرگ‌ترین ابزار دشمن برای سلطه، اختلاف افکنی است و بزرگ‌ترین سلاح مؤمنان برای استقلال، وحدت است. این آیه، نقشه کلان دشمن را برملا می‌کند. دشمن امروز نیز از همان مسیر قدیمی می‌آید: جنگ روانی، شایعه، تحقیر و نفرت پراکنی. اگر ملتی، به ویژه ملت قرآن، هوشیار باشد و هرگاه بوی کینه و دوگانگی را شنید، آن را نشانه حضور شیطان بداند، آن‌گاه هیچ قدرتی نخواهد توانست سدّ وحدتش را بشکند و این، درس آیه است: هر جا نفرت کاشته می‌شود، بدان که شیطان آماده است تا درو کند.

پرسش‌های درس

۱. هدف اصلی شیطان از ایجاد دشمنی و کینه میان مردم طبق آیه چیست؟
۲. چرا وحدت و همدلی در جامعه اسلامی به عنوان دژ استقلال و مقاومت شناخته می‌شود؟
۳. چگونه می‌توان در برابر وسوسه تفرقه افکنی شیطان ایستادگی کند؟
۴. چه نمونه‌هایی از تفرقه افکنی در جامعه امروز می‌توان دید و راه مقابله با آن چیست؟

پیام‌های کاربردی

۱. هر جا دشمنی و کینه هست، باید رد پای شیطان (انسی و جنی) را در آن جست‌وجو کرد.
۲. وحدت و همدلی، سپری نیرومند در برابر نفوذ دشمن و وسوسه شیطان است.
۳. مؤمنان باید در گفتار و رفتار خود مراقب باشند تا ناخواسته ابزار تفرقه افکنی شیطان نشوند.
۴. شناسایی و خاموش کردن آتش اختلاف، نشانه بصیرت و ایمان واقعی است.
۵. محبت، مانع نفوذ شیطان است. هر رفتار محبت آمیز، بذر دشمنی را نابود می‌کند.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

هوشیار باشیم و نگذاریم شیطان با کینه‌افکنی و دشمن‌سازی، پیوند محبت و وحدت میان ما را از هم بگسلد.

حالا نوبت توست...

هر روز سه دقیقه پیش از خواب، دفتر دلت را ورق بزن و مرور کن. هر حس کینه و نفرت و بغضی را که گوشه دلت جا خوش کرده، شناسایی و پاک کن.

زبان اصلی‌ترین ابزار شیطان برای ایجاد بغض و عداوت بین آدم‌هاست. در محیط کار یا مدرسه یا خانه، از زخم‌زبان، غیبت و شایعه‌پراکنی پرهیز کن.

هر هفته یک بار با اعضای خانواده «جلسه آشتی خانوادگی» برگزار کنید و تا دیر نشده، دلخوری‌ها و سوء تفاهم‌ها را رفع کنید.

در فضای مجازی، از باز نشر مطالب تفرقه افکن یا تحقیرکننده گروه‌ها و افراد پرهیز کن.

.....

.....

.....

.....



درس هشتم

اندازه نگه دار که اندازه نکوست

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

سوره اعراف، آیه ۳۱

بخورید و بنوشید، ولی اسراف نکنید،
که خدا اسراف کاران را دوست ندارد!



سُورَةُ الْأَنْعَامِ

يَبْنِيءَ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٢١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَيَّاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
بَطْنٌ وَالْأَنَامَ وَالْبَغْيَ بغيرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَهُ يُزِيلُ
بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
﴿٢٤﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ إِمَامًا يَتَّبِعُكُمْ رَسُولٌ مِّنْكُمْ يِقْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي مِمَّنْ
اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ مِمَّنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ
بِآيَاتِهِ ۖ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَقَّعُهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

آیهٔ درس هشتم، «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» فرمانی جامع برای تنظیم رفتار مصرفی انسان و جامعه است. در وضعیت امروز که کشور با چالش‌های جدی در منابعی چون آب و برق مواجه است، این آیه با پیام پرهیز از اسراف و اصلاح الگوی مصرف، از یک دستور فردی و اخلاقی، به یک اصل راهبردی برای خنثی‌سازی فشار اقتصادی و حفظ «استقلال کشور» تبدیل می‌شود؛ چراکه اسراف و هدر دادن منابع، عملاً تضعیف جبههٔ خودی و کمک ناخواسته به دشمن است.

مربیان گرامی، در آموزش این درس، لازم است ابعاد گستردهٔ اسراف را برای قرآن‌آموزان تبیین کنید؛ اینکه اسراف فقط به معنای ولخرجی یا دورریختن مواد غذایی نیست؛ بلکه هر نوع مصرف بی‌هدف، بی‌برنامه و تجمل‌گرایانه را شامل می‌شود.

این آیه ما را به فرهنگ «مصرف مسئولانه» دعوت می‌کند؛ فرهنگی که ریشه در ایمان دارد و پایهٔ استقلال اقتصادی جامعه است. نکتهٔ مهم دیگر این است که اسراف از نگاه قرآن علاوه بر آثار اقتصادی، موجب سلب محبت الهی نیز می‌شود. یعنی آسیب معنوی و اجتماعی را هم‌زمان در پی دارد که لازم است هنگام تدریس بر آن تأکید شود.

برای تأثیرگذاری بیشتر درس، پیشنهاد می‌شود قرآن‌آموزان را به طراحی «پویش‌های ضد اسراف» در خانه یا مدرسه تشویق کنید، یا از آن‌ها بخواهید شعارهایی خلاّقانه دربارهٔ مصرف درست بسازند. چنین فعالیت‌های خلاّقانه‌ای می‌تواند پیام قرآنی درس را در دل و رفتار نسل جوان نهادینه کند.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. با مفهوم و پیام اصلی آیهٔ درس و ارتباط آن با اصلاح الگوی مصرف آشنا شود.
۲. بتواند نمونه‌هایی از رفتارهای اسراف‌آمیز در زندگی فردی و اجتماعی را شناسایی کند.
۳. در مصرف نعمت‌ها، آب، غذا و انرژی، رفتار متعادل و مسئولانه‌ای از خود نشان دهد.
۴. اهمیت پرهیز از اسراف را در حفظ استقلال اقتصادی و جلب محبت الهی درک کند و به آن پایبند باشد.



دشمن پنهان استقلال

گاهی دشمن نیازی به حمله ندارد. همین که با مصرف بی‌رویه، منابعمان را هدر می‌دهیم، همین که با تقلید کورکورانه و مصرف کالاهای لوکس خارجی، ثروت ملی را خرج می‌کنیم، همین که با بی‌توجهی به تولید علم، به مهاجرت نخبگان دامن می‌زنیم، همین که با حمایت نکردن از کالای مرغوب داخلی، بازار را به روی محصولات بیگانه باز می‌کنیم، همه این‌ها باعث می‌شود خودمان را برای همیشه به دیگران وابسته کنیم و با تضعیف اقتصاد ملی، دست دشمن را برای تهدید و تحریم بیشتر باز بگذاریم.

درس امروز، درباره نسخه قرآن برای بستن درهای اسراف و بازکردن راه استقلال کشور است. این آیه را حتماً زیاد شنیده‌اید:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^۱

و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که
خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

زندگی به اندازه

این آیه در نگاه نخست، فرمانی ساده درباره خوردن و آشامیدن است؛ اما درحقیقت، قاعده‌ای تمدنی و راهبردی برای بقا و استقلال امت اسلامی را

بیان می‌کند. خداوند در این آیه، میان بهره‌مندی از نعمت‌ها و مرز پرخطر زیاده‌روی، خطی روشن می‌کشد. این خط، مرز بین شکر و کفران، بین پیشرفت و فروپاشی و بین محبوب خدا بودن و مورد غضب او قرار گرفتن است. قرآن در این آیه، با بیانی ساده و روشن، ما را به اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها دعوت می‌کند. خداوند نمی‌گوید: «نخورید و نیاشامید»؛ بلکه می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید»؛ اما به اندازه. «اسراف» به معنای تجاوز از حد و زیاده‌روی است و در فرهنگ قرآن، خارج شدن از مدار اعتدال در هر نوع مصرفی تعبیر می‌شود؛ چه آب باشد، چه برق، چه وقت، چه ثروت و حتی استعداد و توانایی‌های ما.

اسراف از منظر قرآن، نشانه‌ای از طغیان، ناسپاسی و ظلم به خویشتن است که انسان را از مسیر عدالت و میانه‌روی منحرف می‌کند و موجب هدر دادن سرمایه‌های مادی و معنوی می‌شود. اسراف، دشمن پنهان استقلال است؛ چراکه اگر جامعه‌ای به اسراف، تجمل‌گرایی و ریخت‌وپاش‌های غیرضروری خو کند، آرام‌آرام ریشه‌های استقلالش پوسیده می‌شود و قدرت و اقتدار خود را از دست می‌دهد.

اسراف، خط قرمز خداست

عبارت پایانی آیه، «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، نه تنها هشدار اخلاقی، بلکه زنگ خطر راهبردی برای همه ماست. جامعه‌ای که اسراف کند، محبت خدا را از دست می‌دهد و جامعه‌ای که محبوب خدا نباشد، از حمایت و برکت الهی نیز بی‌بهره می‌ماند. در میدان نبرد اقتصادی و فرهنگی، مهم‌ترین سلاح مؤمن، محبت خدا و رضایت اوست. هر رفتار صرفه‌جویانه، هر انتخاب آگاهانه در مصرف، نه فقط کمک به خود، بلکه گامی در مسیر محبوبیت نزد پروردگار است.



در یک جمله، این آیه فرمانی راهبردی برای ساخت جامعه‌ای مستقل، مقاوم و محبوبِ خداست. جامعه‌ای که بدانند هر لقمه، هر قطره یا هر ذره، امانتی الهی است و اگر پاسداری از این امانت را جدی بگیرد، به عزت و اقتداری خواهد رسید که نه با فروش نفت و منابع طبیعی، بلکه با تقوا و تدبیر به دست می‌آید.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. اینکه «خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد»، چقدر در به‌اندازه مصرف‌کردن من اثر دارد؟
۲. اگر همهٔ مردم مثل من مصرف کنند، وضعیت منابع کشور چگونه خواهد شد؟!؟
۳. در کدام بخش از زندگی‌ام (غذا، لباس، انرژی، زمان) بیش از اندازه مصرف می‌کنم؟
۴. چه رفتار کوچکی می‌توانم از امروز تغییر دهم تا اسراف در خانه‌ام کمتر شود؟
۵. اگر خدا از من بپرسد: «با نعمت‌هایی که به تو دادم، چه کردی»، چه پاسخی دارم؟



۱. اصلاح الگوی مصرف

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی و از تأکیدهای مکرر رهبر معظم انقلاب اسلامی، «اصلاح الگوی مصرف» است. اصلاح الگوی مصرف یعنی استفاده

درست، به اندازه و هدفمند از نعمت‌های الهی در همه عرصه‌های زندگی؛ همان‌گونه که آیه محوری درس، انسان را به بهره‌مندی سنجیده از نعمت‌ها و پرهیز از اسراف فرا می‌خواند.

در زندگی فردی، این اصلاح سبب آرامش، نظم، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و افزایش برکت می‌شود. در خانواده، روابط را از چشم‌وهم‌چشمی و تجمل‌گرایی نجات می‌دهد و فضای قناعت، رضایت و شکرگزاری را می‌گستراند. در سطح اجتماعی و ملی نیز، الگوی صحیح مصرف موجب حفظ منابع طبیعی، کاهش فشار اقتصادی، تقویت تولید داخلی و درنهایت، استقلال و اقتدار کشور می‌شود.

رهبر انقلاب بارها هشدار داده‌اند که اسراف، آفت پیشرفت و عامل وابستگی است و جامعه‌ای که در مصرف درست عمل کند، در برابر تحریم و فشار دشمن مقاوم خواهد بود. اصلاح الگوی مصرف، فقط یک رفتار اقتصادی نیست؛ یک فرهنگ ایمانی و تمدنی است که از دل آیات قرآن برمی‌خیزد و راه رسیدن به جامعه‌ای آباد، مقتدر و محبوب خدا را هموار می‌کند.

برای نهادینه کردن فرهنگ پرهیز از اسراف، باید از آموزش و الگوسازی آغاز کرد. خانواده و مدرسه نقش اصلی را دارند. وقتی کودک یاد بگیرد چراغ اضافی را خاموش کند یا نان را هدر ندهد، پایه فرهنگ درست مصرف شکل می‌گیرد.

رسانه‌ها، ورزشکاران، هنرمندان، معلمان و روحانیون باید با رفتار و گفتار خود، الگوی مصرف مسئولانه باشند. تبلیغات تجمل‌گرایانه باید کنترل شود و سبک زندگی ساده و قناعت محور ترویج شود. پویش‌های مردمی برای صرفه‌جویی و حمایت از تولید داخلی نیز مؤثر است. اصلاح الگوی مصرف زمانی نهادینه می‌شود که مردم باور کنند نعمت، امانت الهی است و استفاده درست از آن، عبادتی است که جامعه را به عزت و برکت می‌رساند.

۲. خودتحریمی نکنیم

امروز، دشمن با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی و با ترویج فرهنگ تجمل گرایی، مصرف زدگی و چشم و هم چشمی، به دنبال فلج کردن اراده ملت هاست. وقتی ما بی محابا مصرف می کنیم، کالاهای غیر ضروری می خریم، یا برای تفاخر، هزینه های بی ثمر می پردازیم، عملاً به جای دشمن، خودمان بر خویش تحریم وضع می کنیم. این همان خودتحریمی پنهان است؛ یعنی نابود کردن منابع و سرمایه ها با دست خود.

اسراف و تجمل، ما را از استقلال اقتصادی دور می کند، روحیه قناعت و مقاومت را تضعیف می کند و تولید داخلی را زمین گیر می کند. درحقیقت، هر رفتار اسراف آمیز، ریختن آب به آسیاب دشمن است. دشمنی که می خواهد ملتی وابسته و مصرف محور بسازد تا به جنگ نیازی نداشته باشد.

راه مقابله با این تهاجم، بازگشت به فرمان الهی و اصلاح الگوی مصرف است؛ یعنی هوشیاربودن در برابر فریب ظواهر، ساده زیستی آگاهانه و پاسداری از نعمت های الهی به عنوان جهاد اقتصادی و فرهنگی در میدان امروز.



آیه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» ما را به بهره مندی شایسته از نعمت های الهی و پرهیز از زیاده روی فرا می خواند. اسراف، فقط زیاده روی در خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه نابسامانی در مصرف هر نعمت مادی و معنوی است. جامعه ای که نعمت ها را به اندازه و با شکرگزاری مصرف کند، به استقلال اقتصادی، نظم و عزت دست می یابد؛ اما جامعه ای که در مصرف افراط کند، هم محبت خدا را از دست می دهد و هم توان پایداری خود را.

مدیریت مصرف، تمرینی برای تقوا، عقلانیت و پاسداری از امانت‌های الهی و مسیری برای جلب محبت خدا و ساختن جامعه‌ای آباد و مقاوم است.

پرسش‌های درس

۱. مفهوم آیه محوری درس چیست و خداوند در این آیه چه دستوری به انسان‌ها داده است؟
۲. چرا اسراف از نظر قرآن ناپسند است و چه پیامدهایی برای فرد و جامعه دارد؟
۳. تفاوت میان استفاده درست از نعمت‌ها و اسراف در مصرف چیست؟
۴. پرهیز از اسراف چگونه می‌تواند به استقلال اقتصادی و پیشرفت کشور کمک کند؟

پیام‌های کاربردی

۱. اسراف فقط گناهی فردی نیست؛ بلکه به تهدید ملی تبدیل می‌شود.
۲. اسراف علاوه بر ضرر مادی، برکت و محبت الهی را نیز از انسان می‌گیرد.
۳. مؤمن با پرهیز از اسراف، سلاح معنوی و بزرگ‌ترین سرمایه‌اش را که محبت الهی است، حفظ می‌کند.
۴. اصلاح الگوی مصرف، پایه استقلال اقتصادی و پیشرفت پایدار کشور است.
۵. مصرف درست، نشانه ایمان، عقل و مسئولیت‌پذیری در برابر نعمت‌هاست.

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

از نعمت‌هایش به اندازه و با شکرگزاری بهره ببریم و با پرهیز از اسراف، پاسدار نعمت‌ها و استقلال جامعه باشیم.

حالا نوبت توست...

❁ اصلاح الگوی مصرف از خانه آغاز می‌شود. با خانواده گفت‌وگو کن تا روش‌هایی برای کاهش هزینه‌ها، استفاده بهینه از منابع و اصلاح الگوی مصرف در خانه طراحی کنید.

❁ هنگام وضوگرفتن یا شستن ظروف، شیر آب را بی دلیل باز نگذار. هدف‌گذاری کن که هر بار چند لیتر آب کمتر مصرف شود. هنگام غذاخوردن، به اندازه نیاز در ظرف بکش و مراقب باش هیچ لقمه‌ای از سفره‌ات دور ریخته نشود.

❁ فهرست خرید تهیه کن و فقط چیزهای ضروری را بخر. از خرید احساسی و تجملی پرهیز. لباس‌ها یا وسایل غیرضروری‌ات را که استفاده نمی‌کنی، به نیازمندان ببخش.

❁ با دوستان یا خانواده، پویش مصرف مسئولانه با شعار «نعمت امانت خداست» راه بیندازید و تجربیات خود را در صفحه‌جویی به اشتراک بگذارید.

❁

.....

.....

❁

.....

.....



درس نهم

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست

﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾

سوره انفال، آیه ۱۷

[ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی؛ بلکه خدا پرتاب کرد.



سُورَةُ الْأَنْبَاءِ

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ
الْكَافِرِينَ ﴿٨﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ
تَنْهَوْا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا نَعْدًا وَلَنْ نُّغْنِيَ عَنْكُمْ
فِتْنَتَكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿١٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿١١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ يُؤَيِّدُ
تُحْشَرُونَ ﴿١٤﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس نهم با محوریت آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ» بر یک اصل بنیادین قرآنی استوار است: در هیچ دستاوردی نباید خود را منشأ موفقیت دانست؛ بلکه انسان مجری اراده الهی است و پیروزی و اثرگذاری نهایی، فقط به خواست خدا تحقق می‌یابد.

این آیه نورانی و عمیق، در ماجرای جنگ بدر نازل شد؛ آن هنگام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشتی خاک و ریگ به سوی سپاه دشمن پرتاب کرد و به قدرت خدا همان خاک، چشمان دشمنان را پر کرد و صفوف آنان را در هم شکست. قرآن در این واقعه به روشنی بیان کرد که گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام کرد، نیروی اثرگذار از جانب خدا بود. این آموزه، محدود به نبرد بدر نیست؛ بلکه در هر زمان و هر عرصه‌ای که انسان به نتیجه می‌رسد، مصداق دارد.

مربی باید به فراگیران بیاموزد که تلاش و حضور در میدان، وظیفه ماست؛ اما غرور پس از پیروزی، خطری پنهان است که انسان را از مدار توحید خارج می‌کند. ایمان حقیقی یعنی دیدن دست خدا در همه موفقیت‌ها. این نگاه، هم مانع خودبزرگ بینی است و هم از ناامیدی در شکست جلوگیری می‌کند. برای آموزش بهتر این درس، مربی می‌تواند از فراگیران بخواهد موقعیت‌هایی از زندگی خود را بازگو کنند که در آن احساس کرده‌اند نیرویی فراتر از توانشان یاری‌شان کرده است. روایت داستان‌های الهام‌بخش از توفیقات الهی در زندگی بزرگان نیز می‌تواند این مفهوم را عمیق‌تر در دل مخاطبان بنشانند.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم توکل و نقش مشیت الهی در موفقیت‌ها را درک کند.
۲. مرز بین تلاش انسانی و عامل نهایی موفقیت را به درستی بشناسد.
۳. روحیه تواضع و پرهیز از غرور ناشی از موفقیت‌ها را در خود تقویت کند.
۴. انگیزه‌اش برای استمرار تلاش در مواجهه با شکست‌ها افزایش یابد.

دست، دست خداست

دیده‌ای یک جراح بعد از یک عمل جراحی سخت و موفق، دست‌هایش را نگاه می‌کند و می‌گوید: «انگار این دست‌های من نبود» یا یک آتش‌نشان بعد از نجات کودکی از دل شعله‌ها، می‌گوید: «نمی‌دانم چطور شد. نیرویی مرا به جلو هل داد» یا رزمنده‌ای در خط مقدم زیر آتش دشمن، خمپاره‌ای شلیک می‌کند و بعد می‌فهمد همان شلیک مسیر نبرد را عوض کرده، با چشمانی اشک‌آلود می‌گوید: «آن تیر از من نبود. انگار دستی دیگر شلیک کرد»؟

قرآن کریم این حقیقت را زآلود را چنین یادآور می‌شود:

﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ﴾^۱

تو تیر نینداختی آن‌گاه که انداختی؛ بلکه خدا بود که انداخت. یعنی تو تمام تلاشت را بکن، تمام مهارتت را به کار بگیر؛ اما در نهایت، بدان این تو نیستی که نتیجه را رقم می‌زنی. تو وسیله‌ای و این «دست خدا» است که از آستین تو بیرون می‌آید و کار را تمام می‌کند.

راز پیروزی‌های بزرگ

این آیه، رمز موفقیت کارهای بزرگ است. این آیه، یکی از زیباترین و عمیق‌ترین آیات درباره نسبت انسان و خدا در صحنه عمل است. در ظاهر،

۱. سوره انفال، آیه ۱۷

پیامبر اسلام ﷺ در میدان بدر، مشتی خاک و سنگ ریزه برداشت و به سوی دشمن پرتاب کرد. تعداد سپاه دشمن چند برابر بود؛ اما همان مشت خاک، به قدرت الهی تبدیل شد و چشمان دشمن را پر کرد و صفوف آنان را در هم ریخت. قرآن با این جمله شگفت انگیز، راز پیروزی را روشن می کند: **﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾**؛ یعنی «تو نینداختی آن گاه که انداختی؛ بلکه خدا بود که انداخت».

در این آیه، خداوند نه تلاش انسانی را نادیده می گیرد و نه آن را اصل می داند؛ بلکه میان «فعل انسان» و «اراده خدا» پلی از توحید می زند. یعنی تو باید بکوشی، بجنگی، کار کنی، برنامه بریزی و در میدان باشی؛ اما هرگز خیال نکن که نتیجه از آنِ توست. تو مجری اراده خدایی؛ نه منشأ قدرت. اگر تیر تو به هدف نشست، اگر سخت اثر کرد، اگر طرح و تدبیرت موفق شد، این از آنِ اوست که قدرت را در دستان تو جاری کرد.

مغرور مشو...

این آیه برای هر انسانِ مؤمن و اهل تلاش درسی بزرگ دارد: مواظب باش بعد از پیروزی، «من» در جانت ریشه ندواند. غرور، آفت پیروزی است. غرور، لحظه ای است که خدا را از معادله حذف می کنی و خودت را علت اصلی می پنداری. قرآن با بیانی دقیق می گوید: اگرچه تو انداختی، درحقیقت، او انداخت. این جمله، ظاهراً تناقض دارد؛ اما در عمق خود، توازن زیبایی میان اختیار انسان و قدرت خدا را می نمایاند.

در میدان زندگی، گاه انسان موفق می شود، گاه پیروز می شود، گاه به قله ای می رسد. در آن لحظه ها، خطر غرور از هر دشمنی نزدیک تر است. هرکس خیال کند پیروزی، دستاورد توانایی و تدبیر خودش بوده، درواقع، از جاده توحید منحرف شده است.

مؤمن راستین، پس از هر دستاورد، می‌گوید: ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي﴾.^۱ او می‌داند که تیرش، اگر به هدف نشسته، از آن روست که خدا خواسته است. او باور دارد که فاعل حقیقی و نیروی اصلی که پیروزی را محقق می‌کند، اراده و قدرت خداوند است که از طریق دستان و اراده مؤمنان تجلی پیدا می‌کند. به قول مولوی:

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست
ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. وقتی شکست می‌خوری، معمولاً چه احساسی داری؟ آیا این احساس تو را از تلاش باز می‌دارد؟
۲. در زندگی شخصی من، چقدر غرور و خودبزرگ‌بینی ناشی از موفقیت‌هایم وجود دارد؟ آیا گاهی موفقیت‌ها باعث شده خودم را تنها عامل موفقیت بدانم؟
۳. اگر توکل واقعی و نگاه توحیدی خودت را در زندگی تقویت کنی، فکر می‌کنی چه تغییر ملموسی در روحیات تو رخ خواهد داد؟
۴. چه قدم‌هایی می‌توانم بردارم تا غرور از موفقیت‌ها کمتر شود و توکلم افزایش یابد؟

۱. [حضرت سلیمان علیه السلام گفت:] این از فضل و احسان پروردگار من است (سوره نمل، آیه ۴۰).

۱. خرمشهرها را خدا آزاد می‌کند!

جمله مشهور و تاریخی «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، جمله‌ای است که امام خمینی علیه السلام هنگام آزادسازی خرمشهر در جنگ تحمیلی هشت ساله در سال ۱۳۶۱ بیان کردند و به حقیقت عمیق آیه اشاره دارد.

در آن روزها، رزمندگان ایرانی با وجود کمبود نیرو و تجهیزات، با شجاعت، فداکاری و تلاش بی‌وقفه وارد میدان نبرد شدند و این تلاش انسانی، لازم و مؤثر بود؛ اما فرماندهان جنگ پس از پیروزی، همگی بر این نظر بودند که این فتح با محاسبات عادی نظامی جور در نمی‌آمد. شهید صیاد شیرازی علیه السلام بارها اشاره کرد که امدادهای غیبی و قدرتی فراتر از توان رزمندگان، کار را به سرانجام رساند. امام خمینی علیه السلام نیز با این جمله تاریخی، دقیقاً به همین حقیقت قرآنی اشاره داشتند.

اما نکته کلیدی همان پیام آیه است: پیروزی نهایی و بازپس‌گیری خرمشهر، فقط نتیجه کوشش انسان‌ها نبود؛ بلکه تجلی اراده و قدرت الهی بود که در کنار ایمان، توکل و ایثار رزمندگان باعث شد دشمن شکست بخورد و شهر آزاد شود.

این جمله و اتفاق، به روشنی نشان می‌دهد که:

– تلاش و مجاهدت رزمندگان واجب و ضروری بود.

– غرور و خودبزرگ‌بینی ممنوع است؛ موفقیت نهایی دست خداست.

– ایمان، توکل و ایثار، نیروی واقعی پیروزی را فراهم می‌کند.

این حادثه، برای ملت ایران یک درس تاریخی و اعتقادی بزرگ است: هیچ پیروزی انسانی بدون عنایت و مشیت الهی کامل نمی‌شود. وقتی ملت ایران این حقیقت را بپذیرد و در همه عرصه‌ها (چه دفاعی، چه علمی، فرهنگی

یا اقتصادی) با توکل و تلاش وارد شود، مسیر عزت، استقلال و پیشرفت هموار خواهد شد.
باید باور کنیم که آری، همهٔ خرمشهرها را خدا آزاد می‌کند.

۲. «من» و «ما» را برداریم

آیه محوری درس که می‌گوید فاعل حقیقی، اراده و قدرت خداوند است که از طریق انسان‌ها تجلی پیدا می‌کند، در همهٔ عرصه‌ها جاری است؛ در علم، هنر، سیاست، تبلیغ و حتی تربیت فرزندان.

پدر و مادری که در تربیت فرزندشان موفق می‌شوند، اگر بگویند: «ما خوب تربیت کردیم»، بی‌آنکه به فضل الهی توجه کنند، از مدار توحید خارج شده‌اند. سخنرانی که در اثرگذاری موفق عمل می‌کند، اگر بگوید: «این تأثیر نفس من بود» که مخاطبان را دگرگون کرد، دچار نوعی شرک شده است. همان‌گونه که مجاهدی که در میدان نبرد پیروز می‌شود، اگر خود را قهرمان میدان بداند و نه ابزار دست خدا، از حقیقت توحید دور افتاده است.

در حقیقت، این آیه دعوتی است برای حضور فعال در عرصه‌های مختلف زندگی، همراه با تواضع عمیق و نگاه موحدانه. یعنی: در صحنه باش؛ اما خودت را محور نبین. حرکت کن؛ اما بدان که نیروی محرک، اوست. همه‌جا دست خدا را آشکارا ببین و «من» و «ما» را از میان بردار و نتیجه را از آن خدا بدان تا نه در پیروزی‌ها مغرور شوی و نه در شکست‌ها مأیوس گردی.



آیه «وَمَا رَمَيْتُ إِذْ رَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» درس بزرگی از توحید در عمل به ما می‌دهد: انسان باید در میدان تلاش و مجاهدت حاضر باشد؛ اما هرگز موفقیت را به خود نسبت ندهد. خداست که قدرت را در دستان انسان

جاری می‌کند و نتیجه را رقم می‌زند. «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ» یعنی کار از توست؛ اما تأثیر از اوست: «وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى». این نگاه، انسان را از غرور پس از پیروزی و یأس پس از شکست حفظ می‌کند. وقتی بدانی همه‌کاره خداست، نه پیروزی مغرورت می‌کند و نه ناکامی ناامیدت. چنین ایمانی، ریشه آرامش و اخلاص در همه میدان‌های زندگی است.

پرسش‌های درس

۱. چه رابطه‌ای بین تلاش انسان و مشیت الهی در آیه محوری درس وجود دارد؟
۲. این آیه چگونه می‌تواند غرور و خودبزرگ‌بینی را در موفقیت‌ها کاهش دهد؟
۳. اگر کسی شکست بخورد، آیه چگونه او را به تلاش دوباره و امید هدایت می‌کند؟
۴. جمله «خرم شهر را خدا آزاد کرد» از کیست و در چه شرایطی گفته شده است؟

پیام‌های کاربردی

۱. تلاش و مجاهدت لازم است؛ اما عامل نهایی موفقیت خداست.
۲. غرور و خودبزرگ‌بینی ممنوع است. مؤمن همیشه حتی در موفقیت‌ها فروتن است.
۳. شکست‌ها فرصتی برای رشد و تمرین توکل‌اند.
۴. هر اقدام کوچک، وسیله‌ای برای تجلی قدرت خداست.
۵. توکل و اعتماد به خدا، ضامن استمرار موفقیت است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در اوج تلاش و پیروزی، مغرور نشویم و بدانیم فاعل حقیقی و نیروی مؤثر در هر موفقیت، فقط اوست.

حالا نوبت توست...

پیش از آغاز هر کار، ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را برای یادآوری اینکه نیروی واقعی از خداست، بگو.

گفتن ذکر «الحمد لله» پس از هر موفقیت یا پیشرفت نیز برای جلوگیری از غرور و تقویت حس شکرگزاری در برابر نقش خدا در نتیجه، بسیار مؤثر و تأثیرگذار است.

برای تمرین تواضع پس از موفقیت‌ها، به جای «من موفق شدم»، بگو: «لطف خدا بود که نتیجه گرفتم».

در لحظه ناکامی، به جای ناامیدی، بگو: «حتماً حکمتی در کار است». عادت به این جمله، نشانهٔ باور به تدبیر خدا در پس ظاهر شکست‌هاست.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس دهم

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾

سوره انفال، آیه ۶۰

[برای مقابله با دشمن] هرچه می‌توانید نیرو آماده کنید [تا
دشمنان خدا و دشمنان خودتان را به وحشت اندازید].



سُورَةُ الْأَنْبَاءِ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ
يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابٌ ءَالِ
فِرْعَوْنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاذِبٍ لِّمِينٍ ﴿٥٤﴾
إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
﴿٥٥﴾ ٱلَّذِينَ عٰهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ
مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فَمَا تَتَّقُهُمْ فِي ٱلْحَرْبِ فَشَرَّدْتَهُم
مِّنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ
خِيَانَةً فٱنذِرْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَآءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْخَآئِنِينَ
﴿٥٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ
﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَآخِرِينَ مِن دُونِهِمْ
لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ
ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ جَحَوْلِلْسَلِمٌ
فَاجْتَنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس دهم با محوریت آیه «وَأَعِزُّوهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» بر اصل آمادگی همه جانبه و ایجاد اقتدار بازدارنده استوار است. شأن نزول آیه ناظر به دوران پس از جنگ بدر است که مسلمانان تازه قدرت یافته، باید برای جلوگیری از تهاجم دشمن، خود را مجهز می‌کردند؛ اما پیام آیه فراتر از زمان و مکان نزول آیه، این است که هر جامعه‌ای برای حفظ عزت و امنیت خود، نیازمند توان و آمادگی درونی است.

این آیه از قواعد بنیادین حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی است. خداوند در این آیه فرمان می‌دهد: «هرچه در توان دارید، برای مقابله با دشمن آماده کنید». مقصود از «قُوَّة»، فقط قدرت نظامی نیست؛ بلکه همه ابعاد قدرت (علمی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، رسانه‌ای، سیاسی و جمعیتی) را دربرمی‌گیرد. براین اساس، قرآن آموزان باید دریابند که علاوه بر تقویت بنیه نظامی، هر پیشرفت علمی، هر تلاش اقتصادی و هر کار فرهنگی مؤمنانه، مصداق از اجرای این آیه است. مربیان گرامی، هنگام تدریس، این نکته را نیز برای قرآن آموزان تبیین کنید که آمادگی نظامی فقط برای جنگ نیست. درواقع، هدف قرآن از قدرت‌سازی، تهاجم یا برتری‌جویی نیست؛ بلکه بازدارندگی و صیانت از صلح و عزت است. به زبان ساده، قرآن می‌خواهد مؤمنان چنان قوی باشند که هیچ دشمنی به خود جرئت حمله ندهد.

برای آماده‌سازی ذهن فراگیران، علاوه بر مطالبی که در آغاز درس به عنوان ورودیه آمده، می‌توانید درس را با پرسش‌های تأملی از این قبیل آغاز کنید: «به نظر شما، اگر جامعه‌ای آماده نباشد، چه می‌شود؟».



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم آیه محوری درس و گستره معنایی «قُوَّة» را در ابعاد مختلف زندگی دریابد.
۲. اهمیت آمادگی و اقتدار بازدارنده را به عنوان شرط حفظ استقلال و عزت جامعه درک کند.
۳. نمونه‌هایی از ملت‌هایی را که بر اثر ضعف و بی‌توجهی به قدرت‌سازی آسیب دیدند، تحلیل کند.
۴. در زندگی فردی و اجتماعی، روحیه تلاش، خوداتکایی و تقویت توان علمی و فرهنگی خود را به کار گیرد.



باید قوی باشیم

هیچ تیم فوتبالی نمی‌گوید: «چون توکل‌مان به خداست، دیگر تمرین نمی‌کنیم». هیچ دانشجویی نمی‌گوید: «چون خدا روزی‌رسان است، دیگر درس نمی‌خوانم». ایمان به خدا، به معنای نشستن و منتظر معجزه بودن نیست. خدا از ما خواسته که تا آخرین حد توانمان، قوی باشیم؛ هم از نظر علمی، هم اقتصادی، هم بدنی و هم نظامی. آماده‌بودن و تلاش برای قوی‌شدن، دستور مستقیم قرآن است. آن وقت است که اگر با تمام قدرت وارد میدان شدی، می‌توانی روی کمک او هم حساب کنی.

قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ^۱

تا می‌توانید، برای مقابله با دشمنان،
نیرو و توان فراهم کنید.

اصل بازدارندگی فعال

این آیه، دستور راهبردی قرآن برای ساخت اقتدار بازدارنده است. یعنی جامعه مؤمن باید در همه عرصه‌ها قوی و آماده باشد تا استقلالش حفظ، امنیتش تضمین و دشمن از اندیشه تجاوز و سلطه بر آن مأیوس شود.

۱. سوره انفال، آیه ۶۰

خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که هیچ‌گاه از ساختن قدرت غافل نشوند. اسلام، دین صلح و مهربانی است؛ اما صلح را در سایه قدرت می‌خواهد؛ نه در سایه ضعف. این آیه، اصل طلایی («اقتدار بازدارنده») را مطرح می‌کند. یعنی جامعه مؤمن باید چنان آماده و قوی باشد که دشمن حتی جرئت فکر حمله را هم در سر نپروراند.

این دستور قرآنی، تنها راه تأمین امنیت واقعی و خنثی‌سازی تهدیدهاست؛ زیرا دشمن فقط در صورت مواجهه با یک ساخت درونی مستحکم و آمادگی همه‌جانبه، از حمله منصرف می‌شود. این آیه، نسخه الهی برای ملت‌هایی است که می‌خواهند آزاد بمانند. استقلال، بدون کسب («قدرت بازدارنده») و فقط با شعار حفظ نمی‌شود. باید برایش هزینه داد، برنامه داشت و قدرت ساخت. هر جامعه‌ای که از درون قوی شود، از بیرون آسیب نمی‌بیند؛ اما جامعه‌ای که آمادگی خود را از دست دهد، دیر یا زود طعمه طمع دشمنان خواهد شد.

در تاریخ معاصر، کشورهایی چون لیبی نمونه‌های تلخ بی‌توجهی به اصل بازدارندگی‌اند. آنان بدون ایجاد قدرت درونی و تکیه بر استقلال واقعی، به دشمنان و قدرت‌های بزرگ و استعمارگر، اعتماد کردند و نتیجه آن، اشغال، فروپاشی، تجزیه و از دست رفتن عزت و اقتدار ملی‌شان بود.

آمادگی امروز، امنیت فردا

قرآن نمی‌خواهد ما جنگ طلب باشیم؛ بلکه می‌خواهد چنان آماده باشیم که جنگی رخ ندهد. این آیه، نقشه حفظ صلح و امنیت است؛ نه نقشه جنگ. صلحی که برپایه ضعف باشد، سرابی بیش نیست؛ اما صلحی که بر شانه قدرت بنا شود، ماندگار و عزتمند است؛ زیرا امنیت پایدار، فقط در سایه اقتدار تأمین می‌شود.

سردار شهید حسن تهرانی مقدم علیه السلام، پدر صنعت موشکی ایران، تمام عمر خود را وقف تحقق همین آیه کرد. او با دست خالی شروع کرد؛ اما با باور به این فرمان، شبانه روز تلاش کرد تا ایران را به قدرتی بازدارنده تبدیل کند و امنیت امروز کشور اسلامی مان را رقم بزند. همان کسی که می گفت: «روی سنگ قبرم بنویسید: اینجا مدفن کسی است که می خواست اسرائیل را نابود کند». این جمله اوج تلاش او برای کسب «قدرت» در برابر دشمن بود.

به قول شاعر:

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

لحظه ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. سهم من در اجرای فرمان قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» در

جامعه چیست؟

۲. «قُوَّة» در زندگی امروز من چه معنایی دارد و من در چه زمینه هایی

باید آن را در خود تقویت کنم؟

۳. آیا من در مواجهه با جنگ شناختی دشمن که به طور گسترده در

رسانه ها و شبکه های مجازی در جریان است، توان و آمادگی لازم را

کسب کرده ام؟

۴. آیا برای رشد علمی و فکری خودم برنامه دارم تا در برابر دشمن جهل و

فریب، مقاوم بمانم؟

۱. «ایران قوی» دستور قرآن است

وقتی قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، یعنی هر مقدار که می‌توانید، باید قدرت فراهم کنید تا دشمن از فکر تجاوز بازماند. درواقع این آیه، نقشه الهی برای امت‌های مستقل است و معنای روشنی دارد: جامعه مؤمن باید قوی باشد تا بماند.

امروز، ایران اسلامی در خط مقدم تحقق این آیه ایستاده است. کشوری که می‌خواهد مستقل بماند، باید در علم، اقتصاد، فرهنگ، سیاست، رسانه و دفاع، توانمند و خوداتکا باشد. ضعف در هر یک از این عرصه‌ها، شکافی در دیوار اقتدار ملی است. قرآن به ما می‌گوید امنیت خریدنی نیست؛ ساختنی است؛ امنیت و اقتدار پایدار با ایمان، کار، علم، اتحاد و قدرت ساخته می‌شود.

ایران قوی یعنی ایرانی که سرنوشت خود را با دست خویش رقم می‌زند؛ نه با لبخند دشمن و وعده بیگانه؛ یعنی ملتی که در برابر فشارها نمی‌لرزد؛ بلکه با تکیه بر خدا و تلاش خستگی‌ناپذیر، از درون قدرتمند می‌شود و اقتدار می‌آفریند.

دستور قرآن روشن است: مؤمن ضعیف، بازپچه حوادث می‌شود؛ اما مؤمن قوی، امان زمین است. پس تقویت ایران اسلامی، فقط یک شعار ملی یا راهبرد سیاسی نیست؛ واجبی دینی و قرآنی است. تا وقتی این ملت، فرمان «وَأَعِدُّوا» را جدی بگیرد، هیچ قدرتی توان تحقیرش را نخواهد داشت؛ زیرا خداوند، عزت را به اهل ایمان آماده و قوی وعده داده است.

۲. قوی شدن در همه ابعاد

آیه محوری درس، درباره ابعاد و گستره آمادگی دفاعی، اشاره مهم و دقیقی دارد. جالب است که قرآن نمی گوید: فقط «قدرت نظامی» را افزایش دهید؛ بلکه می فرماید: «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ یعنی هر نیرویی که در توان دارید، در هر زمینه ای که می توانید. این وسعت معنا، راه را برای ساخت تمدنی بزرگ و مستقل باز می کند.

یک ملت بزرگ به این مؤلفه ها نیاز دارد:

- قوّت نظامی: توان دفاعی و بازدارندگی در برابر تهدیدهای سخت.
- قوّت علمی: تسلط بر دانش روز، از فناوری تا هوش مصنوعی؛ زیرا امروز جنگ ها در آزمایشگاه ها و شبکه ها رخ می دهد؛ نه فقط در میدان ها.
- قوّت اقتصادی: بی نیازی از دشمن، ستون فقرات استقلال است. جامعه ای که از نظر اقتصادی وابسته است، حتی اگر دیوار فولادی داشته باشد، از درون آسیب پذیر است.
- قوّت فرهنگی: ایمان، هویت و روحیه مقاومت مردم؛ نیرویی نرم که اگر فروبریزد، سلاح ها بی اثر می شوند.
- قوّت سیاسی: هوشمندی در تصمیم گیری، وحدت در راهبرد و انسجام درون نظام اسلامی.
- قوّت جمعیتی: نیروی انسانی جوان، پرانرژی و با انگیزه، موتور حرکت هر ملت است.
- قوّت فضای مجازی و رسانه ای: امروزه، جنگ ها پیش از آنکه با گلوله آغاز شود، با خبر و تصویر آغاز می شود. جامعه ایمانی باید در این میدان نیز «مسلح» باشد و روایت برتر از آن او باشد.

این درس بر اصل حیاتی «آمادگی و اقتدار بازدارنده» تأکید دارد. یعنی جامعهٔ ایمانی برای حفظ استقلال و امنیت خود باید در همهٔ عرصه‌ها (نظامی، علمی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای) قوی باشد. قرآن با فرمان «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» می‌خواهد مؤمنان را از غفلت، وابستگی و ضعف برهاند و آنان را به ساخت قدرت درونی فراخواند؛ قدرتی که نه برای تجاوز، بلکه برای صیانت از عزت و صلح پایدار است. ملت‌ها زمانی آزاد می‌مانند که درونشان قوی باشد. پس ساخت ایران قوی، اجرای عینی این آیه و تضمین عزت و استقلال امت اسلامی است.

پرسش‌های درس

۱. مقصود قرآن از فرمان «وَأَعِدُّوا...» چیست و چرا این دستور برای همهٔ زمان‌ها کاربرد دارد؟
۲. واژهٔ «قُوَّة» در این آیه چه معنا و گستره‌ای دارد و شامل چه ابعادی از قدرت می‌شود؟
۳. هدف قرآن از قدرت‌سازی چیست و چه تفاوتی میان «اقتدار بازدارنده» و «قدرت‌طلبی تجاوزگرانه» وجود دارد؟
۴. با ذکر دو نمونهٔ تاریخی، نشان دهید ملت‌هایی که اصل آمادگی و اقتدار را نادیده گرفتند، چه سرنوشتی پیدا کردند.

پیام‌های کاربردی

۱. قدرت‌سازی، دستور قرآن برای حفظ استقلال و عزت جامعه است.
۲. امنیت پایدار، نتیجه آمادگی مداوم و اقتدار درونی است؛ نه وابستگی به دیگران.
۳. اقتدار بازدارنده، دشمن را از تجاوز و سلطه بر امت اسلامی باز می‌دارد.
۴. هر مؤمن با تلاش و خوداتکایی، بخشی از قدرت امت اسلامی است و سهمی در تحقق فرمان «وَأَعِدُّوا...» دارد.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

همواره با تمام توان، در همه عرصه‌ها، قوی و آماده باشیم تا استقلال، امنیت و عزت جامعه ایمانی حفظ شود.

حالا نوبت توست...

- هر روز زمانی را برای تقویت روح و جسم خود اختصاص بده تا در برابر سختی‌ها مقاوم و آماده باشی. مثلاً برنامه‌ای منظم برای ورزش روزانه تدارک ببین یا برنامه‌ای برای افزایش دانش و مطالعه در حوزه‌های علمی و دینی تنظیم کن.
- مهارتی بیاموز که به استقلال اقتصادی و توانمندی تو کمک کند. همچنین، از کالا و تولید داخلی حمایت کن تا پایه‌های اقتصادی کشور نیرومند شود.
- در برابر هجمه‌های فکری و رسانه‌ای، سواد رسانه‌ای و تحلیل خود را تقویت کن.
- یک برنامه تهجد سحرگاهی برای تقویت ایمان و ارتباط قلبی‌ات با خداوند برنامه‌ریزی کن تا از درون مقاوم و پرانرژی باشی.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



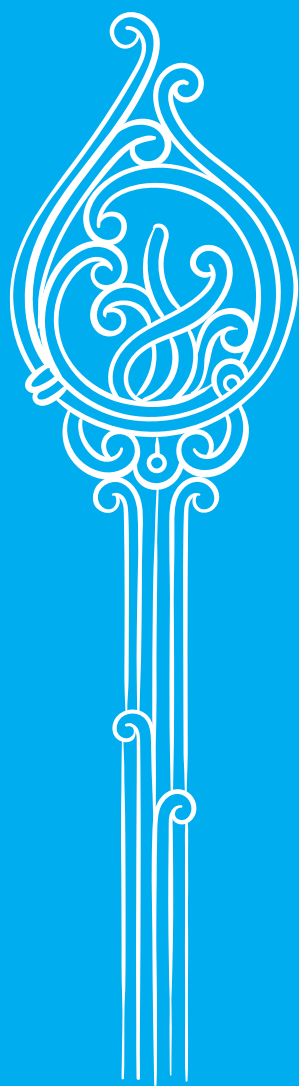
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس یازدهم

گردوست، جان و سر طلبد ایستاده‌ایم

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾

سوره توبه، آیه ۱۱۱

مسلماً خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای
اینکه بهشت برای آنان باشد خریداری کرده است.



سُورَةُ التَّوْبَةِ

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
 وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
 لَكَاذِبُونَ ﴿١٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا الْمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ
 مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ
 يَتَّخِذُوا اللَّهَ وَاعْتِزَالَهُمْ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
 عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
 عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
 الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً
 فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٠﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
 بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
 وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
 بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٢١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس یازدهم برپایه آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ...» مفهوم بلند ((معامله با خدا)) را در اوج ایثار و استقامت ترسیم می‌کند. این آیه، انگیزه می‌دهد که مؤمن، جان و مال خویش را در راه حفظ دین، عزت و استقلال جامعه اسلامی تقدیم کند و در برابر، پاداشی جاودانه دریافت کند؛ از این رو، این آیه دعوتی همیشگی برای همه مؤمنان در طول تاریخ است تا روح جهاد، استقامت و ایثار را در خود زنده نگه دارند.

در آموزش این درس لازم است بر چند نکته تأکید شود: نخست، ارزش والای جان مؤمن و فانی و موقتی بودن حیات دنیوی او و اینکه باید جان را فقط در مسیر رضای الهی صرف کرد. دوم، تبیین مفهوم ((مرگ تاجران)) و نگاه مؤمنانه به شهادت به عنوان معامله‌ای سودمند با خدا. سوم، پیوند مفهوم جهاد و ایثار به عرصه‌های گوناگون زندگی امروز؛ از جهاد علمی و فرهنگی گرفته، تا جهاد اقتصادی و اخلاقی.

مربیان گرامی، این درس فرصتی است تا قرآن‌آموزان مفهوم عمیق ایثار جان و مال در راه خدا را با زندگی روزمره خود پیوند دهند. آیه محوری درس، نه تنها به فداکاری در میدان نبرد اشاره دارد، بلکه الگویی کلی برای معامله جاودانی با خدا ارائه می‌دهد؛ معامله‌ای که جان، مال، وقت و توان را در مسیر خیر و عدالت خرج می‌کند و پاداش رضایت الهی و سعادت ابدی است. برای تدریسی اثرگذار، می‌توان از مثال‌های عینی، خاطرات شهدا و پرسش‌های تأمل برانگیز استفاده کرد تا مفهوم آیه برای قرآن‌آموز ملموس و شخصی‌سازی شود.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم شهادت و «معامله با خدا» را در آیه محوری درس درک کند.
۲. بر اهمیت ایثار و فداکاری فردی و اجتماعی در راه خدا و رابطه آن با استقلال آگاهی یابد.
۳. برای انجام اعمال خیر و خدمت اجتماعی با نیت الهی انگیزه پیدا کند.
۴. در زندگی روزمره، روح ایثار و استقامت در انجام وظایف الهی را در خود تقویت کند.

معامله جاودانه

هیچ کالایی ارزش جان انسان را ندارد؛ مگر آنکه خریدارش خدا باشد. اگر روزی قرار است این دارایی از ما گرفته شود، چرا آن را به دست کسی نسپاریم که آفریننده آن است و در برابرش پاداش جاویدان بهشت را به ما می‌بخشد؟ قرآن کریم ما را به این معامله پرسود دعوت می‌کند:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾^۱

یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای

آنکه بهشت برای آنان باشد، خریده است.

این آیه، روح جهاد و ایثار را در میدان مبارزه، در زیباترین و عمیق‌ترین شکل ممکن بیان می‌کند؛ خدا خریدار است و مؤمن فروشنده. کالای این معامله، جان و مال انسان است و بهای آن بهشت ابدی.

شهادت؛ قله ایثار و استقامت

شهادت در نگاه قرآن، پایان زندگی نیست؛ آغاز تجارتی است که هر مؤمن هوشمند به دنبال آن است. آن‌گاه که مؤمن در میدان ایمان، جان و مال خود را تقدیم معبود می‌کند، در حقیقت، به بلندترین قله استقامت و ایثار رسیده است. آیه محوری درس، تصویری از همین قله است. جایی که

۱. سوره بقره، آیه ۴۵

انسان، خود را در معامله‌ای عاشقانه با خدا قرار می‌دهد و هرآنچه دارد، در طبق اخلاص می‌گذارد.

شهادت، نهایت وفاداری است؛ یعنی تا آخرین نفس، برپیمان ایمان ایستادن. شهید، تسلیم دشمن نمی‌شود؛ حتی اگر جان‌ش در خطر باشد؛ زیرا می‌داند مرگ در راه خدا، زیباترین شکل زندگی است. او جان خود را با خدا معامله می‌کند و زندگی دنیوی و فانی‌اش را می‌دهد تا حیات جاودان را به دست آورد.

در روزگار ما، شهید محسن حججی، نمونه‌ای از این دست انسان‌هاست. او از جمله جوانان غیوری بود که از این معامله‌ی جاودانه، سربلند بیرون آمد. شهید حججی پیش از شهادت، در وصیت‌نامه‌اش از همه خواسته بود طوری زندگی کنند که خدا خریدارشان شود. نگاه او به شهادت، نه مرگی تلخ، که «معامله»‌ای شیرین و آگاهانه بود. او جان‌ش را که امانتی الهی بود، در راه خدا داد تا حیات بهشتی و ابدی را از خدا «خریداری» کند. این نگاه، ترس از مرگ را به شوق لقای محبوب بدل می‌کند.

رمز رسیدن به استقلال

استقلال حقیقی، زمانی به دست می‌آید که یک ملت، نه تنها در مرزهای جغرافیایی، بلکه در عرصه‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز آزاد و مستقل باشد و روی پای خود بایستد. فرهنگ ایثار و شهادت، کلید رسیدن به این استقلال همه‌جانبه است؛ زیرا به انسان می‌آموزد که برای ارزش‌های الهی و مصالح جامعه اسلامی، از راحتی و منافع شخصی بگذرد و در برابر سختی‌ها عقب‌نشینی نکند.

ازسویی، روحیه ایثار و شهادت، فقط مخصوص میدان جنگ نیست. در جهاد علمی، دانش‌آموز و دانشمند با پشتکار و تلاش مضاعف، می‌توانند کشور را از وابستگی علمی رها کنند. در جهاد فرهنگی، اهل فرهنگ و هنر

از هویت دینی و اصالت‌های ملی پاسداری می‌کنند. در جهاد اقتصادی، کارآفرین و کارگر با همت و صداقت، از تولید ملی حمایت می‌کنند و اقتصاد را مقاوم می‌سازند. در جهاد سیاسی، مدیران و مسئولان با شجاعت در برابر فشار دشمن می‌ایستند و تصمیم‌های عزت‌آفرین می‌گیرند.

همه این رفتارها ریشه در یک حقیقت دارد: «ایثار». ملتی که فرهنگ ایثار و شهادت در آن زنده است، در برابر تهدید، تطمیع و تحریم خم نمی‌شود. در تاریخ اسلام، از بدر و احد گرفته تا کربلا و دوران دفاع مقدس، این فرهنگ شهادت بود که جامعه اسلامی را زنده و بیدار نگه داشت. چنین جامعه‌ای عزتمند، مقاوم و مستقل خواهد بود. رمز استقلال پایدار، گسترش همین فرهنگ در همه میدان‌های زندگی است.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. اگر خدا خریدار جان و مال من است، آیا من حاضرم کالایم را به او بفروشم؟
۲. در حال حاضر، جان و مال من در چه راهی صرف می‌شود؟ در مسیر رضای خدا یا در مسیر خواسته‌های دنیایی؟
۳. شهادت در زمانه ما فقط در میدان جنگ نیست. من در چه میدان‌هایی می‌توانم «شهیدگونه» زندگی کنم؟
۴. چه عواملی می‌تواند انگیزه ایثار و مقاومت را در من تقویت کند؟



۱. شهید زندگی کنیم

در آیه محوری درس، سخن از معامله‌ای بزرگ آمده که پاداشی جاویدان برای آن تضمین شده است. طبیعی است که با خواندن چنین آیاتی در

وجود بسیاری از مؤمنان (به ویژه جوانان و نوجوانان) «شوق شهادت» ایجاد شده باشد. سؤال این است که ما چگونه می‌توانیم در این معامله پرسود، وارد شویم و به این فیض عظیم دست یابیم؟

برای اینکه بتوانیم در معامله الهی، جان خود را در مسیر خدا فدا کنیم، باید پیش از آن شهید زندگی کرده باشیم. یعنی زندگی و رفتارمان، شبیه شهدا باشد. به قول سردار شهید حاج قاسم سلیمانی علیه السلام: «شرط شهید شدن، شهید بودن است». کسی که دوست دارد در راه خدا شهید شود، باید پیش از آن، بوی شهادت از کلام، رفتار و اخلاق او استشمام شود تا شهادت نصیبش شود.

«شهید بودن» یا «شهید زندگی کردن»، یعنی حیاتی آکنده از ایثار، خدمت، صداقت و مقاومت در برابر نفس داشتن. یعنی در میدان زندگی روزمره، همان روح فداکاری جبهه را زنده نگه داریم. کسی که دروغ نمی‌گوید، حق مردم را رعایت می‌کند، در کار کوتاهی نمی‌کند، در برابر ظلم سکوت نمی‌کند و به نیازمندان بی‌منت کمک می‌کند، در حقیقت، دارد شهیدگونه زندگی می‌کند.

شهید زندگی کردن، یعنی هر روز بخشی از «خودخواهی» خود را قربانی کنی و «برای خدا» زندگی کنی. مثل معلمی که با نیت تربیت نسل مؤمن، با عشق درس می‌دهد؛ پدری که با خستگی کار می‌کند تا خانواده‌اش در رفاه و آرامش باشد؛ یا جوانی که برای رسیدن به خشنودی پروردگار، از راحتی‌اش می‌گذرد تا دل دیگران را شاد کند. به هر ترتیب، شهید شدن، پاداشی کسی است که در تمام عمر، شهید زیسته است.

۲. گوهر جان است به شیطان مده

جان، گوهر نایابی است که خداوند در وجود ما به ودیعه نهاده است؛ گوهری که نه در زمین یافت می‌شود و نه در آسمان‌ها همتایی دارد. مؤمن

می‌داند که این جان، کالای بی‌بدیل بازار آفرینش است و فقط یک خریدار شایسته دارد: «خدای جان آفرین». آیهٔ درس یادآور همین حقیقت است که جان مؤمن، سرمایهٔ معامله با خداست؛ نه ابزار بازی در دست شیطان. چه خسارتی بالاتر از آنکه انسان گوهر جاننش را در بازار هوس و دنیا بفروشد؟ در این بازار مکاره، شیطان هم خریدار است؛ اما خریدار فریبکاری که دارایی ارزشمند تو را می‌گیرد و در عوض، خسران و پشیمانی به تو می‌دهد؛ اما خدا، خریدار کریم است. جان و حیات دنیوی و زوال پذیرش را می‌گیرد و در عوض، بهشت و عزت ابدی می‌بخشد.

مؤمن نمی‌گذارد این گوهر پاک به آلودگی گناه، طمع، ذلت یا تسلیم در برابر دشمن آلوده شود. جان باید در راه بندگی و در مسیر عزت دین و استقلال امت اسلامی مصرف شود. هرکس جان خود را به شیطان بسپارد، زیان کار است و هرکس آن را به خدا تقدیم کند، به جاودانگی رسیده است. پس جان را پاس دار که این گوهر را فقط باید به جانان سپرد؛ نه به دیوسیرتانِ فریب.

به قول حافظ شیرازی رحمته الله علیه:

گر نثار قدم یار گرامی نکنم

گوهر جان به چه کار دگرم می‌آید؟



آیهٔ شریفه **﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾** بیانگر معامله‌ای الهی است که در آن خدا خریدار جان و مال مؤمنان است و بهای آن را بهشت جاودان قرار داده است. این آیه اوج ایمان، ایثار و وفاداری را نشان می‌دهد و یادآور می‌شود که جان انسان کالایی است که حیات

دنیوی‌اش فانی و موقتی است؛ اما اگر در راه خدا خرج شود، جاودانه می‌شود. مؤمن کسی است که از راحتی و منافع شخصی می‌گذرد تا دین، عزت و استقلال جامعه‌اش حفظ شود. این نگاه، انگیزه جهاد را در سخت‌ترین موقعیت‌ها حفظ می‌کند و پیروزی واقعی را در رضایت الهی و حفظ استقلال کشور و دین می‌داند.

پرسش‌های درس

۱. مفهوم «معامله با خدا» در آیه درس چیست و خریدار و کالای این معامله چه کسانی‌اند؟
۲. چرا شهادت را «مرگ تاجران» و سودمندترین معامله انسان با خدا می‌دانند؟
۳. آیا پیام آیه درس فقط به دوران جنگ محدود است یا در زندگی امروز نیز کاربرد دارد؟ توضیح دهید.
۴. روحیه ایثار و شهادت، در رسیدن یک ملت به عزت و استقلال چه نقشی دارد؟ به اختصار بیان کنید.

پیام‌های کاربردی

۱. جان و مال مؤمن سرمایه‌هایی الهی‌اند که باید در مسیر رضای خدا و دفاع از دین و عزت امت اسلامی مصرف شوند؛ نه در خدمت هوا و هوس.
۲. شهادت، اوج ایمان و ایثار است؛ یعنی آگاهانه حیات فانی را به حیات جاودان تبدیل کردن.

۳. معامله با خدا، نگاه انسان را از دلبستگی‌های دنیوی به ارزش‌های الهی و ابدی تغییر می‌دهد.

۴. مؤمن واقعی در برابر دشمن، وسوسه و ظلم تسلیم نمی‌شود؛ زیرا می‌داند خریدار حقیقیِ جان او، خداوند است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

جان و مال خود را در راه ایمان، حق و عزت دین فدا کنیم و با او معامله‌ای آگاهانه و جاودانه انجام دهیم.

حالا نوبت توست...

هر روز نیت کنیم که کار و تلاشمان را نه برای شهرت یا سود، بلکه برای رضای خدا انجام دهیم.

در تصمیم‌های مهم زندگی، رضای الهی را بر راحتی و منفعت شخصی مقدم بداریم.

بخشی از درآمد خود را آگاهانه برای خدمت به دین و نیازمندان اختصاص دهیم.

با مطالعه زندگی شهدا و ایثارگران، روحیه جهاد، فداکاری و عزت‌طلبی را در خود تقویت کنیم.

هر شب از خود بپرسیم: امروز وقت، مال و توانم را در راه چه کسی خرج کردم؟ خدا یا خواسته‌های دنیا؟

در کارهای گروهی و اجتماعی با نیت الهی، روحیه «خدمت بی‌منت» را تمرین کنیم تا زندگی‌مان رنگ معامله با خدا بگیرد.

.....

.....

.....

.....



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



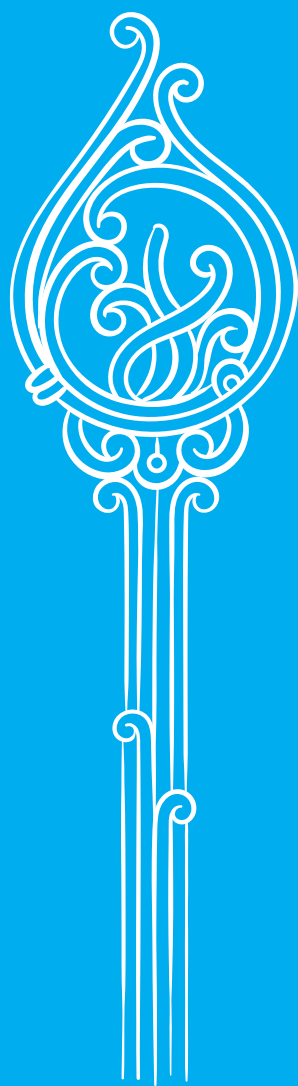
پویانمایی



یادکست صوتی



تنبین آیه



درس دوازدهم

به نیکی شود دل چو آینه پاک

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

سوره هود، آیه ۱۱۴

به یقین کارهای خوب، بدی‌ها را از بین می‌برد.



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
 آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمَوْفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
 ﴿١١٠﴾ وَإِنَّ كَلَامَ الْيُوفِيِّينَ هُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِّنَ
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي
 لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَوْا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْطَحُونَ ﴿١١٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس دوازدهم با محوریت آیه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» نسخه‌ای برای پاک‌سازی و اصلاح فرد و جامعه با انجام کارهای نیک است. این آیه یکی از اصول بنیادین «سبک زندگی مؤمنانه» را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با انجام اعمال صالح (به‌ویژه اقامه نماز) آثار منفی گناه را از دل و جامعه زدود و در مسیر حق استقامت ورزید.

نکته مهم اینکه آیه درس، فقط یک دستور اخلاقی فردی نیست؛ بلکه پیام اجتماعی بزرگی دارد. جامعه‌ای که روحیه خدمت، صداقت، تعاون و عبادت را در خود تقویت کند، پاک‌سازی می‌شود و در برابر وسوسه‌ها، ظلم‌ها و دشمنی‌ها مقاوم‌تر خواهد شد. گسترش کارهای نیک در جامعه، استقامت و عزت جمعی را افزایش می‌دهد؛ زیرا گناه، زمینه‌ساز ذلت و تسلیم‌پذیری است و نیکی، مایه عزت و پایداری.

پیشنهاد می‌شود مربی برای اثرگذاری بهتر، از مثال‌های ملموس استفاده کند؛ مثلاً تشبیه کار خوب به پاک‌کن یا باران زلال بر خاک آلوده. یا اینکه تأکید شود هر عمل نیک، گامی به سوی جبران گذشته و ساخت آینده‌ای روشن است. همچنین، توصیه می‌شود مربی در کلاس با اجرای فعالیت گروهی، قرآن‌آموزان را به شناسایی و ثبت «کارهای نیک روزانه» ترغیب کند تا آنان در عمل، مفهوم آیه را تجربه کنند.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم آیه درس را دریابد و ارتباط آن را با اصلاح فرد و جامعه توضیح دهد.
۲. باور کند که انجام کارهای نیک، زمینه‌ساز پاکی روح و ازبین‌رفتن آثار گناه است.
۳. رابطه میان گناه و تضعیف روحیه استقامت را توضیح دهد.
۴. درک کند که گسترش نیکی‌ها در جامعه، موجب افزایش عزت و استقلال جمعی می‌شود.
۵. در زندگی روزمره، با امیدواری به انجام کارهای خیر مانند گذشت، کمک به دیگران و رفتار نیک عادت کند.



کار خوب، پاک‌کن خداست

گاهی در دفتر زندگی اشتباه می‌نویسیم؛ با خودخواهی، بی‌مهری، یا یک گناه کوچک یا بزرگ؛ اما جای نگرانی نیست. خدای مهربان کنار هر غلط، یک پاک‌کن هم گذاشته است. هر کار خوب، مثل پاک‌کن، اشتباهاتمان را پاک می‌کند و صفحهٔ دلمان دوباره سفید می‌شود.

قرآن این قانون امیدبخش را در عبارتی کوتاه به زیبایی بیان کرده است:

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^۱

همانا کارهای نیک، بدی‌ها را از میان می‌برند.

خداوند در این آیه، امید را به دل‌ها بازمی‌گرداند و راه بازگشت را نشان می‌دهد: با انجام کارهای نیک، از جمله «نماز» می‌توان تیرگی گذشته را زدود و نوری تازه در دل افروخت.

قانون الهی پاک‌سازی

این آیه، قانونی جهان‌شمول را بیان می‌کند که هر عمل نیک، نیرویی تطهیرکننده دارد. همان‌گونه که نور، تاریکی را می‌راند و آفتاب، سایه‌ها را می‌زداید، نیکی نیز اثر گناه را از روح انسان می‌زداید. خداوند نمی‌خواهد مادر احساس گناه غرق شویم؛ بلکه می‌خواهد ما را به حرکت و جبران دعوت کند.

۱. سورهٔ هود، آیهٔ ۱۱۴

نکتهٔ جالب، تعبیر «يُذْهِبُ» در آیه است که یعنی نیکی‌ها بدی‌ها را می‌برند؛ نه اینکه فقط می‌پوشانند؛ مانند نسیم که می‌وزد و دود را با خود می‌برد. با این نگاه، هیچ گناهی بن بست نیست. همیشه راه جبرانی وجود دارد؛ زیرا نیکی‌ها می‌توانند آثار گناه را بزدایند و صفحهٔ دل را دوباره سفید و پاک کنند. بر همین اساس، در روایات آمده است که این آیه، از امیدبخش‌ترین آیات قرآن است.

یکی از بهترین مصادیق تاریخی از این قانون الهی، «حُرِّبَن یزید ریاحی» است. حُرّ نخستین کسی بود که راه را بر امام حسین علیه السلام بست. او گناهی بزرگ مرتکب شده بود؛ اما در روز عاشورا با یک تصمیم شجاعانه، به سپاه امام پیوست و با شهادت در رکاب ایشان، آن گناه بزرگ را با بهترین «حسنه»، یعنی فداکاری برای امام زمانش پاک کرد.

در عرصهٔ اجتماعی نیز رواج نیکی‌ها و فراگیر شدن فرهنگ خیر و نیکوکاری می‌تواند به پاک‌سازی جامعه منجر شود. جامعه نیز مانند روح انسان، ممکن است آلوده به گناه و بی‌عدالتی شود. در این صورت، توان مقاومتش را در برابر دشمن از دست می‌دهد. فساد، دروغ، ظلم و بی‌اعتنایی اجتماعی، پایه‌های استقامت ملی را می‌لرزاند؛ اما هنگامی که نیکی‌ها در جامعه فراگیر شوند (نظیر صداقت در گفتار، انصاف در رفتار، خدمت در مسئولیت و گذشت در روابط) روح امید و همبستگی زنده می‌شود و جامعه را مستحکم و شکست‌ناپذیر می‌کند.

نماز، تجسم کامل نیکی

خداوند در ابتدای همین آیه، اقامهٔ «نماز» را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حسنات معرفی کرده است. نماز عبادتی دووجهی (فردی و جمعی) است که به گواهی آیه، آثار گناه را می‌زداید. وقتی انسان با حضور قلب در برابر پروردگار می‌ایستد، جانش شسته می‌شود. هر سجده، تطهیر یک غفلت

است و هر رکوع، شکستن یک غرور؛ به همین دلیل، پیامبر ﷺ در روایتی زیبا فرمودند: «نماز، همچون نهر آبی است که از مقابل خانهٔ هر یک از شما می‌گذرد. هر کس روزی پنج بار خود را در آن شست و شو دهد، دیگر چیزی از آلودگی در بدن او باقی نمی‌ماند»^۱.

البته نیکی‌ها فقط در نماز و عبادات خلاصه نمی‌شوند. کمک به نیازمند، دلجویی از دلسرد، دفاع از مظلوم، حفظ آبروی افراد، عذرخواهی از دل شکسته و حتی گذشت از خطای دیگران، همه مصداق‌های «حسنات» اند و می‌توانند خطاهای احتمالی انسان را از بین ببرند.

تصور کنید اگر روح جمعی عبادت در جامعه جان بگیرد و مردم به انجام کارهای نیک اشتیاق پیدا کنند، سیاهی گناهان اجتماعی کم‌کم رنگ می‌بازد و جامعه، پاک و نورانی می‌شود. وقتی نیکی و بندگی به عادت همگانی تبدیل شود، دل‌ها متحد، امیدها زنده و اراده‌ها استوار می‌شود. در چنین فضایی، ملت در برابر دشمنان سر فرود نمی‌آورد؛ زیرا گناه، ریشهٔ ذلت است و نیکی، سرچشمهٔ استقامت.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آخرین باری که کاری نیک انجام دادی و احساس آرامش کردی، چه زمانی بود؟ چه تغییری در حالت روحی‌ات ایجاد شد؟
۲. اگر بردانی کار خوب می‌تواند خطاهایت را پاک کند، آیا انگیزه‌ات برای نیکی بیشتر می‌شود؟ چرا؟
۳. کدام رفتار اشتباه یا کوتاهی در زندگی‌ام هست که می‌توانم امروز با انجام یک کار نیک آن را جبران کنم؟
۴. آیا گاهی ناامیدی ناشی از خطاها باعث شده از انجام نیکی‌ها دست بکشم؟ چگونه می‌توانم این چرخه را بشکنم؟

۱. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۷۶.

۱. گناه؛ سقوط آرام اراده

چرا آیه تأکید دارد که انسان با انجام حسنات، آثار گناهان را از صفحه روح خود و جامعه پاک کند؟ چون هر گناه، فقط یک لغزش اخلاقی ساده نیست؛ ضربه‌ای است پنهان و تدریجی بر ستون اراده انسان. هر بار که از انسان خطایی سر می‌زند، لایه‌ای از ایمان و یقین در وجودش فرسوده می‌شود. گناه مثل موریانه‌ای است که از درون، قدرت تصمیم‌گیری و پایداری انسان را می‌خورد.

کسی که چشم بر حرام می‌گشاید یا دل در بند هوای نفس می‌نهد، آرام آرام شجاعت و غیرت معنوی‌اش را از دست می‌دهد، در برابر سختی‌ها زود می‌بازد، در برابر دشمن عقب می‌نشیند؛ چون گناه، نور ایمان را که سرچشمه استقامت است، خاموش می‌کند. همان طور که یک قطره زهر، آب زلال را تباہ می‌سازد، یک گناه نیز می‌تواند جان امیدوار را به سستی و بی‌هدفی بکشد.

قرآن کریم در آیه **﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾** راه درمان این سستی را نشان می‌دهد و می‌فرماید: با انجام کارهای نیک، آلودگی‌های درونی را بزداييد تا دوباره قدرت و آرامش به شما بازگردد. هر عمل نیک، چون نوری است که تاریکی گناه را می‌زداید و روح را زنده می‌کند. نماز، خدمت به دیگران، صداقت و گذشت، همان نیروهای ترمیم‌کننده‌ای هستند که شکسته‌های اراده را پیوند می‌زنند و انسان را دوباره در مسیر استقامت قرار می‌دهند.

در تاریخ نیز ملت‌هایی که در گناه و فساد غرق شدند، پیش از شکست در میدان نبرد، از درون فروپاشیدند. اراده جمعی آن‌ها پیش از آنکه شمشیر دشمن آن‌را بشکند، با ضعف و فساد اخلاقی خودشان فرو ریخت.

۲. نیکی‌های خانواده

خانواده، نخستین مدرسهٔ زندگی و کانون عشق و تربیت و ایمان است؛ اما گاهی همین فضای مقدس، با خطاهایی چون بی‌احترامی، بدگویی، قهر، مقایسه‌کردن، بی‌توجهی به احساسات یکدیگر و بی‌مهری به والدین تیره می‌شود. در تربیت فرزندان نیز لغزش‌هایی چون تحقیر، پرخاشگری، تبعیض میان فرزندان یا بی‌اعتنایی به نیازهای عاطفی آنان می‌تواند زخم‌هایی عمیق بر دل‌ها بگذارد.

اگر این گناهان کوچکِ روزمره ادامه یابد، کم‌کم محبت را کم‌رنگ می‌کند و دل‌ها را از هم دور می‌کند. در این صورت، خانه از مأمن آرامش و آشتی، به میدان جنگ و دلخوری بدل می‌شود. قرآن برای این وضعیت نیز نسخه‌ای ساده و روشن دارد: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»؛ یعنی کارهای نیک، آثار بدی‌ها را می‌زداید.

اگر دلخوری‌ها را با عذرخواهی و محبت جبران کنیم، اگر به جای تندی، با مهربانی سخن بگوییم، اگر در حق یکدیگر دعا کنیم یا هدیه‌ای هرچند کوچک بدهیم، به جای قهر، صمیمانه گفت‌وگو کنیم، به جای انتقاد، از یکدیگر قدردانی کنیم، حرف دل فرزندان را بشنویم، در کارهای خانه یاریگر هم باشیم، در جمع خانوادگی، احترام به والدین را ترویج کنیم و... این نیکی‌ها مانند نسیمی پاک‌کننده، غبار گناهان را از فضای خانه می‌زداید. حتی یک لب‌خند، یک عذرخواهی صادقانه یا یک دعا در کنار هم، می‌تواند چون نوری، تیرگی‌های گذشته را پاک کند. در خانه‌ای که نیکی جریان دارد، ایمان می‌روید، دل‌ها آرام می‌گیرند و صلح و صفا ماندگار می‌شود.

آیه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» یک قاعدهٔ طلایی در تربیت فرد و جامعه است. خداوند نشان می‌دهد که راه پاک‌سازی روح و جامعه از آلودگی گناه، انجام کارهای نیک از جمله «اقامهٔ نماز» است؛ زیرا نیکی‌ها، تاریکی‌های درون را می‌زدایند و انسان را به روشنایی باز می‌گردانند. فراگیر شدن نیکی‌ها در جامعه، زمینه‌ساز کاهش گناهان و فساد عمومی است. وقتی فرهنگ کار خیر و عبادت در میان مردم جان بگیرد، روحیهٔ همدلی، صداقت و خدمت جای خودخواهی و بی‌اعتنایی را می‌گیرد. گسترش روح نیکوکاری، استقامت و پایداری را تقویت می‌کند و جامعه‌ای می‌سازد که در برابر دشمنان، عزتمند و تسلیم‌ناپذیر می‌ماند.

۱. آیهٔ درس چه پیامی دربارهٔ رابطهٔ میان کارهای نیک و گناهان دارد؟
۲. چرا انجام اعمال نیک، به‌ویژه نماز، در پاک‌سازی روح انسان مؤثر است؟
۳. به چه معنا می‌توان گفت کارهای نیک، جامعه را نیز از آلودگی‌های اخلاقی و اجتماعی پاک می‌کند؟
۴. گسترش روح نیکوکاری در جامعه چگونه باعث تقویت استقامت و عزت در برابر دشمنان می‌شود؟

پیام‌های کاربردی

۱. کارهای نیک، بهترین راه جبران لغزش‌ها و بازگشت به مسیر الهی‌اند؛ زیرا نیکی‌ها، آثار منفی گناهان را از دل و جان می‌زدایند.
۲. انجام مداوم اعمال صالح، انسان را در برابر وسوسه‌ها و سقوط اخلاقی مقاوم می‌کند.
۳. گسترش نیکوکاری در جامعه، زمینه پاک‌ی، اصلاح و استقامت جمعی را فراهم می‌کند.
۴. ترک گناه کافی نیست؛ باید با انجام کارهای خوب، جای خالی بدی‌ها را پر کرد تا روح انسان و جامعه سالم بماند.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با انجام کارهای نیک، لغزش‌ها و گناهان خود را جبران کنیم و با نیکي، روح خود و جامعه را پاک و مقاوم کنیم.

حالا نوبت توست...

اگر روزی با غیبت یا دروغ، مرتکب خطایی شدي، سریعاً با استغفار و انجام یک کار خوب (مثل صدقه دادن، تلفن زدن به والدین یا خواندن یک صفحه قرآن) آن را جبران کن.

در برابر یک خبر منفی یا شایعه، ده‌ها خبر خوب از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های کشور را در فضای مجازی نشر بده.

اگر یک نمازت قضا شد یا دیر شد، با خواندن یک نافله یا چند صفحه قرآن، آن کوتاهی را جبران کن.

بعد از هر بحث و دلخوری با اعضای خانواده، با یک هدیه کوچک، یک جمله محبت‌آمیز یا خرید خوراکی مورد علاقه‌شان، اثر آن کدورت را از بین ببر.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



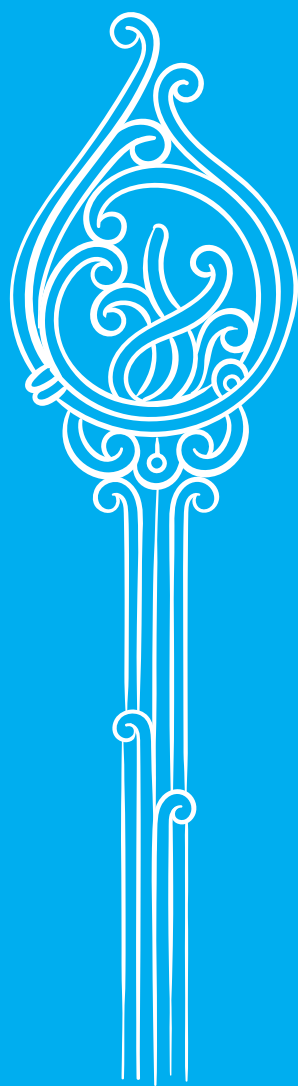
پویانمایی



پادگست صوتی



تبیین آیه



درس سیزدهم

به جز یاد او دل نگیرد قرار

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

سوره رعد، آیه ۲۸

آگاه باشید! دل‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرند.



سُورَةُ الرَّعْدِ

* أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّما أَنْزَلْ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ مَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
أَوَّلُوا الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ
﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
مَتَعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ آمَنُوا
وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

محور درس سیزدهم، آیه شریفه ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَظْمِئُ الْقُلُوبُ﴾ است. یاد خدا تنها منبع حقیقی آرامش و ثبات قلبی است؛ آرامشی که نه تنها احساس درونی، بلکه سرمایه‌ای راهبردی در میدان نبرد روانی و شناختی دشمن به شمار می‌آید. در وضعیتی که رسانه‌ها و جریان‌های فکری غرب‌گرا می‌کوشند جامعه را دچار اضطراب، ترس و بی‌اعتمادی کنند، قرآن راه نجات را کسب آرامش در سایه ارتباط آگاهانه و مداوم با خدا معرفی می‌کند؛ چراکه دل آرام، قدرت تفکر و تصمیم‌گیری درست دارد و همین آرامش، زمینه‌ساز حفظ عزت و استقلال فرد و جامعه است.

مربیان گرامی، در آموزش این درس، بر تفاوت میان آرامش واقعی و آرامش‌های موقتی و موهوم تأکید کنید. باید تبیین کرد که آرامش قرآنی، از ایمان و یاد خدا می‌جوشد و انسان را در برابر بحران‌ها مقاوم می‌کند؛ درحالی‌که آرامش ظاهری ناشی از رفاه یا سرگرمی، همچون مسکن‌های موقتی، زودگذر و شکننده است.

برای تدریس مؤثر، پیشنهاد می‌شود بخشی از جلسه را به گفت‌وگو درباره راه‌های «یاد خدا در زندگی روزمره» اختصاص دهید؛ مانند دعا، تلاوت قرآن و ذکر در کارهای روزانه. با ایجاد فضای احساسی و الهام‌بخش، این پیام را در دل مخاطبان بنشانید که آرامش، رمز ماندگاری در مسیر حق است.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم «ذکر خدا» و نقش آن را در ایجاد آرامش قلبی توضیح دهد.
۲. تفاوت میان آرامش حقیقی برخاسته از ایمان و آرامش ظاهری دنیوی را تشخیص دهد.
۳. در شرایط استرس، نگرانی یا فشار روانی با یاد خدا و توکل بر او آرامش خود را حفظ کند.
۴. اهمیت آرامش درونی را به عنوان سرمایه معنوی و راهبردی برای مقاومت در برابر جنگ روانی دشمن درک و باور کند.



نسخه آرامش

برای آرامش، راه‌های زیادی را امتحان می‌کنیم؛ مانند کتاب، موسیقی، سفر، خرید، حرف زدن با یک دوست؛ اما این‌ها مثل مسکن‌های موقت هستند. تا اثرشان تمام می‌شود، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها دوباره برمی‌گردند. انگار قلب ما برای چیز دیگری ساخته شده و تا به آن نرسد، قرار نمی‌گیرد. مثل قطب‌نمایی که همیشه رو به شمال می‌ایستد، قلب ما هم یک «شمال» حقیقی دارد که تا رو به آن نایستد، آرام نمی‌شود. قرآن نشانی آن «شمال حقیقی» را به ما داده است: «یاد خدا».

﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱

آگاه باشید که تنها به یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

این آیه، یکی از عمیق‌ترین قواعد روان‌شناسی قرآنی را بیان می‌کند که آرامش قلبی فقط در پیوند با قدرت بی‌پایان الهی ممکن است؛ نه تکیه بر عوامل ناپایدار دنیا.

آرامش در دل طوفان

آرامش وقتی ارزش واقعی خود را نشان می‌دهد که زندگی از حالت عادی خارج می‌شود. وقتی تندبادهای سخت حوادث می‌وزند، اخبار ناآرام‌کننده

۱. سوره رعد، آیه ۲۸

ذهن را محاصره می‌کند و دشمن با جنگ روانی تلاش می‌کند روحیه‌ها را در هم بشکند. در چنین لحظاتی، آیه شریفه ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ همچون فانوسی است که مسیر را روشن می‌کند و می‌گوید این تنها یاد خداست که دل را آرام می‌کند. این آیه، شاه‌کلید معنوی برای حفظ آرامش در دل طوفان‌ها و اضطراب‌های میدان مبارزه است.

آرامش حقیقی آن نیست که انسان در رفاه، آسایش و شرایط بی‌چالش، دلش نرم و آرام باشد. این نوع آرامش را بسیاری دارند و ممکن است با اندک نسیمی از هم بپاشد. آرامش واقعی آن نیروی درونی است که انسان را در سخت‌ترین صحنه‌های زندگی، در تشویش‌ها، شایعات، تهدیدها و فشارهای دشمن، استوار نگه می‌دارد. این اطمینان قلبی، نه محصول بی‌خبری است و نه نتیجهٔ انفعال؛ بلکه ثمرهٔ اتصال به حقیقتی است که فراتر از همهٔ قدرت‌هاست.

«یاد خدا» یعنی حضور او را دیدن، بر وعده‌های او تکیه کردن و به تدبیر او اعتماد داشتن. چنین ذکری، قلب را از آشوب می‌رهاند و عقل را روشن می‌کند. انسان آرام متصل به خدا، در معرکه‌ها بهتر می‌بیند، درست‌تر تصمیم می‌گیرد و کمتر فریب هیاهوی دشمن را می‌خورد. این همان آرامش در دل طوفان است؛ آرامشی که فقط از آن حقیقت لایزال ریشه می‌گیرد.

آرامش، لازمهٔ پیشرفت و استقلال

هیچ جامعه‌ای بدون آرامش نمی‌تواند مسیر پیشرفت، عزت و استقلال را طی کند. آرامش اجتماعی، حکم زمین محکم برای برداشتن قدم‌های بزرگ را دارد؛ همان بستری که در آن اندیشه‌ها شکوفا، تصمیم‌ها سنجیده و اراده‌ها استوار می‌شوند. آیهٔ ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ به ما یاد می‌دهد که این آرامش بنیادین، فقط با یاد خدا حاصل می‌شود؛ آرامشی که از جنس

غفلت و بی خبری نیست؛ بلکه از جنس بصیرت، اعتماد و اتکا به قدرت بی پایان اوست.

جامعه‌ای که قلب مردمانش آرام باشد، در مواجهه با تهدیدها هراسان نمی‌شود، با شایعات فرو نمی‌ریزد و در برابر جنگ روانی دشمن دچار سردرگمی نمی‌شود. چنین جامعه‌ای توان تصمیم‌سازی صحیح، برنامه‌ریزی بلندمدت و حرکت هوشمندانه را دارد؛ اما وقتی دل‌ها مضطرب باشد، هر تکانه‌ای مسیر حرکت را مختل می‌کند و جامعه را به سمت وابستگی و اودادگی می‌کشانند.

یاد خدا، به عنوان یک ظرفیت معنوی و فرهنگی، قلب‌ها را در طوفان‌ها ثابت قدم نگه می‌دارد. این اطمینان قلبی، نیرویی راهبردی برای یک ملت است؛ نیرویی که به افراد جرئت اقدام، به خانواده‌ها استحکام و به جامعه قدرت ایستادگی می‌بخشد. استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بدون آرامشی که از یاد خدا می‌جوشد، پایدار نخواهد بود.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. چه چیزهایی در زندگی، آرامش مرا از بین می‌برد و چگونه می‌توانم با یاد خدا بر آن غلبه کنم؟
۲. در لحظات تصمیم‌گیری‌های مهم، چقدر خدا را به یاد می‌آورم؟
۳. رسانه‌ها و فضای مجازی گاهی اضطراب می‌آفرینند. من چگونه می‌توانم با یاد خدا از تأثیر منفی آن‌ها در امان بمانم؟
۴. اگر یاد خدا همیشه در قلبم حاضر باشد، چه تغییری در نگاه من به مشکلات، دیگران و آینده پدید می‌آید؟

۱. سرمایه‌راهبردی آرامش

امروزه دشمن با جنگ شناختی و روانی می‌کوشد روحیه‌ها را بلرزاند، امیدها را بسوزاند و ملت را به تسلیم وادارد. در چنین میدانی، آرامش، فقط احساسی شخصی و درونی نیست؛ بلکه سرمایه‌ای راهبردی برای فرد و جامعه است.

آرامش برخاسته از یاد خدا، دل را از تلاطم‌های رسانه‌ای و اضطراب‌های تحمیلی حفظ می‌کند. کسی که دلش به خدا آرام است، دچار هراس، شتاب‌زدگی یا تصمیم‌های خطا نمی‌شود. او می‌تواند درست بیندیشد، موقعیت را بشناسد و در مسیر حق، استوار بماند.

قرآن می‌فرماید: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾؛ یعنی در هنگامه فشارها و طوفان‌ها فقط یاد خداست که دل را به ثبات می‌رساند. چنین آرامشی، پشتوانه مقاومت فردی و اجتماعی است؛ چون جامعه‌ای که دل‌های آرام دارد، فریب عملیات روانی دشمن را نمی‌خورد و از مسیر استقلال و عزت منحرف نمی‌شود.

بنابراین، آرامش نه یک حالت درونی صرف، بلکه قدرتی راهبردی است؛ نیرویی که امت را از درون مقاوم می‌سازد و در سخت‌ترین میدان‌ها، از تزلزل و وادادگی حفظ می‌کند؛ به همین دلیل است که باید آن را با تقویت ایمان، انس با قرآن و عادت دادن دل‌ها به یاد خدا در جامعه گسترش داد. وقتی خانواده‌ها، رسانه‌ها و مراکز فرهنگی، یاد الهی را محور گفت‌وگو و تربیت قرار دهند، دل‌ها مطمئن‌تر، تصمیم‌ها عاقلانه‌تر و جامعه در برابر تهاجم روانی دشمن مقاوم‌تر می‌شود.

۲. خانه آرام

خانواده، نخستین پناهگاه انسان و مرکز شکل‌گیری احساس امنیت و آرامش است. اگر دل‌های اهل خانه آرام نباشد، هیچ رفاه و امکاناتی نمی‌تواند جای آن را پر کند. آرامش حقیقی در خانواده، فقط با یاد خدا پدید می‌آید؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾. یاد خدا، فضای خانه را از اضطراب، نگرانی و اختلاف دور می‌کند و دل‌ها را به هم نزدیک می‌سازد.

ورود «ذکر الهی» به زندگی خانوادگی، فقط به معنای گفتن اذکار نیست؛ بلکه به این معنی است که خدا را در گفت‌وگوها، تصمیم‌ها، تربیت فرزندان و روابط روزمره حاضر ببینیم. یکی از بهترین راه‌ها برای جاری شدن یاد خدا در خانه، برگزاری محافل قرآن خانوادگی است؛ جمع‌هایی ساده، صمیمی و منظم که در آن آیات خوانده و معنا می‌شود و اعضای خانواده درباره آن گفت‌وگو می‌کنند. چنین جلساتی، نور خداوند را در فضای خانه می‌پراکند و پیوند دل‌ها را محکم‌تر می‌سازد.

وقتی نام و کلام خدا در خانه زنده باشد، محبت عمیق‌تر، گفت‌وگوها آرام‌تر و تصمیم‌ها سنجیده‌تر می‌شود. در چنین فضایی، حتی مشکلات نیز رنگ آرامش می‌گیرند؛ زیرا دل‌های اهل خانه، به سرچشمه‌ای وصل‌اند که خود منبع اطمینان است.



آیه ﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ یادآور می‌شود که آرامش حقیقی فقط در پیوند با خداست. در طوفان حوادث و جنگ روانی دشمن، مؤمن با یاد خدا دل‌گرم و استوار می‌ماند. این آرامش، احساس لحظه‌ای نیست؛ بلکه سرمایه‌ای راهبردی برای حفظ استقلال فکری و مقاومت در برابر

فشارهاست. یاد خدا (نه فقط ذکر زبانی، بلکه ذکر قلبی و حضور آگاهانه دل در محضر خدا) دل را از اضطراب، ترس و تردید می‌رهاند و به انسان توان تصمیم‌گیری درست و حرکت استوار می‌دهد. هر جا یاد خدا جاری باشد، اضطراب فروکش می‌کند و زندگی، مسیر روشن ایمان و آرامش را می‌یابد.

پرسش‌های درس

۱. مقصود از «اطمینان قلب» در آیه چیست و چگونه با یاد خدا به دست می‌آید؟
۲. چرا یاد خدا، منبع حقیقی و پایدار آرامش معرفی شده است؟
۳. در برابر جنگ روانی و تبلیغات دشمن، یاد خدا چه نقشی در حفظ آرامش و استواری دارد؟
۴. چه تفاوتی میان آرامش ناشی از ایمان و آرامش ظاهری دنیوی وجود دارد؟

پیام‌های کاربردی

۱. یاد خدا تنها منبع پایدار آرامش است. دل متصل به خدا در برابر سختی‌ها، اضطراب‌ها و تبلیغات دشمن نمی‌لرزد.
۲. آرامش مؤمن، قدرت راهبردی اوست؛ زیرا به او توان تفکر درست، تصمیم‌گیری عاقلانه و پایداری در میدان مبارزه می‌دهد.
۳. آرامش واقعی در حضور الهی است؛ نه در رفاه و ظواهر دنیا. دل بی یاد خدا، هر چند در ناز و نعمت باشد، ناآرام است.
۴. یاد خدا عامل وحدت و محبت در خانواده و جامعه است؛ چون دل‌های آرام، گفت‌وگو و همکاری را آسان‌تر می‌کنند.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

دل خود را با یاد او آرام کنیم و در طوفان حوادث، آرامش و اطمینان را فقط در پیوند با او بجوییم.

حالا نوبت توست...

🕋 تلاش کن شروع و پایان روزت با یاد خدا باشد. هر صبح و شب چند دقیقه با ذکر، دعا یا خواندن چند آیه از قرآن دلت را به دریای آرامش الهی بسپار.

🕋 نماز با حضور قلب، سرچشمه آرامش است. نماز را نه فقط تکلیف، بلکه فرصت گفت‌وگوی عاشقانه با خدا ببین.

🕋 هفته‌ای یک بار با خانواده، آیه‌ای از قرآن بخوانید و درباره پیام آرامش بخش آن گفت‌وگو کنید.

🕋 تا حد امکان زمان حضور در فضای مجازی را کاهش بده و لحظه‌ای خلوت با خدا را جایگزین آن کن.

🕋 ذکر در کارهای روزانه را عادت روزمره قرار بده؛ به‌طوری‌که هنگام رانندگی، آشپزی یا راه رفتن، زبانت به ذکرهای کوتاه و ساده گویا باشد.

..... 🕋

..... 🕋

..... 🕋

..... 🕋



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس چهاردهم

صبر تلخ است، ولی میوه شیرین دارد

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾

سوره نحل، آیه ۱۲۷

صبوری کن! که صبر تو جز به یاری خداوند نیست.



سُورَةُ النِّجَارِ

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ
ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ
إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِلنَّعْمَةِ أَجْتَبَاهُ وَهَدَانُهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
﴿١٢١﴾ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جَعَلُ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَفَوْا
فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا
كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدَلْ لَهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ
رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ
صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ
إِلَّا بِاللَّهِ ۖ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ
﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس چهاردهم با آیه «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» تبیین کننده صبری است که از ایمان و ارتباط با منبع لایزال الهی سرچشمه می گیرد؛ صبری که انسان را استوار و ملت ها را در برابر توطئه های تسلیم گرایانه دشمن شکست ناپذیر می کند.

این آیه در موقعیت سخت جنگ اُحد و شهادت حمزه سیدالشهدا نازل شد. در آن روزگار پیامبر ﷺ در برابر فشارها، نقشه ها و آزارهای پی در پی مشرکان قرار داشت. خداوند برای آرامش و تقویت قلب ایشان فرمود: «شکیبایی کن؛ اما بدان که صبر تو، جز به توفیق و یاری خدا نیست».

این درس، تأکید دارد که صبر واقعی، فقط با پشتوانه الهی ماندگار و اثرگذار است؛ زیرا اگر انسان فقط بر توان خود تکیه کند، دیر یا زود در برابر طوفان مشکلات فرومی ریزد؛ اما صبری که ریشه در یاد خدا دارد، به نیرویی تمام نشدنی تبدیل می شود.

مربیان گرامی، مهم است که این نکته به درستی برای قرآن آموزان تبیین شود که صبر، نه نشانه ضعف است و نه به معنای تحمل منفعلانه. صبر در مفهوم قرآنی، به معنای پایداری، ایستادگی و عقب نشینی نکردن در برابر مشکلات است. صبر نیرویی است درونی و فعال که نه از سر ناچاری، بلکه از ایمان و آگاهی برمی خیزد و با توصیه به تلاش و استمرار حرکت در مسیر حق، انسان را در برابر فتنه ها و طوفان ها مقاوم می کند.

توصیه می شود هنگام تدریس، پس از یادآوری سه گونه صبر (صبر بر طاعت، صبر از گناه و صبر بر مصیبت) که در درس اول گفته شد، با مثال هایی از زندگی اهل بیت علیهم السلام، مادران شهدا و مردم مقاوم ایران، صبر الهی را برای قرآن آموزان عینی و ملموس کنید.



از قرآن آموز انتظار می رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم صبر الهی مورد نظر آیه را بشناسد.
۲. بداند که صبر واقعی فقط با تکیه بر خداوند پایدار می ماند.
۳. در برابر سختی ها و مشکلات زندگی، به جای ناامیدی، به خدا پناه ببرد.
۴. در رفتار روزمره، صبر و خویشتن داری را در خانه، مدرسه و جمع دوستان تمرین کند.



صبر از خدا بخواه

وقتی در مسیر درست قدم برمی‌داری، همیشه کسانی هستند که برای نقشه می‌کشند، پشت سرت حرف می‌زنند، برایت پاپوش درست می‌کنند و سعی می‌کنند تو را از میدان به در کنند. طبیعی است که دیدن این همه مکر و حيله، انسان را دلسرد و نگران کند. به نظر شما، خداوند در چنین وضعیتی، برای بهترین بنده‌اش چه توصیه‌ای دارد؟

آیه ۱۲۷ سوره نحل دقیقاً همین وضعیت را ترسیم می‌کند. خداوند پیامبرش را در برابر مکر و آزار دشمنان به «صبر» فرمان می‌دهد و یادآور می‌شود که همین صبر را هم باید از او بخواهد؛ چراکه این صبر جز به یاری خدا ممکن نیست:

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾^۱

شکیبایی کن که شکیبایی تو جز به یاری خدا نیست.

این آیه، دعوتی است به پایداری آگاهانه و آرامش درونی؛ یادآور اینکه صبر واقعی، صبری است که به خدا متصل باشد و صبری که از خدا نیرو می‌گیرد، هرگز نمی‌شکند و انسان فقط با تکیه بر او مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌شود.

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۷

صبر پشتوانه می‌خواهد

«صبر» به معنای تحمل، استقامت و خودداری از انجام کاری است که انسان را از مسیر درست منحرف می‌کند. در قرآن، صبر به عنوان فضیلتی بزرگ و یکی از عوامل پیروزی و رستگاری معرفی شده است.

قرآن معتقد است ایستادگی حقیقی، فقط با پشتوانه الهی ممکن است: «وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ چراکه صبر مثل پلی است که انسان را از مشکلات و بحران‌ها عبور می‌دهد؛ اما اگر پایه‌های این پل سست باشد، با اندک طوفانی فرومی‌ریزد. بسیاری از آدم‌ها در برابر مشکلات زندگی صبر می‌کنند؛ اما چون صبرشان فقط بر اراده شخصی یا انگیزه‌های زودگذر استوار است، زود می‌شکنند و خستگی، ناامیدی یا فشار دیگران، ستون صبرشان را ویران می‌کند.

صبر بدون پشتوانه الهی، چون باتری کوچکی است که زود تمام می‌شود؛ اما وقتی از منبع قدرت خداوندی تغذیه کند، به نیرویی تمام‌نشدنی تبدیل می‌شود. چنین صبری، نه تنها انسان را از مشکلات عبور می‌دهد، بلکه او را به قله‌های ایمان، عزت و پیروزی می‌رساند.

صبر، ستون پیروزی است

روشن است که تأکیدهای مکرر قرآن بر موضوع صبر و شکیبایی، بی‌حکمت نیست. صبر با همه دشواری‌ها و تلخی‌ها، میوه شیرینی دارد. صبر، ستون پیروزی و رستگاری است. همچنان که هیچ بنایی بدون ستون نمی‌ماند، هیچ فتحی هم بدون صبر پایدار نمی‌شود.

در زندگی روزمره، مادری که با یاد خدا آرام می‌ماند و سختی تربیت فرزندش را تحمل می‌کند، جوانی که در برابر جلوه‌ها و وسوسه‌ها پایداری می‌کند، یا ملتی که در برابر تهدید و فشار دشمن ایستاده است، همه اگر تکیه‌شان به خدا باشد، با همین صبر الهی رشد می‌کنند و با سربلندی به قله‌های موفقیت خواهند رسید.

در قرآن نیز نمونه‌های درخشانی وجود دارد. حضرت نوح علیه السلام با همین صبر، قوم سرکش خود را سال‌ها دعوت کرد و سرانجام اهل ایمان را از طوفان نجات داد. حضرت موسی علیه السلام در برابر فرعون ایستاد و با صبری الهی، قومش را به آزادی رساند. حضرت یوسف علیه السلام با صبر و بردباری مثال‌زدنی، تمام سختی‌ها و مشکلات را پشت سر گذاشت و قله‌های عزت و موفقیت را یکی پس از دیگری بالا رفت و عزیز دنیا و آخرت شد.

در تاریخ انقلاب اسلامی نیز ملت ایران با همین صبر متکی بر ایمان، توانست در برابر فشار دشمنان و سال‌های دشوار جنگ و تحریم بایستد و پیروز میدان شود. به این ترتیب، صبری که از یاد خدا ریشه بگیرد، به نیرویی بدل می‌شود که دل را آرام، اراده را استوار و جامعه را شکست‌ناپذیر می‌کند. چنین صبری، ستون پیروزی است؛ ستونی که اگر به خدا تکیه کند، هیچ طوفانی توان درهم شکستن آن را ندارد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. وقتی در زندگی با مشکلات روبه‌رو می‌شوم، معمولاً به چه چیز یا چه کسی تکیه می‌کنم؟
۲. آیا تابه‌حال در موقعیتی بوده‌ام که صبرم تمام شود؟ آن لحظه، یاد خدا چه تغییری در رفتار من ایجاد می‌کند؟
۳. در کدام بخش از زندگی‌ام بیشتر به تمرین صبر نیاز دارم؟ (خانواده، کار، درس، روابط اجتماعی)
۴. در خانه یا محیط کار، چگونه می‌توانم فضای آرامش و صبر را تقویت کنم؟

۱. با صبر، سپر بسازیم

آیه «وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» به ما می‌آموزد که صبر می‌تواند در ابعاد اجتماعی، به عنوان یک نیروی دفاعی قوی عمل کند. همان‌گونه که یک فرد با صبر خدایی در برابر مشکلات زندگی مقاوم می‌شود، یک جامعه نیز می‌تواند با «صبر اجتماعی» برای خود سپر بسازد؛ سپری که تیرهای تهدید و توطئه دشمنان را بی‌اثر می‌کند.

جامعه‌ای که با همدلی و اتحاد، صبر الهی را تمرین کرده باشد، مانند سدّی محکم می‌ایستد و اجازه نمی‌دهد دشمنان رخنه‌ای در روح و روان مردم پیدا کنند و عزم و ارادهٔ مردم چنین جامعه‌ای با یک فشار اقتصادی، یک جنگ روانی یا یک مشکل سیاسی فرو نمی‌ریزد.

اما صبر اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم در سختی‌ها کنار هم بایستند، به یکدیگر امید بدهند، توکل جمعی پیشه کنند و در یک کلمه، در برابر هجمهٔ همه‌جانبهٔ دشمنان، «تواصی به حق» و «تواصی به صبر» داشته باشند و باور کنند که پیروزی، نیازمند پایداری همدلانه است.

یک ملت زمانی به صبر اجتماعی می‌رسد که یاد خدا در روح جمعی آن زنده باشد، مسئولانش صبور و صادق باشند، رسانه‌هایش با پرهیز از شایعات، امیدآفرین باشند و خانواده‌هایش با اتکا به آموزه‌های قرآنی، فرزندان مقاوم تربیت کنند. چنین ملتی، سپری از ایمان و آگاهی می‌سازد و در برابر هر دشمنی شکست‌ناپذیر می‌شود.

۲. تمرین صبر در خانه

خانه، نخستین مدرسهٔ صبر و پایداری است. در خانه است که آدمی یاد می‌گیرد چگونه در برابر خستگی، اختلاف نظر، کمبودها یا بی‌حوصلگی‌ها،

آرام و خویشتن دار بماند. صبر در خانواده، منشأ محبت و دوام زندگی است؛ چون بی صبری، کوچک ترین دلخوری را به اختلافی بزرگ تبدیل می کند. همسران صبور، فرزندان آرام تر و روابطی گرم تر دارند.

اگر چاره بسیاری از چالش ها و فروپاشی ها در عرصه خانواده را از قرآن سؤال کنیم، بی تردید یکی از پاسخ های روشن آن همین آیه **﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾** است؛ زیرا «صبر» درمان بسیاری از اختلاف ها، بی تابیه ها، توقع های افراطی و تصمیم های عجولانه است. وقتی صبر با پشتوانه خدایی وارد خانه شود، دل ها نرم می شود، کینه ها فرومی نشیند، گفت و گو جای نزاع می گیرد و خانواده به کانونی گرم، آرام و صمیمی تبدیل می شود. در بُعد کلان نیز اگر بخواهیم جامعه ای صبور و مقاوم بسازیم، باید از خانواده شروع کنیم؛ از گفت و گوهای آرام، از گذشت، از تکیه بر یاد خدا در دل خشم ها. خانه ای که در آن صبر خدایی تمرین شود، به پناهگاهی امن تبدیل می شود؛ جایی که طوفان های بیرون نمی تواند آرامش آن را بر هم بزند. تمرین صبر در خانه، یعنی ساختن نسلی که در برابر سختی ها شکست ناپذیر است.



در این درس، خداوند فرمان «صبر» می دهد: **﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾**؛ یعنی در برابر سختی ها شکیباش؛ اما بدان که نیروی صبرت از خداست. منظور از صبر در این آیه، پایداری آگاهانه ای است که از ایمان و ارتباط با منبع لایزال الهی سرچشمه می گیرد. انسان وقتی به خدا تکیه دارد، در برابر هیچ توطئه و آزمایشی نمی شکند. صبر خدایی، نیرویی تمام نشدنی است که فرد و جامعه را شکست ناپذیر می کند و به پیروزی نهایی می رساند. پس

باید صبر را تمرین کرد، از خدا مدد گرفت و در مسیر حق، استوار ماند تا به آرامش و موفقیت حقیقی دست یافت.

پرسش‌های درس

۱. آیه محوری درس چه پیامی دربارهٔ منبع واقعی صبر به ما می‌دهد؟
۲. چرا صبری که به خدا متصل نباشد، پایدار و ماندگار نیست؟
۳. تفاوت صبر خدایی با صبر از سر ناچاری و انفعال در چیست؟
۴. چگونه می‌توان فرهنگ صبر با پشتوانهٔ الهی را در خانواده و سپس جامعه رواج داد؟
۵. صبر چگونه می‌تواند عامل پیروزی فرد یا جامعه در برابر مشکلات باشد؟

پیام‌های کاربردی

۱. صبر واقعی فقط زمانی پایدار است که ریشه در ایمان و یاد خدا داشته باشد.
۲. انسان مؤمن، در سخت‌ترین شرایط هم با تکیه بر خدا آرامش و استقامت خود را حفظ می‌کند.
۳. صبر خدایی، نیرویی است که فرد و جامعه را در مسیر حق شکست ناپذیر می‌کند.
۴. هرگاه در زندگی با دشواری روبه‌رو شدی، به جای ناامیدی، از خدا نیروی پایداری بخواه.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

دربرابر سختی‌ها و دشمنی‌ها شکیب‌ا باشیم و صبر خود را فقط با تکیه بر قدرت و یاری او استوار نگه داریم.

حالا نوبت توست...

- در شرایط خشم یا ناراحتی، یک دقیقه سکوت کن و از خدا آرامش بخواه.
- درب‌خورد با اعضای خانواده، به‌ویژه کودکان و سالمندان، تمرین خویشتن‌داری کن.
- در مسیر رسیدن به هدف‌ها، عجله نکن و صبر را بخشی از موفقیت بدان.
- وقتی دچار تأخیر یا مانع شدی، به جای شکایت، به حکمت آن فکر کن.
- در فضای مجازی یا گفت‌وگوهای روزمره، از واکنش عجولانه و احساسی پرهیز و دربرابر بی‌انصافی یا تندی دیگران، پاسخ آرام و مؤدبانه بده.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس پانزدهم

هرچه کنی به خود کنی
گر همه نیک و بد کنی

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ
وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾

سوره اسراء، آیه ۷

اگر خوبی کنید، به خودتان خوبی کرده‌اید، و اگر
هم بدی کنید، به خودتان بد کرده‌اید.



سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمِنَ آيَاتِنَا أَنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ
هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ أَلاَّ تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ﴿٢﴾
ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾
وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوكِئِذَا كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا
بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ
الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ
عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا
﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَهُمْ أَحْسَنُكُمْ لَأَنفُسِكُمْ ۖ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ﴿٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس پانزدهم با آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» بیانگر «قانون بازگشت عمل» و «مسئولیت‌پذیری» در برابر رفتارهاست. این آیه، با تأکید بر اینکه نتایج هر کار نیک یا بد، به خود انسان بازمی‌گردد، بیانگر قاعده‌ای است که هم انگیزه «استقامت» در کار نیک را تقویت می‌کند و هم یادآور عواقب اعمال بد است. این اصل، زمینه را برای ترویج فرهنگ احسان و اکرام در جامعه فراهم می‌آورد که هم نوعی مبارزه اقتصادی است و هم عامل تقویب پیوندهای اجتماعی و انسجام ملی برای حفظ استقلال است.

مربیان گران قدر لازم است در تدریس این درس، بر دو محور تأکید کنند: نخست، فهم عمیق مفهوم «بازتاب اعمال» که هیچ کار نیکی در جهان گم نمی‌شود و هیچ بدی بی‌اثر نمی‌ماند؛ بلکه به خود ما بازمی‌گردد. دوم، تربیت نگاه مسئولانه در قرآن‌آموز؛ به گونه‌ای که به جای سرزنش دیگران، ریشه خطاها را ابتدا در رفتار و تصمیم‌های خود بجوید.

برای تدریس مؤثر، پیشنهاد می‌شود مربی با مثال‌های ملموس از زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی این مفهوم را برای قرآن‌آموزان عینی کند و در ادامه، از قرآن‌آموزان بخواهد نمونه‌هایی از تجربه‌های خودشان را در بازگشت نیکی یا بدی بیان کنند.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم آیه محوری درس را به زبان ساده و روان توضیح دهد.
۲. قانون بازگشت عمل را در نمونه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی تشخیص دهد.
۳. رابطه میان رفتار انسان و پیامدهای مثبت یا منفی آن را تحلیل کند.
۴. در گفتار و رفتار خود، روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر اعمالش را نشان دهد.
۵. تأثیر اجتماعی احسان و نیکوکاری را در تقویت همدلی و انسجام جامعه درک کند.

قانون بازگشت عمل

دنیا مثل آینه است. هر کاری مقابلش انجام دهی، همان را به تو نشان می دهد. یا مثل یک کوه است که هرچه فریاد بزنی، پژواک همان را می شنوی. یا مثل بومرنگ که هرطور پرتابش کنی، به همان شکل به سمت خودت برمی گردد. مهم آن است که باور کنی: هر ذره کار خوبی که انجام می دهی، یا هر بدی و آزاری که به کسی می رسانی، به خودت بازمی گردد و تو دیر یا زود باید با بازتاب عملت روبه رو شوی.

این، ساده ترین و درعین حال، دقیق ترین قانون جهان است:

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾^۱

اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید، آن نیز به خود کرده اید.

در نگاه قرآن، کار دنیا بی حساب و کتاب نیست. هر نیکی یا خطایی پیش از آنکه به دیگران برسد، به خود انسان بازمی گردد؛ پس سرنوشت ما در آینده رفتار ماست و کیفیت زندگی مان، محصول انتخاب ها و اعمال خود ماست.

دنیا آینه است

این آیه، قانونی جهان شمول را بیان می کند؛ قانونی که در همه عرصه های

۱. سوره اسراء، آیه ۷.

زندگی (فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی تاریخی) جاری است. این قانون می‌گوید: هیچ کاری در جهان گم نمی‌شود. اعمال انسان، چون موجی در دریا، دیر یا زود به ساحل وجود خودش بازمی‌گردد. وقتی لبخندی به کسی می‌زنی، گرمای آن لبخند در درونت می‌ماند و آرامش می‌آورد و وقتی دل کسی را می‌شکنی، پیش از آنکه او را جریحه‌دار کنی، خودت را زخمی کرده‌ای. در بُعد اجتماعی نیز وقتی جامعه‌ای در احسان و نیکی، در انصاف و کمک به نیازمندان کوتاهی می‌کند، پیوندهایش سست می‌شود، اعتماد عمومی از میان می‌رود و استقلالش در معرض خطر قرار می‌گیرد. نتیجه آن می‌شود که دود این بی‌اعتمادی و استقلال‌نداشتن به چشم همه می‌رود. درمقابل، جامعه‌ای که برپایهٔ احسان و تعاون استوار است، از درون قوی می‌شود و هیچ تندبادی نمی‌تواند آن را از جا برگند.

در میدان اقتصاد نیز این آیه درس بزرگی دارد. اگر نیکی و اکرام را مثلاً در قالب قرض الحسنه، حمایت از تولید ملی یا انفاق خالصانه جاری کنیم، این احسان در حقیقت سرمایه‌گذاری برای آرامش و عزت خود ماست. هر کار نیکی، بازگشت شیرینی دارد؛ گاهی در دنیا به شکل رضایت و اعتماد اجتماعی و گاهی در آخرت به صورت پاداش الهی.

مسئولیت‌پذیر باشیم

مفهوم آیهٔ درس، در ظاهر ساده به نظر می‌رسد؛ اما در باطن، فلسفه‌ای ژرف دارد؛ اینکه انسان مسئول سرنوشت خویش است. نه دست تقدیر و نه دشمن بیرونی، به تنهایی عامل سقوط و شکست ما نیست. بسیاری از ناکامی‌ها، از درون خود ما می‌جوشد. همان‌طور که قرآن در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾ (هر مصیبتی که به شما رسد، به سبب دستاورد خودتان است).

بنابراین، از نگاه تربیتی، این آیه ما را از سرزنش دیگران، به سمت مسئولیت‌پذیری سوق می‌دهد. انسان باایمان، باید به این بلوغ برسد که وقتی با مشکلی روبه‌رو می‌شود، به جای گفتن «چرا خدا چنین کرد؟»، «تقدیرم بد رقم خورد» یا «تقصیر دیگران بود»، ابتدا از خود بپرسد: «من کجا خطا کردم؟». همین نگاه، سرچشمهٔ رشد و اصلاح است.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آیا تا به حال تجربه کرده‌ای که نتیجهٔ رفتار نیک یا نادرست خودت به شکلی به خودت بازگردد؟ چگونه؟
۲. نیکی و احسان در محیط خانه یا کار، چه تأثیری بر روابط تو با دیگران گذاشته است؟
۳. اگر عمیقاً باور داشته باشی که هر کار تو بازتابی دارد، در تصمیم‌ها و برخوردهایت چه تغییری ایجاد می‌شود؟
۴. چطور می‌توانی از این آیه برای تقویت انگیزهٔ استمرار کارهای نیک در خودت استفاده کنی؟

نکته‌ها

۱. از ماست که بر ماست

گاهی وقتی در زندگی شکست می‌خوریم یا دچار سختی می‌شویم، زود تقصیر را گردن دیگران یا شرایط می‌اندازیم؛ اما خداوند در آیه **﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾** هشدار می‌دهد که بسیاری از تلخی‌ها، ریشه در رفتار خود ما دارد. اگر در گفتار و رفتارمان بی‌دقت باشیم، اگر حق

دیگران را نادیده بگیریم، اگر با بی‌اعتمادی و خودخواهی پیش برویم، نباید از بازگشت همان تلخی‌ها تعجب کنیم. جهان بازتاب رفتار ماست. نیکی، نیکی می‌زاید و بدی، بدی.

همان‌طور که در زندگی فردی، اشتباهات کوچک می‌توانند آرامش ما را بر هم زنند، در سطح اجتماعی نیز ملت‌ها گاهی نتیجهٔ عملکرد خود را می‌چشند. وقتی جامعه‌ای از انصاف، کار و همدلی فاصله بگیرد، ضعف و شکست در عرصه‌های گوناگون سر برمی‌آورد. فقر، تفرقه و وابستگی، اغلب نتیجهٔ سستی در ایمان، تلاش و مسئولیت‌پذیری است.

این آیه ما را به بیداری فرامی‌خواند که پیش از شکایت از دشمنان بیرونی، خطاهای درونی خود را اصلاح کنیم. تا وقتی از درون قوی و درست نباشیم، از بیرون هم حمایت نخواهیم شد. پس باید باور کنیم که صلاح و فساد زندگی‌مان، بیش از هر چیز از خود ما آغاز می‌شود.

۲. بوم‌رنگ خانواده

خانواده نخستین میدان عمل ماست؛ جایی که نیکی و بدی، زودتر از هر جای دیگر در ما بازتاب پیدا می‌کند. خداوند در آیهٔ درس، قانونی را یادآور می‌شود که در محیط خانه، جلوه‌ای روشن دارد: اگر در خانه مهربانی، احترام و گذشت بکاریم، آرامش و محبت برداشت می‌کنیم و اگر با تندی، بی‌توجهی یا بی‌احترامی رفتار کنیم، ثمره‌اش دلخوری، سردی و فاصله بین دل‌ها خواهد بود.

وقتی پدر و مادر با یکدیگر با احترام سخن می‌گویند، فرزندان نیز ادب را می‌آموزند. وقتی در خانه فرهنگ لب‌خند، عذرخواهی و تشکر جریان دارد، روابط عاطفی خانواده عمیق‌تر می‌شود؛ اما وقتی فضا آکنده از گلايه، بی‌مهری و بی‌اعتمادی باشد، این رفتارها همانند بوم‌رنگی به‌سوی خود

اعضا برمی گردد و آرامش را از خانواده می گیرد. درواقع، هرکس در خانواده، سازنده یا ویرانگر حال خود است.

از نگاه کلان نیز این قانون در واقعیت جاری است. آنچه در خانواده می کاریم، روزی در جامعه می روید. جامعه چیزی جز مجموعه خانواده ها نیست. اگر خانواده ها همدل و صمیمی باشند، جامعه ای متحد و مقاوم خواهیم داشت؛ اما اگر خانواده ها گرفتار اختلاف و سردی شوند، جامعه نیز دچار تفرقه و ضعف خواهد شد. پس هر احسانی در خانواده، سرمایه ای است برای آینده جامعه که نسل فردا وارث آن است.



آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» قانون طبیعی بازگشت عمل را بیان می کند؛ قانونی که می گوید نتیجه هر رفتار، پیش از همه به خود انسان بازمی گردد. اگر نیکی کنیم، آرامش، عزت و برکت نصیب خودمان می شود و اگر بدی کنیم، تلخی و زیانش به خود ما می رسد. این حقیقت، انسان را از سرزنش دیگران بازمی دارد و روحیه مسئولیت پذیری را در او تقویت می کند. آیه ما را به استقامت در احسان و پرهیز از خطا فرا می خواند و یادآور می شود که صلاح و فساد فرد و جامعه، از درون انسان ها آغاز می شود. هرچه بکاریم، همان را درو خواهیم کرد.

پرسش‌های درس

۱. آیه محوری درس چه پیامی دربارهٔ نتیجهٔ اعمال انسان دارد؟
۲. مقصود از قانون بازگشت عمل در این آیه چیست؟ یک مثال از زندگی روزمره بزنید.
۳. این آیه چگونه ما را به مسئولیت‌پذیری در رفتار و تصمیم‌ها دعوت می‌کند؟
۴. نیکی و احسان در خانواده چه تأثیری بر آرامش و روابط اعضای خانواده دارد؟
۵. عمل به این آیه چگونه می‌تواند به گسترش فرهنگ احسان و همدلی در جامعه کمک کند؟

پیام‌های کاربردی

۱. هر کار نیک، پیش از هر کس به خود ما باز می‌گردد و در زندگی مان آرامش و برکت ایجاد می‌کند.
۲. انسان در برابر رفتارها و تصمیم‌هایش مسئول است و نباید تقصیر را برگردن دیگران بیندازد.
۳. احسان و نیکوکاری، سرمایه‌ای پایدار برای رشد فردی و استحکام خانواده و جامعه است.
۴. استقامت در انجام کارهای نیک، زمینه‌ساز عزت و آرامش در دنیا و پاداش در آخرت است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

مسئول رفتار و تصمیم‌های خود باشیم، نیکی کنیم و بدانیم هر عمل نیک یا بد، در نهایت، به خود ما بازمی‌گردد.

حالا نوبت توست...

- هر روز دست‌کم یک کار نیک کوچک انجام بده؛ حتی اگر فقط لبخند زدن به کسی باشد.
- پیش از هر تصمیم، از خود بپرس: «نتیجه این رفتار در زندگی خودم چه خواهد بود؟».
- اگر خطایی کردی، به جای سرزنش دیگران، سهم خودت را در آن بپذیر و جبران کن.
- در محل کار یا تحصیل، گاهی بدون انتظار تشکر، داوطلب کمک به دیگران شو.
- از تجربه‌های گذشته بیاموز. بررسی کن کدام رفتارها باعث تلخی یا آرامش زندگی‌ات شده‌اند.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس شانزدهم

دل قوی دار چو ایزد با توست

﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾

سوره طه، آیه ۶۸

[به موسی] گفتیم: نترس! پیروز میدان فقط تویی.



سُورَةُ طه

قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۖ قَالَ بَلْ
 أَلْقُوا فَإِذَا حِجَابُهُمْ وَعَصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا
 تَسْعَى ۖ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةُ مُوسَى ۖ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَى ۖ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
 كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ۖ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا
 قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ۖ قَالَ آمَنُكُمْ لَهُ وَقَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ
 لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا يَقْطَعَنَّ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صَلِّبَتْكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ
 آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَابْقَى ۖ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ
 الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۖ إِنَّمَا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِئَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۖ إِنَّهُ وَمَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
 فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۖ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
 عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ۖ جَنَّاتُ عَدْنٍ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ۖ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس شانزدهم با آیه «لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» پیام روشن و امیدبخشی دارد؛ وعده الهی برای پیروزی مؤمنان بر هیمنه دشمن قطعی است. این اطمینان قلبی، روحیه «استقامت» را در برابر هرگونه تهدید و ارباب دشمن تقویت می‌کند. همراهی خدا به انسان مؤمن شجاعت و اعتماد به نفس می‌بخشد تا در برابر جبهه کفر و استکبار، تسلیم نشود و بدون سستی و هراس، اقدام کند. این آیه، دراصل خطاب به حضرت موسی علیه السلام است، هنگامی که در برابر سحر ساحران فرعون قرار گرفت. ظاهر ماجرا به سود دشمن بود؛ اما خداوند با این جمله به موسی علیه السلام اطمینان داد که برتری با ایمان است؛ نه با قدرت ظاهری. موسی علیه السلام نیز با پشتوانه وعده پروردگار و با آرامش و یقین، بر همه سحرها چیره شد و ایمانش معجزه آفرید.

نکات راهبردی درس از این قرار است: برتری حقیقی در ایمان، تقوا و استقامت است؛ نه در امکانات و ظواهر. ترس، نخستین شکست انسان است. مربی باید نشان دهد که ایمان، ترس را به قدرت تبدیل می‌کند. تأکید شود که هزینه تسلیم در برابر ترس، بسیار سنگین‌تر از هزینه مقاومت است و پیروزی نهایی از آن جبهه حق است. البته این برتری، مشروط به ایمان به وعده‌های الهی و حرکت در مسیر اوست. برای اثرگذاری بیشتر، می‌توانید با استفاده از مثال‌های معاصر (مانند پیروزی ملت ایران در دوران دفاع مقدس یا موفقیت‌های علمی در وضعیت تحریم) درس را برای نوجوانان ملموس‌تر و الهام‌بخش‌تر کنید.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. معنای آیه محوری درس را به درستی دریابد.
۲. ارتباط میان ایمان به وعده الهی و غلبه بر ترس را توضیح دهد.
۳. نمونه‌هایی از برتری ایمان بر قدرت ظاهری را در تاریخ پیامبران و انقلاب اسلامی بشناسد.
۴. در موقعیت‌های دشوار زندگی، با تکیه بر ایمان و اعتماد به خدا، از ترس و ناامیدی پرهیز کند.

نترس، تو پیروزی

موسی علیه السلام در برابر بزرگ‌ترین ساحران زمانه ایستاده بود. آن‌ها با تمام توانشان، طناب‌ها و عصاهایشان را به شکل مارهای ترسناک درآوردند. صحنه آن قدر واقعی و هولناک بود که برای یک لحظه، ترس به دل موسی علیه السلام افتاد. درست در همان لحظه، صدایی از آسمان آمد: «نترس. قطعاً تو برتری». گاهی در زندگی، مشکلات و دشمنان آن قدر خودشان را بزرگ و ترسناک نشان می‌دهند که ما باورمان می‌شود از آن‌ها کوچک‌تریم. این آیه، یادآوری خدا به ما در آن لحظه‌هاست: «نترس. تا وقتی با من هستی، تو بالاتری، تو پیروزی».

﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ﴾^۱

(از دشمنان) نترس که بی‌تردید تو برتری.

این آیه کوتاه، اما کوبنده، یکی از پیام‌های بنیادین ایمان را آشکار می‌کند: رمز مقابله با ترس در ایمان، استقامت و عمل آگاهانه است. وقتی باور کنیم که خدا همراه ماست، دل آرام می‌گیرد، گام‌ها استوار می‌شود و ترس‌ها رنگ می‌بازد.

دست برتر ایمان

«خوف» واکنش طبیعی انسان در برابر وقایع و تهدیدهای بزرگ و هولناک است. در نگاه قرآن، ترس، دشمن پنهانِ ایمان است. هر انسانی در مسیر رشد و کمال، با موانع و ترس‌های مختلفی روبه‌روست: ترس از شکست، ترس از فقر، ترس از قضاوت دیگران، ترس از آینده و... هرگاه ترس بر انسان چیره شود، جرئت تصمیم از او گرفته می‌شود و عقلش اسیر هیمنه دشمن می‌گردد؛ اما ایمان، ترس را از درون می‌خشکاند و به مؤمن جرئت تصمیم و اقدام می‌دهد. همان‌گونه که حضرت موسی علیه السلام با یک عصا، در برابر امپراتوری فرعون و دستگاه عظیم تبلیغاتی او ایستاد، هر مؤمنی نیز می‌تواند با عصای یقین، ازدهای ترس را سر جای خود بنشاند.

پیام آیه، فراتر از یک رویداد تاریخی است. این کلام، ندایی جاودانه برای همه مؤمنان در همه عصرهاست که: وقتی جبهه حق در برابر سیل تبلیغات باطل، جنگ رسانه‌ای، فشار اقتصادی یا تهدید نظامی قرار می‌گیرد، خداوند همان ندا را به ما هم می‌فرماید: ﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾: نترس. تو برتری؛ چون حقیقت با توست.

ملت برتر

در مسیر زندگی جمعی، ترس بزرگ‌ترین مانع پیشرفت ملت‌هاست؛ اما ملتی که به خود و خدای خود باور دارد، از تحریم، جنگ یا تبلیغات دشمن نمی‌ترسد و در برابر تهدیدهای او سر تسلیم فرو نمی‌آورد. آیه محوری درس، در همین سطح اجتماعی و ملی، روح مقاومت و استقلال را در ملت‌ها زنده می‌کند.

ملت برتر، ملتی است که به وعده الهی ایمان دارد و در میدان امتحان‌ها عقب نمی‌نشیند و حتی در اوج سختی، امید را در دل خود زنده نگه می‌دارد. هرچه دشمن هیاو کند، ایمان او محکم‌تر می‌شود. او می‌داند مقاومت هزینه دارد؛ اما هزینه آن قطعاً کمتر از ذلت تسلیم است. این ملت برتر است؛

زیرا ایمان دارد که حق، در نهایت پیروز است؛ همان گونه که خدا وعده داده است: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾.

ملت مسلمان ایران، نمونه‌ای روشن از این حقیقت است. در دوران دفاع مقدس، تحریم‌ها، فشارها و فتنه‌ها، هرگز از مسیر عزت و استقلال بازنگشت. در برابر قدرت‌های جهانی ایستاد؛ چون به وعده الهی ایمان داشت. این ایمان و شجاعت، ملت ایران را به ملتی قهرمان و سربلند بدل کرد که بارها نشان داده است به‌پشتوانه یاری پروردگار، می‌تواند ترس را به امید، و تهدید را به فرصت تبدیل کند.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. چه چیزهایی باعث می‌شود ایمان من در برابر تهدیدها و هیاهوی دشمنان ضعیف شود؟
۲. تاکنون چند بار به دلیل ترس، از انجام کاری درست یا گفتن حرف حقی عقب‌نشینی کرده‌ام؟
۳. چگونه می‌توانم در خانواده یا محیط اطرافم، روحیه شجاعت و اعتماد به خدا را تقویت کنم؟
۴. آیا گاهی با سخنان یا رفتارم، دیگران را می‌ترسانم و روح امید را در آن‌ها کم‌رنگ می‌کنم؟

۱. نترسیم و نترسانیم

اگر ترس بر دل‌ها سایه بیندازد، پیش از هر شکست ظاهری، ارادهٔ انسان را در هم می‌شکند. آیهٔ «لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» راه‌رهای از این اسارت درونی را نشان می‌دهد: نترسیم؛ چون ایمان، ما را برتر می‌سازد. رمز پیروزی در برابر دشمنان سرسخت، همان جملهٔ کلیدی است که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی علیه السلام نیز بر آن تأکید داشت که نترسیم و دیگران را نیز نترسانیم؛ زیرا ترس، دستگاه محاسباتی انسان و جامعه را مختل می‌کند. کوچک‌ها را بزرگ می‌انگارد و توانایی‌های خود را ناچیز می‌پندارد.

وقتی ترس در جامعه گسترش یابد، امید از دست می‌رود، اتحاد سست می‌شود و جرئت اقدام از میان می‌رود. دشمن دقیقاً بر همین نقطهٔ ضعف سرمایه‌گذاری می‌کند. با هیاهوی تبلیغاتی، ما را می‌ترساند تا بدون جنگ، میدان را واگذار کنیم. این همان خطری است که قرآن هشدار می‌دهد: نترسید و فریب هیمنهٔ باطل را نخورید.

اما درمان ترس، در ایمان است. هرگاه دل را به وعدهٔ الهی بسپاریم و بدانیم که قدرت حقیقی در دست خداست، ترس‌ها فرومی‌ریزند. راه چاره آن است که با تکیه بر آیات حیات‌بخش قرآن، روح شجاعت، امید و اعتماد به نفس را در خود و جامعه زنده کنیم تا هیچ تهدیدی نتواند ما را از مسیر حق بازدارد.

نمونه‌های تاریخی فراوان است. در جریان انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام از جمله شخصیت‌های پرصلابتی بود که در برابر قدرت ظاهری و هیمنهٔ رژیم شاه و حامیان بین‌المللی‌اش، ذره‌ای نترسید. ایشان با باوری قلبی به این وعدهٔ الهی، به مردم می‌گفتند: «آمریکا هیچ غلطی

نمی‌تواند بکند)). این جمله از یک تحلیل سیاسی صرف نشئت نمی‌گرفت؛ بلکه از ایمانی عمیق به این حقیقت قرآنی برمی‌خاست که جبهه حق، در نهایت برتر است، چون خدا را دارد.

۲. برتری به چیست؟

قرآن معیارهای ویژه‌ای برای سنجش دارد که معیارهای مادی و دنیایی را فرومی‌ریزد. در نگاه قرآن، برتری نه به ثزاد و ثروت است و نه به قدرت و مقام؛ بلکه به ایمان، تقوا و استقامت در مسیر حق است: «لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى». در نگاه الهی، بزرگی در بندگی است و عزت در ایمان: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا».^۱ قرآن در آیه دیگری می‌فرماید: «إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ»؛^۲ گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست و در جای دیگر تأکید می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛^۳ سست نشوید و اندوهگین نگردید؛ شما برترید، اگر ایمان داشته باشید. قرآن تراز موفقیت و رستگاری را نیز فقط در تزکیه می‌داند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى».^۴ بنابراین، از نگاه قرآن، معیار برتری، ایمان و تقواست؛ نه قدرت ظاهری. کسی که دلش با خداست، هرچند در ظاهر ضعیف باشد، در حقیقت برتر است. برتری یعنی ایستادگی در راه حق، داشتن امید در سختی و نترسیدن از هیاهوی باطل. جامعه‌ای که به این معیارها پایبند باشد، هم در دنیا عزیز است و هم در آخرت سرافراز.

۱. سورة فاطر، آیه ۱۰.

۲. سورة حجرات، آیه ۱۳.

۳. سورة آل عمران، آیه ۱۳۹.

۴. سورة اعلی، آیه ۱۴.

آیه «لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى» پیام روشنی از امید و اقتدار الهی دارد. خداوند به مؤمنان می‌آموزد که در برابر دشمنان و سختی‌ها نترسند؛ زیرا برتری با ایمان، استقامت و اعتماد به وعده‌های اوست. ترس، نخستین شکست انسان است و مقاومت، آغاز پیروزی. این آیه یادآور می‌شود که هزینه تسلیم در برابر ترس، بسیار سنگین‌تر از هزینه پایداری است. هرکس دل به خدا بسپارد و از هیمنه باطل نهراسد، در مسیر حق پیروز است؛ چراکه ایمان، سرچشمه آرامش، عزت و غلبه نهایی است.

پرسش‌های درس

۱. آیه درس در چه موقعیتی نازل شد و خطاب آن به چه کسی بود؟
۲. پیام اصلی این آیه درباره ترس و ایمان چیست؟
۳. براساس محتوای درس، چرا برتری حقیقی در ایمان و استقامت است، نه در قدرت ظاهری؟
۴. از دیدگاه قرآن، چگونه می‌توان بر ترس‌های فردی و اجتماعی غلبه کرد؟
۵. معیار برتری از نگاه قرآن چیست؟

۱. ایمان به وعده الهی، ترس را از دل مؤمن می‌زداید و دل را لبریز از اطمینان می‌کند.
۲. در مسیر حق، اگر به خدا تکیه کنیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را شکست دهد.
۳. ترس، زاده غفلت از برتری الهی است و شجاعت، ثمره یاد خداست.
۴. در برابر باطل، مؤمن باید بداند که حق همیشه دست بالا را دارد؛ هرچند ظاهر ماجرا خلاف آن باشد.
۵. اعتماد به خدا نیرویی درونی می‌آفریند که از هر سلاح بیرونی نیرومندتر است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با ایمان و اعتماد به او، در برابر فشارها و تهدیدها نترسیم و بدانیم پیروزی از آن اهل حق است.

حالا نوبت توست...

داستان شجاعت پیامبرانی نظیر موسی علیه السلام، ابراهیم علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در قرآن بخوان و درس‌های آن‌ها را یادداشت کن.

در برابر تمسخر یا فشار دیگران برای کار درست، کوتاه نیا و با احترام بر درستی کارت پافشاری کن.

آیه ﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ را در اتاق یا دفترت بنویس تا همیشه به خودت یادآوری کنی.

در کارهای خیر داوطلب شو تا تجربه حضور و اقدام شجاعانه را بیشتر کنی.

وقتی اضطراب یا ترس سراغت آمد، وضو بگیر و چند لحظه با خدا حرف بزن، معجزه می‌کند!

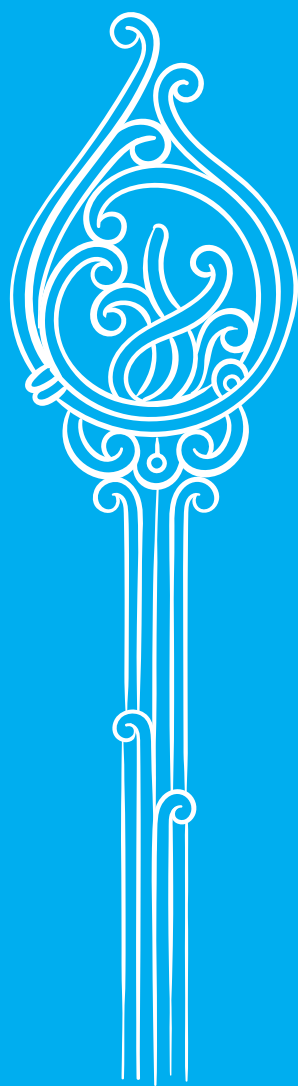
.....

.....

.....

.....





درس هفدهم

زمین فردا شود روشن ز فیض بندگان حق

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

البته ما پس از تورات، در زبور نوشتیم که همه زمین را
بندگان شایسته ما [با همه امکاناتش] به ارث می برند.



سُورَةُ الْأَنْبِيَاءِ

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
 خَلَدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
 الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾
 يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا
 أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ
 كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
 عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ
 عَالِمِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
 ﴿١٠٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَحْدٌ فَهَلْ
 أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ
 وَإِنِ أَدْرَى أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ
 الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنِ أَدْرَى
 لَعَلَّهُ وَفِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١١١﴾ قُلْ رَبِّ أَحْكُمْ
 بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

سُورَةُ الْحَجِّ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس هفدهم با محوریت آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» افق روشن استقلال و پیروزی نهایی صالحان را یادآوری می‌کند. خط محتوایی درس، تأکید بر استقامت، عمل صالح و انتظار فعال است. یعنی صالحان زمین، کسانی هستند که امروز تلاش و اصلاح خود را جدی می‌گیرند و در برابر ظلم و باطل می‌ایستند؛ بنابراین، لازم است هنگام تدریس بر «اهمیت عمل روزمره در مسیر صالح بودن»، «نقش صبر و شکیبایی در پیروزی نهایی» و «ضرورت فعال بودن در محیط اجتماعی» تأکید شود.

در برخی روایات، منظور از «عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» در آیه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و یاران او در آخرالزمان معرفی شده‌اند. روشن است که مفهوم این روایات، انحصار نیست؛ بلکه بیان عالی‌ترین و آشکارترین مصداق آیه است؛ بنابراین، در هر زمان و در هر جا، بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام، وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.

استفاده از پرسش‌های تأملی و دعوت به بازتاب شخصی (تدبر انفسی)، انگیزه قرآن‌آموزان را برای عمل به آیه افزایش می‌دهد؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود در طول تدریس با طرح پرسش‌های شخصی مثل «امروز من چه قدمی برداشتم تا جزء صالحان و شایستگان زمین باشم؟» مخاطب را به خودکاو و تعهد عملی دعوت کنید. می‌توانید از پرسش‌های بخش «لحظه‌ای درنگ» در متن درس الگو بگیرید. هدف این است که درس، هم الهام‌بخش باشد و هم به اقدام عملی واقعی منجر شود.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. با وعده الهی درباره اینکه صالحان وارث زمین‌اند، آشنا شوند.
۲. برخی از ویژگی‌ها و معیارهای اخلاقی صالحان را بشناسند.
۳. ارتباط بین سختی‌های امروز و پیروزی‌های آینده را درک کنند.
۴. حس مسئولیت‌پذیری در اصلاح محیط زندگی و روابط انسانی در او افزایش یابد.

آینده روشن است

به قدرت‌های بزرگ دنیا نگاه نکن. به ظلم و ستمی که همه جا را گرفته، نگاه نکن. این‌ها همه کف روی آب هستند که رفتنی‌اند. یک قانون قطعی و همیشگی وجود دارد که خدا آن را در کتاب‌های آسمانی مختلف، مهر و امضا کرده است: آینده زمین، برای آدم‌های خوب و شایسته است. شاید امروز ضعیف به نظر برسند، شاید امروز در اقلیت باشند؛ اما سرنوشت نهایی زمین، به دست آن‌ها رقم خواهد خورد.

این، وعده الهی است و وعده خدا هرگز دروغ نیست:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ
أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

و به یقین در زبور پس از تورات نوشتیم که:

زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد.

این آیه، بشارت قطعی پیروزی است که انگیزه «استقامت» را در طول مسیر مبارزه، با امید به آینده‌ای روشن تقویت می‌کند؛ چراکه انسان وقتی مقصد را به روشنی بشناسد، سختی‌های مسیر را آسان‌تر تحمل می‌کند.

وارثان شایسته فردا

تاریخ از دیدگاه قرآن، چون صحنه‌ای بزرگ است که قهرمانان واقعی‌اش، نه زورمندان و مستکبران، که نیکان و شایستگان زمین‌اند. هرچند پرده بارها با ظلم و ستم بسته می‌شود، اما پایان نمایش از پیش نوشته شده است: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ زمین عاقبت از آن صالحان خواهد بود؛ وعده‌ای قطعی که خداوند در کتاب‌های آسمانی چون زبور، تورات و قرآن بر آن صحنه گذاشته است.

این آیه، در امتداد آیات دیگری است که خبر از پیروزی نهایی بندگان خدا می‌دهند. خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱. این بشارت نه فقط وعده، بلکه قانونی تغییرناپذیر است: تاریخ درنهایت به سود «مستضعفان صالح» ورق خواهد خورد.

وقتی ملتی امروز سختی می‌کشد، اگر ایمان داشته باشد و استقامت ورزد، فردا میراث‌داری بزرگ خواهد بود. این اصل الهی در طول تاریخ بارها تحقق یافته است؛ از بنی اسرائیل که از سلطه فرعونیان رهایی یافتند تا حکومت سلیمان نبی عليه السلام بر بخش وسیعی از جهان و نیز انقلاب‌هایی چون انقلاب اسلامی ایران که ملت‌ها را از یوغ ظلم و استعمار آزاد کرد و درنهایت، انقلاب جهانی منجی موعود عجل الله تعالی فرجه که مصداق اتم آیه و تحقق کامل آن بر زمین خواهد بود.

امید به آینده؛ انگیزه استقامت امروز

یکی از زیبایی‌های این آیه، دمیدن روح امید در دل مؤمنان و مبارزان راه حق است. انسان وقتی بداند مقصد روشن است، مسیر دشوار برایش آسان‌تر می‌شود. مثل کوهنوردی که می‌داند پس از ساعت‌ها سختی و

۱. سورة قصص، آیه ۵.

صعود، قله‌ای زیبا و باشکوه در انتظارش است.

در دنیایی که هر روز اخبار تلخ ظلم و ستم به گوش می‌رسد، انسان به راحتی ممکن است دچار ناامیدی شود؛ اما این آیه با قاطعیت اعلام می‌کند که زمین سرانجام به دست بندگان صالح خواهد افتاد. این آیه به مستضعفان می‌گوید: اگر امروز در برابر ظلم ایستاده‌اید و طعم سختی را می‌چشید، نگران نباشید. شما تنها نیستید. خداوند پشتیبان شماست. هر گامی که در مسیر حق برمی‌دارید، بخشی از آینده‌ای است که خدا تضمین کرده است.

از نظر تاریخی، زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه، تجسم روشن این آیه است. زمانی که تعداد مسلمانان اندک و امکاناتشان ناچیز بود و زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها، تهدیدها و تحریم‌ها قرار داشتند، اما با ایمان به خدا، استقامت کردند و خداوند سرانجام حکومت بر آن سرزمین و فراتر از آن را به آنان واگذار کرد. این یک نمونه تاریخی قطعی از تحقق وعده الهی برای حاکمیت صالحان است.

امروز نیز این آیه، برای ایران عزیزمان، یک نقشه راه است. تحمل سختی‌ها در برابر دشمنان خارجی، تلاش برای اصلاح درونی، تربیت نسل مؤمن و صالح و امید به آینده‌ای روشن وظیفه همه ماست. هر قدم در این مسیر، بخشی از تحقق وعده قطعی خدا خواهد بود.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. اگر وعده خدا قطعی است، من برای «صالح بودن» چه تلاشی کرده‌ام؟

۲. انتظار آینده روشن را چگونه در زندگی روزمره‌ام، به کار و تلاش امروز

تبدیل کنم؟

۳. با وجود همه مشکلات و دشواری‌ها، این آیه چقدر در روحیه من و نگاه امیدوارانه‌ام به آینده تأثیر داشته است؟

۴. چه ضعف‌هایی در من وجود دارد که ممکن است مرا از بندگان صالح اشاره شده در آیه دور کند؟



۱. انتظار فعالانه

نکته مهم در فهم آیه محوری درس، تفسیر درست «انتظار» است. این آیه، با همه امیدآفرینی‌اش، ما را به «عمل» فرامی‌خواند؛ نه به سکون و انفعال. گاهی افراد، چنین آیات و وعده‌هایی را بهانه‌ای برای تنبلی یا سکوت در برابر ظلم می‌کنند و می‌گویند: اگر خدا خواسته زمین را به صالحان بدهد، پس ما کاری نکنیم؛ خودش درست می‌شود!

درحالی‌که سنت خدا هرگز چنین نیست. خداوند وعده داده است؛ اما شرطش را هم روشن کرده که بندگان باید صالح باشند. یعنی در میدان عمل صالح حاضر شوند، مبارزه کنند، استقامت ورزند و تسلیم سلطه‌طلبان نشوند.

انتظار درست، یعنی امید به آینده همراه با کار و تلاش امروز. برای مثال، کشاورزی که به وعده بهار ایمان دارد، بیکار نمی‌نشیند. او زمین را شخم می‌زند، دانه می‌کارد و آبیاری می‌کند؛ چون می‌داند فصل برداشت خواهد رسید. اگر کسی دست روی دست بگذارد و بگوید: بهار خودش می‌آید، هیچ محصولی نصیبش نمی‌شود.

این همان «انتظار فعال» است که اسلام بر آن تأکید دارد. قرآن به ما می‌گوید فردای روشن در گرو تلاش امروز ماست؛ پس در برابر ظلم باید

ایستاد، برای عدالت باید کار کرد و برای تربیت نسل صالح باید برنامه ریخت و دست به کار شد.

۲. صالحان چه کسانی هستند؟

آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» با لفظ «عِبَادِي» تأکید می‌کند که وارثان زمین کسانی‌اند که حقیقتاً بندگان خدا هستند؛ کسانی که فرمان الهی را پذیرفته و زندگی خود را براساس ولایت حق قرار داده‌اند. این ویژگی، شاخص اصلی صالحان است و نشان می‌دهد عمل آن‌ها صرفاً ظاهری نیست؛ بلکه ریشه در بندگی و اطاعت از خدا دارد.

این بندگان، باور دارند که عدالت و رفع ظلم، مأموریت همیشگی بندگان صالح خداست. آنان نه با سکون و انفعال، بلکه با صبر، تلاش و استقامت، زمین را برای وعده الهی آماده می‌کنند و هر روز با بندگی و ولایت‌پذیری، به تحقق آن نزدیک‌تر می‌شوند.

آن‌ها نیک می‌دانند که تغییرات بزرگ، از خانه و زندگی روزمره آغاز می‌شود. با رعایت عدالت در خانواده، تربیت فرزندان صالح، کمک به نیازمندان و اصلاح رفتارهای فردی، گام‌های اولیه اصلاح جهان را برمی‌دارند. هر کار نیک، هر تصمیم درست و هر اقدام شایسته، بخشی از ساختن زمین برای وارثان صالح است.

۳. سهم من از فردای روشن

وقتی خدا وعده داده است که «زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند»، این یعنی فردای زمین روشن است؛ اما پرسش مهم این است که سهم من از این فردای روشن چیست؟

«صالح بودن» با کارهای عجیب و غیرممکن آغاز نمی‌شود؛ بلکه با کوچک‌ترین انتخاب‌های روزمره شکل می‌گیرد. اگر امروز دروغ نگویم، اگر

در معامله‌ام صداقت داشته باشم، اگر محیط اطرافم را پاکیزه نگه دارم، اگر به جای بی‌اعتنایی به رنج دیگران، دستی برای کمک دراز کنم، قدمی در راه صالح بودن برداشته‌ام.

باید یاد بگیریم به جای نشستن و حسرت خوردن برای آینده، با کارهای کوچک، اما پیوسته، زمین را برای فردای روشن آماده کنیم؛ این یعنی همان «انتظار فعالانه». سهم من در آغاز می‌تواند یک لب‌خند به همسایه، کاشت یک درخت یا تربیت درست فرزندم باشد.

اگر هر روز، اندکی خود را اصلاح کنیم و اندکی زمین و جامعه اطرافمان را بهتر از دیروز بسازیم، آن‌گاه بی‌تردید ما نیز در صف وارثان زمین قرار می‌گیریم؛ وارثانی که خدا وعده پیروزی‌شان را داده است. پس همین حالا از خودت بپرس: اگر امروز خدا بخواهد وارثان زمین را انتخاب کند، آیا اسم من هم در صف صالحان خواهد بود؟



آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» منشور آینده بشریت است. به ما می‌گوید که تاریخ به نفع صالحان رقم خواهد خورد و زمین سرانجام به وارثان شایسته‌اش خواهد رسید. شرط این وراثت، استقامت و پرهیز از تسلیم است. پس این آیه، بزرگ‌ترین منبع امید برای مستضعفان و مبارزان راه حق است؛ امیدی که آن‌ها را به حرکت و پایداری دعوت می‌کند. این آیه، به جای اینکه ما را به سکون بکشانند، ما را به تلاش بیشتر و «انتظار فعالانه» فرامی‌خواند و چه زیباست که انسان بداند: آینده، با همه سختی‌ها و فراز و فرودهایش، در نهایت، از آن صالحان است.

پرسش‌های درس

۱. آیه محوری درس چه پیامی درباره آینده زمین و وارثان آن به ما می‌دهد؟
۲. ویژگی‌های بندگان صالح که زمین را وارث می‌شوند، کدام‌اند؟
۳. مفهوم «انتظار فعال» از منظر اسلام را به اختصار بیان کنید.
۴. سه نمونه تاریخی ذکر کنید که حکومت زمین به وارثان شایسته رسیده است.

پیام‌های کاربردی

۱. فردا از آن کسانی است که امروز برای حق ایستادند.
۲. استقامت در مسیر حق، شرط رسیدن به آینده روشن است.
۳. امید به وعده خدا، نیروی محرکه برای فعالیت و حرکت صالحانه است.
۴. انتظار فعال، یعنی امیدداشتن و حرکت کردن هم‌زمان.
۵. هر روز یک قدم در مسیر اصلاح خود و جامعه، سهم واقعی تو از فردای روشن زمین است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با بندگی حقیقی، اخلاق نیک و عمل صالح، شایستگی وراثت آینده زمین را پیدا کنیم و برای ساختن جهانی عادلانه تلاش کنیم.

حالا نوبت توست...

هفته‌ای یک بار در جلسات خانوادگی یا دوستانه، درباره مباحثی مثل عدالت، ظلم‌ستیزی یا مسئولیت اجتماعی که از ویژگی‌های اصلی بندگان صالح خداست، گفت‌وگوهایی ترتیب بده.

با خانواده یا در جمع دوستان، قرار بگذارید که یک کتاب کوچک درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه به صورت جمعی مطالعه کنید.

در مسجد یا محله، داوطلب یک کار کوچک خدمت‌رسانی شوید (مثل نظافت، کمک به سالمندان، کارهای فرهنگی) تا روحیه اصلاح و خدمت در شما تقویت شود.

در فضای مجازی، دست‌کم هفته‌ای یک محتوا درباره امید، عدالت، انتظار، اخلاق و اصلاح‌گری منتشر کن.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس هجدهم

درگذرتا از تو درگذرند

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ

أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾

سوره نور، آیه ۲۲

باید از خطایشان بگذرند و به رویشان نیاورند.
مگر دوست ندارید خدا هم از خطاهایتان درگذرد؟!



سُورَةُ الْبُورَةِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
 خُطُوتَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَمَا زَكَّى مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ
 اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾ وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ
 مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ
 الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ
 اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ
 لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ
 أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
 وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس هجدهم براساس آیه «وَلْيَعْلَمُوا أَلاَّ تُحْيُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» بر این حقیقت بنیادین تأکید دارد که عفو و گذشت، نه تنها یک فضیلت اخلاقی فردی، بلکه راهبردی کلیدی برای حفظ وحدت، انسجام اجتماعی و تقویت توان ملی در برابر دشمنان است.

به اعتقاد مفسران، این آیه خطاب به ثروتمندانی نازل شد که پس از ماجرای «افک» (تهمت به عایشه همسر پیامبر ﷺ) سوگند یاد کردند که به هیچ یک از افرادی که در این ماجرا درگیر بودند، کمک مالی نکنند؛ اما خداوند آنان را از این کار نهی کرد و دستور عفو و بخشش داد. براساس عمومیت آیه، خداوند همه مؤمنان را تا قیامت فرمان می‌دهد که در برابر خطاهای دیگران برخورد خشن نکنند و با عفو و گذشت رفتار کنند.

در تدریس این درس، ضروری است که مربی به دو بُعد اصلی توجه کند: نخست، بُعد درونی و اخلاقی آیه که دل‌ها را به سوی آرامش و بزرگواری دعوت می‌کند و دوم، بُعد اجتماعی و ملی آن که می‌گوید عفو و گذشت، توان جامعه را برای مقابله با تهدیدهای بیرونی متمرکز می‌کند.

برای تأثیرگذاری بهتر، می‌توانید از شیوه‌های متنوع، از جمله شیوه بحث و تبادل نظر آزاد در جلسه استفاده کنید. مربی می‌تواند اعضای جلسه را به گروه‌هایی تقسیم کند و یک موضوع اخلاقی یا اجتماعی مرتبط با آیه را مطرح کند و از هر گروه بخواهد راهکارهای عملی ارائه دهند. مثلاً از قرآن‌آموزان بخواهید فکر کنند اگر در جامعه اختلاف‌ها با گذشت حل شود، چه تأثیری بر استقلال و قدرت ملی خواهد داشت.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. معنای دقیق «عفو» و «صفح» را از منظر قرآنی بشناسند.
۲. اهمیت گذشت در تحکیم روابط خانوادگی و اجتماعی را دریابد.
۳. درک کند که گذشت، راهبردی وحدت‌آفرین برای مقابله با تفرقه‌انگیزی دشمن است.
۴. در زندگی روزمره، در برابر خطاهای دیگران روحیه عفو و گذشت از خود نشان دهد.



بخشش، رمز پیروزی است

یک تیم را در نظر بگیرید. اگر بازیکنان در میدان مسابقه، به جای همکاری، مدام با سرزنش خطای یکدیگر را یادآوری کنند، چه اتفاقی می افتد؟ روشن است که اتحاد و همدلی گروه از بین می رود و نتیجه، چیزی جز شکست نخواهد بود.

خداوند راه پیروزی را در چنین وضعیتی «گذشت» می داند:

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾^۱

و (مؤمنان) باید عفو پیشه کنند و درگذرند. آیا دوست ندارید

که خدا شما را ببخشد؟

این آیه، ما را به یک اصل طلایی برای نجات از تفرقه و دشمنی هدایت می کند و یادآور می شود که «عفو و گذشت» فقط یک فضیلت اخلاقی فردی نیست؛ بلکه سازوکاری الهی برای حفظ وحدت و تقویت مقاومت اجتماعی است.

تفاوت بین «عفو» و «صفح»

در این آیه، خداوند مؤمنان را به «عفو» و «صفح» در روابط خود توصیه می کند. این دو واژه، مفهوم مشترکی را به ذهن می رسانند؛ اما تفاوت دقیقی نیز بین آنها وجود دارد.

۱. سوره نور، آیه ۲۲



«عفو» به معنای صرف نظر کردن از مجازات و چشم پوشی از گناه است. وقتی کسی خطا می کند و ما او را می بخشیم، یعنی پیگیری آن خطا را از ذهن خود پاک می کنیم. برای مثال، کسی در رانندگی بی احتیاطی می کند و باعث ناراحتی ما می شود. اگر تصمیم بگیریم شکایت نکنیم و از خطای او بگذریم، این همان «عفو» است.

اما «صفح» به معنای ترک ملامت و روی خوش نشان دادن است که در مرحله بالاتری از عفو قرار دارد.^۱ این واژه از «صفحه» گرفته شده و به معنای این است که علاوه بر عفو، با روی گشاده و بدون عتاب و سرزنش با فرد خطاکار برخورد کنیم؛ بنابراین، گاهی انسان کسی را می بخشد (عفو)؛ اما گذشته را مدام به روی او می آورد. این بخشش، ناتمام است. صفح یعنی ورق تازه ای در رابطه گشودن. یعنی چنان رفتار کنی که گویی اصلاً خطایی رخ نداده است.

به هر ترتیب، خداوند دستور می دهد که مؤمنان علاوه بر چشم پوشی از خطای یکدیگر، با رفتار کریمانه و محبت آمیز، با فرد خطاکار برخورد کنند. این روحیه، به طور قطع همدلی و انسجام اجتماعی را محکم می کند. اگر گروه ها و جریان های مختلف جامعه، مدام گذشته را علیه هم به کار گیرند، هیچ گاه جبهه ای واحد در برابر دشمن شکل نمی گیرد. در سطح خانوادگی نیز پدر و مادری که هربار به خطای فرزند اشاره کنند، اعتماد و محبت او را می شکنند؛ اما اگر خطا را ببخشند و آن را به رویش نیاورند، پیوند عاطفی خانواده محکم و پابرجا می ماند.

راه رسیدن به اتحاد مقدس

امروزه، دشمنان بیش از آنکه به توپ و تانک خود متکی باشند، به اختلاف افکنی در بین ما امید بسته اند. به رسانه هایشان نگاه کنید. با

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

شایعه، دروغ افکنی، جنگ روانی و تحریک کینه‌های قدیمی، می‌خواهند وحدت ملی ما را بشکنند. در چنین وضعیتی، قرآن کریم یک راهبرد سیاسی و اجتماعی بی‌نظیر برای پیروزی پیشنهاد می‌دهد: هرچه گذشت و مدارا در درون جامعه بیشتر شود، دشمن بیرونی مأیوس‌تر خواهد شد.

قرآن برای بیان این راهبرد، از همین دو کلیدواژه «عفو» و «صفح» استفاده کرده است. اگر افراد جامعه با ترویج فرهنگ عفو و گذشت، یاد بگیرند خطاهای یکدیگر را ببخشند و پرونده‌های گذشته را ببندند، اتحاد درونی مقدس در جامعه شکل می‌گیرد و توان جمعی برای مقابله با تهدیدهای دشمن چندبرابر می‌شود.

در سایه این وحدت، ملت قدرت تصمیم‌گیری جمعی پیدا می‌کند، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد و کشور در مسیر عزت، سربلندی و استقلال قرار می‌گیرد. این همان راهی است که قرآن برای پیروزی امت اسلامی پیشنهاد داده است.

لحظه‌ای درنگ

از خودت پرس:

۱. آیا کسی هست که در دلم هنوز از او گلایه دارم و نتوانسته‌ام او را ببخشم؟ مشکل کار کجاست؟
۲. در چه موقعیت‌هایی گذشت برای من سخت‌تر می‌شود؟ این سختی از کجا ناشی می‌شود؟
۳. اگر خداوند بخواهد با من همان‌طور رفتار کند که من با خطاهای دیگران رفتار می‌کنم، چه احساسی خواهم داشت؟ سود می‌کنم یا زیان؟
۴. اگر از امروز بخواهم با آیه «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا» زندگی کنم، چه تغییراتی باید در سبک زندگی و روابطم ایجاد کنم؟

۱. بخشش از بزرگان است

بخشش، خصلت انسان‌های بزرگ است؛ زیرا اساساً بخشیدن، کار دشوار و بزرگی است. وقتی کسی در حقمان بدی می‌کند، اولین حس، انتقام است و دلمان می‌خواهد مقابله به مثل کنیم. در این مواقع، بخشیدن سخت‌ترین کار دنیا به نظر می‌رسد. کسی که می‌بخشد، از بند خشم و انتقام آزاد می‌شود و به قله آرامش و عزت می‌رسد.

از سوی دیگر، بخشش انسان را بزرگ می‌کند؛ بنابراین، آیه می‌خواهد با توصیه به عفو و گذشت، مؤمنان را رشد دهد و خصلت بزرگ‌منشی را در آنان تقویت کند. قرآن این کار را با یک انگیزه معنوی و عمیق انجام می‌دهد و بخشش خطاهای دیگران را به طور مستقیم به امید و اشتیاق انسان برای دریافت «مغفرت الهی» پیوند می‌زند و می‌گوید: «اگر می‌خواهی مشمول مغفرت الهی شوی، از خطای دیگران بگذر».

در عرصه اجتماعی نیز ملت‌ها با روح عفو است که بزرگ می‌شوند. جامعه‌ای که مردمش اهل گذشت و مدارا باشند، در برابر فتنه‌ها و دشمنی‌ها، قوی و یکپارچه می‌ماند. دشمن همیشه از دلخوری‌ها و تفرقه‌ها سود می‌برد؛ اما گذشت، ریشه اختلاف را می‌خشکاند. ملتی که کینه‌ها را کنار می‌گذارد، نیرو و توانش را صرف سازندگی می‌کند؛ نه انتقام. چنین جامعه‌ای عزت و استقلال خود را حفظ می‌کند و از سلطه قدرت‌های مستکبرها می‌شود.

۲. هنر چشم‌پوشی در خانواده

در هر خانواده‌ای، گاهی دلخوری و رنجش پیش می‌آید. یک حرف بی‌جا، یک رفتار تند یا یک برداشت نادرست کافی است تا میان دل‌ها فاصله بیفتد؛ اما

خداوند در آیه **﴿وَلْيَعْمُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾** ما را به گذشت و چشم‌پوشی دعوت می‌کند.

درواقع، یکی از کاربردهای روشن این آیه، در ساحت خانواده است. چشم‌پوشی یعنی نادیده گرفتن لغزش عزیزانت؛ نه از روی بی تفاوتی، بلکه از روی بزرگواری. یعنی وقتی همسرمان تندی کرد، به جای پاسخ تند، لبخند بزنیم و بگوییم: «اشکالی ندارد. می‌دانم خسته‌ای»، یعنی وقتی فرزندان اشتباه کرد، به جای سرزنش، فرصت جبران به او بدهیم.

چنین رفتاری، فضای خانه را از تنش به آرامش تبدیل می‌کند. دل‌ها به جای دور شدن، به هم نزدیک می‌شوند و صمیمیت و احترام متقابل جان می‌گیرد. چشم‌پوشی، نه ضعف، بلکه قدرت عشق است؛ چون کسی که می‌بخشد، در حقیقت، بر خشم خود چیره شده است.

وقتی در خانواده روح عفو جاری شود، گفت‌وگو آسان‌تر، محبت عمیق‌تر و زندگی شیرین‌تر می‌شود. خانه‌ای که در آن دل‌ها همدیگر را می‌بخشند، شبیه بهشتی است که خدا وعده داده است؛ جایی که همه در سایه مغفرت الهی آرام گرفته‌اند.

جمع‌بندی

آیه **﴿وَلْيَعْمُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾** ما را به یک حقیقت بنیادین می‌رساند: بخشش، موجب حفظ آرامش فردی و در بُعد اجتماعی، ضامن اتحاد و انسجام جامعه است؛ از این رو، گذشتن از خطای دیگران، فقط رفتاری اخلاقی و فردی صرف نیست؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی و ملی است. گذشت، توان جامعه را برای مقابله با دشمنان افزایش می‌دهد. در حقیقت، هربار که می‌بخشیم، هم دل خود را آرام می‌کنیم و هم ستون‌های استقلال جامعه را استوارتر می‌سازیم.

پرسش‌های درس

۱. براساس آیه «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا»، تفاوت میان «عفو» و «صفح» چیست و هرکدام چه نقشی در آرام‌سازی روابط انسانی دارند؟
۲. چرا گذشت، فضیلت فردی صرف نیست و چه نقشی در تقویت انسجام اجتماعی و عزت ملی دارد؟
۳. عفو و مدارا چگونه می‌تواند جامعه را در برابر تفرقه‌افکنی دشمنان مقاوم‌تر کند؟
۴. ترویج فرهنگ گذشت در خانواده، چه تأثیری بر روابط عاطفی اعضای خانواده دارد؟

پیام‌های کاربردی

۱. گذشت، راه رسیدن به مغفرت الهی است. هرکس آرزوی آمرزش خدا را دارد، باید خود پیشگام بخشیدن دیگران باشد.
۲. بخشیدن، رابطه‌ها را ترمیم می‌کند، کینه‌های کوچک را پایان می‌دهد و مانع بزرگ شدن ترک‌های عاطفی در خانواده و جامعه می‌شود.
۳. گذشت، یک قدرت اجتماعی است. جامعه‌ای که اهل عفو و مدارا باشد، در برابر فشارها و تهدیدها مقاوم‌تر است و با پرهیز از اختلافات، انرژی خود را صرف پیشرفت می‌کند.
۴. دشمن از شکاف‌ها تغذیه می‌کند. گذشت، نقشه‌های تفرقه‌افکنانه دشمن را بی‌اثر می‌کند و باعث تقویت انسجام و استقلال ملی می‌شود.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای دیگران، دل‌ها را پاک و متحد کنیم و برای دریافت مغفرت و رحمت الهی شایسته‌تر شویم.

حالا نوبت توست...

هر شب پیش از خواب، همهٔ کسانی را که در طول روز تو را رنجانده‌اند، ببخش تا با قلبی پاک و آرام بخوابی و لایق بخشش خداوند شوی.

در محیط خانواده، از اشتباهات اعضای خانواده‌ات بگذر تا محیط خانه سرشار از آرامش و محبت باشد؛ نه کینه و دلخوری.

در رسانه‌ها، به‌ویژه فضای مجازی، به‌جای تمرکز بر اشتباهات گذشتهٔ افراد و ایجاد کینه، بر جنبه‌های مثبت و فرصت‌های آینده تمرکز کن.

در رانندگی، اگر کسی جلو ما پیچید، به‌جای عصبانیت و بوق‌زدن، او را ببخشیم و رد شویم؛ به‌این امید که خدا هم خطاهای ما را ببخشد.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس نوزدهم

فرمان مبرز دشمن و عزم جهاد کن

﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ
بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾

سوره فرقان، آیه ۵۲

از کافران اطاعت مکن، و به وسیله قرآن
با آنان مبارزه و جهاد بزرگی بنما.



سُورَةُ الْفُرْقَانِ

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
 كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٥﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ
 الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ وَسَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا
 ﴿٤٦﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٨﴾ وَهُوَ
 الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٩﴾ لِنُخْرِجَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ
 مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ
 لِيَذْكُرُوا قَائِلًا أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥١﴾ وَلَوْ شِئْنَا
 لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥٢﴾ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجِهْدُهُمْ
 بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا
 عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
 وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٤﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
 نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٥﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس نوزدهم با آیه «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» تأکیدی است بر مقاومت در برابر نفوذ و سلطه دشمن و نشان می‌دهد که جهاد، نه فقط نظامی، بلکه فرهنگی، فکری، اجتماعی و خانوادگی نیز هست. این آیه، مفهوم «جهاد کبیر» (به معنای «تبعیت نکردن») و اطاعت نکردن از دشمن در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری) را مستقیماً از متن قرآن ارائه می‌دهد.

مربیان عزیز، در تدریس این درس، به یاد داشته باشید که قرآن‌آموزان باید به درستی درک کنند که خود فعلی «نه گفتن به دشمن» و مقاومت در برابر فشارها و تطمیع‌های او، یکی از بزرگ‌ترین انواع جهاد محسوب می‌شود. هدف از این جهاد بزرگ که امیر مؤمنان علیه السلام مصداق بارز آن بودند، حفظ هویت، استقلال و عناصر قدرت درونی نظام اسلامی در برابر تلاش دشمن برای تهی‌سازی و وادار کردن آن به سلطه‌پذیری و تسلیم است.

برای ملموس شدن پیام اصلی درس، پیشنهاد می‌شود از نمونه‌های روزمره استفاده کنید: خانواده‌ای که در برابر مدهای فریبنده مقاومت می‌کند، جوانی که در برابر فشار هم‌سالان برای انجام گناه، «نه» می‌گوید، یا یک شهروند که در محیط کار، اصول اخلاقی را رعایت می‌کند. همچنین، نمونه‌های کلان سیاسی و تاریخی، مانند مقاومت ملت ایران در برابر فشارهای تحمیلی مستکبران، می‌تواند درس را زنده و عملی نشان دهد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم «جهاد کبیر» را از منظر قرآن درک کند.
۲. عرصه‌های اطاعت نکردن از دشمن را بشناسد.
۳. تفاوت تعامل هوشمندانه، با تسلیم و اطاعت بی‌چون وچرا را بفهمد.
۴. حفظ استقلال و مقاومت در برابر فشارها و نفوذ دشمن را ارزشمند بداند.
۵. در برابر فشارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مهارت «نه گفتن» را تمرین کند.



به دشمن بگو: نه!

جهاد همیشه با شمشیر و تفنگ نیست. گاهی دشمن با سلاح شبهه افکنی، تحریف حقیقت و تحمیل رأی و روایت خودش از طریق رسانه‌ها هجوم می‌آورد. اینجا دیگر میدان جنگ، پهنه کوه و دشت نیست؛ گستره ذهن و قلب آدم‌هاست. سلاح ما هم برای مقابله با دشمن، باید متناسب با این میدان باشد؛ یعنی جهاد با «کلمه» و «منطق». قرآن فرمان می‌دهد که در چنین میدانی باید با منطق قوی و استدلال محکم قرآن ایستادگی کنی. این، «جهاد کبیر» است:

﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾^۱

پس از کافران اطاعت مکن و با [منطق] قرآن با آنان به

جهادی بزرگ برخیز.

در این آیه، خدا به پیامبرش نمی‌گوید: «با شمشیر با کافران بجنگ»؛ می‌گوید: «با قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ یک جهاد بزرگ». اول هم اطاعت نکردن از دشمن را پیش می‌کشد و می‌گوید: «باید به دشمن نه بگویی». امروز هم میدان همین است.

معنای «جهاد کبیر»

این فرمان، فقط دستوری شخصی به پیامبر ﷺ نیست؛ بلکه منشوری است برای همهٔ مؤمنان تا با حفظ هویت ایمانی خود، نه تنها در برابر سلطه طلبی دشمن تسلیم نشوند، بلکه با منطق قوی و استوار قرآن، آنان را به چالش بکشند.

جهاد کبیر، جنگ مسلحانه نیست؛ بلکه مبارزه‌ای عمیق‌تر و سخت‌تر در عرصه‌های فرهنگی، فکری و تبلیغاتی است؛ مبارزه‌ای است برای «اطاعت نکردن» از دشمن در میدان‌های مختلف که با سلاح قرآن انجام می‌شود.^۱ وقتی دشمن با ابزار رسانه، فرهنگ، تبلیغات و پیشنهاد‌های وسوسه‌کننده به میدان آمده، اگر تسلیم شویم، بزرگ‌ترین شکست را پذیرفته‌ایم؛ اما وقتی مقاومت کنیم و با «نه» ای قاطع، نقشه‌های دشمن را نقش بر آب کنیم، درحقیقت، به جهاد کبیر عمل کرده‌ایم. به این مصادیق روزمره توجه کنید:

۱. در عرصهٔ فرهنگی: وقتی جوانی می‌بیند الگوهای پوشش و سبک زندگی غربی به‌طور گسترده تبلیغ می‌شود، اما او آگاهانه تصمیم می‌گیرد که اصالت فرهنگی خود را حفظ کند، این یعنی جهاد کبیر.

۲. در عرصهٔ اقتصادی: وقتی جامعه در برابر فشار تحریم‌ها تسلیم نمی‌شود و راه‌های بومی برای پیشرفت و رشد اقتصادی پیدا می‌کند، درواقع، «نه» بزرگی به دشمن گفته است.

۳. در عرصهٔ علمی: وقتی دشمن حتی علم و فناوری را هم تحریم می‌کند و ملتی روی پای خودش می‌ایستد و با تلاش علمی، به مرزهای دانش دست می‌یابد، آن ملت پیروز کارزار جهاد کبیر است.

۱. گفتنی است که در اسلام از سه قسم جهاد سخن به میان آمده است: «جهاد اصغر» که مبارزهٔ مسلحانه در میدان جنگ است؛ «جهاد کبیر» که مبارزهٔ فرهنگی در برابر سلطهٔ دشمن است و «جهاد اکبر» که مبارزه با هوس‌های نفسانی و خودسازی است.

۴. در عرصه سیاسی: وقتی ملت‌ها در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، استقلال خود را حفظ می‌کنند و حاضر به سازش ذلت‌آمیز نمی‌شوند، مصداق جهاد کبیر را نشان می‌دهند.

این مثال‌ها، وسعت «جهاد کبیر» را به خوبی نمایان می‌کند و نشان می‌دهد همه افراد جامعه، مکلف به جهاد نظامی نیستند؛ اما حضور مقتدرانه در عرصه جهاد کبیر، وظیفه فرد فرد جامعه مسلمان است.

تسلیم نشو...

جهاد کبیر، هنر «نه گفتن» است؛ نه گفتن به تسلیم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. زندگی پر از فشارها و وسوسه‌هایی است که می‌خواهند ما را وادار به تسلیم کنند؛ از تبلیغات پرزرق و برق گرفته، تا تهدیدها و تطمیع‌های آشکار و پنهان شیاطین بزرگ و کوچک. درست همین جاست که آیه قرآن به ما می‌گوید: «در برابر دشمن کوتاه نیا، اطاعت مکن و با قرآن و ایمان، جهاد بزرگی انجام بده».

پیام آیه، ساده اما عمیق است: تسلیم نشو؛ نه در برابر تهدید دشمن، نه در برابر فریب شیطان. جهاد کبیر، رمز عزت و استقلال فرد و جامعه است. هر جا که مؤمنان تسلیم شدند، هویتشان از دست رفت و هر جا که مقاومت کردند، پیروز و سربلند ماندند.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آیا من تا به حال در برابر وسوسه‌های فکری و فرهنگی دشمن، نه

گفته‌ام یا تسلیم شده‌ام؟ (به خودت نمره بده)

۲. چه انتخاب‌هایی در زندگی روزمره من می‌تواند مصداق جهاد کبیر

باشد؟

۳. سبک زندگی من، ارزش‌ها و هویت اسلامی و ملی مرا تقویت می‌کند یا تضعیف؟

۴. چه مهارت‌ها و توانمندی‌هایی نیاز دارم تا در عرصه جهاد کبیر موفق باشم؟



۱. استقلال فرهنگی، خط مقدم نبرد

نبردهای امروز فقط در میدان جنگ و با سلاح‌های سخت نیست. خط مقدم اصلی، جایی است که فرهنگ‌ها با هم درگیر می‌شوند. دشمنان برای تسلط بر ملت‌ها، پیش از هر چیز، به سراغ ذهن‌ها و قلب‌ها می‌روند؛ یعنی فرهنگشان را نشانه می‌گیرند؛ سبک زندگی، پوشش، الگوهای مصرف و حتی آرزوها و رؤیاهای جوانان. اگر ملتی در این عرصه تسلیم شود، دیگر نیازی به جنگیدن با آن نیست؛ چون از درون تهی شده است.

حتی استقلال سیاسی و اقتصادی نیز بدون استقلال فرهنگی دوام نمی‌آورد. اگر ذهن‌ها و دل‌ها تسلیم شدند، همه چیز تسلیم می‌شود. پس باید هوشیار باشیم. جهاد کبیر یعنی مراقبت دائمی از هویت خود و نه گفتن به هرآنچه ما را از فرهنگ قرآنی و اصیلمان جدا می‌کند.

از جمله افرادی که در عرصه جهاد کبیر و در خط مقدم فرهنگ و رسانه خوش درخشید، شهید سیدمرتضی آوینی رحمته‌الله بود. در زمانی که دشمن با ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته به جنگ ارزش‌ها آمده بود، او با منطق قرآن و هنر، با ساخت مجموعه «روایت فتح»، به جنگ روایت‌ها رفت و اجازه نداد حقیقت دفاع مقدس تحریف شود. جهاد او نه با اسلحه، که با دوربین و قلم بود و به همین دلیل، پس از شهادت، «سید شهیدان اهل قلم» لقب گرفت.

۲. نقش خانواده در عرصه جهاد کبیر

خانواده نخستین مدرسه‌ای است که انسان در آن یاد می‌گیرد («بله» و «نه») گفتن‌هایش را چگونه انتخاب کند. اگر قرار است جامعه‌ای در برابر دشمن تسلیم نشود و در میدان جهاد کبیر بایستد، این روحیه باید از خانه آغاز شود. قرآن می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» و این پیام برای خانواده‌ها نیز کاملاً کاربردی است.

در سطح خانوادگی، این آیه به ما می‌گوید مقاومت در برابر بیگانه، از خانه آغاز می‌شود. پدر و مادر با انتخاب الگوهای اخلاقی و فرهنگی درست، مرزهای هویتی فرزندان را تعیین می‌کنند؛ بنابراین، نقش خانواده در جهاد کبیر، پیش از هرچیز، تربیت نسلی مقاوم است.

وقتی خانواده در برابر مدها و فشارهای مصرف‌گرایانه و رفتارهای نامتناسب، («نه») می‌گوید، در واقع، در عرصه جهاد کبیر پا نهاده است. خانواده‌ای که مطالعه قرآن و گفت‌وگوی اخلاقی را جایگزین ساعات بی‌ثمر حضور در شبکه‌های مجازی می‌کند، نه تنها فرزندانش را مصون می‌کند، بلکه الگوی شایسته‌ای برای دیگران می‌شود.

ازسوی دیگر، خانواده می‌تواند با ورود به عرصه کنشگری اجتماعی، کانون تولید فرهنگ مقاومتی باشد. وقتی جمعی از خانواده‌ها گرد هم می‌آیند و حلقه‌های تلاوت قرآن، نشست‌های فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی برپا می‌کنند، نه تنها فرزندان خود، بلکه محیط اطرافشان را نیز در برابر نفوذ دشمن مقاوم می‌کنند.

به هر ترتیب، خانواده آگاه و توانمند، برگ برنده جبهه فرهنگی است که بازی را در برابر دشمن تغییر می‌دهد. خانه‌هایی که در برابر هجوم فرهنگی بیگانه سنگر باشند، جامعه‌ای می‌سازند که هیچ قدرتی توان تسخیرش را ندارد. جهاد کبیر از همین خانه‌های کوچک آغاز می‌شود و به مصونیت و سربلندی یک ملت ختم خواهد شد.

آیه «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» پیام‌آور مقاومت و نه‌گفتن به سلطه دشمن است. «جهاد کبیر» فراتر از نبرد نظامی، شامل عرصه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی است و هرگونه تسلیم در برابر نفوذ، تهدید یا فشار دشمن را منع می‌کند. حفظ استقلال هویتی، اخلاقی و ملی و تمرین تصمیم‌گیری آگاهانه، مصداق عملی آیه است. خانواده، جامعه و نهادهای اجتماعی در ترویج این مقاومت نقش کلیدی دارند و تعامل هوشمندانه با دیگران (مشروط بر حفظ اصول و ارزش‌ها) راهبردی برای اجرای جهاد کبیر محسوب می‌شود.

۱. منظور قرآن از «جهاد کبیر» چیست و چگونه با جهاد نظامی متفاوت است؟
۲. اطاعت نکردن از دشمن دقیقاً در چه عرصه‌هایی ضروری است؟
۳. چگونه می‌توان بین تعامل هوشمندانه با دیگران و تسلیم دشمن شدن مرز تعیین کرد؟
۴. خانواده‌ها چگونه می‌توانند نقش خود را در تقویت جهاد کبیر فرزندان ایفا کنند؟
۵. جهاد کبیر چگونه می‌تواند انسجام اجتماعی و وحدت ملی را تقویت کند؟

۱. جهاد کبیر جنگ نظامی نیست؛ بلکه مبارزه فکری، فرهنگی و تبلیغاتی است.
۲. جهاد کبیر، در یک کلام یعنی نه گفتن به سلطه فرهنگی و سیاسی دشمن و پای ارزش‌ها و هویت خود ایستادن.
۳. خانواده خط مقدم حفظ استقلال و هویت فرهنگی است.
۴. مطالعه قرآن و آشنایی با معارف آن، مهم‌ترین ابزار جهاد کبیر است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در برابر فشارها و تهدیدهای دشمنان تسلیم نشویم و با تکیه بر قرآن، مبارزه‌ای بزرگ، مستمر و آگاهی‌بخش برای پاسداری از حق انجام دهیم.

حالا نوبت توست...

در برابر تهاجم فرهنگی دشمن، به جای انفعال، با ساخت محتوای رسانه‌ای براساس منطق قرآن، به «جهاد تبیین» بپرداز.

در انتخاب سرگرمی، فیلم، موسیقی و سایر برنامه‌های فرهنگی خود و خانواده، معیار ارزش‌ها و هویت خود را در نظر بگیر.

در بحث‌ها و گفت‌وگوها، به جای استفاده از جدل و صدای بلند، از منطق و استدلال‌های قرآنی برای قانع کردن دیگران استفاده کن.

با برگزاری جلسات روحوانی و تدبیر در قرآن ویژه کودکان و نوجوانان، آقایان و بانوان در محله، در انجام جهاد کبیر فرهنگی سهیم باش.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



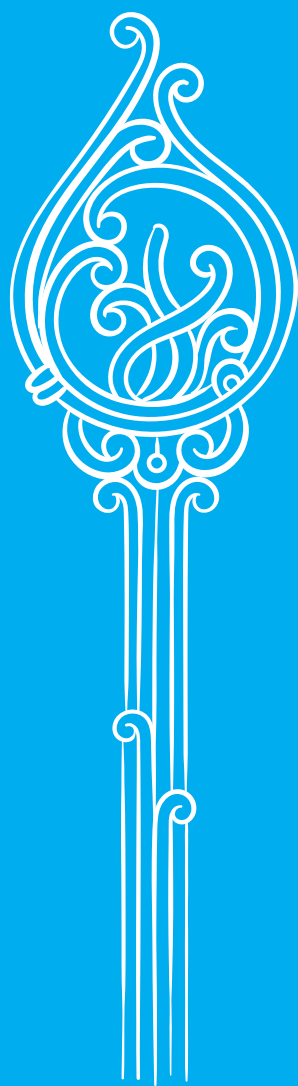
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیستم

خاصان حق همیشه بلیت کشیده‌اند

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ
يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

سوره عنکبوت، آیه ۲

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که
بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها
می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!



سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتُ
تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ
اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنزَلْتُ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْعَن ١ أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ
لَا يُفْتَنُونَ ﴿١﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٢﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٣﴾ مَن كَانَ يَرْجُوا
لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ وَمَن
جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



سخنی با مربی

درس بیستم بر پایه آیه «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» بیانگر این حقیقت است که: ایمان حقیقی در میدان آزمون و استقامت شناخته می‌شود؛ بنابراین، ادعای ایمان کافی نیست. خداوند اهل ایمان را می‌آزماید تا صداقتشان آشکار شود و روحشان در مسیر رشد و پایداری پرورش یابد.

مفسران گفته‌اند که این آیه در سال‌های آغازین دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه نازل شد؛ زمانی که مؤمنان تازه مسلمان، زیر فشار دشمنان و حتی گاه پدران و مادران مشرک خود بودند. خداوند با این آیه، آنان را تشویق به استقامت و پایداری در راه خدا کرد و به آنان امید داد که سختی‌ها، نشانه خشم او نیست؛ بلکه سنت همیشگی امتحان الهی است و هر مؤمنی باید از آن بگذرد. مربی در تدریس این درس باید بر چند نکته کلیدی تأکید کند: ۱. «فتنه» در این آیه، به معنای امتحان الهی است؛ نه بلا یا عذاب؛ ۲. آزمون‌ها برای «رشد و تربیت» روح‌اند؛ نه برای رنج‌دادن؛ ۳. مؤمن باید در سختی‌ها اهل «صبر و استقامت» باشد.

برای تدریس مؤثرتر، پیشنهاد می‌شود از تمثیل آتش و طلا (برای خالص شدن) به منظور فهم بهتر مفهوم «فتنه» استفاده کنید. نمونه‌های تاریخی از آزمون انبیا و اولیای الهی چون ابراهیم علیه السلام، نوح علیه السلام، موسی علیه السلام و یوسف علیه السلام را که در قرآن آمده، برای قرآن‌آموزان بیان کنید. همچنین، فراگیران را تشویق کنید تا از تجربه‌های شخصی‌شان درباره صبر و امتحان الهی سخن بگویند.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم فتنه و پیام اصلی آیه درس را به درستی درک کند.
۲. تفاوت بین ادعای ایمان و ایمان حقیقی را تحلیل کند.
۳. نقش آزمون‌های الهی را در آشکار شدن ایمان و رشد مؤمنان بشناسد.
۴. در سختی‌ها، صبر و استقامت نشان دهد و به جای گلایه و ناامیدی، سختی‌ها را فرصتی برای رشد بدانند.

برای امتحان آماده باش

زندگی شبیه کوهنوردی است. هرچه بالاتر می‌روی، نفس‌گیرتر می‌شود؛ اما در عوض، منظرهٔ بالا، زیباتر و باشکوه‌تر است. خدا با آزمون‌ها، پله‌های صعود را برایمان می‌چیند تا ظرفیت دیدنِ قله را پیدا کنیم. پس اگر در مسیر رسیدن به قله، خار دیدی و سختی کشیدی، بدان که در جادهٔ بهشت قدم می‌زنی. بهای رسیدن به بهشت ابدی، آن است که خودت را برای آزمون‌های خدا آماده کنی:

﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾^۱

آیا مردم گمان کرده‌اند همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها

می‌شوند و آنان مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟

خدا در این آیه، قانونی همیشگی و تغییرناپذیر را یادآور می‌شود: هیچ‌یک از اهل ایمان، بدون آزمون رها نمی‌شود. همان‌گونه که عیار طلا در کوره سنجیده می‌شود، عیار ایمان نیز در کورهٔ فتنه‌ها سنجش می‌شود.

آزمون الهی قطعی است

«فتنه» در لغت به معنای گداختن طلا در آتش برای جداسازی خالص از ناخالص است. در قرآن نیز این واژه به معنای آزمون، ابتلا، امتحان الهی و

۱. سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۲

آزمایش سخت به کار رفته است؛ یعنی موقعیتی که در آن، حقیقت ایمان و پایداری انسان آشکار می‌شود.

آیه محوری درس، بر این نکته تأکید دارد که در مسیر ایمان، آزمون الهی قطعی است و استثنا هم ندارد. خداوند در این آیه به ما هشدار می‌دهد که ایمان، فقط گفتن یک جمله نیست؛ بلکه باید در بوتۀ فتنه‌ها و سختی‌ها سنجیده شود. درواقع، همان‌گونه که طلا را در آتش می‌گذارند تا خالصی‌اش آشکار شود، دل مؤمن نیز در آتش حوادث و وسوسه‌ها امتحان می‌شود تا صداقت ایمانش معلوم شود.

استقامت، رمز عبور از فتنه‌ها

نکته مهم درباره آیه این است که باید بدانیم این آزمون‌ها نه برای رنج دادن، بلکه برای رشد و استقامت اهل ایمان است. کسی که در برابر وسوسه، فشار یا سختی‌ها ایستادگی می‌کند، به نیروی درونی و ایمانش پی می‌برد. فتنه‌ها، مؤمن را مقاوم، باتجربه و بصیر می‌کند؛ چون در دل سختی، انسان به خدای خود نزدیک‌تر می‌شود و معنای توکل را با تمام وجود درک می‌کند. نکته مهمی که قرآن بر آن تأکید دارد، این است که «استقامت» رمز عبور از این فتنه‌هاست. اگر در تنگناها تسلیم نشوی، ایمان تو استوارتر و شخصیت پخته‌تر می‌شود. هر سختی، پلی است به سوی کمال، و هر فتنه، فرصتی است برای درخشش روح مؤمن. آنان که در طوفان‌ها دست از ایمان نمی‌کشند، درواقع، در حال رشدند و خداوند آنان را برای مقام‌های بالاتر آماده می‌کند.

به طور کلی، وقتی فتنه‌ها می‌آیند، دو راه در پیش داریم: «ایستادگی» یا «تسلیم». خداوند در این آیه به ما هشدار می‌دهد که اگر اهل ایمان هستیم، باید روحیه استقامت را در خود تقویت کنیم. درواقع، امتحان الهی برای شکستن و از بین بردن نیست؛ بلکه برای سنجش میزان مقاومت

است؛ مثل ورزشکاری که با هر تمرین سخت‌تر، عضلاتش قوی‌تر می‌شود. در زندگی مؤمنانه هم، فشارها و سختی‌ها مثل وزنه‌های تمرین‌اند که روح انسان را قدرتمند می‌کنند. اگر تسلیم شویم، ایمانمان ضعیف می‌ماند؛ اما اگر بایستیم، رشد می‌کنیم.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات، آیا صادقانه ایمانم را نشان داده‌ام، یا فقط ادعایش را داشته‌ام؟
۲. کدام یک از فتنه‌های فردی (هواهای نفسانی، شهوت، طمع یا قدرت) سخت‌ترین آزمون را برای من ایجاد می‌کند؟
۳. تجربه‌های سخت گذشته، ایمان و اراده‌ی من را تقویت کرده است یا تضعیف؟
۴. چه تمرین یا اقدام عملی‌ای می‌توانم انجام دهم تا در آزمون‌های آینده، صادق و استوار بمانم؟

نکته‌ها

۱. شیوه تربیتی خدا

خداوند بندگان را در مدرسه‌ی زندگی، با درس‌های سخت، ولی سازنده تربیت می‌کند. آیه **﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾** بیانگر این حقیقت است که امتحان و فتنه، تصادفی نیست؛ بلکه بخشی از شیوه تربیتی خدا برای پرورش ایمان‌بندگان است. او نمی‌خواهد مؤمن فقط در گفتار اهل ایمان باشد؛ بلکه می‌خواهد در عمل نیز آبدیده و استوار شود. فتنه‌ها، همان کلاس‌های رشد روحی‌اند که گاه در قالب رنج، گاه در شکل

وسوسه و گاه در فشارهای اجتماعی ظاهر می‌شوند. خدا با این آزمون‌ها، از سر محبت، روح انسان را ورزیده می‌کند تا به ظرفیت‌های پنهانش دست یابد. همان‌طور که مربی، شاگردانش را با تمرین‌های دشوار قوی‌تر می‌کند، خداوند نیز با سختی‌ها، اراده و ایمان بندگانش را می‌پروراند.

نکته مهم اینکه این سنت، همیشگی است. همه اهل ایمان، در هر زمان (از پیامبران گذشته تا مؤمنان امروز) باید از این مسیر تربیتی بگذرند تا ایمانشان به گوهر صدق و پایداری تبدیل شود. چه اینکه خداوند در ادامه آیه، بلافاصله این حقیقت را بازگو می‌کند که این امتحان يك سنت همیشگی و جاودانی الهی است: «ما کسانی را که پیش از آن‌ها بودند نیز آزمایش کردیم» ﴿وَلَقَدْ فْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾.

نکته دیگر اینکه این امتحان‌ها نشانه خشم خدا نیست؛ بلکه روش تربیتی و محبت پنهان او برای رشد بندگان است. خداوند بندگانش را می‌آزماید تا توان درونی‌شان را آشکار کند و آنان را به مراتب بالاتر برساند. کسی که این شیوه تربیتی خدا را نشناسد، از سختی‌ها ناامید می‌شود و ممکن است در برابر مشکلات و تهدیدها سر تسلیم فرود آورد.

عارف روشن ضمیر، مرحوم حاج اسماعیل دولابی رحمته الله بیان زیبایی در این زمینه دارد: «آهنگرها یک گیره دارند و وقتی می‌خواهند روی یک تکه کار کنند، آن را در گیره می‌گذارند. خدا هم همین‌طور است. اگر بخواهد روی کسی کار بکند، او را در گیره مشکلات می‌گذارد و بعد روی او کار می‌کند. گرفتاری‌ها، نشانه عشق خداوند است».

۲. آزمون‌های فردی و اجتماعی

ممکن است فتنه‌ها و آزمون‌های الهی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی بروز یابند. گاهی انسان در برابر هواهای نفسانی، شهوت، مال، قدرت یا راحت طلبی قرار می‌گیرد. مثلاً وقتی در موقعیتی هستی که می‌توانی

با دروغ یا رشوه به نفع خودت عمل کنی، این فتنه است. اگر در برابر وسوسه مقاومت کردی، ایمان تو صیقل می خورد. اگر تسلیم شدی، در امتحان رفوزه می شوی.

پس اگر خدا تو را در مسیر امتحان قرار داده، یعنی تو را لایق رشد دیده است. همان گونه که باغبان درخت سالم را هرس می کند تا پربارتر شود، خدا نیز دل های مؤمنان را با سختی ها صیقل می دهد تا ایمانشان خالص تر شود. پس بیماری، فقر، ناکامی یا رنج، به معنای بی مهری نیست؛ گاه دعوتی است برای بیداری دل و نزدیکی بیشتر به خدا.

نباید بی تاب شویم یا گلایه کنیم که چرا من گرفتار شدم. باید بپرسیم «این امتحان چه پیامی برای من دارد؟». هر رنجی، فرصتی برای صبر، رشد و ایمان عمیق تر است. خدا در سختی ها دور نمی شود؛ بلکه نزدیک تر می شود تا ما را از سطح ایمان گفتاری، به قلّه ایمان پایدار برساند.

گاهی هم خداوند ملت ها و امت ها را امتحان می کند. مثلاً جامعه اهل ایمان، با فشار دشمنان، تهدیدها، تمسخرها یا مصیبت های جمعی روبه رو می شود. وقتی در چنین وضعیتی مؤمنان بر اصول خود می ایستند، در حقیقت، از آزمون الهی سربلند بیرون آمده اند. ایستادگی در برابر هجمه فرهنگی، دفاع از ارزش ها و حفظ امید در بحران ها، همه نمونه هایی از همین فتنه های اجتماعی اند.



درس بیستم با محوریت آیه «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» برای حقیقت تأکید دارد که ادعای ایمان کافی نیست و ایمان واقعی در میدان آزمون و سختی آشکار می شود. خداوند مؤمنان را با فتنه ها و امتحان های الهی می آزماید تا صداقت ایمانشان روشن و روحشان

در مسیر رشد و استقامت پرورش یابد. این آزمون‌ها (در هر دو عرصه فردی و اجتماعی) نه برای نابودی مؤمنان است و نه نشانه خشم خدا؛ بلکه شیوه تربیتی خداوند است و فرصتی برای تقویت اراده و اعتماد به او. اهل ایمان، فقط با صبر و استقامت از این آزمون‌ها سربلند بیرون می‌آیند.

پرسش‌های درس

۱. آیه محوری درس چه مفهومی دارد و چه پیامی به مؤمنان می‌دهد؟
۲. تفاوت بین ادعای ایمان و ایمان حقیقی را توضیح دهید و یک مثال از زندگی فردی یا اجتماعی بیاورید.
۳. منظور از «فتنه» در این آیه چیست و چه نقشی در آشکارشدن حقیقت ایمان دارد؟
۴. فتنه‌ها و آزمون‌های الهی چه آثار و فوایدی برای رشد ایمان و استقامت مؤمنان دارند؟

پیام‌های کاربردی

۱. ایمان، آغاز راه است؛ نه پایان آن. گفتن «ایمان آوردم» نقطه شروع است. باید در میدان عمل، صداقت این ایمان را نشان داد.
۲. آزمون الهی نشانه بی‌مهری خدا نیست. فتنه‌ها و سختی‌ها گواه توجه و تربیت الهی‌اند؛ نه نشانه رهاشدگی.
۳. فتنه، فرصت رشد است. هر فتنه و سختی، فرصتی است برای ساخته شدن؛ نه شکسته شدن.
۴. سختی‌ها غربال ایمان‌اند. در سختی‌هاست که مؤمنان واقعی از مدعیان جدا می‌شوند.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

فقط ادعای ایمان نکنیم؛ بلکه در سختی‌ها و آزمون‌ها صبور و استوار باشیم تا ایمان واقعی‌مان آشکار شود.

حالا نوبت توست...

هر هفته یک تجربه سخت را یادداشت کن و بررسی کن چگونه از آن آزمون سربلند بیرون آمدی.

انتظار نداشته باش که با انتخاب یک سبک زندگی دینی، همه چیز آسان شود. این مسیر با امتحانات الهی همراه است تا عیار ایمانت مشخص شود.

با دوستان یا خانواده درباره تجربه‌های آزمون و سختی‌های زندگی صحبت کن و از تجربیاتشان درس بگیر.

تاریخ انقلاب و دفاع مقدس را مطالعه کن تا ببینی نسل‌های قبلی چگونه با کمک خداوند از آزمون‌های سخت عبور کرده‌اند و از آن‌ها درس بگیر.

مطالعه داستان‌های پیامبران و مؤمنان گذشته را برای درک نمونه‌های صبر و استقامت و شناخت زندگی قهرمانان سربلند از آزمون‌های الهی فراموش نکن.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس بیست و یکم

از تو حرکت، از خدا «راه» و برکت

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

سوره عنکبوت، آیه ۶۹

و کسانی را که برای ما مجاهدت کنند، مسلماً و
بی‌تردید به راه‌های خود راهنمایی می‌کنیم.



سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِىَ
 الْحَيَوانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾
 أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ
 حَوْلِهِمْ أَفَبَالِ بَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَيَنْعِمُونَ اللَّهُ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ
 أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
 فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَلَمْ نَكُنْ مِنْ قَبْلِهِمْ خَلْقًا ﴿١﴾ عَلَيْنَا الرُّومُ ﴿٢﴾ فِي آدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ
 بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۖ لِلَّهِ الْأَمْرُ
 مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَ ذِيقَعٍ ۖ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾
 يَنْصُرُ اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

سخنی با مربی

درس بیست و یکم با محوریت آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» تأکید دارد که هدایت الهی مخصوص کسانی است که در راه خدا مجاهدت می‌کنند. خداوند وعده‌ای قطعی داده است که هرکس برای او و در راه او قدم بردارد، درهای هدایت و پیروزی را به رویش باز می‌کند. این آیه می‌خواهد فرهنگ «ایستادگی و تلاش برای خدا» را در جان نسل جوان جا بیندازد و به آنان بیاموزد که هرچه مجاهدت راهگشاست، تسلیم بن بست می‌آورد.

مربیان گرامی، برای تدریس این درس، لازم است به چند نکته راهبردی توجه شود؛ نخست اینکه مخاطب باید تفاوت میان تلاش عادی و جهاد فی‌الله را درک کند. تلاش عادی ممکن است صرفاً برای منفعت شخصی باشد؛ اما جهاد، همراه با اخلاص و انگیزه الهی است. دوم، تأکید کنید که هدایت الهی پس از برداشتن قدم‌های اول مجاهدت می‌آید. سوم، برای مخاطب روشن کنید که این آیه فقط درباره میدان جنگ نیست؛ بلکه درباره مبارزه با دشمن‌های درونی مثل ترس، تنبلی و ناامیدی نیز هست و در همه عرصه‌های زندگی نیز کاربرد دارد و چهارم، نقش «صدق و اخلاص» را برجسته کنید؛ زیرا واژه «فینا» نشان می‌دهد نتیجه فقط نصیب تلاش‌هایی می‌شود که برای خدا و با نیت پاک انجام گیرد. برای تدریس اثرگذارتر پیشنهاد می‌شود درباره تجارب تاریخی ملت ایران در مقاومت و هدایت الهی مثال‌هایی ساده و قابل فهم بیاورید؛ می‌توانید فعالیتی طراحی کنید که قرآن‌آموزان در آن یکی از عرصه‌های جهاد فردی خود را مشخص کنند و قدم‌های عملی آن را بنویسند.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. معنای آیه درس را به صورت دقیق و روشن بیان کند.
۲. تفاوت میان تلاش عادی و جهاد همراه با صدق و اخلاص در راه خدا را توضیح دهد.
۳. تحلیل کند که چرا هدایت الهی فقط پس از مجاهدت ظاهر می‌شود.
۴. درباره مشکلات، به جای تسلیم و عقب‌نشینی، اقدام و تلاش در مسیر درست را انتخاب کند.

پاداش مجاهدت

خیلی وقت‌ها حرکت در مسیر درست، مثل رانندگی در جادهٔ مه‌آلود است؛ جاده‌ای که نمی‌دانید پایانش کجاست و از کدام طرف باید بروید؛ اما دلتان می‌گوید باید بروید. در آغاز راه، مه غلیظ جلو دید را می‌گیرد؛ اما هرچه پیش می‌روید، آسمان صاف‌تر و مسیر روشن‌تر می‌شود. اگر تعلل کنید و درجا بنزید، هدایت الهی را نمی‌بینید؛ اما وقتی به حرکت درمی‌آیید و از خود استقامت نشان می‌دهید، خدا چراغ‌ها را یکی‌یکی برایتان روشن می‌کند. قرآن کریم این حقیقت قطعی را چنین بازگو می‌کند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱

و آنان که در راه ما مجاهدت کنند، قطعاً به راه‌های خویش هدایتشان خواهیم کرد.

این آیه، وعده‌ای بزرگ و امیدبخش است. خداوند در این آیه به اهل عزم و عمل، وعده داده است که هرکس برای او پا در میدان بگذارد، پاداش بزرگی دارد و این پاداش، چیزی جز «هدایت الهی» به راه‌هایی امن و نجات‌بخش از سوی خداوند نیست.

۱. سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۶۹

قانون هدایت الهی

آیهٔ درس، یکی از قانون‌ها و سنت‌های تغییرناپذیر الهی را بیان می‌کند؛ قانونی روشن که در گذر زمان دگرگون نمی‌شود و در زندگی هر مؤمنی صادق است. خداوند وعده داده است هرکس با نیت پاک قدمی در مسیر او بردارد و در برابر سختی‌ها تسلیم نشود «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا»، بی‌تردید راه‌های رشد، پیروزی و رهایی بر او گشوده خواهد شد «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». این قانون در همهٔ عرصه‌ها جاری است. مثلاً کسی که برای رشد اخلاقی خود تلاش می‌کند، خدا دوست، موقعیت و کتاب مناسب را سرراش می‌گذارد. خانواده‌ای که برای تربیت قرآنی فرزندش همت می‌گمارد، خدا کمکش می‌کند تا منابع و استاد و الگوی خوب پیدا کند. ملتی که در برابر ظلم و فساد سکوت نمی‌کند و در برابر سلطهٔ بیگانگان می‌ایستد، خدا او را به مسیر عزت و استقلال هدایت می‌کند و راه‌های پیروزی را نشانش می‌دهد.

این وعده، نیرویی شگفت‌انگیز در دل‌ها ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد راه نجات و پیشرفت، تلاش و کوشش خالصانه در راه خداست؛ نه تسلیم و وادادگی و پناه‌بردن به دشمن. وقتی انسان بداند خدا پشت قدم‌های اوست و تلاشش بی‌نتیجه نمی‌ماند، انگیزه‌اش برای ادامهٔ مسیر چندبرابر می‌شود.

هدیهٔ خدا برای مجاهدان

خداوند در این آیه نمی‌گوید: «کسانی که ایمان آوردند»، «آرزو کردند» یا «تصمیم گرفتند»؛ بلکه می‌فرماید: «کسانی که جهاد کردند»؛ یعنی آنان که به میدان آمده‌اند و سختی راه را به جان خریده‌اند. این یعنی خداوند تأکید دارد که هدایت الهی، هدیه‌ای مخصوص مجاهدان است؛ نه کسانی که در حاشیه می‌ایستند و بدون تلاش، انتظار درهای گشوده دارند.

البته نه هر مجاهدی، بلکه کسانی که با صدق و اخلاص قدم برمی دارند، سختی‌ها را به جان می‌خرند و برای دفاع از حق و تحقق اراده الهی، وارد میدان می‌شوند. کلید فهم آیه، در همین واژه «فینا» در عبارت «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» نهفته است؛ یعنی تلاش آنان باید در راه خدا باشد؛ برای رضای او؛ نه برای شهرت، منفعت یا انگیزه‌های دنیوی. چنین تلاشی است که درهای هدایت را باز می‌کند.

ملت مجاهد ایران، نمونه‌ای روشن از این حقیقت است. مردمی که با صدق و اخلاص برای برپاداشتن دین خدا قدم در میدان گذاشتند، خداوند آنان را هدایت کرد و به آنان عزت، استقلال، ثبات، پیشرفت و پیروزی عطا کرد. تا جایی که امروز در نگاه جهانیان، به عنوان ملتی مقاوم، سرافراز و الهام‌بخش شناخته می‌شوند و مورد تحسین قرار می‌گیرند.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. بزرگ‌ترین دشمن درونی من که مانع حرکت و مجاهدت در مسیر حق می‌شود، چیست؟ و چگونه می‌توانم بر آن غلبه کنم؟
۲. چقدر به این سنت الهی باور دارم که هدایت و گشایش پس از تلاش و مجاهدت می‌آید، نه پیش از آن؟
۳. در تلاش‌ها و هدف‌هایی که دنبال می‌کنم، چقدر صدق و اخلاص وجود دارد؟
۴. اگر به جای تسلیم شدن در برابر مشکلات، راه مجاهدت را انتخاب کنم، چه تغییری در زندگی‌ام رخ خواهد داد؟

۱. قدم اول را بردار

برای گام برداشتن در مسیر حق، گاهی بزرگ‌ترین دشمن، درون خود انسان است: تنبلی، ترس، ناامیدی، بی‌ارادگی، راحت‌طلبی و غفلت. حتی گاهی بلا تکلیفی و اینکه نمی‌دانی چکار باید بکنی و سرانجام کار چه می‌شود، بزرگ‌ترین مانع حرکت برای تو می‌شود.

اما آیه **﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾** تکلیف را مشخص کرده است. می‌گوید: تو قدم نخست را بردار، خدا راه را قدم به قدم برایت روشن می‌کند. این آیه، از این نظر بسیار راهگشاست و ما را از حس ناتوانی و بی‌عملی نجات می‌دهد.

هدایت الهی مثل چراغ‌های هوشمندی است که اغلب برای صرفه‌جویی در راه‌پله‌ها نصب می‌کنند. از دور که نگاه می‌کنی، تاریک است؛ اما وقتی گام برمی‌داری و حرکت می‌کنی، حس‌گرها حضور تو را حس می‌کند و آن چراغ روشن می‌شود و راه را برای تو نورانی می‌کند.

درواقع، خدا می‌خواهد حضور تو را ببیند و تو باید قدم‌های نخست را برداری. اینجاست که هدایت‌ها و گشایش‌ها از راه می‌رسند و دستگاه خدا و امدادهای آشکار و پنهان او به کار می‌افتد.

اما در مقابل، آنان که از ترس، ناامیدی، تنبلی یا به هر دلیل دیگری، کنار می‌کشند و راه آسان تسلیم را انتخاب می‌کنند، در تاریکی می‌مانند؛ چون هدایت، پاداش حرکت است؛ نه سکون و بی‌عملی. خداوند راه را برای کسی باز می‌کند که اهل رفتن است. کافی است در مسیر حق، هرچند آرام، حرکت کنیم. خدا وعده داده است که همان حرکت صادقانه را برکت می‌دهد و راه

را روشن می‌سازد. در مسیر خدا، حتی قدم‌های کوچک هم مقدس‌اند؛ اگر با نیت بزرگ برداشته شوند.

۲. از تو حرکت، از خدا برکت

بسیاری از ما تا زمانی که همه چیز روشن و بی‌ابهام نباشد، قدمی بر نمی‌داریم. منتظریم خدا اول مسیر را کاملاً آشکار کند، بعد ما راه بیفتیم؛ اما سنت الهی برعکس است. تا زمانی که حرکت نکنی، راهی آشکار نمی‌شود. ضرب‌المثل مشهور «از تو حرکت، از خدا برکت» نیز همین را می‌گوید. یعنی اول حرکت تو، بعد برکت خدا. دقیقاً مثل همین چیزی که آیه **﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾** می‌گوید. هدایت، پاداش حرکت است؛ نه مقدمه آن. خدا راه را به مجاهدان نشان می‌دهد؛ نه به تماشاگران.

در زندگی روزمره، بارها تجربه کرده‌ایم که وقتی برای انجام کاری مهم تصمیم گرفته‌ایم و دل به دریا زده‌ایم. در میانه مسیر اتفاقاتی افتاده که اصلاً در آغاز به ذهنمان نمی‌رسید. گویی درهای بسته یکی یکی باز شده‌اند. این همان وعده الهی است. مثل کسی که در تاریکی قدم می‌زند و با هر گام، چراغ بعدی روشن می‌شود.

در مسیر ایمان، تربیت فرزند، کار فرهنگی یا حتی تصمیم‌های شغلی، اگر نیت خدایی باشد و گام برداری، خدا الهام و راهنمایی خودش را می‌فرستد؛ از جایی که فکرش را نمی‌کنی. شرطش این است که از پیلۀ توقف بیرون بیاییم. ایستادن، یعنی نرسیدن؛ بنابراین، نخستین درس این آیه آن است که برای رسیدن به هدایت الهی، باید دل از ترس و تردیدها گند و در مسیر حقیقت گام برداشت. خدا مسیر را به کسانی نشان می‌دهد که در راه‌اند؛ نه آنان که در انتظار نشسته‌اند.

این درس تأکید می‌کند که هدایت الهی، هدیه‌ای ویژه برای مجاهدان راه خداست؛ کسانی که با صدق، اخلاص و استقامت قدم در میدان می‌گذارند. آیه **﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾** یک قانون قطعی را بیان می‌کند: هدایت، پس از مجاهدت می‌رسد؛ نه پیش از آن. تسلیم و وادادگی بن بست می‌آورد؛ اما تلاش در راه خدا، درهای گشایش، پیشرفت و پیروزی را می‌گشاید. این سنت الهی در زندگی فردی و اجتماعی جاری است. هرکس برای خدا بجنگد، خدا راه‌ها را به او نشان می‌دهد و آینده‌اش را روشن می‌کند.

۱. آیه محوری درس چه وعده‌ای را برای چه گروهی بیان می‌کند؟
۲. چرا براساس این آیه، هدایت الهی فقط پس از مجاهدت حاصل می‌شود و نه پیش از آن؟
۳. تفاوت تلاش عادی با «جهاد فی سبیل الله» چیست و واژه «فینا» چه نقشی در فهم این تفاوت دارد؟
۴. چگونه تسلیم و وادادگی موجب بن بست می‌شود، اما مجاهدت راه‌های جدید را باز می‌کند؟ یک مثال بزنید.

۱. هدایت الهی مخصوص مجاهدان است. کسی که قدم نخست را برای خدا برمی‌دارد، خدا قدم‌های بعدی را برایش روشن می‌کند.
۲. صدق و اخلاص، شرط دریافت هدایت است. هر تلاشی ارزش ندارد، فقط تلاش در راه خدا موجب هدایت می‌شود.
۳. هدایت یک سنت تغییرناپذیر الهی است. هر جامعه یا فردی که در مسیر الهی مجاهدت کند، خدا راه پیروزی و پیشرفت را به او نشان می‌دهد.
۴. جهاد فقط میدان جنگ نیست. مبارزه با ترس، تنبلی، جهل، ضعف ایمان و وابستگی نیز مصداق مجاهدت است و شامل وعده هدایت می‌شود.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با صدق و اخلاص در راه او مجاهدت کنیم و تسلیم نشویم تا درهای هدایت، گشایش و پیروزی بر ما گشوده شود.

حالا نوبت توست...

برای حل مشکلات، به جای نشستن و انتقاد کردن، خودت یک حرکت جهادی (مثل تأسیس یک خیریه یا یک گروه علمی) را آغاز کن. خداوند در حین عمل، راه‌های بهتر را به تو نشان خواهد داد.

اگر فکر می‌کنی در محیط کار، خانواده یا تحصیل، یک قانون یا رویهٔ اداری اشتباه است، به جای غرزدن، با تلاش و پیگیری برای اصلاح آن مجاهدت کن.

اگر در یک مسئلهٔ دینی یا علمی دچار شک و سردرگمی هستی، نخستین قدم را برای تحقیق (مثلاً خریدن یک کتاب یا صحبت با یک کارشناس) بردار. خداوند در ادامهٔ مسیر تو را راهنمایی خواهد کرد.

برای ترک یک گناه (مثل غیبت یا دروغ)، فقط نیت کافی نیست. باید مجاهدت کنی (مثلاً جریمهٔ نقدی برای خودت بگذاری). با هر قدم، هدایت خدا را بیشتر حس خواهی کرد.

برای اصلاح جامعه، از خانوادهٔ خودت شروع کن. با تلاش برای بهبود رابطه با پدر و مادر یا همسر و تربیت فرزندان، خدا راه‌های تأثیرگذاری بر جامعه را هم به تو نشان می‌دهد.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



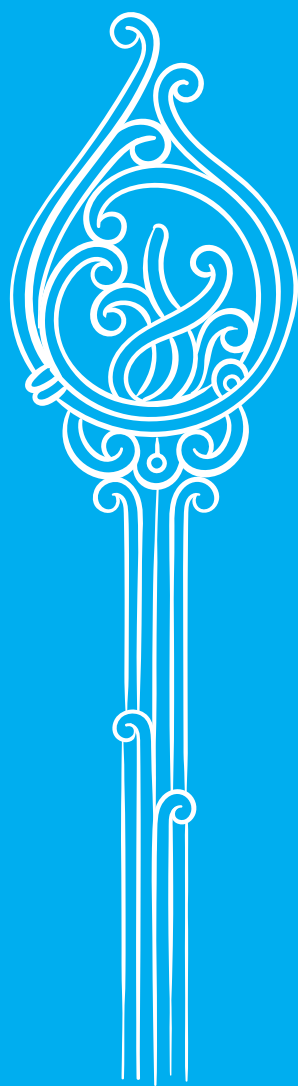
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیست و دوم

چو شیطان شما راست بی شک عدو
شما نیز دشمن بدارید او

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾

سوره فاطر، آیه ۶

به یقین شیطان دشمن شماست؛
پس او را دشمن خود بگیرید.



سُورَةُ طٰهٍ

وَإِنْ يَكْذِبُونَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤﴾
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
وَلَا يَغُرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ
عَدُوًّا لِّمَنَآئِدِ عُوَاذِ بِهِ وَلِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِن
اللَّهُ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ
حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ
الرِّيحَ فَتَنِيْرٌ سَحَابًا فَنُفِقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ الْأَرْضَ
بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا
إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ
يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ
﴿١٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا
وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعْمَرٍ
وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس بیست و دوم با آیه «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» پیام روشنی دارد: دشمن اصلی انسان و جامعهٔ ایمانی، شیطان است و امروز تجسم او بر زمین، در شکل استکبار جهانی و نظام سلطه است. آیه نمی‌گوید: «فقط بدانید شیطان دشمن است»؛ بلکه تأکید دارد: «فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»؛ یعنی او را به عنوان دشمن بپذیرید، برایش نقشه داشته باشید، راه نفوذش را ببندید و در برابر او راهبرد هوشمندانه اتخاذ کنید. پس پیام کلیدی این درس آن است که ساده‌انگاری، بی‌توجهی یا عادی‌سازی دشمنی شیاطین، بزرگ‌ترین آسیب را به فرد و جامعه وارد می‌کند و مسیر عزت و استقلال را خدشه‌دار می‌کند.

مربیان گرامی، در تدریس این درس چند نکتهٔ راهبردی را به خاطر بسپارید: نخست، دشمن‌شناسی در نگاه قرآن، مفهومی شعاری یا احساسی نیست؛ یک منطق تربیتی است که بر تحلیل، آگاهی و شناخت نشانه‌های نفوذ استوار است. دوم، مخاطب باید بفهمد که دشمنی شیطان فقط در گناه فردی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در عرصهٔ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نیز با تفرقه، تحقیر، ناامیدسازی و سلطه‌طلبی جلوه می‌کند و سوم اینکه روشن کنید سازش با دشمن، هزینه‌های سنگین‌تری دارد؛ از سستی ایمان و هویت گرفته، تا وابستگی اجتماعی و از دست رفتن عزت و استقلال ملی.

پیشنهاد می‌شود برای باورپذیر کردن بیشتر درس، با ذکر نمونه‌های تاریخی معاصر از مقاومت ملت ایران (در دفاع مقدس، شکست کودتاها، ایستادگی در برابر تحریم‌ها و ناکامی جنگ‌های رسانه‌ای دشمن) نشان دهید چگونه شناخت دشمن و اتخاذ موضع فعال در برابر او، ملت قهرمان ایران را از سقوط تسلیم نجات داد و عزت‌آفرین شد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. شیطان و وسوسه‌هایش را به عنوان دشمن اصلی بشناسد.
۲. ضرورت اتخاذ موضع فعال و هوشمندانه در برابر دشمن را درک کند.
۳. انگیزه و توانایی مقابلهٔ عملی با نفوذ شیطان در افکار و رفتارش را پیدا کند.
۴. بصیرت لازم برای شناسایی سلطه و استکبار جهانی و عمل در مسیر مقاومت را کسب کند.

دشمنت را بشناس

فرض کنید در دل شهری قدیمی، پلی وجود دارد که امنیت همه محله‌ها به آن وابسته است. مردم هر روز از روی آن عبور می‌کنند؛ غافل از اینکه دشمنی پنهان، شبانه زیر پایه‌های همین پل را سست می‌کند. خطر از جایی آغاز می‌شود که مردم گمان کنند «هیچ خطری نیست» یا «خطر را جدی نگیرند». در زندگی انسان نیز همین گونه است. بزرگ‌ترین آسیب زمانی رخ می‌دهد که دشمن، ناشناس یا بی‌اهمیت جلوه کند.

قرآن کریم در این زمینه هشدار می‌دهد:

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾

همانا شیطان دشمن شماست. پس او را به دشمنی بگیرید.

این آیه دقیقاً همین حقیقت را گوشزد می‌کند. خطر اصلی آنجاست که دشمن را شناسیم و یا اصلاً او را جدی نگیریم و بدتر از همه، اینکه او را رفیق حساب کنیم.

شیطان کیست؟

خداوند در این آیه، ابتدا حقیقتی قطعی را اعلام می‌کند: شیطان دشمن شماست. این فقط هشدار یا توصیه اخلاقی نیست؛ نوعی «معرفی راهبردی»

است. همان‌طور که یک فرمانده، پیش از هر اقدام نظامی، نقشه دشمن را برای نیروهایش شرح می‌دهد، قرآن هم ابتدا دشمن اصلی جبهه ایمان را معرفی می‌کند تا هر حرکت و تصمیمی با آگاهی شکل بگیرد.

شیطان، دشمنی است که روش‌ها و شگردهای خاص خودش را دارد. او نه با توپ و تانک حمله می‌کند و نه با پرچم مشخص. او با «وسوسه»، «فریب»، «تطمیع»، «تفرقه» و «تسلیم‌طلبی» وارد می‌شود. دشمنی او نرم، تدریجی و عمقی است و به همین دلیل، بسیاری از انسان‌ها خطر او را کمتر از حد واقعی می‌بینند. قرآن با تعبیر جالب **﴿فَاتَّخِذُوْهُ عَدُوًّا﴾** می‌گوید: دشمنی او را جدی بگیرید؛ همان‌گونه که یک دشمن واقعی را در میدان نبرد جدی می‌گیرید؛ یعنی با او فعال، هوشیارانه و پیگیرانه برخورد کنید. اما این دشمنی فقط به شیطان نامرئی (جَنّی) محدود نمی‌شود. قرآن بارها تأکید کرده است که شیاطین، گاهی در قالب انسان‌ها و قدرت‌ها تجسم می‌یابند (شیاطین انسی)؛ همان‌ها که وسوسه‌ها و نقشه‌های شیطانی را در عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پیش می‌برند.

در دوران ما، این تجسم بارز، همان استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار است؛ قدرتی که سال‌هاست دشمنی خود را با ایمان، هویت و استقلال ملت‌های مسلمان نشان داده است و همه ابزارهای شیطانی خود را (با همان ماهیت وسوسه‌گر و سلطه‌طلب) از تحریم و جنگ گرفته، تا تفرقه افکنی، کودتا، تخریب فرهنگی و تلاش برای سلب امید از ملت‌ها، به کار گرفته است.

دشمنی فعال با شیطان

قرآن می‌گوید: اگر دشمن قسم خورده را دست‌کم بگیری، نتیجه‌اش عقب‌گرد، وابستگی و ازدست‌دادن عزت توست. همین‌طور ملتی که دشمنش را نشناسد، امنیتش را از دست خواهد داد. جامعه ایمانی نیز

اگر چهره واقعی شیطان را چه درون نفس، چه در لباس قدرت های جهانی نشناسد، گرفتار فریب و نیرنگ آنان خواهد شد؛ از این رو استقلال، عزت و هویت دینی، فقط زمانی بازمی گردد که دشمن شناخته شود و با او دشمنی فعال صورت گیرد.

دشمنی فعال یعنی چه؟ یعنی همان که قرآن می فرماید: ﴿فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾. ابتدا باید دشمن و خطر او را جدی بگیری. دشمنی فعال یعنی بعد از شناخت دشمن و جدی گرفتن او، با آگاهی، تحلیل درست و مراقبت از وسوسه ها در برابر فشارها و فریب هایش ایستادگی کنی و در بُعد اجتماعی، با آگاه سازی، مصون سازی فرهنگی و تقویت ایمان و وحدت، به مقابله با او بروی. قرآن می خواهد ما به جای انفعال، به جای ساده انگاری، به جای تسلیم، «نگاه راهبردی» داشته باشیم. یعنی همان چیزی که یک ملت را روی پای خود نگه می دارد و اجازه نمی دهد تسلیم تهدید، تحریم یا جنگ روانی شود.

شیطان از اول تاریخ، دشمن انسان بوده و تا آخر نیز خواهد بود؛ اما انسان عاقل کسی است که با چشم باز زندگی می کند، وسوسه ها را جدی می گیرد و راه نفوذ دشمن را می بندد. جامعه ای که این آگاهی را حفظ کند، هیچ قدرتی (نه شیطان پنهان و نه شیاطین آشکار) نمی تواند عزتش را خدشه دار کند. این همان درس بزرگ آیه است: اگر دشمنت را نشناسی، شکست می خوری؛ اما اگر او را بشناسی و هوشیارانه با او مقابله کنی، پیروزی با توست و به عزت و استقلال خواهی رسید.

لحظه ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آیا در زندگی روزمره، لحظه ای بوده که دشمنی شیطان را جدی نگرفته ام؟

نتیجه چه بوده است؟

۲. کدام عادت‌های کوچک من، دروازه‌ای برای نفوذ شیطان شده‌اند؟
۳. در کدام موقعیت‌ها بیشترین خطر نفوذ شیطان را احساس می‌کنم و چگونه می‌توانم آن‌ها را کنترل کنم؟
۴. چه ابزارهایی (ذکر، دعا، مطالعه، گفت‌وگو) برای مقابله با شیطان استفاده کرده‌ام و کدام مؤثرتر بوده‌اند؟



۱. چرا با استکبار دشمنیم؟

از منظر قرآن، شیطان دشمن اصلی انسان است؛ زیرا هدف او بیرون بردن انسان از مسیر بندگی و حاکم کردن فساد و طغیان بر زمین است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ» و در آیات دیگر توضیح می‌دهد که شیطان با غرور، استکبار ورزید و فرمان الهی را نپذیرفت: «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۱. پس «استکبار» نخستین میوه گناه شیطان و ریشه همه دشمنی‌های او با انسان است.

هرکس در زمین روح و رفتار شیطان را ادامه دهد، درحقیقت، از «شیاطین انس» است. قرآن تصریح می‌کند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ»^۲؛ یعنی شیاطین انسانی نیز همان مسیر شیطان را دنبال می‌کنند. استکبار جهانی امروز، همان تجسم زمینی این شیطان است؛ قدرتی که با خود برتر بینی، سلطه جویی، تحقیر ملت‌ها و مخالفت با عدالت، در برابر خدا و پیامبران ایستاده است.

استکبار، دشمن اصلی جبهه مقاومت است؛ زیرا با همان منطق شیطان

۱. سوره بقره، آیه ۳۴.

۲. سوره انعام، آیه ۱۱۲.

عمل می‌کند. نمی‌خواهد انسان آزاد و خداپرست باشد؛ بلکه می‌خواهد او را مطیع خود سازد. قرآن، دشمنی شیطان با مؤمنان را دائمی می‌داند؛ چون دشمنی حق و باطل همیشگی است. پس هر نظامی که برپایهٔ ظلم، استثمار و انکار حق ملت‌ها بنا شود، درحقیقت، ادامه‌دهندهٔ راه شیطان است. بنابراین، از دیدگاه قرآن، استکبار جهانی همان شیطان مجسم است؛ دشمنی که باید با شناخت، بیداری و مقاومت فعال، دربرابرش ایستاد تا مسیر بندگی خدا و عزت و کرامت انسانی محفوظ بماند.

۲. هزینهٔ تسلیم‌شدن

تسلیم‌شدن دربرابر شیطان، یعنی واگذاری فرمان زندگی به دشمنی که از آغاز خلقت، هدفش سقوط انسان بوده است. وقتی انسان در بُعد فردی با وسوسه‌ها مقابله نکند، ایمانش آرام‌آرام فرسوده می‌شود. دل، میدان تاخت‌وتاز تردیدها و خواهش‌های افسارگسیخته می‌شود و آرامش از درونش رخت برمی‌بندد. بی‌تقوایی، بی‌ارادگی، گناه‌های کوچک، اما پی‌درپی و فروپاشی شخصیت، نتیجهٔ همین بی‌توجهی به دشمن درونی است؛ دشمنی که اگر مهار نشود، انسان را از کرامت و عزت خدادادی‌اش جدا می‌کند.

در عرصهٔ اجتماعی نیز تسلیم‌شدن دربرابر شیاطین انسی و جنی، به میدان‌داری دشمنان بیرونی می‌انجامد. جامعه‌ای که تهدید را جدی نگیرد، طعمهٔ جنگ روانی، نفوذ فرهنگی، تحریم و سلطه‌طلبی قدرت‌های استکباری می‌شود. تفرقه، ضعف ارادهٔ ملی، ازدست‌رفتن استقلال و عقب‌ماندگی علمی و اقتصادی، پیامدهای طبیعی نادیده‌گرفتن دشمنی است که هدفش فلج‌کردن روح یک ملت است.

نتیجه روشن است: هزینهٔ مقاومت و ایستادگی (هرچند سخت و پرچالش باشد) بسیار کمتر از هزینهٔ تسلیم است. تسلیم‌شدن دربرابر

دشمن، یعنی تهی کردن روح فرد و جامعه از آنچه موجب عزت و کرامت الهی اوست؛ اما مقاومت، عزت و استقلال را حفظ می‌کند و آینده یک ملت را به روشنی می‌سازد.

جمع‌بندی

آیه «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» با معرفی شیطان به عنوان دشمن اصلی انسان و جامعه ایمانی، ما را به هوشیاری و «مقابله فعال» فرامی‌خواند. تسلیم در برابر وسوسه‌ها، تهدیدها و نفوذ شیاطین جنّی و انسی، انسان و ملت را از استقلال، عزت و هویت تهی می‌کند و به تفرقه، سستی و سلطه‌پذیری می‌کشاند. راه نجات، شناخت دشمن، تحلیل درست نقشه‌های او و ایستادگی هوشمندانه در برابر توطئه‌هاست. قرآن تأکید می‌کند که هزینه مقاومت، بسیار کمتر از هزینه تسلیم است؛ زیرا جامعه‌ای که دشمن را بشناسد و با او بجنگد، به عزت، پیشرفت و استقلال دست خواهد یافت.

پرسش‌های درس

۱. چرا قرآن بر «مقابله فعال» با شیطان و توطئه‌هایش تأکید دارد؟
۲. علت دشمنی ما با نظام استکباری جهان چیست؟
۳. سازش و تسلیم شدن در برابر دشمن چه پیامدهایی برای فرد و جامعه دارد؟
۴. شناخت دشمن چگونه به استقلال و عزت جامعه کمک می‌کند؟

پیام‌های کاربردی

۱. شیطان دشمن قطعی انسان است و باید جدی گرفته شود.
۲. شناخت دشمن، نخستین گام برای مقابله مؤثر با اوست.
۳. ملتی که دشمنش را شناسد، به جای سنگر، در دام دشمن پناه می‌گیرد.
۴. دشمنی فعال و هوشمندانه با دشمن، راهکار موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی است.
۵. استقامت و مقاومت در برابر دشمن، هزینه‌ای کمتر از تسلیم و سازش دارد و باعث حفظ عزت و هویت فرد و جامعه می‌شود.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

شیطان و عواملش را بشناسیم و با هوشیاری، مقاومت و دشمنی فعال، هرگز در برابر وسوسه‌ها و تفرقه‌های او تسلیم نشویم.

حالا نوبت توست...

یک رفتار یا عادت روزمره را که زمینه نفوذ شیطان است، شناسایی و برای اصلاح آن برنامه‌ریزی کن.

روزانه با دعا و ذکر، خود را از نفوذ شیطان مصون کن.

با تمرین‌های کوچک اراده (مثل ترک عادت ناپسند)، مقاومت در برابر وسوسه‌ها را در خود تقویت کن.

برای زندگی خود برنامه مشخص داشته باش تا شیطان فرصت سوءاستفاده نداشته باشد.

اخبار و رویدادها را با توجه به توطئه دشمنان و نقشه‌های سلطه‌طلبانه آنان بررسی و تحلیل کن.

هر روز رفتار خود را بررسی کن و بین کجا تسلیم وسوسه‌ها شدی و چگونه می‌توانی مقاومت را افزایش دهی.

.....

.....

.....

.....





درس بیست و سوم

پیروزی با لشکر خداست

﴿وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

سوره صافات، آیه ۱۷۳

و بی شک و بدون تردید، فقط لشکر ما پیروزند.



سُورَةُ الصَّافَّاتِ

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُبِينٌ ﴿١٥٦﴾
 فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا
 يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
 مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مَنَّا إِلَّا
 لَهُ، وَمَقَامٌ مَعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾
 وَإِنْ كَانُوا يَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا بِهِ ۖ فَسُوفَ يَعْمَلُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
 سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
 وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصَرَهُمْ
 فَسُوفَ يَبْصُرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَدَابِنَا يُسْتَعْجَلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
 فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصَرَ
 فَسُوفَ يَبْصُرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



سخنی با مربی

درس بیست و سوم با آیه «وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِيُونَ» تأکید دارد که پیروزی نهایی از آن جبهه الهی است؛ اما این پیروزی مشروط به اتصال مستمر انسان با خدا، اخلاص، مقاومت، خودسازی و پرهیز از تسلیم در برابر فشارهاست. این آیه، «قانون پیروزی» را بیان می‌کند؛ قانونی که هم در تاریخ ثابت شده و هم در زندگی فردی و اجتماعی مصداق دارد.

به عنوان مربی، مهم است که مخاطب را از نگاه ظاهری («پیروزی و شکست») عبور دهید و به افق بلندتری برسانید؛ جایی که معیار پیروزی، ایستادگی در جبهه حق است؛ حتی اگر نتیجه ظاهری سخت و تلخ باشد یا به شهادت بینجامد. پیشنهاد می‌شود گفت‌وگویی گروهی درباره تفاوت پیروزی ظاهری و پیروزی حقیقی ترتیب دهید تا مطمئن شوید این موضوع مهم بر جان مخاطب نشسته است. همچنین، تأکید کنید که جندالله بودن، بیش از آنکه عنوانی ظاهری باشد، حالتی روحی و اخلاقی است؛ یعنی اتصال دائم با خدا، پاکی در نیت، تعهد در عمل و استقامت در مسیر.

در تدریس به این نکته توجه فرمایید که درس صرفاً به یک شعار احساسی تبدیل نشود. لازم است مفهوم «پیروزی نهایی» را با نمونه‌های واقعی توضیح دهید؛ از بدر و عاشورا، تا مقاومت‌های امروز و حتی تجربه‌های شخصی نوجوانان در غلبه بر تنبلی، ترس، مشکلات خانوادگی یا فشار همسالان. یادآور شوید که این آیه فقط درباره میدان‌های بزرگ نیست؛ درباره نبردهای درونی و شخصی آن‌ها نیز هست.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم «جندالله» و ویژگی‌های آن را به درستی بشناسد.
۲. شروط و عوامل پیروزی نهایی الهی را به صورت منظم بیان کند.
۳. در برابر فشارها و سختی‌ها از تسلیم شدن پرهیز کند و استقامت نشان دهد.
۴. نگرش امید، اعتماد به خدا و مقاومت را در تصمیم‌های روزمره تقویت کند.

ما پیروزیم

یادش به خیر! این شعر را حتماً شنیده‌اید:

«ای لشکر صاحب‌زمان، آماده باش آماده باش»

بهر نبردی بی‌امان، آماده باش آماده باش»

این شعار مشهور رزمندگان ایرانی در دوران دفاع مقدس هشت ساله است. در طول هشت سال جنگ تحمیلی، رزمندگان ایرانی در بسیاری از عملیات‌ها از نظر تعداد و تجهیزات در موضع ضعف بودند؛ اما چیزی که آن‌ها را پیروز می‌کرد، ایمان به وعده‌های الهی بود. آن‌ها خود را «لشکر صاحب‌زمان» که همان «لشکر خدا» است، می‌دانستند و باور داشتند که پیروزی نهایی از آن‌هاست. این باور، بزرگ‌ترین سلاح روانی آن‌ها در برابر دشمن بود.

قرآن با این آیه به لشکریان خود نوید پیروزی نهایی داده است:

﴿وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾^۱

بی‌تردید، لشکریان ما پیروزند.

سرنوشت روشن نبرد

این آیه، بشارتی است برای همه کسانی که در مسیر حق و عدالت گام

۱. سوره صافات، آیه ۱۷۳

برمی‌دارند و به آن‌ها اطمینان می‌دهد که پیروزی نهایی از آن لشکریان خداست. این بشارت روحیه‌بخش، بارها در قرآن با بیان مشابه مانند «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^۱ تکرار شده است. پیام اصلی آن این است که اگر انسان‌ها و گروه‌های صالح با ایمان، اخلاص و تلاش در مسیر خداوند حرکت کنند، سرانجام پیروز خواهند شد؛ حتی اگر در مسیر با شکست‌های موقتی یا سختی‌های طاقت‌فرسا روبه‌رو شوند. پیروزی نهایی، نه براساس قدرت ظاهری و منابع مادی، بلکه براساس اتصال و تکیه بر قدرت الهی تضمین می‌شود.

پیام این آیه، به‌ویژه برای کسانی که در مقابله با ظلم، استکبار یا فساد فعالیت می‌کنند، همچون آرام‌بخشی قوی است. ممکن است هزینه‌های مبارزه بالا باشد، یا شکست‌های کوتاه‌مدت رخ دهد و شاید حتی برخی از همراهان در این راه به شهادت برسند؛ اما این مسیر نتیجه‌ای بزرگ و پایدار دارد. خداوند به مؤمنان می‌گوید که نگران موانع و دشواری‌ها نباشید. سرانجام، لشکر او بر همه چیره خواهد شد.

در صدر اسلام، سپاه کوچک مسلمانان در نبرد بدر با دشمنان پرشمار و مجهز روبه‌رو شد. تعداد مسلمانان بسیار کمتر بود و منابع و تجهیزاتشان اندک؛ اما ایمان، توکل و اتحادشان باعث شد بر سپاه قریش پیروز شوند. در تاریخ معاصر هم یکی از بارزترین نمونه‌های تحقق وعده خداوند، انقلاب اسلامی ایران است. مردم ایران با وجود حکومت مستبد و حمایت کشورهای خارجی از رژیم پهلوی، با ایمان، استقامت و تلاش مستمر توانستند به پیروزی برسند و نظامی مبتنی بر ارزش‌های دینی و عدالت برپا کنند. این پیروزی‌ها نشان می‌دهد که لشکر خدا حتی اگر به ظاهر ضعیف باشد یا منابع محدود داشته باشد، بر دشمنان غالب خواهد شد.

۱. سورة مائده، آیه ۵۶.



شرط پیروزی چیست؟

یکی از نکات مهم این آیه، شرط پیروزی است که عبارت است از «ارتباط و اتصال دائم با منبع الهی». این اتصال از طریق ذکر، نماز، خودسازی، رعایت اخلاص در عمل و اعتماد کامل به خدا شکل می‌گیرد. حتی کسانی که در ظاهر ضعیف و کم‌توان هستند، اگر به خداوند توکل داشته باشند، قدرتی برتر پیدا می‌کنند که از هر نیروی مادی برتر است. نمونه‌های تاریخی بسیاری در قرآن و تاریخ اسلام آمده است که گروهی اندک با ایمان و توکل بر خدا، بر دشمنان پرشمار و قدرتمند غلبه کردند.

همچنین، این آیه انگیزه‌ای برای استقامت و صبر است. وقتی انسان می‌داند که پیروزی نهایی حتمی است، شکست‌ها یا مشکلات نمی‌توانند او را از مسیر بازدارند. همان‌طور که در زندگی روزمره افراد با ایمان در برابر سختی‌ها مقاومت می‌کنند و تسلیم نمی‌شوند، این آیه یادآوری می‌کند که ارزش مبارزه و تلاش در راه حق، بسیار بیشتر از مشکلاتی است که در مسیر رخ می‌دهد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. چه چیزهایی اتصال من با خدا را ضعیف می‌کند و باعث می‌شود خودم را از «لشکر خدا» دور ببینم؟
۲. اگر امروز بخواهم یک قدم بیشتر به سمت «پیروزی الهی» بردارم، آن قدم چیست؟
۳. چه ترس یا ذهنیت ناامیدانه‌ای مرا از ادامه مسیر حق باز می‌دارد و چگونه می‌توانم بر آن غلبه کنم؟
۴. اگر امروز خدا از من بپرسد: «در کدام جبهه‌ای؟» پاسخم چیست و چرا؟

۱. معیار قرآنی پیروزی و شکست

در زندگی روزمره بسیاری از مردم پیروزی و شکست را فقط با معیارهای ظاهری می‌سنجند؛ برنده شدن در یک مسابقه، به دست آوردن مقام یا غلبه بر دیگران، معمولاً نشانه پیروزی تلقی می‌شود و شکست نیز زمانی رخ می‌دهد که انسان در ظاهر عقب بماند.

اما قرآن نگاه عمیق‌تری دارد. آیه **﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾** نشان می‌دهد که پیروزی حقیقی به ارتباط انسان با خدا و ایستادگی در مسیر حق وابسته است؛ نه صرفاً نتایج ظاهری. حتی اگر در میدان زندگی یا تاریخ ظاهراً شکست دیده شود، ولی فرد یا جمعی که در صف حق بایستند و تسلیم نشوند، در نهایت، پیروز خواهند بود. معیار قرآنی پیروزی، استقامت، اخلاص، خودسازی و اعتماد به وعده الهی است. برعکس، کسی که ظاهراً برنده است، اما دلش از خدا دور است و مسیر حق را ترک کرده، درواقع، شکست خورده است.

این دیدگاه قرآن، انسان را نگاه ظاهری «پیروزی و شکست» عبور می‌دهد و به تمرکز بر پایداری، اتصال الهی و تلاش مستمر در راه حق دعوت می‌کند؛ بنابراین، فهم درست پیروزی و شکست، فراتر از ظاهر و نتایج موقت است و با معیارهای اخلاقی و الهی سنجیده می‌شود.

۲. چگونه «سرباز خدا» باشیم؟

در زندگی شخصی، هر فردی که در مسیر رشد معنوی و اخلاقی برای خدا گام برمی‌دارد و مقاومت پیشه می‌کند، نمونه‌ای از لشکر خداست. کسی که در برابر هوای نفس، ترس‌ها یا سختی‌های زندگی ایستادگی می‌کند و با

نماز، ذکر و خودسازی به خدا متصل می‌ماند، یقیناً بر مشکلات شخصی و اجتماعی خود غلبه می‌کند.

پیام آیه **﴿وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾** برای هر فرد، دعوتی روشن است: اگر می‌خواهی از لشکریان خدا باشی و پیروزی نهایی را تجربه کنی، ابتدا باید خودت را آماده کنی. سرباز خدا بودن یعنی پیش از هرچیز، با خدا ارتباط قلبی و مستقیم برقرار کردن. نماز، ذکر، تفکر در آیات قرآن و یاد خدا زرهی است که در هر مبارزه و دشواری، انسان را مصون نگه می‌دارد.

سرباز خدا کسی است که در مسیر حق، اخلاص و صداقت در عمل دارد. او کارهایش را برای رضای خدا انجام می‌دهد؛ نه برای چشم و نظر دیگران. این اخلاص، قدرتی درونی می‌دهد که هر مانع و مشکلی را تحمل‌پذیر می‌کند.

سرباز خدا همچنین استقامت و صبر را می‌آموزد. زندگی پر از موانع، وسوسه‌ها و فشارهای مختلف است؛ اما کسی که بر خدا توکل دارد، نمی‌ترسد و تسلیم نمی‌شود. او حتی در مواجهه با شکست‌های موقت، انرژی خود را از یاد خدا می‌گیرد و مسیر را ادامه می‌دهد.

سرباز خدا به دیگران نیز خیر و کمک می‌رساند. با رفتار نیکو، عدالت، صداقت و مهربانی، نیروی لشکر الهی را در جامعه تقویت می‌کند. هر قدمی که در اصلاح خود، خانواده و جامعه برداشته شود، سهمی در پیروزی نهایی دارد.

در نهایت، سرباز خدا کسی است که به وعده الهی اعتماد کامل دارد. او می‌داند که پیروزی واقعی نه با شمار نفرت یا قدرت مادی، بلکه با ایمان، اخلاص و اتصال به خدا حاصل می‌شود. چنین انسانی، حتی اگر تنها باشد، جزئی از لشکر خداست و سرانجام، پیروزی از آن اوست.

جمع‌بندی

در این درس، آیه «وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ» یک قانون الهی را یادآور می‌شود: پیروزی نهایی از آن جبهه خداست. این غلبه در صورت اتصال مداوم انسان با خدا، اخلاص، ذکر، نماز، خودسازی و پرهیز از تسلیم به دست می‌آید. قرآن نشان می‌دهد که مقاومت در مسیر حق، هرچند پرهزینه، سرانجامی روشن دارد و قدرت‌های ظاهری نمی‌توانند نتیجه را تعیین کنند. این وعده الهی برای مبارزه‌های درونی و اجتماعی امروز ما نیز صادق است. هرکس در مسیر حق بماند و به خدا تکیه کند، دیر یا زود طعم پیروزی را خواهد چشید.

پرسش‌های درس

۱. آیه محوری درس کدام پیام اصلی درباره پیروزی را بیان می‌کند؟
۲. «لشکر خدا» به چه کسانی گفته می‌شود و مهم‌ترین ویژگی‌های آنان چیست؟
۳. پیروزی نهایی جبهه حق به چه عواملی وابسته است؟
۴. چرا مقاومت و استقامت در مسیر حق با وجود سختی‌ها اهمیت دارد؟

پیام‌های کاربردی

۱. پیروزی نهایی از آن جبهه الهی است؛ حتی اگر مسیر پر از سختی و فشار باشد.
۲. اتصال مداوم با خدا از طریق ذکر، نماز، اخلاص و خودسازی شرط اصلی غلبه است.

۳. مقاومت و پایداری در برابر ظلم، فشار و ناامیدی، مقدمه تحقق وعده الهی است.

۴. قدرت‌های ظاهری تعیین‌کننده نیستند؛ ایمان و ارتباط با خدا معادلات را دگرگون می‌کند.

۵. تسلیم نشدن در برابر فشارها، انسان را در صف «لشکریان خدا» نگه می‌دارد و نتیجه آن، پیروزی است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با ایمان، اخلاص و استقامت چون سربازی در مسیر حق بایستیم و به وعده پیروزی الهی اعتماد کامل داشته باشیم.

حالا نوبت توست...

هر شب پیش از خواب به این فکر کن که امروز به عنوان «سرباز خدا»، چه قدمی برای پیروزی جبهه حق برداشتی.

در مبارزه با نفس و عادات بد، هرگز خودت را شکست خورده تصور نکن. تو در لشکر خدا هستی و با کمک او قطعاً پیروز خواهی شد.

با این باور قرآنی، روحیه امید و خودباوری را در جامعه، به خصوص در میان نسل جوان، تقویت کن.

وقتی در یک کار فرهنگی و اجتماعی با سختی روبه رو می شوی یا تنها می مانی، ناامید نشو. تو در لشکر پیروز خدا هستی و این سختی ها موقتی است.

در تحلیل های سیاسی، علاوه بر محاسبات مادی، به وعده تخلف ناپذیر الهی مبنی بر پیروزی نهایی جبهه حق ایمان داشته باش.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها



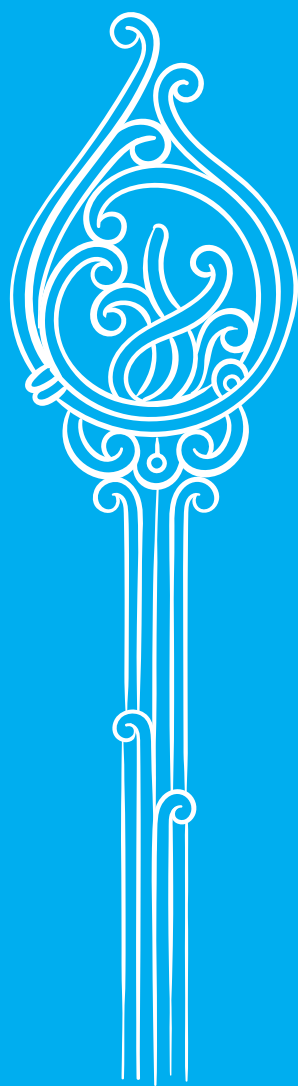
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیست و چهارم

بعد از ایمان، پایداری لازم است

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ
اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾

سوره فصلت، آیه ۳۰

بی تردید کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»،
سپس پای حرفشان ایستادند، فرشتگان بر آنان
فروید می آیند که: «نترسید و غمگین مباشید!»



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلَىٰ وَكُفُّمُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا شِئْتُمْ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ
 فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
 قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا دُوحٌ عَظِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس بیست و چهارم برپایه آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» بر یک اصل کلیدی استوار است: ایمان آغاز راه است؛ اما استقامت شرط دریافت آرامش، امداد الهی و عبور از جنگ روانی دشمن است. آیه یادآوری می‌کند که تربیت ایمانی، صرفاً دعوت به باور نیست؛ بلکه پرورش انسان‌هایی است که در نیت، رفتار و مسیر زندگی ثابت قدم بمانند و در برابر فشارها دچار تزلزل نشوند.

در تدریس این درس، چند نکتهٔ راهبردی بسیار مهم است. نخست اینکه مربی باید تفاوت میان «ایمان زبانی» و «ایمان عملی» را برای فراگیران روشن کند. دوم اینکه مفهوم استقامت را از حالت شعاری خارج کند و با مثال‌های روزمره (از استقامت در روابط خانوادگی، تا پافشاری بر صداقت در کار) برای مخاطب ملموس کند. سوم اینکه معنای نزول فرشتگان را به درستی تبیین کند: امداد الهی نه به شکل‌های خارق‌العاده، بلکه بیشتر به صورت آرامش، امید، قوّت قلب و رفع ترس و اندوه در جان انسان ظهور می‌یابد. همچنین، باید تفاوت «خوف» و «حزن» را توضیح دهد تا شاگردان بفهمند استقامت چگونه «آینده‌هراسی» و «گذشته‌سوزی» را درمان می‌کند.

برای اثرگذاری بیشتر، پیشنهاد می‌شود از تمثیلی قوی (مانند دانه‌ای که بدون آبیاری و مراقبت رشد نمی‌کند) درس را آغاز کنید تا ذهن مخاطب با مفهوم «ثبات قدم» گره بخورد. همچنین، بهره‌گیری از نمونه‌های واقعی از جامعه و تاریخ معاصر، به‌ویژه نمونه‌هایی که استقامت فرد یا جمعی را به پیروزی رسانده (نظیر ایمان و استقامت ملت قهرمان ایران در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس)، درس را عینی‌تر و آموزنده‌تر می‌سازد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم استقامت را از نگاه قرآن به درستی بشناسد و تفاوت آن را با ایمان ابتدایی توضیح دهد.
۲. بداند که پاداش استقامت در آیه، نزول آرامش الهی و رفع ترس و اندوه است.
۳. بتواند تفاوت خوف و حزن را تحلیل کند و نقش استقامت را در درمان این دو نوع اضطراب توضیح دهد.
۴. در رفتار روزمره خود، ثبات در نیت و عمل را تمرین کند و در برابر فشارها و تهدیدها پایداری بیشتری نشان دهد.

پاداش استقامت

کشاورزی را تصور کنید که دانه می‌کارد، اما آن را آبیاری نمی‌کند. روشن است که کاشتن به تنهایی کافی نیست. دانه بدون مراقبت هرگز به ثمر نمی‌رسد. در معرکه ایمان هم گفتن «خدایا، تو پروردگار منی»، کفایت نمی‌کند. مهم «پای حرف ماندن» است. «استقامت» یعنی همین؛ یعنی اینکه در طوفان حوادث، در وسوسه‌ها، در سختی‌ها، باز هم روی همان حرف اولت بایستی و بذری را که کاشته‌ای، به ثمر بنشانی. خدا برای چنین آدم‌هایی، پاداش ویژه‌ای کنار گذاشته است: «یاری و آرامش خودش را». فرشتگان آن‌ها را در آغوش می‌گیرند و در گوششان زمزمه می‌کنند: «نترس. غصه نخور. خدا با توست...».

قرآن دقیقاً از همین حقیقت سخن می‌گوید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ
عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَحْزَنُوا وَلَا تَحْزَنُوا^۱﴾

قطعا کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس [در میدان
عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل
می‌شوند [و می‌گویند: مترسید و اندوهگین نباشید.

ایمان، نقطه آغاز است

این آیه می‌گوید: «رَبَّنَا اللَّهُ» گفتن فقط شروع ماجراست؛ اما «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» ادامه اصلی آن است؛ جایی که انسان باید پای حرفش بایستد. همان‌گونه که قرآن در آیه دوم سوره عنکبوت (درس بیستم) نیز یادآوری می‌کند که ایمان ابتدای راه است و سنت قطعی پروردگار این است که پس از ایمان، طوفان حادثه‌ها و آزمون‌ها آغاز می‌شود تا صدق و پایداری انسان روشن شود.

در زندگی روزمره، فراوان دیده‌ایم که هرکس ممکن است بگوید که به خدا توکل دارد؛ اما توکل واقعی در لحظه بحران معلوم می‌شود. هرکس ممکن است از صداقت حرف بزند؛ اما صداقت در موقعیت سود و زیان سنجیده می‌شود. یا هرکس می‌تواند ادعای صبر و پاکی کند؛ اما مشکلات، وسوسه‌ها و فشارها نشان می‌دهد چه کسی واقعاً ایستاده است.

در زندگی اجتماعی نیز نمونه‌های روشنش را می‌بینیم. افراد زیادی در آغاز یک حرکت معنوی، فرهنگی یا اجتماعی با انگیزه وارد می‌شوند؛ اما وقتی نخستین سختی‌ها مثل کمبود بودجه، بی‌مهری‌ها، نقدها یا فشارها می‌رسد، بعضی‌ها را می‌کنند. درمقابل، کسانی که می‌ایستند و مسیر را ادامه می‌دهند، همان‌هایی هستند که اثرگذار می‌شوند و اتفاقات بزرگی را رقم می‌زنند؛ بنابراین، ایمان آغاز حرکت است و استقامت، هنر درمسیرماندن و ادامه دادن آن.

استقامت یعنی ثبات در نیت و عمل

استقامت در لغت به معنای «ایستادن»، «محکم ماندن» و «کج نشدن» است و در اصطلاح قرآنی یعنی استوارماندن و پایداری بر مسیر حق، بدون انحراف، بدون سستی و بدون تغییر جهت در برابر فشارها.^۱ آیه درس همین

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۵۹۱.

حقیقت را بیان می‌کند. کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» و سپس «استقامت ورزیدند»، یعنی بر همان ایمان نخستین پایدار ماندند، نه در نیت دچار لغزش شدند و نه در رفتاری که از ایمان برمی‌آمد. گاهی استقامت یعنی در برابر وسوسه‌های کوچک تسلیم نشدن، مثلاً در برابر رشوه‌ای اندک، سخنی ناحق یا لذتی حرام ایستادن. گاهی هم استقامت به معنای صبر در برابر رنج‌های بزرگ است؛ مثل مادری که در تربیت دینی فرزندش همه سختی‌ها را به جان می‌خرد یا پدری که برای به‌دست‌آوردن نان حلال، در برابر طیفی از وسوسه‌ها ایستادگی می‌کند. استقامت یعنی نیت پاکت را در طول مسیر حفظ کنی؛ همان صداقت، همان تواضع، همان خداخواهی. و در عمل نیز ثابت‌قدم باشی. نه با مشکلات عقب بکشی، نه با وسوسه‌ها منحرف شوی، نه با تهدیدها مسیرت را عوض کنی. انسان با استقامت کسی است که حرف و قدمش یکی است. همان‌گونه که ایمانش را آغاز کرده، آن را ادامه می‌دهد. چنین ثباتی است که فرشتگان آرامش را به دل انسان می‌نشانند.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. در کدام بخش‌های زندگی‌ام بیش از همه به «استقامت» نیاز دارم؟ از امروز چه تغییرات رفتاری‌ای می‌توانم آغاز کنم تا پایدارتر شوم؟
۲. اگر در سختی‌ها و جنگ روانی دشمن دچار تردید می‌شوم، چه باورهایی در من به تقویت نیاز دارد؟
۳. کدام افراد در زندگی من الگوی استقامت بوده‌اند و چه چیزی از آنان می‌توانم بیاموزم؟
۴. اگر در مسیر ایمان استقامت بیشتری داشته باشم، چه تغییری در آینده‌ام رخ خواهد داد؟

۱. آرامش، ثمره استقامت

آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» این حقیقت عمیق را آشکار می‌کند که آرامش الهی، پاداش استقامت و پایداری است. قرآن می‌فرماید فرشتگان بر مؤمنانی فرود می‌آیند که پایدار می‌مانند و در نیت و عمل از راه حق منحرف نمی‌شوند. این فرود، نشستن جسمانی نیست؛ بلکه به معنای نزول سکینه، قوّت قلب، اطمینان و آرامش الهی در جان انسان است. این فرشتگان چنین پیام می‌آورند: «أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا». این دو جمله، دو نوع اضطراب انسان را هدف می‌گیرد. اول «خوف» که بیشتر مربوط به ترس از آینده است؛ مثل نگرانی از چیزهایی که هنوز رخ نداده‌اند؛ شکست، بیماری، تحریم، قضاوت دیگران و فردای نامعلوم؛ و دوم «حزن» که اغلب اندوه گذشته را شامل می‌شود؛ مانند حسرت‌ها، خطاها، ازدست دادن‌ها و صحنه‌هایی که با افسوس در ذهن تکرار می‌شوند.

وقتی انسان استقامت می‌ورزد، خدا دلش را چنان محکم می‌کند که نه آینده او را می‌ترساند و نه گذشته ذهن او را می‌فرساید. سکینه الهی، قلب را در جای خود می‌نشاند و از لرزش و اضطراب می‌رهاند. این آرامش، نتیجه مستقیم پایداری و استقامتی است که مؤمن در مسیر ایمان از خود نشان داده است؛ آرامشی عمیق که نه با تغییر شرایط از بین می‌رود و نه با تهدید دشمن لرزان می‌شود. چنین آرامشی، بزرگ‌ترین ثمره استقامت است.

بی‌تردید، همسران و مادران شهدا نمونه‌های برجسته این استقامت و آرامش مؤمنانه هستند. آن‌ها پس از اینکه عزیزترین دارایی‌شان را در راه خدا دادند، نه تنها شکوه نکردند، بلکه با استقامت و پایداری بر این راه، به

الگوی از صبر و آرامش برای کل جامعه تبدیل شدند. این آرامش و صلابت، همان «نزول ملائکه» است که به قلب‌های استوار هدیه داده می‌شود.

۲. رمز پیروزی ملت ایران

درس مهمی که از آیه درس می‌توان گرفت، این است که ایمان بدون استقامت، به تنهایی ضامن پیروزی نیست. رمز واقعی موفقیت فرد و جامعه، در این است که پس از گفتن «رَبَّنَا اللَّهُ»، در مسیر حق بایستند و در برابر سختی‌ها، تهدیدها و فشارها از پا ننشینند. چنین استقامتی، نیرو و آرامشی می‌آفریند که هیچ دشمنی توان درهم شکستن آن را ندارد.

یکی از نمونه‌های تاریخی این شکست‌ناپذیری، پایداری ملت ایران در دوران دفاع مقدس است؛ ملتی که «با ایمان آغاز کرد» و «با استقامت» از میان طوفان‌ها عبور کرد. در ابتدای جنگ، بسیاری از تحلیلگران خارجی معتقد بودند ایران به سرعت فرومی‌ریزد. امکانات بسیار کم و کشور درگیر مشکلات پس از انقلاب بود؛ اما مردم با گفتن «رَبَّنَا اللَّهُ» پا به میدان گذاشتند. جوانان داوطلب شدند، خانواده‌ها پشت جبهه ایستادند و یک ملت با توکل بر خدا و باور به وعده الهی، وارد مرحله‌ای شد که نیازمند «ثُمَّ اسْتَقَامُوا» بود.

آزمون‌ها یکی پس از دیگری رسید؛ تحریم، حملات سنگین، فشارهای بین‌المللی، کمبود امکانات و...؛ اما ملت عقب نکشید. همین استقامت بود که ورق را برگرداند. همان ملتی که در آغاز تنها بود، با پایداری‌اش، دشمنان را ناامید کرد و در نهایت، عزت و آرامشی به دست آورد که نتیجه مستقیم پای فشاری بر اصول و ارزش‌های الهی بود.

این تجربه نشان می‌دهد ایمان، آغاز حرکت یک ملت است؛ اما استقامت، آن‌ها را از میان سخت‌ترین آزمون‌ها عبور می‌دهد و به پیروزی و آرامش می‌رساند.

آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» بر این نکته تأکید دارد که ایمان، آغاز راه است و استقامت شرط اصلی دریافت آرامش و امداد الهی. آیه نشان می‌دهد که فرشتگان بر اهل پایداری فرود می‌آیند؛ یعنی خدا در دلشان سکینه، قوت قلب و امید می‌نشانند. استقامت، انسان را از دو آفت بزرگ می‌رهاند: خوف از آینده و حزن از گذشته. جامعه‌ای که پس از ایمان پایدار بماند، در برابر جنگ روانی دشمن مقاوم می‌شود و به عزت و پیروزی می‌رسد. نتیجه اینکه رمز موفقیت فرد و جامعه، نه آغاز خوب، بلکه پایداری مداوم در مسیر حق است.

۱. معنای استقامت در نگاه قرآن چیست و چگونه در نیت و عمل انسان ظاهر می‌شود؟
۲. نزول فرشتگان بر استقامت‌کنندگان به چه معناست و چه نوع آرامشی در وجود آنان ایجاد می‌کند؟
۳. تفاوت خوف و حزن چیست و چرا استقامت می‌تواند این دو حالت را از دل انسان بردارد؟
۴. استقامت چگونه فرد و جامعه را در برابر جنگ روانی دشمن مقاوم می‌کند؟

۱. ایمان آغاز راه است؛ نه پایان آن. گفتن «رَبَّنَا اللَّهُ» زمانی ثمر می‌دهد که با پایداری و ثبات همراه شود.
۲. استقامت، شرط دریافت آرامش الهی است. بدون پایداری، دل انسان در برابر تهدیدها و تردیدها آسیب‌پذیر می‌ماند.
۳. پایداری، سپر جنگ روانی دشمن است. جامعه‌ای که در اصول خود ثابت قدم باشد، با شایعه، تهدید و فشار فرو نمی‌ریزد.
۴. پیروزی و عزت، نتیجه استقامت است. فرد و جامعه‌ای که ایمان خود را با پایداری حفظ کنند، در نهایت، سربلند و موفق خواهند بود.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با ایمان و توکل بر او، استوار و آرام در مسیر حق بمانیم و در برابر تهدیدها و جنگ روانی دشمن تسلیم نشویم.

حالا نوبت توست...

شروع یک کار خوب (مثل نماز اول وقت، تلاوت قرآن یا ورزش روزانه) مهم است؛ اما مهم‌تر از آن، «مداومت» بر آن است؛ حتی اگر کم باشد.

اگر تصمیم به ترک یک گناه گرفته‌ای، حتی اگر چند بار شکست خوردی، ناامید نشو و دوباره بر تصمیم خود استقامت کن.

اگر یک کار فرهنگی (مثل راه‌اندازی یک هیئت یا جلسه قرآنی یا خیریه) را شروع کرده‌ای، استقامت در ادامه دادن آن، کلید نزول برکات الهی است.

در روابط دوستانه، بر دوستی با افراد صالح اصرار داشته باش و برای منافع زودگذر، دوستان خوب خودت را رها نکن.

به سهم خودت، از شخصیت‌ها و مسئولانی حمایت کن که در طول زمان، ثابت قدمی خود را در مسیر حق نشان داده‌اند؛ نه کسانی که با هر بادی تغییر جهت می‌دهند.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیست و پنجم

خواهی اگر عاشقی کنی و جوانی
«عشق محمد بس است و آل محمد»

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

سوره شوری، آیه ۲۳

بگو: «مُزدی از شما [برای راهنمایی‌تان]
نمی‌خواهم، مگر مودّت و دوستی نزدیکانم.»



سُورَةُ الشُّورَى

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
 حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشِإِ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
 وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ * وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ
 وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ يُعْبَادُهُ خَيْرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
 ﴿٢٨﴾ وَمِنْ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ
 وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذِ الشَّاءِ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فَمَا
 كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس بیست و پنجم با آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» فراتر از توصیه‌ای احساسی و اخلاقی، طرحی راهبردی را برای تداوم هدایت و حفظ انسجام امت پس از پیامبر ﷺ معرفی می‌کند. در این نگاه، مودت اهل بیت (علیهم‌السلام) به معنای ایجاد یک پیوند عملی و همبستگی اجتماعی برای تداوم مسیر رسالت است. هزینه‌ی دوری از این محور هم چیزی جز تشتت، ضعف و درنهایت، تسلیم در برابر دشمنان نیست.

شایسته است مربیان گرامی هنگام تدریس این درس، به این نکات توجه ویژه داشته باشند: نخست آنکه بر نقش راهبردی «مودت» در حفظ خط هدایت و جلوگیری از انحراف تأکید کنید. دوم آنکه مفهوم مودت را از علاقه قلبی صرف، به سمت «مسئولیت اجتماعی و همراهی عملی» با مسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) سوق دهید. سوم، برای مخاطب شرح دهید که این آیه، اهل بیت (علیهم‌السلام) را به عنوان محور وحدت معرفی می‌کند؛ محوری که می‌تواند مانع تفرقه افکنی‌های دشمن شود و چهارم اینکه نتیجه‌ی عملی دوری از این محور را با اشاره به ضعف و پراکندگی کنونی جهان اسلام و علل تاریخی آن تبیین کنید.

برای اثرگذاری بهتر، پیشنهاد می‌شود با بیان مصادیق و پدیده‌های شگرف معاصر، نظیر «پیاده‌روی اربعین» و «تشکیل جبهه‌ی جهانی مقاومت» که جلوه‌های بارز اتحاد و همدلی بر محور مودت اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند، درس را برای نسل جوان ملموس و کاربردی کنید.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. معنای آیه‌ی درس و مفهوم کلیدی «مودت فی القربی» را به درستی درک کند.
۲. ارتباط بین مفهوم آیه و تحقق وحدت و انسجام در جامعه‌ی اسلامی را تحلیل کند.
۳. بتواند با استفاده از شواهد تاریخی یا معاصر، پیامدهای منفی فاصله گرفتن از محوریت اهل بیت (علیهم‌السلام) (تشتت، ضعف و سلطه‌ی بیگانگان) را بررسی و استدلال کند.
۴. در برابر ترویج روحیه‌ی همدلی و همبستگی حول محور اهل بیت (علیهم‌السلام) در محیط زندگی خود (خانواده، دوستان و...) احساس تعهد کند.

الگوی وحدت اسلامی

هر معلمی بعد از سال‌ها زحمت، از شاگردانش انتظار قدردانی دارد. پیامبر اسلام ﷺ، بزرگ‌ترین معلم تاریخ بشریت، بعد از ۲۳ سال خون‌دل خوردن برای هدایت امت، فقط یک چیز را به عنوان دستمزد طلب کرد: «دوست داشتن نزدیکانم». او می‌توانست پول، قدرت یا هر چیز دیگری بخواهد؛ اما نخواست. چون می‌دانست راه نجات ما بعد از خودش، وصل شدن به همان نزدیکان است. او می‌دانست جامعه‌ای که قلب مردمانش بر محور عشق به خاندان پاکش متحد شود، شکست‌ناپذیر خواهد بود:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱

بگو: از شما بر این [رسالت] هیچ مزدی جز دوست داشتن نزدیکانم را نمی‌خواهم.

عمق راهبردی «مودت»

این آیه که در قرآن به «آیه مودت» مشهور است، می‌خواهد به ما بیاموزد که محبت اهل بیت علیهم‌السلام، صرفاً احساسی قلبی و عاطفی نیست؛ بلکه طرحی راهبردی برای تداوم مسیر هدایت امت اسلامی پس از پیامبر ﷺ است. رسول اکرم ﷺ به عنوان آخرین فرستاده خدا مأموریت داشت تا امت را

به سرمنزل نجات برساند و او نیز به بهترین شکل این مأموریت را به انجام رساند؛ اما نگرانی اصلی، حفظ این مسیر پس از ایشان بود. آیه مودت با معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان مرجع هدایت، پاسخی به این نگرانی است. اگر امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به این چراغ هدایت متصل نشود، به تدریج، آموزه‌های اصیل قرآن را فراموش می‌کند یا با تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای، آن‌ها را تحریف می‌کند. تاریخ نشان داده که دوری از این محور، همواره به ظهور انحرافات فکری و فرقه‌های گمراه منجر شده است؛ بنابراین، طرح مودت اهل بیت علیهم السلام، درحقیقت، تضمینی برای استمرار حرکت امت در مسیر مستقیم توحید و جلوگیری از انشعاب و گمراهی بود.

اتصال به رهبری الهی

مودت اهل بیت علیهم السلام، در عمل به معنای اتصال به سلسله رهبری الهی است که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادامه یافته است. این مودت، فقط احساسی درونی نیست؛ بلکه به همراهی و پیروی عملی از این مسیر ترجمه می‌شود. همان‌طور که برای حرکت در مسیری ناشناخته به راهنمایی نیاز داریم که مسیر را به خوبی بشناسد، اهل بیت علیهم السلام نیز راهنمایان این مسیر پس از پیامبرند.

این آیه با معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان محور وحدت، در پی ایجاد انسجام در امت است. وقتی یک مرجعیت الهی و معصوم به عنوان تداوم‌دهنده راه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همگان معرفی شود، تمام اقشار و گروه‌های امت می‌توانند گرد آن جمع شوند و از پراکندگی جلوگیری شود.

در نقطه مقابل، فاصله گرفتن از این محور وحدت بخش، پیامدهایی سنگین به همراه دارد. جامعه‌ای که محبت اهل بیت علیهم السلام را که ضامن انسجام است، کنار بگذارد، دچار تشتت آرا و ضعف داخلی می‌شود. این تفرقه و سستی، همان چیزی است که دشمنان در پی آن هستند. چنین جامعه‌ای به تدریج استقلال فکری و فرهنگی خود را از دست می‌دهد و

در برابر توطئه‌ها و سلطه بیگانگان تسلیم می‌شود. تاریخ پرافتخار و نیز پررنگ شیعه، مصداق عینی این حقیقت است. ملت‌هایی چون ملت بزرگ ایران که با محوریت ولایت و مودت اهل بیت علیهم‌السلام متحد شدند، در برابر طوفان‌های سهمگین تاریخ ایستادگی کردند و هویت خود را حفظ کردند. اتصال به این رهبری واحد، مانع از آن می‌شود که هر گروهی براساس فهم محدود خود، مسیر جداگانه‌ای در پیش گیرد و وحدت کلمه امت خدشه‌دار شود. این همان نقشه الهی برای جلوگیری از تفرقه است. جامعه‌ای که رهبری الهی را بپذیرد، مانند کشتی‌ای است که همه مسافران آن به یک ناخدا اعتماد دارند و همین امر، رسیدن به مقصد را ممکن می‌کند. این اتصال، بهترین الگو و بزرگ‌ترین پشتوانه برای اتحاد عملی مسلمانان است.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. در زندگی شخصی من، «مودت اهل بیت علیهم‌السلام» چگونه می‌تواند محور وحدت و انسجام در خانواده و روابط اجتماعی‌ام باشد؟
۲. آیا محبت من به اهل بیت علیهم‌السلام فقط در احساسات قلبی خلاصه می‌شود، یا در عمل و پیروی از سیره آنان نیز تجلی می‌یابد؟
۳. من چه سهمی در ترویج و انتقال مودت اهل بیت علیهم‌السلام به نسل جوان یا اطرافیانم دارم؟
۴. آیا در زندگی من، مصادیقی وجود دارد که نشان دهد مودت اهل بیت علیهم‌السلام باعث حفظ استقلال فکری و فرهنگی‌ام در برابر تهاجم بیگانگان شده است؟

۱. اکسیر محبت اهل بیت علیهم‌السلام

محبت اهل بیت علیهم‌السلام، همچون اکسیر شفا بخشی است که جان امت را از بیماری‌های مهلک تفرقه، نفاق و انحراف نجات می‌دهد. در واقع، این ویژگی‌های شخصیتی بی‌نظیر اهل بیت علیهم‌السلام است (نظیر علم لدنی، عصمت، ایثار و انسانیت کامل) که آنان را به الگوهای زنده وحدت تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که مودت ایشان می‌تواند زهر تفرقه را از پیکره امت خارج کند و فراتر از هر اختلاف قومی، نژادی و جناحی، مایه آرامش دل‌ها و انسجام عملی شود.

وقتی دل‌ها با عشق به چنین انسان‌های کامل و پاکی پیوند بخورد، به طور طبیعی از کینه‌توزی، حسادت، تکبر و رقابت‌های ویرانگر (که ریشه‌های اصلی تفرقه هستند) پاک می‌شود و همدلی و همبستگی جای آن را می‌گیرد. در عصر ما، «پیاده روی اربعین» نمونه درخشانی از تجلی این اکسیر اعظم است. هر ساله میلیون‌ها نفر با محوریت عشق به اهل بیت علیهم‌السلام، چنان وحدت بی‌نظیری را به نمایش می‌گذارند که دشمنان را به حیرت وامی‌دارد. این حرکت آخرالزمانی، هویت و استقلال فکری و فرهنگی جامعه را تثبیت می‌کند و امت اسلامی را در برابر تفرقه افکنی دشمنان، همچون کوهی استوار و یکپارچه نگه می‌دارد.

همچنین، پدیده اسطوره‌ای «مدافعان حرم»، شاهد آشکار دیگری است؛ جوانانی که با ندای «لبیک یا حسین علیه‌السلام» و «لبیک یا زینب (س)» به جبهه‌های سوریه و عراق رفتند و شجاعانه با سلاح ایمان و محبت، در برابر یکی از خون‌خوارترین گروه‌های تکفیری تاریخ ایستادند؛ در حالی که این گروه‌ها از حمایت‌های بی‌دریغ و آشکار قدرت‌های مستکبر جهانی

برخوردار بودند. این عشق، آن چنان نیرویی ایجاد کرد که جهان را مبهوت و شگفت زده کرد.

۲. چرا تفرقه شد؟

آسیب شناسی تاریخ امت اسلام نشان می دهد که ریشه اصلی تمام تفرقه ها و ضعف ها، در فاصله گرفتن از محوریت اهل بیت علیهم السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. همین دوری، باعث شد تا امت اسلامی به سرعت به گروه های متخاصم تقسیم شود و جنگ های داخلی مانند جمل و صفین به وقوع بپیوندد.

اگر آن زمان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در واقعه غدیر خم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان «مولای مؤمنان» معرفی کردند، امت اسلامی بر محوریت ولایت ایشان گرد آمده بودند، شاهد این همه تشتت و تفرقه در امت رسول خدا صلی الله علیه و آله نبودیم. واقعه غدیر خم، نمونه اعلاى آشکار سازی همان طرح راهبردی «مودت فی القربى» برای تعیین مسیر هدایت جامعه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ اما متأسفانه، کنار زدن این نقشه الهی باعث شد چیزی نگذرد که با تشکیل حکومت های اموی و عباسی، شاهد به قدرت رسیدن افرادی باشیم که دشمنی با اهل بیت علیهم السلام را سرلوحه کار خود قرار داده بودند.

این دوری ها و تفرقه ها، بنیه امت اسلام را به حدی تضعیف کرد که با گذشت زمان، سلطه بیگانگان از جمله مغول ها و سپس استعمارگران غربی بر کشورهای اسلامی ممکن شد. اگر محوریت اهل بیت علیهم السلام که ضامن وحدت کلمه و حفظ استقلال فکری بود، پذیرفته می شد، امروز جهان اسلام با این پراکندگی و وابستگی روبه رو نبود؛ بنابراین، تفرقه و تسلط دشمنان، نتیجه مستقیم جدایی از این ریسمان محکم الهی بوده است.

این درس با آیه شریفه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ مودت اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان یک طرح راهبردی الهی معرفی می‌کند. این مودت، عاملی برای تداوم هدایت و حفظ انسجام و وحدت امت اسلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. این محبت، یک مسئولیت اجتماعی و تعهد عملی برای همبستگی و همراهی با مسیر اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌رود تا جامعه از تفرقه و گمراهی مصون بماند. تاریخ نشان داده که فاصله از این محور وحدت‌بخش، به ضعف داخلی و سلطه بیگانگان منجر شده است؛ بنابراین، مودت اهل بیت علیهم‌السلام، کلید حفظ وحدت و استقلال امت اسلامی است.

۱. مفهوم اصلی «آیه مودت» را به اختصار توضیح دهید.
۲. چگونه مودت اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند به وحدت و انسجام جامعه اسلامی کمک کند؟
۳. تفاوت «مودت احساسی» با «مودت مسئولیت‌آور و عملی» در چیست؟
۴. یک نمونه تاریخی یا معاصر بیان کنید که نشان دهد فاصله گرفتن از مودت اهل بیت علیهم‌السلام چه پیامدهای منفی‌ای داشته است.

پیام‌های کاربردی

۱. محبت اهل بیت علیهم‌السلام، محور وحدت امت اسلام و سدّ محکم در برابر تفرقه است.
۲. مودت، یک انتخاب راهبردی برای تداوم راه هدایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.
۳. مسئولیت پیروی عملی از اهل بیت علیهم‌السلام بر عهده هر مسلمان است.
۴. فراموشی مودت، برابر با تفرقه و وابستگی به دشمنان است.
۵. مودت و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام، تضمین‌کننده استقلال فکری جامعه اسلامی است.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

با محبت و پیروی عملی از اهل بیت پیامبر ﷺ، وحدت امت اسلامی را تضمین کنیم و مسیر هدایت را تداوم بخشیم.

حالا نوبت توست...

با شرکت در مراسم‌های مربوط به اهل بیت ﷺ مثل محرم، فاطمیه و اعیاد، محبت خود را به خاندان پیامبر ﷺ نشان بده؛ به این امید که این برنامه‌ها به یک حرکت عظیم اجتماعی برای تقویت وحدت در جامعه تبدیل شود.

بخشی از درآمد خود را برای برگزاری مجالس اهل بیت ﷺ یا کمک به نیازمندان به نیت ایشان اختصاص بده.

با ابراز محبت به سادات و ذریهٔ پیامبر ﷺ و احترام گذاشتن به آن‌ها در جامعه، به این آیه عمل کن.

یک جلسهٔ کوچک خانوادگی یا دوستانه برای مطالعهٔ کتابی دربارهٔ زندگی یکی از معصومان ﷺ تشکیل بده.

با مطالعهٔ زندگی‌نامه و سخنان اهل بیت ﷺ، محبت خود را به ایشان عمیق‌تر کن و آن‌ها را الگوی عملی زندگی‌ات (در نوع پوشش و حجاب، انتخاب دوست، تربیت فرزند، کسب‌وکار) قرار بده.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



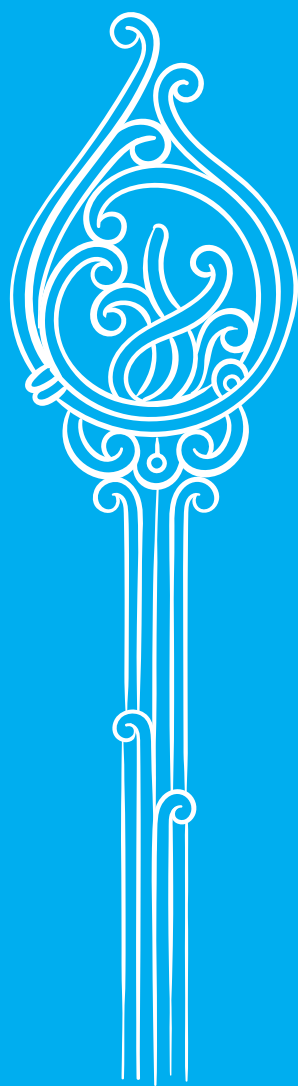
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیست و ششم

تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾

سوره محمد، آیه ۳۵

پس هرگز [در نبرد با دشمن] سست نشوید و
[دشمنان را] به صلح [ذلت بار] دعوت نکنید؛
در حالی که شما برترید، و خدا با شماست.



سُورَةُ مُحَمَّدٍ

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَ هُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِمَتِهِمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣١﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ
الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَخْبَارَكُمْ ﴿٣٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنَیْضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ
﴿٣٣﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٥﴾ فَلَا تَهْنُوا
وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا
يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ
فِي حَفِيفِكُمْ تَبْخُلُونَ وَيُخْرِجُ أَصْغَنَكُمْ ﴿٣٨﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ
تُدْعُونَ لِنُفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ
فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ
تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٣٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

در این درس، خط محتوایی آیه **﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾** بریک پیام کلیدی استوار است: صلح تحمیلی ممنوع؛ همراهی خدا تضمین کننده عزت و برتری است. آیه به ما می گوید صلحی ارزش دارد که از موضع عزت باشد؛ نه سازشی که دشمن از آن برای بازسازی قدرت خود و تحمیل ضعف بر مؤمنان استفاده کند. مربی باید این تمایز مهم میان «صلح عزتمدانه» و «سازش ذلیلانه» را برای مخاطبان روشن و قابل لمس کند.

مربیان گرامی، شایسته است بر این نکات مهم و راهبردی درس تأکید شود؛ نخست اینکه عبارت **﴿وَلَا تَهِنُوا﴾** نشان می دهد نخستین میدان نبرد در روحیه افراد است؛ نه در میدان جنگ. تضعیف انگیزه، آغاز شکست است. دوم، تبیین معنای **﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾**؛ برتری مؤمنان باور درونی و حقیقت الهی است؛ نه احساس لحظه ای. سوم، توجه ویژه به **﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾**؛ باید همراهی خدا را پشتوانه ای واقعی و مؤثر معرفی کرد؛ نه صرفاً شعاری معنوی.

برای تدریس بهتر، به نمونه های تاریخی استناد کنید؛ نظیر صلح حدیبیه به عنوان صلح عزتمدانه و نمونه هایی که نشان می دهد سازش از موضع ضعف، خسارت بار است. همچنین، پیشنهاد می شود با ایجاد گفت و گویی آزاد، از قرآن آموزان بخواهید مواردی از «صلح خوب» و «سازش بد» را در تاریخ یا جامعه امروز بیان کنند.



از قرآن آموز انتظار می رود پس از پایان درس:

۱. تفاوت میان صلح عزتمدانه و سازش ذلیلانه را از منظر قرآن تشخیص دهد.
۲. مفهوم «لَا تَهِنُوا» را به عنوان نهی از سستی و ضعف در برابر دشمن، به درستی توضیح دهد.
۳. نمونه های تاریخی از فریب دشمن با شعار صلح را شناسایی و بیان کند.
۴. در موقعیت های روزمره، هنگام قرارگرفتن بین حق و سازش، تصمیم قاطع و عزتمدانه بگیرد.

صلح یا سازش؟!

گاهی در میانه یک رقابت سخت، آن قدر خسته می‌شوی که دلت می‌خواهد فقط بازی را تمام کنی؛ حتی با یک تساوی یا یک باخت خفیف. به این حالت می‌گویند: «کم آوردن». خدا به مؤمنان هشدار می‌دهد که مبادا در مبارزه با دشمن، کم بیاورید و از موضع ضعف، پیشنهاد صلح بدهید. چرا؟ چون «شما برترید». چون «خدا با شماست».

آیه امروز، فریاد روشنی است بر این سستی‌ها و بی‌بصیرتی‌ها:

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾^۱

سست نشوید و به صلح دعوت نکنید؛

درحالی‌که شما برترید و خدا با شماست.

این آیه، یک یادآوری قدرتمند است؛ وقتی در جبهه حق هستی، هرگز خودت را دست‌کم نگیر و از موضع قدرت حرف بزن. سستی و ضعف، در قاموس لشکر خدا جایی ندارد.

مرز باریک «عزت» و «ذلت»

اسلام، دین رحمت و صلح است؛ اما نه صلحی که به قیمت بردگی باشد. قرآن هرگز با صلح عزتمندانه مخالف نیست؛ بلکه آن را تشویق می‌کند؛ اما

۱. سوره محمد، آیه ۳۵

در این آیه، سخن از صلحی دیگر است؛ صلح تحمیلی، فریبکارانه، از موضع ضعف و ترس.

این آیه زمانی نازل شد که مسلمانان پس از پیروزی‌های بزرگ، هنوز درگیر دشمنانی بودند که گاه با زبان صلح و گاه با شمشیر تهدید می‌کردند. خداوند به آن‌ها هشدار داد که مبادا از خستگی یا ترس، پرچم صلح را از روی ضعف بلند کنید؛ چراکه دشمن از صلح، برای نفس تازه کردن استفاده می‌کند؛ نه برای برقراری عدالت.

خدا با ماست...

جمله «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» کلید فهم این آیه است. خداوند به مؤمنان می‌فرماید: شما برتری. برتری شما، نه به عدد است و نه به سلاح، بلکه به ایمان، به هدف، به حضور من است. وقتی خدا می‌گوید: «وَاللَّهُ مَعَكُمْ»، یعنی پشتوانه‌ای دارید که هیچ ارتشی در جهان ندارد. این «معیت الهی» سنتی است پایدار: هر ملتی که در مسیر حق استقامت کند، خدا با اوست و پیروزی از آن اوست.

اگر مؤمنان احساس ضعف کنند، درحقیقت، وعده الهی را فراموش کرده‌اند. هر جا که امت اسلامی با ایمان و بصیرت ایستاد، «برتری» و «همراهی الهی» را تجربه کرد؛ از بدر و احد گرفته، تا مقاومت‌های امروز در برابر طاغوت‌های زمان.

نه به سازش ذلیلانه!

تجربه نشان داده است دشمنان مستکبر و صاحب قدرت، همیشه با شمشیر نمی‌آیند. گاهی با لبخند صلح، با وعده‌های دیپلماتیک، با شعار «آرامش و پیشرفت» می‌آیند؛ اما قرآن هشدار می‌دهد: اگر دشمن هنوز دشمن است، صلح با او فقط پوششی برای فریب است.

قرآن می‌گوید: «وَلَا تَهِنُوا»؛ یعنی سست نشوید. چرا؟ چون نخستین گام به‌سوی شکست، از درون دل‌ها آغاز می‌شود. اگر روحیهٔ مؤمنان تضعیف شود، دشمن حتی بدون جنگ بر آن‌ها غلبه می‌کند؛ اما اگر ایمان استوار باشد، حتی با امکانات اندک، عزت محفوظ می‌ماند.

آیه به ما یاد می‌دهد که در برابر فشار و تهدید، اصل را بر عزت بگذاریم. صلحی که عزت را حفظ کند، مبارک است؛ اما صلحی که ما را وادار به عقب‌نشینی از ارزش‌ها کند، زهر است در جام شیرین‌نما.

در تاریخ اسلام، نمونه‌های روشنی از این حقیقت دیده می‌شود. صلح حدیبیه، صلح عزتمندانه بود؛ زیرا پیامبر ﷺ از موضع قدرت و با هدایت الهی آن را پذیرفت؛ نه از روی ترس یا خستگی. آن صلح، مقدمهٔ فتح مکه شد.

اما هر جا مسلمانان از ترس دشمن یا فریب ظاهر صلح، از مواضع خود کوتاه آمدند، نتیجهٔ آن ذلت و تسلط بیگانگان بود. امروز نیز ملت‌ها باید بدانند که هر توافق یا سازشی که بوی تسلیم دهد، در واقع، امضای اسارت است. آیهٔ درس به ملت‌های مؤمن می‌گوید: شما بالاترید؛ چون خدا با شماست؛ پس چرا به دشمنی که حتی به وعده‌اش وفا نمی‌کند، اعتماد می‌کنید؟

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. آخرین باری که به دلیل ترس، خستگی یا مصلحت‌سنجی نادرست از حق عقب‌نشینی کردم، چه زمانی بود؟
۲. چه چیزهایی باعث می‌شود به لبخند دشمن یا گناه اعتماد کنم؟
۳. در چه زمینه‌هایی باید مقتدرانه صلح کنم و در چه مواردی باید تا آخر خط ایستادگی کنم؟
۴. آیا تا به حال تجربه کرده‌ام که کوتاه‌آمدن از حقیقت، خسارت بیشتری از ایستادگی داشته باشد؟

۱. ایستادگی تا آخر خط

آیة محوری درس، فقط درباره میدان جنگ نیست؛ بلکه قاعده‌ای همیشگی برای زندگی فردی و اجتماعی است. وقتی در مسیر حق قرار داری، هرگز از ترسِ سختی‌ها کوتاه نیا. هروقت میان «ایستادگی» و «سازش» مردد شدی، به این آیة نگاه کن: خدا با کسانی است که استقامت می‌کنند.

گاهی دشمن سرسخت تو در زندگی، یک «وسوسه»، یک «عادت بد» یا یک «فشار اجتماعی» است. در همه این عرصه‌ها، اگر سست شوی و به صلح با باطل رضایت دهی، سقوط کرده‌ای؛ اما اگر در مسیر حق بایستی، خدا همراه توست و پیروزی از آنِ توست.

مثلاً وقتی تصمیم می‌گیری نماز اول وقت بخوانی، اما دوستانت تو را مسخره می‌کنند و می‌گویند: «بی خیال!»، اینجا آیة می‌گوید: سست نشو، عقب نکش؛ تو بالاتری؛ چون هدف داری. یا زمانی که می‌خواهی حق بگویی و از مظلومی دفاع کنی، اما می‌ترسی کسی ناراحت شود، این آیة می‌گوید: صلح دروغین باطل را نپذیر.

خلاصه آنکه آیة ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ...﴾ بیانیه‌ای جاودانه است برای تمام مؤمنان تاریخ. پیامش روشن است: صلح عزتمدانه، نعمتی الهی است؛ اما صلح ذلیلانه، پوششی فریبنده برای تسلیم است. خدا با شماست؛ پس هرگز احساس ضعف نکنید. اگر در راه حق بایستید، حتی اگر در ظاهر تنها باشید، درواقع، خدا همراه شماست و آیا برای کسی که خدا همراه او باشد، شکست معنا دارد؟

۲. لبخند دشمن با خنجر پنهان

گاهی دشمن با شمشیر نمی‌آید؛ با لبخند و وعده صلح وارد می‌شود؛ اما پشت این لبخند ملیح، خنجر آبدیده پنهان کرده است. آیه می‌گوید: سست نشوید و به صلح تحمیلی دل نبندید؛ درحالی‌که شما برترید. این هشداری روشن برای مؤمن است که باید چشم بصیرت داشته باشد.

در تاریخ ملت ایران، بارها چنین تجربه‌ای رخ داده است. در قرارداد ترکمانچای، دشمن با وعده «آرامش و پایان جنگ» وارد شد؛ اما نتیجه آن ازدست رفتن بخش‌های بزرگی از سرزمین و تحقیر ملت بود. در دوره قاجار و پهلوی، استعمارگران با شعار «تجارت و دوستی» امتیازات بسیاری از جمله کاپیتولاسیون را تحمیل کردند و استقلال کشور را زیر سؤال بردند. در دوران معاصر نیز بارها دیده‌ایم که کشورهای غربی، با زبان «مذاکره و همکاری» پیش می‌آیند؛ اما پشت پرده، تحریم و فشار اقتصادی و حتی هجوم نظامی خود را پنهان کرده‌اند.

پیام آیه برای مخاطب روشن است: به ظاهر صلح نگاه نکن؛ به نیت پشت آن نگاه کن. مؤمن باید لبخند دشمن را خوب بخواند تا خنجر پنهان را ببیند.

۳. صلح از موضع قدرت

قرآن صلح را رد نمی‌کند. آنچه نکوهش می‌کند، سازش از سرِ ضعف است. قرآن می‌گوید صلح باید از موضع قدرت باشد. یعنی وقتی ارزش‌های تو محفوظ است، دشمن عقب‌نشینی واقعی می‌کند و عزت مؤمنان حفظ می‌شود؛ اما صلحی که به دشمن فرصت می‌دهد و مؤمن را مجبور به عقب‌نشینی از آرمان‌ها کند، زنجیر اسارت است در پوشش آشتی و گفت‌وگو. تصمیم امام خمینی علیه السلام در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، نمونه آشکاری از نه‌گفتن به سازش ذلیلانه بود. وقتی تمام دنیا، از شرق

و غرب، ایران را تحت فشار گذاشتند که جاسوسان را آزاد کند، بسیاری از سیاستمداران داخلی ترسیده بودند و پیشنهاد سازش و صلح می دادند ﴿وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ﴾؛ اما امام علیه السلام با تکیه بر قدرت الهی، محکم ایستاد و آن جمله تاریخی را گفت که: «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند». او می دانست چون برحق است، پس برتر است ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ و چون برای خدا قیام کرده، پس خدا با اوست ﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾. او از موضع قدرت، دشمن را تحقیر کرد و سست نشد.

جمع بندی

آیه ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾ یک قاعده همیشگی به ما می آموزد: صلح، آری؛ اما از موضع عزت. مؤمن نباید از ترس، خستگی یا فشار دشمن به سازش ذلیلانه تن دهد. این آیه یادآور می شود که برتری مؤمن در باور و استقامت اوست و همراهی خدا پشتوانه ای واقعی برای پیروزی است. دشمن فریبکار گاهی بالبخند ورود می کند؛ اما هدفش جنگی پنهان است. راه قرآن روشن است: استقامت، بصیرت و اعتماد به نصرت الهی. هزینه ایستادگی، عزت است و هزینه تسلیم، خسارت جبران ناپذیر.

پرسش های درس

۱. آیه درس چه تفاوتی میان صلح عزتمندانه و سازش ذلیلانه بیان می کند؟
۲. مفهوم ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ چیست و چگونه این باور می تواند رفتار مؤمن را در موقعیت های دشوار تغییر دهد؟
۳. چرا قرآن در این آیه از سستی و ضعف در برابر دشمن نهی می کند؟ توضیح دهید.

۴. یک نمونه تاریخی از فریب دشمن با شعار صلح را بیان کنید و نتیجه آن را توضیح دهید.

۵. همراهی خدا **﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾** چه نقشی در اطمینان مؤمن به پیروزی دارد؟



۱. نخستین میدان نبرد، درون انسان است؛ اگر روحیه تضعیف شود، پیروزی بیرونی ممکن نیست.

۲. صلح زمانی ارزش دارد که عزت را حفظ کند. سازشی که حق را قربانی کند، شکست است، نه آرامش.

۳. خدا همراه اهل استقامت است. هیچ تلاشی در مسیر حق بی‌پشتوانه نمی‌ماند.

۴. در زندگی فردی و اجتماعی، پافشاری بر اصول درست، نتیجه‌ای شرافتمندانه‌تر از تسلیم کوتاه‌مدت دارد.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

دربرابر فشار دشمن سست نشویم، صلح تحمیلی را نپذیریم و با باور به همراهی او، عزتمندانه بر حق بایستیم.

حالا نوبت توست...

درمقابل خواسته‌های نامشروع و باطل دیگران، حتی اگر قدرتمند به نظر برسند (مثل درخواست رشوه ازطرف مدیر)، احساس ضعف نکن و با قاطعیت «نه» بگو.

در مبارزه با عادت‌های بد و گناهان، هرگز خود را تسلیم شده ندان و از موضع قدرت و با اتکا به خدا، به مبارزه ادامه بده.

مراقب جریان‌اتی باش که با القای حس ضعف و «ما نمی‌توانیم»، به دنبال تحمیل صلح و سازش ذلت‌بار به کشور هستند.

دربرابر فشارهای رسانه‌ای که می‌خواهند تو را از آرمان‌هایت (مثل حجاب یا سبک زندگی اسلامی) سست کنند، مقاومت کن و بدان که تو با این انتخاب، برتر هستی.

با تبیین دستاوردهای علمی و نظامی کشور برای مردم، حس «برتری» و عزت نفس ملی را تقویت کن تا زمینه برای سازش از بین برود.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیست و هفتم

مبر غم به چیزی که رفت ز دست

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ

وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾

سوره حدید، آیه ۲۳

[بدانید حوادث، پیش از وقوع، در کتاب تقدیر الهی ثبت شده‌اند] تا بر آنچه از دستتان رفته، تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است، مغرورانه شادمان نگردید.



سُورَةُ الْحَٰزِنِ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشُّهَدَآءُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِعَٰيَتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾ أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ
الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ
وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ
مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا ۚ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ
مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۚ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَعٌ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ
وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ
اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾ مَا أَصَابَ
مِن مُّصِيبَةٍ فِى الْأَرْضِ وَلَا فِى أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِى كِتَابٍ مِّن
قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا
تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَكُمْ ۚ وَاللَّهُ
لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ
النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۚ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس بیست و هفتم با آیه «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» اصول تعادل روحی و استقامت روانی را به ما می‌آموزد. هدف درس این است که قرآن‌آموزان بیاموزند نه از شکست‌ها و ازدست‌دادن‌ها اندوهگین شوند و نه از موفقیت‌ها و دستاوردها مغرور. این اعتدال، زمینه‌ساز انفاق، گذشت و رفتار اجتماعی سالم است و مانع بخل، حسادت و غرور کاذب می‌شود.

در تدریس این درس، لازم است مربی مفاهیم کلیدی را به صورت ملموس و عملی به قرآن‌آموزان منتقل کند. برای مثال، می‌توان مفهوم تعادل روانی را با مثال‌های زندگی روزمره مانند شادی و اندوه از امتحان، بازی یا دستاورد شخصی تبیین کرد و نشان داد که چگونه کنترل احساسات در موفقیت‌ها و شکست‌ها موجب آرامش و رشد فردی می‌شود.

همچنین، باید به پیوند تعادل روحی با عمل خیر توجه کرد. انسان دلبسته به دنیا کمتر انفاق می‌کند و فرد متعادل، آزادانه در راه خدا انفاق می‌کند. تأکید بر استقامت در مواجهه با شکست و موفقیت نیز ضروری است و می‌توان با تمرین‌های عملی به قرآن‌آموزان نشان داد چگونه شکست‌ها را تجربه و تحلیل کنند و از آن درس بگیرند و پیروزی‌ها را با تواضع بپذیرند.

برای تدریس بهتر و تأثیرگذارتر، استفاده از تمثیل‌ها و داستان‌های کوتاه، طراحی تمرین‌های گروهی برای تحلیل موفقیت‌ها و شکست‌ها و طرح سؤال‌های تأملی برای کشف رابطه دلبستگی، آرامش روحی و عمل خیر به مربی کمک می‌کند تا درس، فقط مفهومی قرآنی نباشد؛ بلکه مهارتی کاربردی برای زندگی واقعی در قرآن‌آموزان شکل گیرد.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. معنای کلیدی آیه درس را به زبان خود بیان کند.
۲. رابطه «حفظ تعادل روحی» با «آمادگی برای انفاق و گذشت» را درک کند.
۳. پیامدهای منفی «اندوه افراطی بر گذشته» و «شادی مغرورانه بر موفقیت» را برای فرد و جامعه تحلیل کند.
۴. در مواجهه با موفقیت‌ها یا ناکامی‌های شخصی، رفتار متعادل‌تری از خود نشان دهد و از افراط و تفریط عاطفی پرهیزد.

تعادل در جاده زندگی

راننده‌ای را تصور کن که تمام حواسش به آینه وسط و اتفاقات پشت سرش است یا راننده‌ای که فقط به پیچ خطرناک چند کیلومتر جلوتر خیره شده است. هردو تصادف می‌کنند. در زندگی هم اگر تمام فکر و ذکر، حسرت گذشته باشد و آنچه از دست داده‌ای، یا تمام خوشحالی‌ات، سرمستی از داشته‌های امروزت باشد، لحظه «حال» و «آینده» را از دست می‌دهی. خدا می‌گوید به داشته‌ها مغرور نشو و برای ازدست‌رفته‌ها غصه نخور. تو رانندگی کن و حواست به جاده امروزت باشد، من حواسم به همه چیز هست:

﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۱

تا بر آنچه از دستتان رفت، اندوهگین نشوید و به

آنچه به شما داده شد، شادمانی مفرط نکنید.

این آیه در ظاهر توصیه‌ای اخلاقی است؛ اما در عمق خود یک «نسخه روان‌شناسی قرآنی» برای افزایش آرامش و استقامت در زندگی است. قرآن، انسان را به مدیریت احساسات و خاموش کردن تلاطم هیجانات افراطی فرا می‌خواند. از نگاه قرآن، مؤمن نه با موفقیت‌ها، مست و مغرور می‌شود و نه با شکست‌ها، شکسته و مأیوس.

راز آرامش در دل طوفان

در جهان امروز، بسیاری از اضطراب‌ها، افسردگی‌ها و حسادت‌ها از همین بی‌تعادلی‌ها زاده می‌شوند. کسی خانه یا موقعیتش را از دست می‌دهد، دنیا را پایان یافته می‌بیند؛ دیگری به مال یا مقام می‌رسد و گمان می‌کند جاودانه خواهد ماند. در نگاه قرآن، این هردو اشتباه‌اند. آنچه در دست ماست، امانتی از خداست و آنچه از دست رفته، امتحانی است از جانب او. این آیه، انسان را از دو دام بزرگ نجات می‌دهد: دام «غم» و دام «غرور». غم، انسان را از حرکت باز می‌دارد و غرور، مسیر او را از حقیقت منحرف می‌کند. قرآن با یک جمله کوتاه هردو را اصلاح می‌کند: «نه بر از دست رفته‌ها غمگین شو و نه بر یافته‌ها مغرورانه فخر بفروش».

اگر کسی به این اصل قرآنی ایمان بیاورد، روحش از تلاطم‌ها آزاد می‌شود. دیگر از شکست نمی‌هراسد؛ چون می‌داند شاید در پس آن، حکمتی نهفته باشد. دیگر از موفقیت‌ها هم سرمست نمی‌شود؛ چون می‌فهمد ممکن است امتحانی بزرگ‌تر در راه باشد. چنین انسانی در همه حال آرام است؛ چراکه از قید غم‌ها و غرورهای کاذب دنیوی رها شده است.

انفاق و استقلال جامعه

روشن‌ترین دستاورد چنین نگرشی، ترویج فرهنگ انفاق و یاری‌رسانی در جامعه است. وقتی فرد به چنین بینشی برسد که از دست دادن‌ها او را مأیوس نمی‌کند و دستاوردها، مغرورش نمی‌کند، دلش برای کمک به دیگران آماده‌تر می‌شود. چنین فردی بخل را کنار می‌گذارد و بخشش در راه خدا برایش آسان می‌شود.

از این رو، آیه درس از زاویه اجتماعی هم پیامی ژرف دارد. جوامعی که اعضایش دلبسته مال و دنیا می‌شوند، در برابر فشارهای اقتصادی دشمن، زود تسلیم می‌شوند؛ اما جامعه‌ای که مردمش دلبستگی افراطی به اموال

و موقعیت‌های خود ندارند، به آسانی می‌توانند از آن بگذرند و انفاق کنند. وقتی این روحیه در سطح کلان در جامعه گسترش یابد، جامعه‌ای شکل می‌گیرد که می‌تواند در برابر فشارها و تهدیدها مقاومت کند و روی پای خود بایستد؛ زیرا این ملت، عزت نفس و استقلال خود را از ثروت مادی نمی‌گیرد و مردمانش حاضر نیستند برای حفظ مال و موقعیت، کرامت و اصول خود را قربانی کنند. این همان استقلال اقتصادی و عزت ملی است که ریشه در این بینش و منش قرآنی دارد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. کدام یک از احساسات (غم از دست دادن یا شادی از دستاورد) بیشترین تأثیر منفی یا مثبت را بر تصمیم‌هایت داشته است؟
۲. وقتی موفقیتی کسب می‌کنی، چه روش‌هایی به کار می‌بری تا غرور و خودستایی در تو کاهش یابد؟
۳. چگونه می‌توانی میان شادی و غم، اعتماد به خدا و واقع‌بینی خود تعادل برقرار کنی؟
۴. چه قدم‌های عملی می‌توانی برداری تا زندگی‌ات کمتر تحت تأثیر نوسانات دنیوی قرار گیرد و آرامش درونی‌ات تقویت شود؟



۱. اعتدال، کلید پایداری

آیه محوری درس، خطاب به مؤمنان، اصل بنیادین تعادل روانی را آموزش می‌دهد. مؤمن واقعی کسی است که خود را در دو آزمون سخت، ثابت قدم

نگه می‌دارد: آزمون «ناکامی» و آزمون «کامیابی». وقتی مال، موقعیت یا فرصتی را از دست می‌دهد، در گرداب حسرت و اندوه بی‌پایان غرق نمی‌شود. می‌داند که دنیا سرای فانی و دار گذر است و زیاده‌روی در اندوه، نشانهٔ دلبستگی افراطی به امور مادی و گذراست.

از سوی دیگر، وقتی به موفقیت، ثروت یا مقامی دست می‌یابد، مست و مغرور نمی‌شود. می‌فهمد که این نعمت‌ها امانت‌هایی الهی هستند و شادی مفرط و تکبرآمیز، باعث فراموشی منعم حقیقی و غفلت از مسئولیت‌هایی می‌شود که همراه این نعمت‌هاست.

این تعادل، ریشه در نوع نگاه انسان به دنیا دارد. اگر دنیا را مقصد نهایی ببینیم، هر باخت، پایان راه و هر برد، غایت حرکت است؛ اما اگر دنیا را مزرعهٔ آخرت و محل آزمایش ببینیم، آن‌گاه موفقیت و شکست‌های مادی، هردو به چشم «وسیله» دیده می‌شوند؛ نه «هدف». این نگرش، آرامش و استقامتی پایدار می‌آفریند که فرد و جامعه را در طوفان‌های زندگی، پایدار و امیدوار نگه می‌دارد.

در میان شخصیت‌های برجستهٔ معاصر، حاج قاسم سلیمانی رحمته‌الله در عمل به این آیه کم‌نظیر بود. این سردار والامقام، در عین حال که فرماندهی بزرگ‌ترین پیروزی‌ها علیه عوامل استکبار در منطقه را بر عهده داشت، هرگز دچار غرور نشد و خود را «سرباز صفر» می‌نامید. از طرفی، در برابر از دست دادن بهترین یارانش در میدان نبرد، دچار یأس و افسردگی نمی‌شد و با صلابت به راهش ادامه می‌داد. او نمونهٔ کامل یک مجاهد بود که به دنیا و پیروزی‌ها و شکست‌هایش دلبسته نبود.

۲. زندگی بر مدار حکمت

این آیه به ما می‌آموزد که برای پرواز روح باید از بند دلبستگی افراطی به مادیات رها شویم. شادی‌هایمان را مدیریت کنیم تا مبادا غرور، ما را از



مسیر حق منحرف کند و اندوه‌هایمان را تعدیل کنیم تا مبادا یأس، توان حرکت را از ما بگیرد.

این راهبرد، نه تنها سلامت روان ما را تضمین می‌کند، بلکه ما را بر مدار حکمت، به سمت ایثار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی سوق می‌دهد و در نهایت، جامعه‌ای متعادل، مقاوم و خداپایه می‌سازد. در دوران دفاع مقدس، خانواده‌هایی بودند که تنها فرزندشان را در راه خدا دادند؛ اما همچنان استوار ماندند. چرا؟ چون ایمان داشتند که آنچه داده‌اند، از آن خدا بوده است. در مقابل، برخی با اندک ازدست‌دادنی، دنیا را بر خود تنگ دیدند و زبان به ناسپاسی گشودند.

قرآن با این آیه می‌خواهد ما را از بند احساسات ناپایدار آزاد کند و به قلّه آرامش برساند. درواقع، این آیه به ما می‌گوید: آرام باش. نه دنیا همیشه می‌ماند، نه مصیبت‌ها ابدی‌اند. هرچه داری و نداری، در مسیر رشد توست. آری، تعادل در برابر تلخی‌ها و شیرینی‌های دنیا، هنر بزرگ ایمان است. آن که این هنر را بیاموزد، نه شکست می‌شکندش، نه پیروزی فریبش می‌دهد و چنین انسانی، همان قایق آرامی است که در میان طوفان‌ها، راهش را به سوی اقیانوس وحدانیت پروردگار ادامه می‌دهد.



آیه «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» به ما می‌آموزد که راز آرامش و استقامت، در رهایی از دلبستگی افراطی به دنیاست. مؤمن، با ایمان به حکمت الهی، نه هنگام شکست‌ها در حسرت فرومی‌رود و نه با موفقیت‌ها مغرور می‌شود. این تعادل روانی، هم شخص را از آسیب‌های روحی مصون می‌دارد و هم زمینه‌ساز بخشش و انفاق در جامعه می‌شود؛

زیرا کسی که دارایی‌های مادی را امانت می‌داند، به آسانی در راه خدا می‌بخشد. این نگرش، هم شخص را از بخل می‌رهاند و هم پایه‌های اقتصاد مقاومتی و جامعه‌ای ایثارگر را استحکام می‌بخشد.

پرسش‌های درس

۱. آیهٔ درس چه نکته‌ای دربارهٔ تعادل روحی و روانی به ما می‌آموزد؟
۲. چرا قرآن مؤمنان را از اندوه بیش‌ازحد بر آنچه از دست داده‌اند و شادی افراطی بر آنچه به دست آورده‌اند، نهی می‌کند؟
۳. تعادل روحی در مواجهه با موفقیت‌ها و شکست‌ها، چگونه می‌تواند زمینه‌ساز انجام انفاق و رفتار خیر در جامعه شود؟
۴. حفظ اعتدال چگونه پایداری و استقامت جامعه را در برابر تهدیدهای دشمن افزایش می‌دهد؟

پیام‌های کاربردی

۱. حفظ تعادل در برابر موفقیت و شکست، رمز آرامش درونی است.
۲. دلبستگی کمتر به دنیا، زمینهٔ انفاق و بخشش را فراهم می‌کند.
۳. غرور و اندوه افراطی، اراده و پایداری انسان را تضعیف می‌کند.
۴. نگرش معتدل به زندگی، توانایی تصمیم‌گیری درست و رفتار خردمندانه را افزایش می‌دهد.
۵. انسان متعادل، جامعه‌ای مقاوم، همدل و آزاد از بخل و حسادت می‌سازد.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در برابر دستاوردها مغرور و در برابر شکست‌ها و ازدست‌دادن‌ها اندوهگین نشویم و با اعتدال، آرام و پایدار زندگی کنیم.

حالا نوبت توست...

وقتی به موفقیت مالی یا اجتماعی می‌رسی، خودت را گم نکن و آن را لطف خدا بدان. مبدا با فخر فروشی، دیگران را برنجانی؛ چون این نعمت‌ها همیشگی نیستند.

اگر فرصت خوبی (مثل یک شغل یا موقعیت ازدواج) را از دست دادی، باور داشته باش که خیر و حکمتی در آن بوده و زندگی را با غصه متوقف نکن.

نه از اتفاقات بد برای کشور ناامید شو و نه از اتفاقات خوب، مغرور. بدان همه امتحان است و باید به وظیفه عمل کنیم.

جای حسرت خوردن برگزیده و مقایسه دائمی وضعیت فعلی‌ات با دیگران، بر زمان حال تمرکز کن و برای آینده تلاش کن.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس بیست و هشتم

یک قدم از تو، گشایش‌ها از من

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ
يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

سوره طلاق، آیه ۲-۳

و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خدا راه نجات [از مشکلات]
را پیش پایش می‌گذارد، و به او از جایی که فکرش را نمی‌کند،
روزی می‌دهد، و هرکس به خدا توکل کند، او برایش کافی است.



سُورَةُ الطَّلَافِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾
فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهِدُوا ذُوَى عَدْلِ مِّنْكُمْ وَاقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ وَإِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ﴿٣﴾ وَاللَّيْ يَدِيسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِّسَائِكُمْ إِنْ
أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ
الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس بیست و هشتم با محوریت آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...» بر دو رکن اساسی تأکید دارد: تقوا به عنوان شرط گشایش و توکل به عنوان تکیه‌گاه مطمئن در بحران‌ها. پیام اصلی این است که در تنگنایهای اقتصادی و فشارهای اخلاقی، کسی که مراقب رفتار خود باشد و بر خدا تکیه کند، از جانب او «راه خروج» و «رزق غیرمنتظره» دریافت می‌کند؛ رزقی که نه نتیجه محاسبات انسانی، بلکه هدیه نادیده الهی است. این آیه، نسخه‌ای برای استقلال اخلاقی و اقتصادی برای فرد و جامعه است و یاد می‌دهد که وابستگی به غیر خدا به ذلت و ناکامی ختم می‌شود.

مربیان گران قدر، در تدریس این درس توجه فرمایید که «تقوا» را از حالت کلی و تئوریک خارج کنید و به مصادیق روزمره نزدیک کنید: صداقت در خرید و فروش، پرهیز از کسب مال شبهه‌ناک، امانت‌داری، رعایت وعده‌ها و حقوق دیگران و... همچنین، «توکل» را به درستی معنا کنید که با تنبلی یا مسئولیت‌گریزی اشتباه گرفته نشود. توکل یعنی انجام وظیفه (تلاش و برنامه‌ریزی) و دل‌ن بستن به نتیجه (واگذاری آن به خدا)؛ نه کنار گذاشتن مسئولیت‌ها یا انتظار معجزه بدون اقدام. برای تدریس بهتر پیشنهاد می‌شود درس را با یک داستان واقعی از تجربه شخصی یا نزدیکان خود از گشایش غیرمنتظره آغاز کنید. همچنین، قرآن‌آموزان را به اشتراک تجربه‌های فردی از تقوا و نتیجه آن در زندگی دعوت کنید و نیز با طرح پرسش‌های تأملی، فضای فکر کردن شخصی و درونی‌سازی پیام آیه را ایجاد کنید.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم «تقوا» را در وضعیت سخت اقتصادی و اخلاقی توضیح دهد.
۲. مفهوم «توکل» واقعی بر خدا را از تسلیم منفعلانه یا رها کردن مسئولیت‌ها تفکیک کند.
۳. در موقعیت‌های روزمره، دست‌کم یک خط‌قرمز اخلاقی یا مالی را رعایت کند؛ حتی در صورت فشار یا وسوسه.
۴. در تصمیم‌های مهم، پس از انجام تلاش و برنامه‌ریزی، نتیجه را آگاهانه به خدا بسپارد و از اضطراب بکاهد.



راه نجات

گاهی زندگی آن قدر گره می خورد که آدم حس می کند در کوچه ای بن بست گرفتار شده است. هر راهی را امتحان می کنی، به دیوار می خوری. انگار روزه ای نیست، امیدی نیست و دستت از همه چیز کوتاه است. در چنین لحظه هایی، بعضی ها دست از تلاش می کشند، بعضی به هر دری می زنند (حتی به درهایی که بوی حرام می دهد)؛ اما بعضی دیگر، راهی متفاوت را برمی گزینند: مسیری که خدا برای این مواقع پیش پایمان گذاشته است:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۱

هرکس از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی برد، روزی می دهد و هرکس بر خدا توکل کند، خدا برای او کافی است.

دوبال عبور از تنگناها

این آیه یکی از درخشان ترین فرمول های الهی برای عبور از بحران هاست. خداوند می فرماید: هرکس در مسیر زندگی اش تقوای الهی را محور قرار دهد، یعنی در تصمیم ها و رفتارهایش خط قرمزهای الهی را رعایت کند و

نگذارد و سوسه‌ها و ترس‌ها او را از مسیر درست منحرف کنند، خود خدا برایش راه خروج از بن‌بست‌ها را فراهم می‌کند. همچنین، اگر بنده بر خدا توکل کند و کارش را به او بسپارد، خدا او را در کارها کفایت می‌کند؛ بنابراین، خدا در این آیات، دو بال برای عبور از تنگناها و بحران‌های زندگی پیشنهاد می‌کند: «تقوا» و «توکل».

الف) «تقوا» یعنی مراقبت مداوم

انسان باتقوا مثل راننده‌ای است که در جاده لغزنده چشم از مسیر برنمی‌دارد. او نه از ترس سقوط، بلکه از عشق به مقصد، دقت می‌کند. در وضعیت سخت اقتصادی هم، تقوا یعنی باوجود تنگنا، تن به دروغ، رشوه، ربا یا ناامیدی نمی‌دهد. همین پایداری اخلاقی، دروازه‌های گشایش را به رویش باز می‌کند؛ زیرا خدا وعده داده است: «يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا»؛ یعنی خودش برای او راهی می‌گشاید که در حساب و نقشه هیچ انسانی نبود.

گاهی روزی از جایی می‌رسد که حتی فکرش را هم نمی‌کردی؛ از یک تماس ساده، یک لطف کوچک یا یک موقعیت اتفاقی. این همان «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» است. خدا می‌گوید اگر تقوا پیشه کردی، خودم کارهایت را به نحوی سامان می‌دهم که نیازمند کسی نباشی. این وعده فقط نان و پول نیست؛ رزق معنوی، آرامش، محبت خانواده و حتی ایده و الهام‌های نجات‌بخش را هم شامل می‌شود.

ب) «توکل» یعنی سپردن کار به خدا

بعد می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ یعنی هر که به خدا اعتماد کند و کارش را به خدا بسپارد، خدا برای او کافی است. توکل یعنی باور داشته باش که پشت صحنه عالم، دستی حکیم و مهربان در کار است. انسان متوکل، آرام است؛ چون می‌داند نتیجه در اختیار او نیست. او

وظیفه‌اش را انجام می‌دهد؛ اما دلش را به نتیجه نمی‌بندد. در بحران‌ها، توکل همان آرامشی است که آدم را از اضطراب نجات می‌دهد و به او قدرت تصمیم درست می‌بخشد.

خلاصه آنکه این دو آیه درباره فشارهای اقتصادی دشمن که هدفش وادارکردن به تسلیم است، راهکاری بنیادین ارائه می‌دهند: کسی که خط‌قرمزهای خدا را رعایت کند و به‌طور دائم مراقب حرکات و اعمال و گفتار خودش باشد و تکیه و اعتماد و توکلش بر او باشد، خدا او را کفایت می‌کند و از جایی که گمان نمی‌برد، روزی‌اش می‌دهد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. من در بحران‌ها معمولاً به چه چیز یا چه کسی تکیه می‌کنم؟ آیا واقعاً خدا را «تکیه‌گاه» خود می‌دانم؟
۲. چه تجربه‌ای از «رزق غیرمنتظره» در زندگی‌ام داشته‌ام که بتوانم آن را به این آیه نسبت بدهم؟
۳. کدام رفتارهای کوچک و روزمره‌ام می‌تواند جلوه‌ای از تقوا باشد و گشایش بیشتری در زندگی‌ام ایجاد کند؟
۴. چه وابستگی‌هایی مرا از توکل واقعی دور می‌کند و چگونه می‌توانم آن‌ها را در زندگی کم‌رنگ‌تر کنم؟



۱. راه خدا بن بست ندارد

در روزگار ما که فشار اقتصادی، تحریم و رقابت‌های سنگین نفس‌گیر شده، این آیه پیام روشنی دارد: اگر یک ملت یا فرد، با تقوا و اعتماد به خدا حرکت

کند، وابسته و تسلیم دیگران نخواهد شد. خانواده‌ای که در تنگی مالی دست به راه‌های نادرست نمی‌زند و از رزق پاک خدا می‌خواهد، دیر یا زود گشایش را می‌بیند. اگر تاجری مؤمن باشد، رشوه ندهد، دروغ نگوید و سود حرام نخورد، خدا بازار دل‌ها را برایش باز می‌کند. جوانی که برای رسیدن به موقعیت، اصول اخلاقی‌اش را زیر پا نمی‌گذارد، خدا در زمانی درست دروازه‌ای برایش باز می‌کند که اصلاً به گمانش هم نمی‌رسد.

در سطح اجتماعی نیز جامعه‌ای که در برابر فشار دشمنان تقوا پیشه کند، یعنی اصول الهی و عزت دینی‌اش را نفروشد و بر خدا توکل داشته باشد، از راهی غیرمنتظره نجات می‌یابد. استقلال اقتصادی و عزت ملی، ثمره همین دو اصل ریشه‌دار قرآنی است.

بنابراین، تقوا و توکل دو بال پرواز از تنگنای زندگی‌اند. یکی ما را از خطا و لغزش نگه می‌دارد، دیگری دل را آرام و امیدوار می‌کند. وقتی انسان این دو را با هم داشته باشد، دیگر در تنگناها بی‌قرار و مضطرب نمی‌ماند؛ چون وعده خدا حتمی است. او راهی تازه می‌گشاید و از جایی که فکرش را هم نمی‌کنی، روزی‌ات را می‌رساند.

پس هرگاه در زندگی به بن‌بست رسیدی، به جای ناامیدی، چراغ تقوا را روشن کن و دل به توکل بسپار. آن‌گاه خواهی دید که بن‌بست‌ها هم درهای مخفی دارند، اگر با کلید ایمان بازشان کنی.

۲. «رزق بی حساب» یعنی چه؟

در آیات متعددی از قرآن کریم درباره رزق عباراتی نظیر «بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱ یا «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» آمده است. برخی ممکن است تصور کنند عبارت «بی حساب» برای رزق الهی، به معنای رزق بی ضابطه و به قول معروف،

۱. نظیر: «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ و خدا هر که را بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد (سوره بقره، آیه ۲۱۲).



بی حساب و کتاب است؛ اما بررسی تفاسیر معتبر نشان می‌دهد که این برداشت نادرست است. درواقع، «رزق بی حساب» از منظر قرآن کریم، سه معنای عمده دارد که همگی نشان‌دهنده حکمت و نظام دقیق الهی هستند:

۱. رزق نامحدود و فراوان: خداوند از سر لطف بی‌پایان خود، به بندگانش رزقی می‌دهد که از نظر کمی قابل محاسبه نیست. همان‌طور که دریا هرچه ببخشد، کم نمی‌شود.^۱

۲. خارج از محاسبات انسانی: این رزق از راه‌هایی می‌رسد که انسان‌ها قادر به پیش‌بینی آن نیستند (مانند تصریحی که آیه درس با عبارت «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» بر آن دارد)؛ اما این به معنای بی‌نظمی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده علم و قدرت بی‌پایان الهی است که می‌تواند از راه‌های گوناگونی که در گمان کسی نمی‌گنجد، روزی افراد را برساند.^۲

۳. بدون شرط استحقاق: خداوند از روی فضل و کرم خود، نه به دلیل شایستگی‌های فرد، به هرکه بخواهد، رزق می‌دهد. این موهبت الهی حساب‌شده است؛ اما براساس معیارهای انسان‌ها نیست.^۳

بنابراین، تعبیرات «بَغَيْرِ حِسَابٍ» یا «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» برای رزق خداوند، به معنای بی‌ضابطگی و بی‌حساب و کتاب بودن نیست؛ بلکه نظام دقیقی دارد که بر اساس علم و حکمت الهی استوار است و بیانگر کرم بی‌منت‌های پروردگار است که در چهارچوب حکمت الهی جریان دارد.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۸۰؛ طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۲۷۹؛ فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۶، ص ۳۷۱.

این درس با آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...» یادآور یک قانون الهی در عبور از بن‌بست‌هاست: تقوا شرط گشایش و توکل ضمانت آرامش و رزق الهی است. هرکس در سختی‌ها خط‌قرمزهای خدا را رعایت کند و دلش را به او بسپارد، خدا برایش راه خروج می‌گشاید و از جایی که تصور نمی‌کرد، روزی‌اش می‌دهد. این آیه نسخه‌ای عملی برای زندگی امروز است. در برابر تنگناهای اخلاقی و اقتصادی، راه حل واقعی نه وابستگی و ناامیدی، بلکه مراقبت از رفتار، صداقت، پاکی رزق و اعتماد به خداست. تقوا مقدمه استقلال و توکل، راه رسیدن به گشایش است.

۱. تقوا در آیه درس چه معنا و نقشی دارد و چگونه می‌تواند به راهگشایی در زندگی منجر شود؟
۲. منظور از «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» چیست؟ یک نمونه واقعی یا فرضی برای آن بیان کنید.
۳. تفاوت توکل حقیقی با رهاکردن مسئولیت‌ها چیست؟ با مثال توضیح دهید.
۴. چرا رعایت خط‌قرمزهای الهی می‌تواند استقلال اقتصادی و عزت انسان را حفظ کند؟

۱. تقوا مقدمهٔ گشایش است. هر جا راه‌ها بسته شد، ابتدا رفتار و نیت خود را پاک کنیم. خدا خودش برایمان راه نجاتی ایجاد می‌کند که حتی فکرش را نمی‌کنیم.
۲. توکل، آرام‌بخش تصمیم‌هاست. پس از تلاش و برنامه‌ریزی، نتیجه را به خدا سپردن اضطراب را کاهش می‌دهد و قدرت انتخاب درست می‌دهد.
۳. پرهیز از راه‌های نادرست در تنگناها ضروری است. تنگی اقتصادی، مجوّز ترک تقوا نیست؛ برعکس، سختی، زمان طلایی برای امتحان صداقت و پاکی است.
۴. وابستگی به دیگران، ذلت می‌آورد. چشم‌دوختن به دست انسان‌ها راه شکست است؛ اما اعتماد به خدا استقلال و عزت ایجاد می‌کند.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در سختی‌ها تقوا پیشه کنیم و با توکل کامل بر او، گشایش و روزی پاک را از خودش بخواهیم.

حالا نوبت توست...

وقتی در مشکلات مالی گیر کردی، به جای روی آوردن به راه‌های حرام (مثل ربا یا دروغ‌گویی در معامله)، تقوا را فراموش نکن و صدقه بده تا خداوند از جایی که فکرش را نمی‌کنی، گشایشی ایجاد کند.

اگر برای حفظ حجاب یا دیگر احکام دینی، یک موقعیت شغلی را از دست دادی، نگران نباش. تقوای تو باعث می‌شود خدا راه بهتری پیش پایت بگذارد.

موقع انتخابات، مسئولانی را انتخاب کن که به تقوای مالی و سیاسی مشهورند؛ زیرا چنین افرادی بهتر می‌توانند برای مشکلات کشور راه خروج پیدا کنند.

در انتخاب‌های سخت زندگی (مثل انتخاب همسر یا شغل)، معیارت را رضایت خدا (تقوا) قرار بده و نگران عواقب آن نباش. خدا خودش کار را درست خواهد کرد.

برای حل مشکلات جامعه، به جای امید به وعده‌های پوچ دشمنان، بر تقوای عمومی و اصلاح خود تمرکز کن.

.....

.....

.....

.....



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



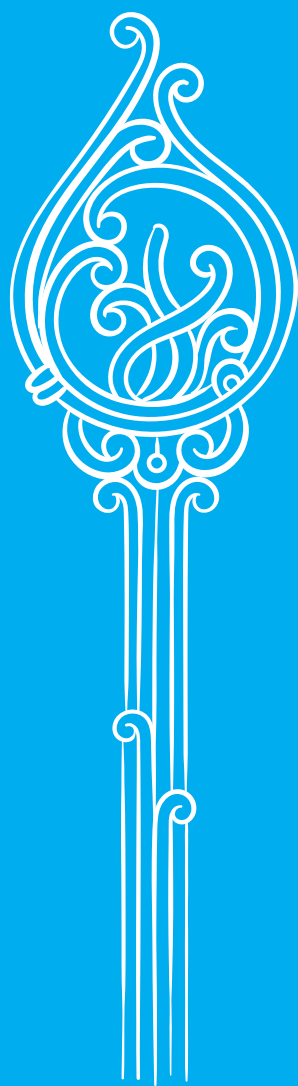
پویانمایی



یادکست صوتی



تبیین آیه



درس بیست و نهم

با تو گر خواهی سخن گوید خدا، قرآن بخوان

﴿فَاَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

سوره مزمل، آیه ۲۰

هرچه قدر برایتان میسر است، قرآن بخوانید.



سُورَةُ الزُّمَرِ

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ، وَثُلُثَهُ، وَطَائِفَةٌ
مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ
عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ
وَأُخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ
يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
الزَّكَاةَ وَاقْرَءُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ
عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّذِينَ تَابُوا عَنِ اللَّهِ غَافِرِينَ ﴿١٠﴾

سُورَةُ الْمَدَّثَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَدَّثَرُ ﴿١﴾ قَرَأْنِذِرٌ ﴿٢﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ ﴿٣﴾ وَيَا بَاكَ فَطَهِّرُ ﴿٤﴾
وَالرَّجْزَ فَاهْجُرُ ﴿٥﴾ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرُ ﴿٧﴾ فَإِذَا نُقِرَ
فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾
ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَا لَمْ مَدُّودًا ﴿١٢﴾ وَبَيْنَ
شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ
كَانَ لَا يَتَنَبَّأُ عِندَنَا ﴿١٦﴾ سَاءَ رُفْقَهُ، صَعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



سخنی با مربی

درس بیست و نهم با آیه «فَافْرُؤْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» بر این حقیقت بنیادین تکیه دارد که استقلال فکری و فرهنگی جامعه، بدون انس مستمر با قرآن شکل نمی‌گیرد. این آیه می‌خواهد ذهن و دل مخاطب به این درک برسد که تلاوت مستمر قرآن (حتی اندک) دروازه‌ای به سوی هدایت، استقامت و مقاومت فرهنگی است. دشمن امروز از طریق رسانه‌ها، سبک زندگی، سرگرمی‌ها و محتوای نرم، باورهای مردم را هدف گرفته است. راه مقابله با این هجوم آرام و خزنه، تقویت ارتباط روزانه با کلام خداست؛ زیرا همین ارتباط، روحیه استقامت و هویت ایمانی را در مخاطب زنده نگه می‌دارد.

نکات مهمی که مربی باید در تدریس بر آن‌ها تأکید کند، ابتدا تبیین ضرورت تلاوت روزانه است. برای مخاطب جا بیندازید که اثر تربیتی قرآن در «استمرار» تلاوت است؛ نه در حجم زیاد. دوم، مسئله پیوند تلاوت با تدبیر است. توضیح دهید که خواندن، مقدمه فهم و عمل است. هدف این است که آیه‌ها در رفتار فرد به انتخاب و تصمیم تبدیل شوند. سوم، نقش قرآن در مقابله با جنگ نرم است. مربی باید نشان دهد که قرآن چگونه ذهن را واکسینه می‌کند و اجازه نمی‌دهد ارزش‌ها تحت تأثیر تبلیغات دشمن فروبریزد.

پیشنهاد می‌شود برای تدریس اثرگذارتر درس، از تجربه‌های شخصی یا نمونه‌های واقعی سخن بگویید؛ به خصوص اثر تلاوت کوتاه روزانه. همچنین، می‌توانید به عنوان تمرین عملی، برای تعیین یک «حد میسور» برای تلاوت روزانه و ثبت تجربه‌های شخصی، با قرآن‌آموزان گفت‌وگو کنید.



از قرآن‌آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم آیه درس را به صورت ساده و روان بیان کند.
۲. اهمیت انس روزانه با قرآن را در تقویت استقلال فکری و فرهنگی جامعه درک کند.
۳. نقش تدبیر در فهم و عمل به آیات را توضیح دهد.
۴. برای خود یک برنامه روزانه یا حد میسور تلاوت قرآن طراحی و در عمل پیاده‌سازی کند.

قرآن بخوان

برای حفظ سلامتی، دکترها یک حداقل برای پیاده‌روی روزانه تجویز می‌کنند. برای موفقیت در تحصیل، یک حداقل مطالعه روزانه و مستمر ضروری است. برای حفظ روابط، یک حداقل احوال‌پرسی لازم است. روح ما هم برای سالم ماندن، به یک حداقل روزانه «انس با قرآن» نیاز دارد. این نسخه را خداوند، خود در کتابش برای ما تجویز کرده و البته کار را هم بسیار آسان کرده است:

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید.

خدا در این آیه نگفته حتماً یک جزء بخوانید یا یک سوره کامل؛ بلکه گفته «هرچقدر که برایتان ممکن و آسان است» بخوانید؛ حتی یک آیه؛ برای اینکه ارتباط با قرآن به عادت روزانه، آرام و مداوم تبدیل شود؛ نه به فعلیتی مقطعی و مناسبتی.

انس با کلام خدا

«انس با قرآن» یعنی آنکه کلام خدا برای انسان به هم‌نشینی دائمی تبدیل شود؛ نه کتابی برای مناسبت‌ها، بلکه رفیقی برای هر روز و شب انسان.

انس یعنی دل دادگی آرام و پیوسته؛ یعنی اینکه انسان قرآن را بخواند، با آن حرف بزند، از آن الهام بگیرد و کم‌کم آیات در افکار و رفتار او جاری شود. چنین انس و ارتباطی وقتی اثرگذار می‌شود که مستمر باشد؛ مثل آبی که هر روز به درخت برسد. اگر یک روز قطع شود، هنوز دوام دارد؛ اما اگر مدت‌ها قطع شود، درخت خشک می‌شود. دل ما نیز همین‌گونه است. به همین دلیل، گفته‌اند که انس با قرآن باید روزانه باشد؛ حتی اگر فقط چند آیه باشد؛ روزی یک صفحه، یک حزب یا حتی فقط یک آیه. حجم زیاد مهم نیست. مهم این است که ارتباط قطع نشود و قلب در معرض نور قرآن بماند. در همین جا آیه **﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾** در قالب یک لطف بزرگ الهی ظاهر می‌شود. خداوند کار را برای ما ساده کرده و فرموده است: هر مقدار برایتان ممکن است، بخوانید.

این آیه می‌گوید: لازم نیست حتماً زیاد بخوانید. باید پیگیر بخوانید. انس با قرآن از همین «مقدارِ میسور» آغاز می‌شود؛ از همان چند دقیقه‌ای که هر روز در شلوغی زندگی، برای خدا کنار می‌گذاریم. همین پیوند کوچک، اما دائمی، روح را زنده، فکر را مقاوم و راه زندگی را روشن می‌کند.

واکسینه شدن با قرآن

در دنیای امروز که جنگ نرم دشمن، آرام و بی‌صدا در ذهن‌ها نفوذ می‌کند، یکی از مطمئن‌ترین سپرهای دفاعی، انس مستمر با قرآن است. قرآن کریم، فقط کتابی برای عبادت نیست؛ واکسنی فکری و معنوی است که ذهن و دل را در برابر تهاجم فرهنگی بیگانه مقاوم می‌کند؛ زیرا هر آیه، نوری است که ارزش‌ها را در ذهن تثبیت می‌کند، باورهای اصیل را تقویت می‌کند و اجازه نمی‌دهد تبلیغات دشمن حقیقت را برایمان وارونه جلوه دهد.

انس روزانه (حتی چند آیه) ذهن انسان را با حکمت الهی تغذیه می‌کند و اجازه نمی‌دهد شبهه‌ها، جذابیت‌های ساختگی و موج‌های رسانه‌ای،



مسیر فکر و هویت جامعه را منحرف کند. جامعه‌ای که هر روز با قرآن تنفس کند، در برابر هرگونه تحریف، دروغ‌سازی و الگوهای بیگانه مصون می‌شود. این واکسیناسیون آرام و تدریجی است. مثل واکسنی که کم‌کم بدن را مقاوم می‌کند، قرآن نیز با تکرار روزانه، روح را در برابر تردید، فشار فرهنگی و هجوم فکری دشمن محکم می‌کند. به همین دلیل است که انس مستمر با قرآن، نه فقط عبادت فردی، بلکه راهبرد اصلی حفظ استقلال فکری و فرهنگی جامعه محسوب می‌شود.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. «(حد میسور) تلاوت روزانه من چقدر است؟ اگر انس من با قرآن تقویت شود، نخستین تغییری که در زندگی‌ام رخ خواهد داد، چیست؟
۲. در برابر تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای امروز، قرآن چه نقشی در تقویت هویت و باورهای من داشته است؟
۳. وقتی آیه‌ای را می‌خوانم، چقدر به این فکر می‌کنم که «این آیه اکنون از من چه می‌خواهد»؟
۴. برای تبدیل تلاوت به تدبیر و عمل، چه گام‌های کوچکی می‌توانم از همین امروز بردارم؟



۱. از تلاوت تا تدبیر

روشن است که تأثیر قرآن بر زندگی، فقط با خواندن الفاظ آن کامل نمی‌شود. تلاوت آغاز راه است؛ اما مقصد فهم و عمل به قرآن است.

آیه **﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾** دعوتی به این شروع مبارک است. یعنی بخوانید؛ حتی اگر اندک باشد. همین خواندن روزانه، دل را آماده می‌کند تا آیات کم‌کم در ذهن بنشینند و راه را برای تدبر باز کند.

تلاوت، مثل بازکردن درِ یک باغ است. انسان از در وارد می‌شود؛ اما برای بهره‌بردن، باید در باغ قدم بزند، میوه بچیند و از زیبایی‌هایش لذت ببرد. تدبر همان قدم‌زدن در باغ معارف الهی است. وقتی آیه را می‌خوانیم، معنا را می‌فهمیم، پیامش را در زندگی خود پیدا می‌کنیم و می‌پرسیم: این آیه امروز از من چه می‌خواهد؟

این فهم، زمینه را برای عمل فراهم می‌کند. جایی که قرآن از یک کتاب مقدس در طاقچه، به یک برنامه‌ی روزمره در زندگی تبدیل می‌شود، رفتارمان، تصمیم‌هایمان و نگاهمان به دنیا رنگ دیگری می‌گیرد.

پس تلاوت لازم است؛ اما کافی نیست. تلاوت باید پُل رسیدن به تدبر باشد و تدبر، آغازگر عمل به آموزه‌های الهی. هر روز چند آیه تلاوت کردن، دل را نرم و ذهن را آماده می‌کند تا حقیقت قرآن به جان بنشیند و اثرش در زندگی آشکار شود. این مسیر مبارک، از تلاوت شروع می‌شود و با تدبر و عمل کامل می‌شود.

۲. خودباوری با نسخه قرآن

قرآن کتابی است که پیش از هر چیز، روح انسان را بلند می‌کند؛ بلندتر از ترس‌ها، تردیدها و فشارهایی که از بیرون بر او وارد می‌شود. آیه **﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾** دعوتی است به اینکه هر روز (حتی اندک) با کلام خدا همراه شویم؛ زیرا همین ارتباط روزانه، آرام‌آرام روحیه خودباوری و استقامت را در وجود انسان و جامعه تقویت می‌کند.

وقتی انسان هر روز آیات امید، وعده‌های نصرت، داستان‌های مقاومت پیامبران و آموزه‌های توکل را می‌شنود، تصویر او از خود و جهان پیرامونش

تغییر می‌کند. قرآن به انسان می‌آموزد که ضعف واقعیتهای ثابت نیست و می‌توان با تکیه بر خداوند و حرکت مداوم، از سخت‌ترین موقعیت‌ها عبور کرد. همین نگاه، پایه خودباوری حقیقی است؛ خودباوری‌ای که ریشه در قدرت خدا دارد و انسان را از وابستگی به دیگران نجات می‌دهد.

انسان مستمّر با قرآن، ذهن را از تکیه بر قدرت‌های بیرونی به تکیه بر توان درونی و الهی منتقل می‌کند. جامعه‌ای که روزانه از معارف قرآن تغذیه شود، در برابر فشارهای فرهنگی و موج‌های رسانه‌ای دشمن متزلزل نمی‌شود. چرا؟ چون قرآن هویت می‌سازد، ارزش‌ها را محکم می‌کند، ملاک‌های اصیل را در جان مردم ریشه‌دار می‌کند و نمی‌گذارد تبلیغات بیگانه «احساس ضعف» یا «وابستگی» را تزریق کند. چنین جامعه‌ای، به جای تقلید از الگوهای وارداتی، الگوی رشد و پیشرفتش را از تعالیم وحیانی می‌گیرد و با اتکا به قدرت پروردگار، روی پای خودش می‌ایستد.



آیه «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» ما را به یک اصل حیاتی دعوت می‌کند: انسان مستمّر با قرآن؛ حتی اگر اندک باشد. این تلاوت روزانه، دل را روشن و ذهن را مقاوم می‌کند و زمینه‌ساز تدبیر و عمل به آیات می‌شود. در عصر جنگ نرم و هجوم فکری دشمن، قرآن پشتوانه اصلی استقلال فکری و فرهنگی جامعه است. خواندن روزانه قرآن، روحیه استقامت، خودباوری و هویت ایمانی را تقویت می‌کند و جامعه را در برابر تهاجم رسانه‌ای و تحریف ارزش‌ها واکسینه می‌کند. مسیر رشد با قرآن از همین تلاوت‌های کوچک، اما دائمی آغاز می‌شود.

پرسش‌های درس

۱. پیام اصلی آیه محوری درس درباره شیوه ارتباط ما با قرآن چیست؟
۲. انس روزانه با قرآن چگونه می‌تواند به تقویت استقلال فکری و فرهنگی جامعه کمک کند؟ یک مثال بیان کنید.
۳. رابطه تلاوت با تدبیر چیست و چرا گفته می‌شود تلاوت مقدمه فهم و عمل به آیات است؟
۴. جنگ نرم دشمن چه تهدیدی برای هویت جامعه ایجاد می‌کند و قرآن چه نقشی در مقابله با این تهدید دارد؟

پیام‌های کاربردی

۱. انس مستمر با قرآن، حتی اندک، تأثیری عمیق در زندگی فردی و اجتماعی دارد.
۲. تلاوت روزانه (حتی اندک) روحیه استقامت و خودباوری را تقویت می‌کند.
۳. خواندن قرآن، مقدمه‌ای برای تدبیر، فهم معارف و عمل به آیات است.
۴. انس با قرآن، پشتوانه اصلی استقلال فکری و فرهنگی فرد و جامعه است.
۵. تلاوت مداوم، جامعه را در برابر هجوم فرهنگی و فکری دشمن واکسینه می‌کند.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

هر روز و به هر اندازه که می‌توانیم، قرآن بخوانیم و با آن انس بگیریم تا فکر و دل ما با هدایت الهی تغذیه شود.

حالا نوبت توست...

- 🕒 برای خود یک برنامه روزانه، هرچند کوتاه (حتی خواندن سه آیه پس از هر نماز)، برای خواندن قرآن همراه با ترجمه قرار بده و بر آن مداومت کن.
- 🕒 در زمان‌هایی مثل انتظار در مطب دکتر یا مسیر رفت و آمد، از طریق برنامه‌های قرآنی در گوشی همراه، به تلاوت یا شنیدن آیات قرآن مشغول شو.
- 🕒 جلسات خانوادگی هفتگی برای خواندن و فهم قرآن، حتی برای ۱۵ دقیقه، برگزار کن تا همه اعضای خانواده با قرآن مأنوس شوند.
- 🕒 به جای هدیه‌های معمول، در مناسبت‌های مختلف به دوستان و عزیزانت یک قرآن با ترجمه روان یا کتاب‌های مرتبط با فهم قرآن هدیه بده.
- 🕒 فضای مجازی را به محلی برای ترویج قرآن تبدیل کن. هر روز یا هر هفته یک آیه زیبا را به اشتراک بگذار.

..... 🕒

..... 🕒

..... 🕒

..... 🕒



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها



پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه

درس سیام

از پی هر گریه، آخر خنده‌ای است

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

سوره شرح، آیات ۵ و ۶

پس بی‌تردید همراه سختی، آسانی است. [آری]
بی‌تردید همراه سختی، آسانی است.



سُورَةُ الشَّرْحِ

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۖ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

سُورَةُ التِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالْدِينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

سُورَةُ الْجَنَّةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ
وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنسَانَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَيطغَىٰ ۝ أَلَمْ يَرَهُ أَنَّمَا أُسْغِيَ
۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا
إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

سخنی با مربی

درس سیام و پایانی با محوریت آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» بر این قاعده الهی استوار است که هیچ سختی‌ای بی پایان نیست و در دل هر عُسَر، یُسَری نهفته است. این آیه، افق روشن پیروزی را نشان می‌دهد و به مخاطب می‌آموزد که فشارها، بن‌بست‌ها و هزینه‌های مسیر حق، همگی مقدمه گشایش و نصرت الهی‌اند؛ به شرط آنکه صبر، مقاومت و توکل فراموش نشود. این نگاه، هم برای زندگی فردی و خانوادگی معنا دارد و هم برای عرصه‌های اجتماعی و ملی؛ چراکه تحمل فشارها و ایستادگی بر اصول، ملت را به استقلال، بلوغ و رهایی از سلطه می‌رساند. مربیان گران قدر، در تدریس این درس به این نکات راهبردی توجه فرمایید: نخست اینکه آیه را «قانون» معرفی کنید؛ نه توصیه اخلاقی؛ قانونی الهی که در زندگی همه ما جاری است. دوم، تأکید کنید که آیه نمی‌گوید: «بعد از سختی، آسانی است»؛ بلکه می‌گوید: «(با سختی، آسانی است)». این تغییر کوچک، پیام بزرگی دارد و سوم اینکه ارتباط آیه را با واقعیت‌های امروز جامعه، فشارها، چالش‌های تربیتی و راهبرد استقامت برجسته کنید.

پیشنهاد می‌شود برای تأثیرگذاری بهتر، درس را با یک تجربه شخصی یا خاطره کوتاه از عبور از سختی‌ها آغاز کنید تا مخاطب با پیام آیه، پیوند عاطفی برقرار کند. همچنین، از قرآن‌آموزان بخواهید تجربیات خود را در این زمینه بیان کنند و آن را با دیگران اشتراک بگذارند. این گونه، درس به تجربه‌ای زنده و الهام‌بخش تبدیل خواهد شد.



از قرآن آموز انتظار می‌رود پس از پایان درس:

۱. مفهوم آیه درس را به عنوان یک قانون الهی درک کند که سختی‌ها همواره همراه با گشایش‌اند.
۲. با مثال‌های واقعی بتواند مواردی از یاری و گشایش الهی در دل مشکلات را شناسایی کند.
۳. در زندگی شخصی هنگام مواجهه با مشکلات، رفتار صبورانه و امیدوارانه از خود نشان دهد.
۴. برای عبور از سختی‌ها تصمیم بگیرد که بر صبر، مقاومت و توکل پایبند باشد.

قانون طلایی امید

رانندگی در تونل‌های طولانی را تجربه کرده‌اید؟ حس می‌کنی راه تمام نمی‌شود و دیوارها هر لحظه به تو نزدیک‌تر می‌شوند؛ اما همیشه فکری تَه دل آدم را قرص می‌کند؛ هیچ تونلی تا ابد ادامه ندارد. بالاخره نوری آن تَه پیدا می‌شود و تو را به روشنایی می‌رساند.

قرآن در جمله‌ای کوتاه و آرامش‌بخش، همین حقیقت را به ما می‌آموزد: در دل هر سختی، آسانی نهفته است. پس باید امیدوار بود و به تلاش ادامه داد:

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۱

بی‌تردید با هر دشواری، آسانی است.

افق روشن پیروزی

این آیه، یکی از بنیادی‌ترین قوانین الهی در نظام آفرینش و تربیت انسان را بیان می‌کند. خداوند نمی‌گوید: «بعد از هر سختی، آسانی است»؛ بلکه می‌فرماید: «(با هر سختی، آسانی است)». یعنی از همان لحظه‌ای که وارد تونل مشکلات زندگی‌ات می‌شوی، باید بدانی که راه خروج هم با تو وارد تونل شده. فقط باید کمی ادامه بدهی تا چشم‌هایت به نور عادت کند.

۱. سورة انشراح، آیه ۶

به تعبیر دیگر، سختی و آسانی، دوروی یک سکه‌اند. همان‌طور که درون دانهٔ سخت، نرمی جوانه پنهان است، در دل هر مشکل نیز راه حل آن نهفته است. اگر چشم دل باز کنیم، خواهیم دید که «آسانی» نه در فاصله‌ای دور، بلکه در بطن همان «سختی» در حال تولد است.

این قانون در میدان‌های بزرگ زندگی (چه در عرصهٔ فردی و خانوادگی و چه در سطح اجتماعی و ملی) جاری است. هر ملت آزاده‌ای که برای استقلال و عزت خود پا به میدان گذاشته، نخست طعم سختی‌ها را چشیده است؛ تحریم، فشار، جنگ، کمبود یا تنهایی در مسیر حق...؛ اما در همان مسیر پرنج، خداوند چشمه‌های آسانی را از قبیل خودباوری، رشد علمی، اتحاد ملی و درنهایت، پیروزی، برای آن‌ها جوشانده است.

بشارت به اهل صبر

این آیه، به زیبایی هرچه تمام، مؤمنان را از یأس می‌رهاند. وقتی در میدان‌های جهاد، اصلاح یا تربیت با بن‌بست‌ها روبه‌رو می‌شوند، این آیه در گوش دلشان زمزمه می‌کند: ناامید نباش، گشایش در راه است. خداوند وعده داده است که ورود امیدوارانه در دل سختی‌ها، درهای آسانی را به دنبال خود باز می‌کند؛ البته شرط آن، فقط «صبر» و «توکل» است.

اگر جامعه‌ای در برابر فشارها، صبور و امیدوار بماند و به قدرت الهی تکیه کند، روزی به روشنی و گشایش خواهد رسید. تاریخ انقلاب اسلامی ما گواه همین قاعده است. از دل تحریم‌ها، خلاقیت و خودکفایی جوانه زد. از دل جنگ، وحدت ملی و ایمان رویید. از دل فشارها، استقلال فرهنگی و علمی پدید آمد.

گاه خداوند اجازه می‌دهد ملت‌ها و انسان‌ها طعم سختی را بچشند تا ظرفیت دریافت گشایش را پیدا کنند. اگر گشایش و آسانی بی‌رنج به دست

آید، قدرش شناخته نمی‌شود و ماندگار نمی‌ماند؛ اما گشایشی که از دل رنج به دست آید، شیرین و پایدار است.

قرآن می‌خواهد ما دیدگاه خود دربارهٔ مشکلات را تغییر دهیم. به جای اینکه سختی را دشمن بدانیم، آن را مربی خود ببینیم. هربار که در زندگی با مانعی روبه‌رو می‌شویم، درواقع، خداوند دارد ما را برای آسانی بزرگ‌تری آماده می‌کند. هر «عُسر»، رحمتی در چهرهٔ خشن دارد و پاداش هر «یُسْر»، صبر پنهان است.

امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار کبیر جمهوری اسلامی ایران، سال‌های طولانی را در تبعید و سختی گذراندند. ایشان در نجف، زیر نظر شدیدترین کنترل‌های رژیم بعث، نهضت را رهبری می‌کردند؛ اما هیچ‌گاه ناامید نشدند. ایشان با باوری عمیق به این آیه، به یارانشان می‌گفتند که در دل همین فشارها و سختی‌ها، پیروزی و گشایش نهفته است. سرانجام نیز تاریخ نشان داد که آن «یُسْر» (پیروزی انقلاب) دقیقاً از دل همان «عُسر» (تبعید و مبارزه) بیرون آمد.

لحظه‌ای درنگ

از خودت بپرس:

۱. وقتی با مشکل روبه‌رو می‌شوم، نخستین واکنشم چیست؟ ناامیدی یا تلاش بیشتر؟
۲. چه رفتار یا عادت‌های من باعث می‌شود در سختی‌ها زود ناامید شوم؟
۳. اگر باور کنم که آسانی در دل سختی است و هیچ سختی‌ای بی‌پایان نیست، نگاه من به مشکلات چگونه تغییر می‌کند؟
۴. چگونه می‌توانم در دل سختی‌های امروز، فرصت‌های رشد و گشایش را پیدا کنم؟

۱. هنر زندگی در میدان آزمون

آیه نورانی «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» فقط وعده‌ای تسلی بخش نیست؛ بلکه نقشه راهی برای هنر زندگی کردن در میدان پرچالش دنیاست. مؤمن با باور به این قانون الهی، هرگز در برابر طوفان مشکلات، خود را باختة نمی‌بیند. او می‌داند که هر قطره اشکی، طلیعه‌ای از یک لبخند است و هر شب تاریکی، نوید بخش سپیده‌دمی روشن.

او می‌داند انسان تا در فشار نباشد، استعداد های پنهانش شکوفا نمی‌شود. همان‌طور که فولاد در آتش ساخته می‌شود، انسان نیز در میدان بلا صیقل می‌یابد. خداوند با سختی‌ها ما را رشد می‌دهد، می‌آزماید و لایه‌های ضعف را از جانمان می‌زداید تا به قدرت و آرامش درونی برسیم؛ بنابراین، در نگاه قرآن، سختی‌ها نه نشانه بی‌مهری خدا، بلکه مقدمه لطف اوست. هرکس در مسیر حق قدم می‌گذارد، باید بداند که بدون گذر از وادی «عسر»، به قله «یسر» نخواهد رسید.

این ایمان ریشه‌دار، شاه‌رگ حیات بخش امید و انگیزه است. وقتی جامعه ایمانی یقین پیدا کند که هیچ بن‌بستی پایدار نیست و پشت هر ابری، آفتابی درخشان است، با قلبی استوار و عزمی جهادی به پیش می‌تازد. آن‌گاه استقامت نه تکلیفی شاق، که انتخابی آگاهانه، منطقی و شیرین می‌شود. هنر زندگی در میدان آزمون، همین است: حرکت رو به جلو با چراغ صبر و توکل. صبر، نه به معنای نشستن و تحمل منفعلانه، که به معنای پایداری فعالانه در عین تلاش و تدبیر است و توکل، سپردن همه امور به خداوندی است که قادر مطلق است و وعده گشایش داده است. این هنر، ناامیدی را از دل می‌زداید و پیروزی را در افق دیدگان مؤمن، قطعی و نزدیک می‌نمایاند.

۲. جامعه امیدوار

آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» را می‌توان راهبردی اجتماعی برای رهایی از بحران‌ها و مشکلات کلان و ملی در نظر گرفت. هنگامی که باور «با هر سختی، آسانی است» در کالبد جامعه نفوذ کند، روحیه جمعی شکل می‌گیرد که در برابر هر بحرانی، از تحریم و جنگ اقتصادی تا بلایای طبیعی، همچون کوه استوار می‌ماند. مردم با این نگاه، مشکلات را نه فاجعه‌ای دائمی، بلکه گذاری موقت می‌بینند که سرانجامش گشایش است.

این باور جمعی، نیروی عظیمی برای مقابله فعال ایجاد می‌کند. به جای یأس و سرزنش یکدیگر، بر حل مسئله متمرکز می‌شوند. کارگر در کارخانه با امید بیشتری تولید می‌کند، کاسب با انگیزه بیشتری به تجارت ادامه می‌دهد و مدیران جامعه، با این عقیده که هیچ بن‌بستی همیشگی نیست، برای یافتن راه‌حل‌های جدید تلاش می‌کنند.

این جامعه می‌داند که تاریخ، گواه این وعده الهی است. ملت‌هایی که در سخت‌ترین موقعیت‌ها، با توکل و استقامت پیش رفته‌اند، به پیروزی و استقلال رسیده‌اند؛ بنابراین، این آیه به جامعه تاب‌آوری می‌بخشد و اطمینان می‌دهد که پس از هر شب تاریک، روزی روشن در انتظار آنهاست. به نظر شما، چگونه می‌توان این باور را در جامعه نهادینه کرد؟



آیه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» قانون قطعی الهی را یادآور می‌شود که در دل هر سختی، آسانی نهفته است. هیچ فشار و رنجی بی‌پایان نیست و هر عسر، یسری را با خود حمل می‌کند. این وعده، هم دل فرد را در مسیر زندگی آرام می‌کند و هم امید یک ملت را در مسیر استقلال و مقاومت زنده نگه می‌دارد. شرط بهره‌مندی از این یسر، صبر، استقامت و توکل است؛ زیرا گشایش

الهی از دل همین ایستادگی زاده می‌شود. این درس به ما می‌آموزد که مشکلات پایان راه نیستند؛ بلکه مقدمهٔ رشد، بلوغ و پیروزی‌اند.

پرسش‌های درس

۱. پیام اصلی آیهٔ محوری درس چیست و چگونه نگاه ما را به سختی‌ها تغییر می‌دهد؟
۲. چرا تفاوت بین «با سختی» و «بعد از سختی» در فهم پیام این آیه بسیار مهم است؟
۳. این آیه چه تأثیری بر نگاه یک ملت در مسیر استقلال و مقابله با تهدید دشمنان دارد؟
۴. این آیه چگونه می‌تواند مانع ناامیدی فرد و جامعه در فشارها و بحران‌ها شود؟

پیام‌های کاربردی

۱. سختی‌ها پایان راه نیستند. در دل هر مشکل، گشایشی پنهان است.
۲. مشکلات، ظرفیت‌ساز و زمینه‌ساز رشد و عزت انسان‌اند.
۳. نگاه امیدوارانه به سختی‌ها، قدرت ادامهٔ مسیر را افزایش می‌دهد و انسان را از ناامیدی محافظت می‌کند.
۴. هر ملت یا فردی که با امید به گشایش در مسیر حق مقاومت کند، سرانجام به پیروزی و استقلال می‌رسد.

زندگی با آیه

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

در برابر سختی‌ها ناامید نشویم، صبور و مقاوم بمانیم و با توکل بر او یقین داشته باشیم که گشایش الهی در دل همین فشارها در راه است.

حالا نوبت توست...

وقتی درگیر یک مشکل سخت و طاقت‌فرسا هستی، باور داشته باش که آسانی و گشایش در دل همین سختی قرار دارد.

این آیه را روی یک کاغذ بنویس و جایی بگذار که همیشه جلو چشمانت باشد (مثلاً روی میز کار یا آینه) تا در لحظات دشوار به تو نیرو و امید بدهد.

وقتی یک پروژه کاری سخت و پیچیده را به عهده می‌گیری، بدان که بابت سرگذاشتن این سختی، آسانی و شیرینی موفقیت و کسب تجربه در انتظار توست.

در اوج فشارهای اقتصادی و مشکلات، به جامعه امید بده و این وعده الهی را یادآوری کن که دوران سختی‌ها گذراست و به زودی گشایش خواهد رسید.

به جای سیاه‌نمایی و بزرگ کردن مشکلات، به مردم نشان بده که چگونه از دل هر سختی (مثل جنگ)، آسانی و پیشرفت (مثل رشد توان دفاعی) بیرون آمده است.

.....

.....

.....

.....



منابع

۱. قرآن کریم
۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر: محمد معین، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ش.
۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۵. _____، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۹. قرائتی محسن، تفسیر نور، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

۱۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۱۲. مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۱۳. مراغه‌ای، زین العابدین، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۵ش.
۱۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.